

فوتبال ایران پیشرفت کرده است
گفت‌وگو با مجید جلالی



کاهش وابستگی به نفت
محمدعلی خطیبی

راه‌های مقابله با تحریم نفتی آمریکا
گفت‌وگو با رضا مجیدزاده



اصلاح‌طلبان، انتخابات را تحریم نمی‌کنند
ناصر ایمانی

حاکمیت یگانه

نامه حاج قاسم سلیمانی به حسن روحانی را باید چگونه تحلیل کرد و نشانه چه دانست؟ / چرا حسین موسویان پیشنهاد استعفای دولت را مطرح کرد؟ / آیا باید منتظر دوری اصلاح‌طلبان از روحانی و نزدیک شدن اصول‌گرایان به او بود؟

خصلت کودتایی غرب

چرا خشن‌ترین رفتارهای غرب نصیب دولت‌های همسو می‌شود؟

قالیاف به دولت می‌رود؟

برخی اخبار از جلسه واعظی با شهردار سابق تهران حکایت می‌کند

سیمای جدید روحانی

پس از تهدید روحانی درباره بستن تنگه هرمز قیمت نفت بالا رفت

فرستاده ویژه

هفته گذشته محمود واعظی در صدر اخبار بود





همراه اول

www.mci.ir



۱۰۰٪ معتبر

فروش ویژه سیم کارت‌های دائمی همراه اول
تمديد شد

♦♦ اهـزار تومان

ایرانول

تبلور دانش و تجربه

شرکت نفت ایرانول با بکارگیری انواع روغن پایه های معدنی و سنتتیک، تولید بالاترین سطوح کیفیت در علم روانکاری را سرلوحه کار خویش قرار داده و بر همین اساس مرغوب ترین روغن های موتور، دنده و صنعتی مطابق با استانداردهای روز دنیا را تولید می نماید.



www.iranol.ir

واحد فروش: ۸۸۲۱۲۹۹۹

رفاه

فروشگاه های زنجیره ای



myrefah



www.refah.ir



سیمای جدید روحانی

پس از تهدید روحانی درباره بستن تنگه هرمز قیمت نفت بالا رفت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و کذٰلک جعلناکم اٰمه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس
و یکتون الرسول علیکم شهیداً

هفته نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **مصطفی آجورلو**

سردبیر: **سعید آجورلو**

چه تکلیفی انسان دارد در مقابل خدا و در مقابل بندگان خدا که از خدا هستند؛ این ارزش است. مادامی که شما این ارزش را حفظ نکنید، ارزش اسلامی و انسانی را حفظ کرده اید. و اگر از این، انحراف حاصل بشود، شما هر مقامی پیدا کنید؛ در علم بشوید بالاترین علما، در زهد هم هر چه می شوید، بشوید، اما ارزش را از دست داده باشید، شما نه پیش خدا دیگر ارزش دارید، نه پیش خلق خدا. باید فکر این معنا را [بکنید که خدمت کنید به کشور، خدمت کنید به ملت که بعد از خود شما که ان شاء الله - حالا طولانی باقی می ماند - مثل مرحوم

ارزش انسان در توجه به تکالیف الهی

و من باز هم به آقایان عرض می کنم که توجه بکنید که مقام، شما را نگیرد. ارزش انسانی انسان به مقام نیست، به این نیست که من نخست وزیرم، من رئیس جمهورم، من رئیس مجلسم، من وکیل مجلسم؛ اینها ارزش نیست. ارزش انسان به این است که توجه بکند که چه باید در مقابل خدای تبارک و بندگان خدای تبارک و تعالی بکند،

خبرنامه

گعده های حاج آقا
توفان وزیر جوان
فرستاده ویژه

۸

۱۷

گفتارها

معمای تورم و تخریب سرمایه های اجتماعی
نگرانی آتلانتیکی ها
چانه زنی با تهران

۱۸

۲۳

سیاست

حاکمیت یگانه
قالیاف به کابینه می رود؟
خصلت کودتایی غرب

۲۴

۳۸

تحریریه:

دبیر تحریریه: **مصطفی صادقی**

سیاست: **مصطفی صادقی (دبیر) - سیمجتی جلال زاده**

بین الملل: **سعیده سادات فهری (دبیر)**

سیاست خارجی: **حنیف غفاری (دبیر)**

اقتصاد: **محمد مهدی صدرزاده (دبیر)**

دیدار: **افشین خماند (دبیر)**

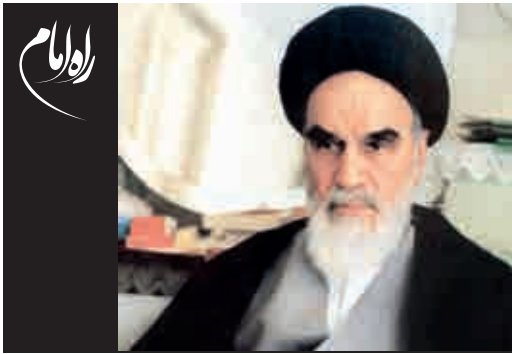
ورزش: **مهدی ربوشه (دبیر)**

فرهنگ: **امیر خوش صحبتان (دبیر)**

بازار: **محمد شکراللهی (دبیر)**

مشاور هنری: **نیما ملک نیازی**

مثلاً؛ هفته نامه ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشارای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب مان نجابت قلم و روزنامه نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت و گو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت مان صادق، بر مرام مان مستمّر و دائم، بر چارچوب مان مستقر، بر آرمان مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق مان استوار بمانیم.



این بوده است که در مقابل طاغوت محکم می ایستادند و در مقابل ضعفا و فقرا و مستضعفین و مستمندان فروتن بودند؛ آن طوری که وقتی عرب وارد می شود در مسجد رسول الله، می گوید: کدام یکتان [رسول خدا] هستید؟ در وقتی که رسول الله آن وقت [در رأس] حکومت بود، آن وقت در مدینه بودند، در مدینه تشکیل حکومت بود بساط، لکن وضعیت این طوری بود. از آن طرف، در مقابل هیچ قدرتی خاضع نبود، برای اینکه او خدا را می دید.

رجایی که مردم این طور برایش به سر و سینه می زنند، مردم شهادت فعلی و عملی بدهند بر اینکه شما خوبید تا خدای تبارک و تعالی در محضرش شما را قبول کند؛ برای اینکه آدمی بوده است که یک عده ای شهادت دارند می دهند، عملاً توی سرشان می زنند از رفتن او. این شهادت فعلی است بر اینکه این آدم مقبول است و خدای تبارک و تعالی همین طور قبول می کند و اگر گناهی هم داشته باشید، به همین می گذرد خدای تبارک و تعالی. و من امیدوارم که شما همه تان همان طوری که سیره انبیا بوده است [باشید]؛ که سیره انبیا برای

سیاست خارجی

۴۰

سیمای جدید روحانی
هشدار به موقع
همه باید هزینه بدهند

۴۳



بین الملل

۴۴

جنگ تجاری با رقبای
راه های مقابله با تحریم نفتی آمریکا
بازی روانی ترامپ با نفت

۵۱



ورزش

۵۲

فوتبال ایران پیشرفت کرده است
شگفتی ادامه دارد
خسته و ناآماده

۵۵



طراح جلد: مصطفی مرادی



با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیتاله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی
مهندس صدوقی حسین محمد پورزند - محمد ابراهیم محمد پورزند
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸

چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان

توزیع: نشر گستر امروز

نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (تواثر)، خیابان نظامی گنجوی،

کوچه پناه، پلاک ۱۹

تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

شماره پیامک: ۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

گرافیک و صفحه آرایی: فاطمه فتالی - علی آجورلو
افشین جم و محمد محمودی
پردازش تصاویر: هومن سلیمیان
عکس: عدنان جعفری و محمد برنو
ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر
حروفچینی: وحیده قاسمی - علی حشمتی
مدیر مالی: محمد رضا پالیزدار
سازمان آگهی ها: محمد شکراللهی
بازرگانی و بازاریابی: محمد علی آجورلو
امور اداری: علیرضا اسدالهی - علی اکبر پیمانی
انفورماتیک: شهرام زحمتی
ناشر چاپ: پاپ اسکندرنیا

گندهاى حاج آقا

خبر مثلث درباره جلسات ابراهيم رئيسى بازتاب فراوانى داشت



توفان وزیر جوان

جدال کلامی شریعتمداری و جهرمی بادستور روحانی خاتمه یافت

فرستاده ویژه

هفته گذشته محمود واعظی در صدر اخبار بود



گعده‌های حاج آقا

خبر مثلث درباره جلسات رئیسی بازتاب فراوانی داشت



هفته گذشته هفته‌نامه خبر از تشکیل جلسات سیاسی توسط سید ابراهیم رئیسی در تهران داده بود. در این خبر آمده بود: «سید ابراهیم رئیسی، تولیت آستان قدس رضوی جلسات انتخاباتی را با موضوع مجلس کلید زده است. سید ابراهیم رئیسی جلسات سیاسی مهمی را در تهران برگزار کرده است. بنا بر این گزارش، در این جلسات که با موضوع انتخابات مجلس برگزار شده، برخی شخصیت‌های اصولگرا حضور داشتند. گفتنی است این جلسات را چند ماهی است که رئیسی تشکیل می‌دهد و در برخی جلسات هم محمدباقر قالیباف حضور داشته است. همچنین سعید جلیلی که از نظر گفتمان با رئیسی اشتراک‌هایی دارد در برخی از این جلسات شرکت کرده است. از محسن رضایی، حداد عادل، ذوالقدر و رحیمیان به عنوان دیگر نفرت شرکت‌کننده در جلسات نام برده می‌شود. محور این جلسات ائتلاف در انتخابات مجلس سال ۹۸ است.» این خبر با واکنش‌هایی در رسانه‌ها و فضای سیاسی مواجه شد. روزنامه شرق در مطلبی با انتشار این خبر به نقل از مثلث، این گونه تحلیل کرد: «رئیس همان نقشی را برای خود تعریف کرده که در آستانه انتخابات مجلس دهم به نوعی غلامعلی حدادعادل برعهده داشت. همان کسی که به نحوی سخنگویی ائتلاف اصولگرایان را در آن انتخابات برعهده داشت و نشست‌های خبری هم با حضور او برگزار می‌شد. آن فهرست که به طور کامل از حضور در پارلمان بازماند، در تاریخ معاصر قطعاً به نام حدادعادل ثبت خواهد شد. فهرستی که بعداً مشخص شد بسیاری از چهره‌ها و جریان‌های اصولگرایی مانند جامعه روحانیت مبارز هم با آن مخالف بودند. مصباحی مقدم، سخنگوی این جامعه گفته بود که ما می‌دانستیم این فهرست را نخواهد آورد اما چاره‌ای جز پذیرش آن نداشتیم. جبهه پایداری و جمعیت رهپویان در مقایسه با سایر جریان‌های اصولگرایی سهمی قابل توجه از این فهرست را از آن خود کرده بودند؛ تا جایی که حتی صدای فردی مانند حسن غفوری فرد، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه که از فهرست کنار گذاشته شده بود هم درآمد و او جداگانه با فهرستی دیگر در انتخابات شرکت کرد.» حدادعادل فروردین ۹۶ در بیستمین نشست از سلسله نشست‌های دانشگاهیان با موضوع «اقدامات جریان‌های مختلف سیاسی در انتخابات» در تحلیل خود از نتایج انتخابات مجلس دهم بدون اشاره به کیفیت فهرست انتخاباتی اصولگرایان و نارضایتی‌هایی که همان زمان هم وجود داشت، توپ را به زمین رقیب انداخته و گفته بود: «چهار سال پیش به نیت وحدت اصولگرایان وارد صحنه شدیم، این وحدت فراهم نشد و شاید برخی ندانند که دست‌های پشت پرده مدیریت کردند تا برخی‌ها در صحنه بمانند. تجربه سختی بود و ما حریف شیطان نشدیم.» حالا یک انتخابات مجلس دیگر در پیش است و این بار به جای حدادعادل، سید ابراهیم رئیسی با سبدرایی ۱۵ میلیونی خود خواستار تشکیل جلسات انتخاباتی شده و احتمالاً در نظر دارد تا جریان به نام او مطرح شود. هرچند دیگر چهره‌های اصولگرا را هم دعوت کرده، اما معلوم نیست این چهره‌ها به قواعد ریاست تولیت آستان قدس تن در دهند یا نه. او کسانی را هم دعوت کرده که تجربه‌های پیشین نشان می‌دهد به سختی اهل ائتلاف هستند. در صورتی که شرایط همانند سال‌های گذشته پیش رود، کار قطعاً برای رئیسی بسیار سخت خواهد بود.»

اما سبایت فرارو نیز با دو چهره سیاسی در این مورد گفت‌وگو کرد. در همین خصوص حسین کتغانی مقدم، فعال

سیاسی اصولگرا اظهار کرد: «ابتدا باید عرض کنم که من در جریان این جلسه نیستم که انجام شده یا خیر اما اگر قرار باشد چنانچه مجدداً فعال شود، قطعاً همین ترکیب را خواهد داشت. با این حال به نظر می‌رسد مساله انتخابات خیلی زود مطرح شده و الان اولویت کشور و جناح‌های سیاسی نباید انتخابات مجلس باشد. ما در کشور با مشکلاتی مانند تحریم‌ها، برجام، مشکلات اقتصادی و... مواجه هستیم که باید اولویت نخست ما همان‌ها باشد؛ لذا به عقیده من برگزاری این جلسات در وضعیت فعلی لزومی ندارد و بهتر است آقایان به فکر حل مشکلات مردم باشند. البته من مخالف این نیستیم که چنانچه بخواهد زمینه‌هایی را برای انتخابات سال آینده فراهم کند و اقدامات ابتدایی را انجام دهند، اما اگر قرار باشد رقابت انتخاباتی و سیاسی را در وضعیت فعلی آغاز کند، بدون شک به نفع کشور نخواهد بود. به هر حال الان تقریباً می‌توان گفت که از سال پیش برخی تحرکات انتخاباتی آغاز شده بود، اما اینها صرفاً در راستای برنامه‌ریزی برای سال ۹۸ بود اما اینکه در شرایطی که دولت و مردم که مجموعه می‌شود تمام ایران، با مشکل مواجه هستند نیازمند انسجام و کمک همگانی هستند، یک تشکل انتخاباتی سعی در سوءاستفاده از موقعیت فعلی داشته باشد، بدون شک مورد تائید نخواهد بود. البته من گمان نمی‌کنم که آقای رئیسی، قالیباف، جلیلی و محسن رضایی هم به دنبال این مساله باشند و صرفاً هدف‌شان کمک به دولت است و ممکن است این جلسات با همین محوریت برگزار شده باشد و در لایه‌های آن به مسائل انتخاباتی هم پرداخته باشند.» ابوالقاسم رتوفیان، دبیرکل حزب ایران زمین هم اظهار کرد: «به طور کلی ما این روزها شاهد هستیم که نه تنها افرادی مورد نظر، بلکه بسیاری از فعالان سیاسی و چهره‌های مطرح که در انتخابات گذشته تأثیرگذار بودند، به دنبال برنامه‌ریزی و فعالیت‌های انتخاباتی هستند؛ بنابراین شاید اتفاق عجیب و غریبی نباشد که چرا این افراد تشکیل جلسه می‌دهند و درباره انتخابات برنامه‌ریزی می‌کنند. اما همان‌طور که شما هم اشاره کردید این قبیل اقدامات شباهت فعالیت‌های مستقل از چنانچه به وجود می‌آورد و من هم این را قبول دارم.» وی افزود: «چنانچه با توجه به خطاهای فاحشی که در انتخابات گذشته داشت و نهایتاً هم به خطا رفت و آسیب بزرگی هم به اصولگرایان زد، طبیعی است که برخی افرادی که در عرصه سیاست‌ورزی و خردورزی فعال هستند، به دنبال طرحی جدید باشند و قصد داشته باشند بدون توجه به سیاست‌های تعیین شده توسط تصمیم‌گیران چنانچه، خودشان اقدامات مستقل انجام دهند و به دنبال آماده‌سازی برای انتخابات پیش‌رو باشند.» این فعال سیاسی اصولگرا گفت: «نکته جالب این بود که همان موقع هم آقای رئیسی اعلام کرد که قصد ندارد کاندیدای چنانچه باشد و مستقل شرکت خواهد کرد. حالا هم با اقدامات اخیر خود به وضوح این پالس‌ها را ارسال می‌کند که اصلاً چنانچه و سیاست‌هایش را قبول ندارد. این مختص آقای رئیسی نیست. قطعاً با توجه به اتفاقاتی که رخ داد، حالا آقایان قالیباف، جلیلی و محسن رضایی حاضر نخواهند بود از سیاست‌ها و برنامه‌های چنانچه تبعیت کنند؛ بنابراین چنین جلساتی دور از ذهن نبود. جالب‌تر این است که با وجود همه این مسائل باز عده‌ای دچار توهم شدند و به دنبال احیای چنانچه هستند. این درحالی است که قطعاً دوران چنانچه پایان رسیده و شکست سنگینی خورده و جلسات همین آقایان نشان می‌دهد که نگاه مثبتی به چنانچه ندارند.» رتوفیان در پایان تأکید کرد: «اما به عقیده من این آقایان دچار اشتباه

تغییر جدید در جامعه روحانیت؟

اما در تحولی دیگر روزنامه اعتماد نوشت: «اخبار غیررسمی در مورد تعاملات اعضای جامعه روحانیت نشان می‌دهد که اختلاف‌نظر در طیف چپ و راست در این تشکل در انتخاب دبیرکل نمود پیدا کرده و مساله‌ساز شده است. طیف راست این تشکل که بعد از فوت آیت‌الله مهدوی کنی، دبیرکلی موحدی کرمانی و دلخوری ناطق‌نوری و حسن روحانی تا حدی قدرت خود را از دست داده بود، تلاش کرد با انتخاب مصطفی پورمحمدی به عنوان دبیرکل به روزهای اوج بازگردد. گمان می‌شد که تحولات اخیر روح تازه‌ای به کالبد جامعه روحانیت بدمد و در طول زمان موجب ترمیم روابط چهره‌هایی مثل ناطق‌نوری و حسن روحانی با این تشکل شود. طیف چپ اما این قدرت‌نمایی را نمی‌پذیرد و همین است که شاهدیم برخی اعضای جامعه در روزهای اخیر سعی دارند زمین زیر پای دبیرکل جدید را سست جلوه دهند. آن‌طور که در محافل سیاسی شنیده می‌شود، این اظهارات با هماهنگی سید ابراهیم رئیسی بیان می‌شود. گویا آقای رئیسی که در جلسه انتخاب دبیرکل حضور نداشته است اصلاً از خروجی جلسه خرسند نبوده و بلافاصله برای اعلام این نارضایتی عازم تهران شده است. او می‌کوشد تا با همراهی همفکرانش در طیف چپ جامعه روحانیت مبارز از قدرت دبیرکل یعنی مصطفی پورمحمدی کاسته و همه تصمیم‌گیری‌ها را به عهده شورای مرکزی گذارد اما در خبری دیگر نوشته است: «قریب به یک سال و چند ماه از انتخابات ریاست جمهوری می‌گذرد با این حال هنوز و همچنان کش‌ها و واکنش‌های انتخاباتی سید ابراهیم رئیسی تمامی ندارد. هفته‌نامه مثلث از تشکیل جلسه انتخاباتی رئیسی خبر داده و نوشته است که او جلسات انتخاباتی را با موضوع مجلس شروع کرده که این جلسات سیاسی در تهران برگزار می‌شود؛ در برخی جلسات هم محمدباقر قالیباف حضور داشته است. همچنین سعید جلیلی که از نظر گفتمان با رئیسی اشتراک‌هایی دارد در برخی از این جلسات شرکت کرده است. از محسن رضایی، حدادعادل، ذوالقدر و رحیمیان به عنوان دیگر نفرت شرکت‌کننده در جلسات نام برده می‌شود و محور این جلسات ائتلاف در انتخابات مجلس سال ۹۸ است. همزمان با انتشار این خبر یک عضو خبرگان از سمت دبیر جدید نیز خبر داده است. او دیگر تنها تولیت آستان قدس یا عضو مجلس خبرگان نیست، بلکه ریاست کارگروه مهم سیاسی-اجتماعی هیأت اندیشه‌ورز نیز بر عهده او گذاشته شده است. محمد ابوالقاسمی، عضو مجلس خبرگان رهبری به تسنیم گفته که اعضای مرکزی هیأت اندیشه‌ورز مشخص شده و جلسات متعدد آن برگزار می‌شود. همچنین کارگروه‌هایی ذیل هیأت مرکزی نیز تشکیل جلسه می‌دهند. به گفته این عضو مجلس خبرگان، رئیسی ریاست کارگروهی را برعهده گرفته است که پیگیری، رصد انقلاب و تطبیق آن با اسناد بالادستی، فرمایشات امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی و همچنین دیدگاه‌های رهبری از برنامه‌های آن و در دستور کار هیأت اندیشه‌ورز قرار دارد. همچنین یکی از کارگروه‌های کارگروه سیاسی رصد شعار اصلی انقلاب یعنی «نه شرقی، نه غربی» است که بررسی تحقق عملی این شعار طی سال‌های گذشته در این کارگروه صورت می‌گیرد. قرار است که در پایان این بررسی‌ها، نظرات کارگروه سیاسی-اجتماعی به هیأت اندیشه‌ورز منتقل شود و پس از تأیید نتایج بررسی‌های کارگروه به مقام معظم رهبری گزارش داده می‌شود.

توفان وزیر جوان

جدال کلامی شریعتمداری و جهرمی بادستور روحانی خاتمه یافت

هفته گذشته بود که محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات با اعلام اسامی دریافت کنندگان ارز دولتی برای واردات گوشی تلفن همراه، موجی از همراهی با دولت در راستای مبارزه با فساد و رانت را به راه انداخت. این حرکت که مورد توجه و تقدیر فعالان اقتصادی و بخش خصوصی قرار گرفت، مطالبه‌ای عمومی را از دولت به راه انداخت که در یک حرکت همراه و حمایتی از این اقدام، دولتمردان در هر وزارتخانه‌ای، اسامی دریافت کنندگان ارز دولتی را اعلام نمایند. این موضوع، واکنش رئیس‌جمهور را هم در پی داشت و او هفته گذشته، به تمامی وزارتخانه‌های دولتی دستور داد تا اسامی دریافت کنندگان دلار ۴۲۰۰ تومانی را برای آگاهی عموم مردم، منتشر نمایند. بعد از آن بود که بسیاری از وزارتخانه‌ها به خصوص معاونان وزیر صنعت، معدن و تجارت اعلام کردند که ظرف چند ساعت، اسامی مذکور را منتشر خواهند کرد. هر چه باشد وزارت صنعت، معدن و تجارت به عنوان متولی سیستم ثبت سفارش کشور، نقش عمده‌ای در واردات و معرفی متقاضیان دلار ۴۲۰۰ تومانی به بانک مرکزی برای دریافت ارز را ایفا کرده است. چند روزی از دستور رئیس‌جمهور مبنی بر انتشار اسامی دریافت کنندگان ارز دولتی می‌گذشت خبری از انتشار این فهرست نیست. در حالی که محمد شریعتمداری، وزیر صنعت، معدن و تجارت در نشست خبری خود، دیدگاهی دیگر را در این راستا عنوان کرد؛ اظهارنظری که بسیاری از رسانه‌ها آن را به مخالفت وی با دستور رئیس‌جمهور مبنی بر انتشار این اسامی تعبیر کردند. شریعتمداری در نشست خبری خود ابتدا انتقادات تند را علیه وزیر جوان کابینه که برای اولین بار خط‌شکنی کرده و اسامی دریافت کنندگان ارز دولتی را منتشر کرده است، مطرح نمود و در عین حال اعلام کرد: «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اسامی افرادی که ارز ۴۲۰۰ تومانی را به آنها داده شده را در اختیار دارد، بنابراین ما به عنوان وزارت صنعت نمی‌توانیم که ثبت سفارش شدگان را افشا کنیم، چرا که این طور به جنگ بخش خصوصی رفته‌ایم، این در حالی است که لیست اعلامی از سوی وزیر ارتباطات، اسامی افرادی بود که تخصیص ارز داشتند و تامین ارز آنها صورت نگرفته بود، ما نمی‌خواهیم به جنگ اقتصاد کشور برویم و اقتصاد را به هم بریزیم، بنابراین با استفاده از نیروی عقل خدادادی، تصمیماتی خواهیم گرفت که به صلاح

اقتصاد باشد.» وزیر صنعت، معدن و تجارت خاطرنشان کرد: «با اعلام اسامی افرادی که ارز ۴۲۰۰ تومانی گرفته و کالا وارد کرده‌اند، مخالفت نداریم و اتفاقاً موافق با دریافت این اسامی از سوی نهادهای نظارتی هستیم اما نکته اینجاست که هر یک از انواع ارز، هزینه مبادله متفاوتی دارد و قیمت تمام شده آن را نیز باید بر این مبنای محاسبه کرد.» البته بعد از انتشار اخباری که در همان جلسه به گوش وزیر صنعت رسید، او مجدداً اعلام کرد که مخالفتی با انتشار این فهرست ندارد. این گفته شریعتمداری در حالی است که آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در توییتهای اعلام کرد: «با ایمان قلبی که بر پایه «عقل خدادادی» است می‌گویم: فساد، موربانه و عامل بی‌ثباتی اقتصاد کشور است.» بخش خصوصی پاک‌دست از انتشار لیست ارزگیران حمایت کرده و خواهد کرد. باید به جنگ اقتصاد رانته رفت.» در نهایت این لیست منتشر شد.

اقدام وزیر صنعت برای رسیدگی به تخلف ثبت سفارش

وزیر صنعت، معدن و تجارت، پس از فرصت ۱۵ روزه روحانی به وی برای رسیدگی به تخلفات ثبت سفارش واردات خودرو و نحوه فروش خودرو داخلی بالاخره اقدام به تشکیل هیات بازرسی برای رسیدگی به این دو موضوع کرد. اواخر سال ۱۳۹۶ موضوع ثبت سفارش‌های فاقد اصالت از سوی مرکز حراست وزارت صنعت، معدن و تجارت مطرح و رسانه‌ای شد و بر آن اساس دفتر جرایم سازمان یافته گمرک ایران در ابلاغیه‌ای به گمرکات اجرایی، واردات بیش از ۶۴۸۱ خودرو را به دلیل استفاده از ثبت سفارش‌های جعلی مشمول مقررات کالای قاچاق اعلام کرد. بر این اساس تمامی خودروهایی که ثبت سفارش آنها در بازه زمانی ۲۸ تیرماه تا ۹ دی یعنی درست در زمان بسته‌بودن سایت ثبت سفارش واردات خودرو انجام شده بود، به دلیل استفاده از ثبت سفارش‌های شائبه‌دار مشمول مقررات قاچاق شده است. با گذشت چند ماه از اعلام ثبت سفارش‌های غیرمجاز ۶۴۸۱ دستگاه خودرو که اتفاقاً ۱۹۰۰ دستگاه آن به کشور وارد شده است، تاکنون هیچ توضیح مشخصی از چگونگی این تخلف، از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام نشده است و وزارت صنعت هم به جای ارائه دادن پاسخ مشخصی در این رابطه مدام به این موضوع تاکید دارد که ما تخلف

را خودمان شناسایی کرده‌ایم و موضوع را به نهادهای سازمان‌های مربوطه برای رسیدگی از جمله تعزیرات اطلاع داده‌ایم و آنها باید نتایج پیگیری‌های خود را اعلام کنند. مجتبی خسرو تاج، رئیس سازمان توسعه تجارت چندی پیش در این رابطه گفت: «انجام ثبت سفارش خودرو از قدیم الایام برون‌سپاری شده است اما وقتی گزارشی در مورد تخلف در ثبت سفارش خودرو در زمان بسته‌بودن سایت ثبت سفارش به ما رسید، بلافاصله مراتب را به نهادهای مربوطه اطلاع دادیم.» این ماجرا تا آنجا ادامه داشت که در آخرین روزهای خردادماه سال جاری قاضی سراج رئیس سازمان بازرسی کل کشور خبر از هک شدن سایت ثبت سفارش خودرو را داد و گفت: ۵ هزار خودرو مدل بالا و گرانقیمت به دنبال هک شدن سایت وزارت صنعت وارد کشور شد که از این تعداد ۴ هزار خودرو ترخیص و وارد بازار شده و هزار خودرو همچنان در گمرکات مانده است.» اما پیرو اظهارات قاضی ناصر سراج در مورد هک شدن سایت ثبت سفارش واردات خودرو، مرکز روابط عمومی وزارت صنعت، معدن و تجارت طی اطلاعیه‌ای در مورخ ۲۸ خرداد ۹۷ هک شدن سایت ثبت سفارش را تکذیب و ضمن تایید تخلف در ورود ۶۴۸۱ خودرو به گمرکات کشور از پیگیری برای برخورد قانونی با متخلفان خبر داد. این در حالی است که در نشست خبری شنبه نهم تیرماه ۹۷ وزیر صنعت، معدن و تجارت در خصوص سوالی مبنی بر تکذیب هک شدن سایت ثبت سفارش خودرو گفت: «وزارت صنعت به هیچ وجه هک شدن سایت ثبت سفارش را رد نکرده است، بلکه ما نسبت به آمار اعلامی از سوی قاضی سراج نقد داریم.» پیش از این خسرو تاج گفته بود که ما نمی‌توانیم نامی برای این تخلف بگذاریم، زیرا ممکن است بعد از رسیدگی به تخلفات انجام شده برای ثبت سفارش واردات خودرو مراجع ذی‌صلاح به این نتیجه رسیده باشند که سایت ثبت سفارش خودرو هک شده است. ظاهراً ضرب الاجل ۱۵ روزه رئیس‌جمهور کمی کارساز شده، به طوری که بالاخره شریعتمداری وزیر صنعت، معدن و تجارت دستور داد که هیات ویژه بازرسی برای رسیدگی به تخلفات ثبت سفارش خودرو وارداتی و همچنین نحوه فروش خودروهای داخلی تعیین شود. شریعتمداری به این هیات دستور داد تا هر چه سریع‌تر تحقیقات خود را در این زمینه انجام داده و با شناسایی عوامل تخلف، آنها را به مراجع ذی‌ربط و مردم معرفی کند. در پی تخلف اعلام شده در مورد ثبت سفارش واردات ۶۴۸۱ خودرو و همچنین ناراضیاتی مردم و مصرف کنندگان از نحوه توزیع و قیمت گذاری خودروسازان حسن روحانی رئیس‌جمهور کشورمان به شریعتمداری وزیر صنعت دستور داد تا ظرف ۱۵ روز هر دو موضوع را بررسی و چنانچه تخلفی صورت گرفته، متخلفان را به مردم و دستگاه قضایی معرفی کند.



دیدار سه نفره در پاستور

محمدرضا باهنر، رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری و محمدرضا رحیمی، معاون اول دولت دهم و عزت الله ضرغامی در پاستور با یکدیگر دیدار کردند. در این دیدار که چند ساعت به طول انجامیده، به برخی از مسائل سیاسی و اقتصادی روز پرداخته شده است. محمدرضا رحیمی از متهمان اصلی در پرونده اختلاس از شرکت بیمه ایران بود که پس از گذراندن سه سال از پنج سال مدت محکومیتش، به دلیل موافقت با درخواست آزادی مشروط، آزاد شد. پرونده محمدرضا رحیمی در دادگاه «بدوی» کیفری استان تهران رسیدگی شد که هیات قضایی این شعبه او را به ۱۵ سال حبس، پرداخت دو میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان رد مال و یک میلیارد تومان جزای نقدی محکوم کرده بودند ولی با اعتراضی که به رای شد پرونده به شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور رفت و این شعبه با تایید مجازات‌های رد مال و جزای نقدی، ۱۰ سال از مجازات حبس معاون اول دولت احمدی‌نژاد را کاهش داد.

بر اساس این گزارش پس از مطرح شدن نام محمدرضا رحیمی در ارتباط با پرونده اختلاس از بیمه ایران، سخنگوی قوه قضاییه در نشست خبری ۱۲ اسفند ۹۲ درباره صدور مجرمیت وی در پرونده‌های بیمه و ارز و وجود ۲۵ یا ۲۹ عنوان اتهامی برای او گفت که اصل موضوع صحیح و قرار مجرمیت برای این فرد صادر شده است. باهنر پیش از این در گفت‌وگویی با روزنامه جام‌جم گفته بود: «من حالا نمی‌خواهم خیلی درباره خود آقای رحیمی صحبت کنم. دوستی من با ایشان، دوستی دیرینه‌ای است و این جمله را هم می‌توانم بگویم که از وقتی معاون اول در قانون اساسی مطرح شد، ضمن احترام کامل به جناب آقای دکتر حبیبی که خداوند ان شاء الله سلامت‌شان بدارد و عمرشان را طولانی کند و همچنین آقای دکتر عارف و آقای دکتر داوودی که خوب کار کردند، من احساس می‌کنم اجرایی‌ترین آنها آقای رحیمی است. او اجرا بلد است و کارها را پیگیری و تنظیم می‌کند؛ در عین حال یک سری انتقادات عمومی نیز به دولت داریم که در بعضی جاهای آن هم آقای رحیمی شریک است؛ البته این بحث جداگانه‌ای است.» او درباره دیدار اخیر خود با رحیمی نیز به باشگاه خبرنگاران گفته است: «ما از این دیدارها زیاد داریم، بنده از گذشته با آقایان ضرغامی و رحیمی دوست بوده و رفت‌وآمد دارم و آقای رحیمی اگر چه اشتباهاتی داشته، اما معتقدم مرتکب عمل مجرمانه‌ای نشده است.»

پیش از آن نیز محمدرضا باهنر در اظهار نظری در یک نشست خبری با بیان اینکه در هر دوره از انتخابات مجلس از بیش از ۲۰۰ کاندیدا حمایت کرده است، گفته بود: «حمایت‌ها به اشکال مختلف مانند سخنرانی، پخش تراکت و سایر حمایت‌ها بوده است، اما اینکه آقای رحیمی می‌گوید بنده رسیدگی گرفته و این پول‌ها را پخش کرده‌ام، درست نیست. بنده در این موضوع نه دخالت می‌کنم و نه حرفی دارم. آقای رحیمی متهم است که پولی را گرفته و برای انتخابات خرج کرده است، البته بنده از محتوای داخل پرونده و برخی مسائل آن اطلاعی ندارم؛ مهم آن است که باید مشخص شود پول‌هایی که به کاندیداها می‌رسد، پول با منشأ کثیف نباشد و منشأ پاک داشته باشد. اگر کاندیدایی با گرفتن پولی و امدار کسی می‌شود، بحث دیگری است. این طور مطرح شده که آقای رحیمی پولی گرفته و آن را به تعدادی از کاندیداها داده است، مثلاً به هر کاندید از این میزان پول به‌طور میانگین پنج میلیون می‌رسد که این مبلغ پنج درصد هزینه‌هایشان است. احتمالاً کاندیداها هم نمی‌دانستند منشأ این پول ناپاک است.

بر این اساس، اگر مجموعه‌ای از رقبای اصولگرا یعنی اصلاح‌طلبان بخواهند این طور از این موضوع استفاده کنند که هشت سال پیش کاندیداها را اصولگرا پنج میلیون پول که منشأ درستی هم نداشته برای انتخابات گرفته و خرج کرده‌اند، بد اخلاقی انتخاباتی را در پیش گرفته‌اند.» البته باهنر تیر ۹۵ تأیید کرد: «رحیمی (با هماهنگی) مبلغ یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان از فردی که خواهان کمک به مجلس بود، گرفت و تمام آن را خرج امور تبلیغات نمایندگان مجلس کرد.» او گفته بود: «در این وجه که آن پول بین نماینده‌ها تقسیم شده بود، هیچ تردیدی ندارم. اینکه کسی تصور کند آقای رحیمی از آن مبلغ سوء استفاده شخصی کرده، به او ظلم کرده است. شهادت می‌دهم و شهادت هم داده‌ام که رحیمی از آن مبلغ استفاده شخصی نکرده است.»



ناآرامی گل‌آلود

خرمشهر هفته گذشته یک شب ناآرام را پشت سر گذاشت. بخشی از مردم این شهر به دلیل اعتراضات به وضعیت آب شرب این شهر، موجب بروز برخی ناآرامی‌ها شدند. خبرگزاری دولتی ایرنا که تنها رسانه رسمی بود که این خبر را به صورت زنده از این شهر گزارش کرد و جزئیاتی در این مورد داشت، نوشت: «تعدادی از معترضین خرمشهری که از ساعت ۲۰ شنبه شب در میدان اصلی شهر تجمع کرده بودند پس از دعوت پلیس به متفرق شدن با مأموران درگیر شدند. معترضان در مواردی اقدام به پرتاب چوب و سنگ به مأموران کرده و پس از به راه افتادن در خیابان‌ها اقدام به تخریب برخی اموال عمومی کرده و حتی بخشی از پل جدید خرمشهر را آتش زدند. مأموران انتظامی نیز در مواردی اقدام به پرتاب گاز اشک‌آور کرده و معترضان را متفرق کردند.» بعد از آن اما در ساعت سه بامداد یکشنبه، ایرنا اعلام کرد: «با تلاش نیروهای انتظامی و امنیتی شهرستان خرمشهر وضعیت این شهر که برای چندساعتی توسط افراد معترض به وضعیت آب شهر ناآرام شده بود، مجدداً به آرامش رسید. شهرستان‌های خرمشهر و آبادان در چند روز گذشته به دلیل کاهش آب شیرین کارون و پیشروی آب دریا، شور شده و شهروندان قادر به استفاده از آن نبودند.» در ادامه این تحولات برخی شبکه‌های مجازی اعلام کردند که این ناآرامی‌ها کشته داشته است. معاون امنیتی-انتظامی وزارت کشور، در این مورد گفت: «طبق گزارشی که به ما رسیده یک نفر مسلح در داخل جمعیت بوده که هنوز این فرد پیدا نشده است. کشته در درگیری‌ها نداشتیم، یک نفر از مردم و ۱۰ نفر از نیروهای نیروی انتظامی زخمی شدند. طرح غدیر در حال نهایی شدن است و قول داده شده تا ۱۵ تیر مشکل آب خرمشهر حل شود.» در ادامه این تحولات وزیر کشور هم گفت: «از سال ۷۱ طرح غدیر برای آبرسانی به خرمشهر مطرح شد؛ یعنی ۲۵ سال این طرح در دست اجرا بود که دولت در سه سال گذشته این موضوع را اولویت اول خود قرار داد و ۱۵ تیر این طرح به نتیجه می‌رسد. پیمانکار طرح هم سپاه و قرارگاه خاتم‌الانبیاست که در این زمینه خیلی تلاش کرد و هنوز خیلی از مطالبات خود را دریافت نکرده اما شاهد برخی تحریک‌ها در خرمشهر بودیم، چرا در پنج روز مانده به افتتاح طرح این اعتراضات انجام می‌شود؛ به این دلیل که مردم اقناع نشدند که اینجا رسانه‌ها باید نقش ملی خود را برای اقناع مردم به کار بگیرند. از نظر من اعتراضاتی که صورت گرفته، اصلاً سازمان‌یافته یا تشکل سازمان‌یافته از قبل نیست. اصلی‌ترین وظیفه وزارت کشور برقراری امنیت است. مجوزها اگر پاسخگو باشند و امنیت را برقرار کنند، با اعتراضات مشکلی نداریم. وقتی اعتراضاتی به کف خیابان می‌رسند، افرادی پیدا می‌شوند که هیچانی می‌شوند و افرادی هستند که سوء استفاده می‌کنند. در جلسه شورای امنیت کشور مطرح کردیم که باید همه زمینه‌هایی را که موجب نارضایتی مردم می‌شود، احصا کرد تا قبل از آنکه این زمینه‌ها موجب اعتراضات مردم شود، رفع شوند.» در تحولی دیگر استاندار خوزستان هم با عذرخواهی از مردم شهرستان‌های خرمشهر و آبادان به خاطر تشدید مشکلات پیش آمده برای آب شرب ابراز امیدواری کرد در چند روز آینده با افتتاح فاز دوم طرح آبرسانی غدیر مشکل آب شهروندان برطرف و دغدغه آنها به آرامش تبدیل شود. غلامرضا شریعتی گفت: «با تلاش شبانه‌روزی مسئولان استان خوزستان طرح یادشده حداکثر تا ۱۵ تیرماه به بهره‌برداری می‌رسد. با افتتاح این طرح کل آب مورد نیاز شهرستان‌های آبادان، خرمشهر، سوسنگرد، دشت آزادگان و شادگان زیر پوشش آن رفته و تمامی آب مورد نیاز آنها از رودخانه کرخه تأمین خواهد شد.» او به وضعیت زیرساخت‌های استان هم اشاره کرد و افزود: «متأسفانه هشت سال جنگ تحمیلی باعث تخریب زیرساخت‌های این استان شده و همین امر مشکلات مردم را در این روزها تشدید کرده؛ هر چند تلاش جدی دولت رفع همه مسائل و مشکلات مردم است و هیچ عذر و قصوری در این زمینه پذیرفتنی نیست.»

بازی منافقین

شامگاه یکشنبه پس از تفتیش یک خودرو در جنوب آلمان چهار سرنشین آن دستگیر شدند. به گزارش روزنامه آلمانی «بیلد» یکی از دستگیرشدگان «اسدالله الف» نام دارد و یک دیپلمات ایرانی مقیم اتریش است که تحت پیگرد پلیس بین‌المللی قرار دارد. مقام‌های قضایی نام کامل این فرد را اعلام نکرده‌اند اما در سایت رسمی دولت اتریش، در بخش معرفی نمایندگان و دیپلمات‌های ایرانی در بروکسل و شهرهای دیگر، نام اسدالله اسدی به چشم می‌خورد که از سال ۲۰۱۴ میلادی دبیر سوم سفارت ایران بوده است. بر اساس این گزارش، او در بلژیک «عمل خلافی» انجام داده و دولت بلژیک از آلمان خواسته است او را برای محاکمه به بروکسل تحویل دهد. «بیلد» مدعی شده که دیپلمات ایرانی همکار یک ارگان امنیتی جمهوری اسلامی است و قصد بمب‌گذاری در همایش سالانه سازمان مجاهدین خلق (منافقین) را داشته است. در باره سه سرنشین دیگر خودرو که همراه «اسدالله الف» بوده‌اند، اطلاعاتی منتشر نشده است. پیش‌تر آسوشیتدپرس از دستگیری یک زوج بلژیکی ایرانی تبار و فرد دیگری در پاریس خبر داده بود. بر اساس گزارش این خبرگزاری، سه فرد دستگیر شده نیز در برنامه‌ریزی سوء قصد به همایش سالانه منافقین شرکت داشته‌اند. دادستانی بلژیک نام این زوج را «امیر س» و «نسیمه ن» اعلام کرده است. دادستانی بلژیک افزوده است که این دو نفر حین حمل ماده منفجره دستگیر شده‌اند. بر اساس این گزارش، در ماشین این دو شهروند بلژیکی ایرانی تبار، حدود ۵۰۰ گرم پروکسید استون که یک ماده منفجره بسیار قوی و حساس است، کشف شده است.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در پیامی توییتی دستگیری دیپلمات ایرانی در آلمان را «یک عملیات پلید برای دادن نشانی غلط» خواند. او آمادگی جمهوری اسلامی برای شفاف‌سازی در این زمینه را اعلام کرد. محمدجواد ظریف به خبر دستگیری دیپلمات ایرانی در آلمان واکنش نشان داد. او در یک پیام توییتی نوشت: «چه جالب! درست همزمان با آغاز سفر رئیس‌جمهوری به اروپا یک عملیات ایرانی افشا و «عوامال» آن دستگیر می‌شوند.» وزیر امور خارجه ایران در ادامه توییت خود تأکید کرده که ایران هرگونه خشونت و ترور را در هر مکانی محکوم می‌کند و آماده است با مقامات ذی‌ربط برای شفاف‌سازی در زمینه آنچه «فقط یک عملیات پلید برای دادن نشانی غلط است» همکاری کند.

در پی توطئه‌ها و تلاش‌های نخ‌نما شده گروهک تروریستی منافقین و حامیان صهیونیستی و آمریکایی آن و بازی رسانه‌های غربی در این زمین، خبرگزاری‌های رویترز و آسوشیتدپرس خبر دادند که اتریش مصونیت دیپلمات ایرانی را که متهم به توطئه علیه این گروهک تروریستی است، لغو می‌کند. این دو خبرگزاری غربی سه‌شنبه اعلام کردند که وزارت خارجه اتریش می‌گوید: «گمان می‌رود این دیپلمات ۴۶ ساله که در آلمان بازداشت شد، با دو فرد بازداشتی در بلژیک مرتبط بوده است.»

این اعداد در حالی است که بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه ایران در این باره اعلام کرد که سناریوی بی‌پایه و اساس دخالت دیپلمات ایرانی در یکی از کشورهای اروپایی، برای تخریب روابط ایران و اروپا در این مقطع مهم و حساس طراحی و اجرا شده است.

وی گفت: گروهک تروریستی منافقین پس از ناکامی در نشست سالانه خود و برای جبران شکست در کسب حمایت سیاسی در جهت اهداف ضدانسانی و ضدایرانی‌اش و همچنین با توجه به سفر موفق ریاست‌جمهوری اسلامی ایران به دو کشور اروپایی، همانند گذشته مبادرت به برنامه‌ریزی و اجرای سناریوی دیگری کرد تا بتواند ضمن تأثیرگذاری بر این سفر اروپایی نسبت به تخریب جایگاه و موقعیت ایران و ایرانیان نزد افکار عمومی اروپا در این مقطع حساس کنونی تلاش کند.»



تصمیم نهایی

کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF) در تازه‌ترین نشست خود تا چهار ماه دیگر به ایران فرصت داد؛ کارگروه ویژه اقدام مالی بیان کرده که با توجه به تلاش‌های مستمر دولت ایران برای نهایی شدن و تصویب متمم‌های مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، تعلیق اقدامات متقابل علیه ایران را ادامه می‌دهد. بنابراین قرار است تا اکتبر ۲۰۱۸ ایران از فهرست سیاه این گروه بیرون نگه داشته شود.

بیانیه FATF یک نکته مهم دارد: «در ژوئن ۲۰۱۶ FATF از تعهد سیاسی سطح بالایی ایران برای پرداختن به کاستی‌های استراتژیک مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم و دریافت کمک‌های فنی برای اجرای برنامه عملیاتی استقبال کرد. با توجه به تعهد سیاسی ایران و اجرای اقدامات مربوطه، گروه اقدام ویژه مالی در فوریه امسال تصمیم گرفت به تعلیق اقدامات متقابل علیه ایران ادامه دهد». FATF حدود ۳۰ سال پیش برای پیشگیری از پول‌شویی و معانعت از حمایت مالی گروه‌های تروریستی تشکیل شد و در توافق برجام، یکی از نهادهای ناظر بر اقدام‌های مالی ایران است. FATF در ادامه بیانیه با ناامیدی از تکمیل نشدن برنامه‌های مدنظر برای پرداختن به نواقص پول‌شویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم توسط ایران اعلام کرده با توجه به تلاش‌های مستمر دولت ایران برای نهایی شدن و تصویب متمم‌های مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، این گروه در نشست این هفته خود تصمیم گرفته است به تعلیق اقدامات متقابل علیه ایران ادامه دهد.

همچنین در این بیانیه آمده است: «این گروه از ایران انتظار دارد فوراً سایر اقدامات مربوطه در برنامه اقدام خود را تکمیل کند و اصلاحات ضروری مدنظر این گروه در زمینه مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم را انجام دهد. از ایران انتظار می‌رود تا اکتبر ۲۰۱۸، متمم‌هایی به قانون مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی خود بیفزاید و کنوانسیون پالرمو و مقابله با تأمین مالی تروریسم را در انطباق کامل با استانداردهای FATF اجرا کند، در غیر این صورت این کارگروه اقدامات مناسب و ضروری را اتخاذ خواهد کرد. ایران تا زمان تکمیل برنامه اقدام خود در بیانیه عمومی باقی خواهد ماند و تا زمانی که این کشور معیارهای مدنظر را برای جبران کاستی‌های شناسایی شده در برنامه اقدام خود اعمال نکند، FATF نسبت به ریسک تأمین مالی تروریسم و مخاطرات آن برای سیستم مالی بین‌المللی نگران باقی خواهد ماند.»

گروه ویژه اقدام مالی FATF ضمن ابراز ناامیدی از اینکه ایران برنامه اقدام خود را کامل اجرا نکرده است ولی با توجه به تداوم تلاش‌های دولت ایران، تعلیق اقدامات متقابل علیه خود را تا ماه اکتبر تمدید کرد. پیش از این محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهوری در حاشیه جلسه هیات دولت درباره اینکه موضع دولت برای عضویت در FATF چیست، گفته بود: «به هیچ وجه الان بنای ما بر عضویت در FATF نیست. اشتباهی که رخ می‌دهد این است که در دولت دهم لایحی به مجلس داده‌اند، این لایحه پیش‌رفته و الان نوبت تصویب لایحه است و این لایحه با FATF متفاوت است؛ پس صراحتاً نظر دولت این است که به هیچ وجه ما اعلامی برای عضویت در FATF نداریم و دنبال آن هم در حال حاضر نیستیم.» به گفته واعظی رئیس‌جمهوری در دیدار هفتگی خود با مقام معظم رهبری درباره FATF صحبت کردند. همچنین بیستم خرداد بود که بررسی لایحه الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) در مجلس برای دو ماه مسکوت ماند.

غلامرضا جلالی، رئیس سازمان پدافند غیرعامل ایران، اعلام کرد: «تیم‌های مشترکی از اسرائیل و یکی از کشورهای همسایه، ابرهای در حال ورود به ایران را غیربارور می‌کنند؛ علاوه بر این ما با بحث ابردزدی و برف‌دزدی نیز مواجه هستیم.» او با این اظهار نظر خود به یکی از چهره‌های خبرساز هفته تبدیل شد. در واکنش به این اظهارات او مدیرکل پیش‌بینی و هشدار سریع سازمان هواشناسی گفته است: براساس اطلاعات هواشناسی، امکان اینکه کشوری برف یا ابری را بدزدد، وجود ندارد. محدودیت، مدیرکل پیش‌بینی و هشدار سریع سازمان هواشناسی در واکنش به اظهارات اخیر رئیس پدافند غیرعامل به ایلنا گفت: «نمی‌دانم ایشان بر چه اساسی این موضوعات را مطرح کرده است، احیاناً ایشان اسناد و مدارکی در این زمینه دارند و من در جریان نیستم، اما براساس اطلاعات هواشناسی امکان اینکه کشوری برف یا ابری را بدزدد، وجود ندارد.»



دزدی ابرها

این کشتی ناخدای باتدبیر دارد



سیدحسین خمینی هفته گذشته سخنان مهمی بیان کرده است. او گفته ما همه یک ملتیم و در یک کشتی نشسته‌ایم و واقعا هم دشمنان قسم خورده و جسوری پیدا کرده‌ایم. در هیچ دوره‌ای کشورهای منطقه حاضر نبودند این مقدار هزینه دهند. دشمنی‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی هم وجود دارد. در چنین شرایطی فکر کردن به برخی مسائل حاشیه‌ای واقعا بچگانه است. در همین هفت، هشت‌ماه گذشته بینید دعواهای چپ و راست ما بر سر چیست؟! از این دعاها پیدا است که واقعا یا یک نفوذ جدی رخ داده یا اینکه کارها بچگانه شده است. این کشتی یک ناخدای باتدبیر دارد و امروز هم بیش از هر زمان دیگری وجود ایشان مغتنم است، ولی برای عبور از این انشقاق، شجاعت لازم است؛ باید به سمت ایجاد وحدت عملی برویم و در مقابل اختلاف افکن‌ها به‌طور جدی بایستیم.

در میان اظهار نظرهای مختلف در مورد افرادی که احتمالا کابینه را ترک خواهند کرد محمدباقر نوبخت از جمله افرادی است که به نظر می‌رسد احتمالا کابینه را ترک خواهد کرد. او البته در واکنش به این اظهار نظرها گفته است: «رئیس‌جمهور متناسب با ضرورت‌ها تغییراتی می‌دهند منتها موضوعی که الان مطرح می‌شود، گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای است. تغییرات به‌وقتش صورت می‌گیرد.» اخیرا گفته شده که نوبخت جای خود را به طیب‌نیا خواهد داد اما خبرهای تازه‌تر این است که طیب‌نیا به بانک مرکزی خواهد رفت.



نوبخت می‌رود؟

تهدید سردار



سردار سرتیپ پاسدار اسماعیل کوثری، جانشین فرمانده قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اشاره به مواضع صریح و روشن رئیس‌جمهور در برابر تهدیدات نفتی دونالد ترامپ گفته است: تهدید رئیس‌جمهور آمریکا در چند روز گذشته مبنی بر جلوگیری از صادرات حتی یک قطره از نفت ایران به سایر کشورها، نیازمند موضع سریع و هوشمندانه‌ای از جانب ایران بود که خوشبختانه رئیس‌جمهور محترم در این زمینه بسیار بیان موضع خوبی داشتند.» وی با اشاره به نامه سردار سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران مبنی بر حمایت از مواضع انقلابی رئیس‌جمهور تاکید کرده است: سخنان آقای روحانی مواضع کل نظام جمهوری اسلامی بوده و حمایت سردار سلیمانی از صحبت‌های دقیق و هوشمندانه آقای روحانی در راستای دفاع و پاسداری از منافع ملی است. اگر قرار بر منع صادرات نفت ایران باشد، اجازه خروج نفت به دیگر نقاط دنیا از طریق تنگه خلیج فارس را نمی‌دهیم. ۲۰ درصد نفت جهان از تنگه خلیج فارس عبور می‌کند و دنیا به این نفت نیاز دارد و هر اقدام خصمانه‌ای از طرف آمریکا هزینه‌های گزافی برای آنها به دنبال دارد.»

فرستاده ویژه

هفته گذشته محمود واعظی در صدر اخبار بود

«محمود واعظی» یکی از مهم‌ترین چهره‌های خبری هفته بوده است. هم حرف‌های مهم زده و هم ملاقات‌های مهم داشته است. او به قم رفته و با مراجع و علما دیدار داشته است. در واقع او در نقش فرستاده ویژه حسن روحانی بوده است. همچنین در مورد او گفته شده که قبل از سفر حسن روحانی به اروپا او دیداری مهم با محمدباقر قالیباف داشته است. این خبر البته تأیید یا تکذیب نشده است. واعظی هفته گذشته در یک مصاحبه به انتقادهای خود و ابهاماتی در مورد نهاد ریاست جمهوری و واکنش نشان داده است. او درباره اینکه برخی عقیده دارند اطرافیان رئیس‌جمهوری اجازه نمی‌دهند وی با حامیان و جریان‌های سیاسی مختلف برای برون‌رفت از وضعیت موجود ارتباط داشته باشد، گفت: «خبر چنین نیست، رئیس‌جمهور با گروه‌ها و جریان‌های مختلف ارتباط دارد.» او ادامه داد: «هنوز چند روز از ماه مبارک رمضان نگذشته است در آن روزها گروه‌های مختلف آمدند و با رئیس‌جمهوری به گفت‌وگو نشستند. اتفاقاً در میهمانی‌های امسال رئیس‌جمهوری، سازگار به گونه‌ای طراحی شد که هیچ مقام دولتی و اعضای کابینه سر میز با ایشان نشینند و این فرصت در اختیار میهمانان قرار داده شد.» او با بیان اینکه از هنرمندان و سیاستمدان گرفته تا سایر اقشار و گروه‌های مختلف با ایشان دیدار کردند، گفت: «گروه‌های مختلف با دیدگاه‌ها و سلیقه‌های متفاوت با رئیس‌جمهور به مذاکره و گفت‌وگو پرداختند. با وجود اینکه رئیس‌جمهوری بسیار مشغله دارند، اما این را قبول دارم که باید دیدارهای خود را با گروه‌ها و اقشار مختلف بیشتر کنند.» رئیس‌دفتر روحانی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه یکی از انتقادهای وارده به دولت عدم استفاده از ظرفیت نخبگان کشور است، عنوان کرد: «بله، حدود شش، هفت ماه است که دیدارها و گفت‌وگوهای با جامعه نخبگان کشور داریم که در این نشست‌ها بر سر مسائل مختلف کشور بحث و تبادل نظر صورت می‌گیرد.» او تأکید کرد: «نخبگان با هر گرایش فکری در این مذاکره و گفت‌وگوها حضور دارند و جناح‌بندی وجود ندارد.» واعظی با اشاره به اینکه دیدارهایی با نخبگان اصولگرا و اصلاح‌طلب، استادان دانشگاه، روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه داشته‌ایم، گفت: «در بدنه دولت باید از نخبگانی که عضو دولت نیستند بیشتر استفاده شود، ما نباید در دولت فقط یک سری آدم‌هایی که هر روز همدیگر را می‌بینند و تفرکات نزدیک به هم دارند، داشته باشیم. باید اجازه دهیم استادان دانشگاه، صاحب‌نظران و اقشار مختلف نقدها و سخنان خود را بیان کنند ما باید حرف‌های آنان را بشنویم و براساس آنها تصمیم بگیریم. یک سال و چند ماه بیشتر نیست که مردم ۲۴ میلیون رأی به آقای رئیس‌جمهور داده‌اند. آقای رئیس‌جمهوری و دولت به مردم متعهد هستند و پای مردم و حل مشکلاتشان ایستاده‌اند. دولت تا آخر ایستاده و پیگیر مطالبات مردم است. این دولت، دولت روزهای خوب و خوش نیست؛ زمانی سر کار آمد و امور را به دست گرفت که در بدترین شرایط قرار داشتیم و حالا هم تا پایان قصه می‌ایستد، همراه مردم است و با کمک آنان مشکلات را حل می‌کند.»

دانش آموخته سن خوزه

محمود واعظی، از اعضای مؤسس حزب اعتدال و توسعه، وزیر ارتباطات دولت یازدهم دارای مدارک تحصیلی دکترای روابط بین‌الملل و همچنین فوق‌لیسانس

مهندسی الکترونیک است. محمود واعظی، اول خرداد ۱۳۳۱ در یک خانواده مذهبی در خیابان خراسان، جنوب تهران متولد شد. دوران ابتدایی خود را در دبستان اسلامی صادقیه سپری و در سال ۱۳۴۹ دوره دبیرستان را با اخذ دیپلم ریاضی در مدارس میرداماد و مروی پشت سر گذاشت. او در سال ۱۳۵۰ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفته و در سال ۱۳۵۵ مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در سکرمنتو در رشته مهندسی برق اخذ کرده و برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در رشته مخابرات به دانشگاه ایالتی سن خوزه رفت. بعد از اتمام آن وارد مقطع دکترای رشته مهندسی مخابرات دانشگاه ایالتی لویزیانا شد که با پیروزی انقلاب در ایران از اتمام تحصیل و اخذ مدرک دکترای صرف نظر کرد و به ایران بازگشت. واعظی در کل دوران اقامت در آمریکا عضو انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا بوده و مسئولیت‌های مختلفی هم در آن انجمن در زمینه فعالیت‌های سیاسی و مذهبی داشته است که از آن جمله می‌توان به مسئولیت دبیری تشکیلات اعضای انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا اشاره کرد. پس از انتخاب به این سمت، به همراهی تعدادی دیگر از دانشجویان مدتی را در نوفل‌لوشاتو در حضور امام خمینی (ره) سپری کرد. بعد از انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس دولت یازدهم، او محمود واعظی را به عنوان وزیر پیشنهادی وزارت ارتباطات و فناوری ارتباطات به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد که در جلسه رای‌گیری، نمایندگان با ۲۱۸ رأی موافق، وی را شایسته تصدی این وزارتخانه تشخیص دادند. وقتی حسن روحانی دولت دومش به پایان می‌رسید دوباره نگاه‌ها به این دوخته شد که چه کسانی در کمین آقای رئیس‌جمهور حضور خواهند داشت. واعظی چند ماه مانده به انتخابات حرف‌های مهمی زد. او گفته بود: «در روز ۲۴ خرداد که انتخابات تمام شد، در روز ۲۵ خرداد با این وضعیت مواجه شدیم و این ادامه دارد و هر چه به ۲۹ اردیبهشت نزدیک می‌شویم این وضعیت تدریجاً می‌شود. ما فکر می‌کنیم اگر آقای احمدی‌نژاد نیامد یک مقدار کار ما در ستاد انتخابات مشکل‌تر می‌شد که به مسائل غیرواقع پاسخ دهیم اما به دلیل دوقطبی شدن، رأی آقای روحانی تضمین بود. شما می‌دانید وقتی رأی از یک حدی بالاتر رود تضمین شده است اما ما فکر می‌کنیم که در ۲۹ اردیبهشت، انتخابات سختی خواهیم داشت چون هر کس با هر تفکری که کاندیدا شود، هدفش تخریب آقای روحانی است. برخی

عقبه دارند، پول دارند و زور دارند و ما فکر می‌کنیم اصلاً در حزب اعتدال و توسعه نباید احساس کنیم که انتخابات آسانی است و کسانی که مشی اعتدالی دولت را قبول دارند و می‌خواهند کشورشان آباد شود، نباید در خانه بنشینند. چون اگر کسی این تفکر را داشته باشد که تمامی دوره‌های ریاست‌جمهوری دودوره‌ای است، بازنده است بنابراین باید همه در انتخابات شرکت کنند چون مشارکت حداقلی به نفع ما نیست.»

وقتی به انتخابات نزدیک شدیم او در یک اظهارنظر دیگر گفت: «به نظر من قطعاً فردای انتخابات آقای روحانی بالای ۵۰ درصد رأی خواهد داشت. من معتقد هستم انتخابات در دور اول با رأی بالای ۵۰ درصد برگزار خواهد شد و به نظر من قطعاً فردای انتخابات آقای روحانی بالای ۵۰ درصد رأی خواهد داشت. به نظر من در دور اول نتیجه انتخابات مشخص خواهد شد.» وی با اشاره به برخی اخبار منتشره مبنی بر حضورش در کنار روحانی به عنوان یک کاندیدای پوششی، اظهار کرده بود: «حضورم در انتخابات ریاست‌جمهوری را تکذیب می‌کنم و از آقای روحانی حمایت می‌کنیم.» او در اظهارنظرهایش خط و خطوطی دارد که نشان‌دهنده زاویه‌اش با اصلاح‌طلبان است. واعظی اسفندماه سال گذشته در مورد گزینه پوششی اصلاح‌طلبان برای روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری گفته بود: «ما در دفتر سیاسی حزب اعتدال و توسعه مفصل بر سر این موضوع بحث کردیم. همیشه در انتخابات افراد متعدد نامزد بودند؛ اما تا الان نظر ما در حزب این است که اگر گروه‌های همسو، به صورت متمرکز از دکتر روحانی حمایت کنند؛ تردید در مردم به وجود نمی‌آید و تکلیف روشن است؛ بنابراین فکر می‌کنیم لازم نیست.» او در پاسخ به این سوال که پیش از این خبرهایی مبنی بر حمایت حزب اعتدال و توسعه از آقای جهانگیری آمده بود، تأکید کرد: «حزب اعتدال و توسعه غیر از دکتر روحانی از کسی دیگر درخواستی برای ورود به انتخابات نداشته است. جریان‌های عمده‌ای که با تفکر و اندیشه روحانی موافق هستند، دنبال تشکیلات نیستند.» او همچنین در خصوص طرح آشتی ملی گفته بود: «در کشوری که همه چیزش تنظیم است، کشوری که رهبری دارد، دولتش مستقر است و مجلس دارد، بحث آشتی ملی معنا ندارد. آشتی ملی برای زمانی است که کشور دو-سه شقه شده باشد.» او بعد از انتخابات و پیروزی حسن روحانی به ادامه حضور در دولت دوازدهم واکنش نشان داد. محمود واعظی، وزیر ارتباطات در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران درباره تغییرات کابینه دولت دوازدهم، گفته بود: «بنده خبری ندارم، اگر از من برای دولت آینده دعوت شود به دولت آقای روحانی کمک خواهیم کرد.»

بعد از انتخابات او رئیس دفتر رئیس‌جمهور شد.



محمود واعظی از چهره‌های مؤثر کابینه حسن روحانی است

طرح شیطانی

وزیر امور خارجه ایران خبر دستگیری چند ایرانی را در بلژیک به جرم توطئه برای اقدام تروریستی در فرانسه رد کرده و آمادگی تهران برای کشف حقیقت پشت پرده این «عملیات فریب» را اعلام کرد. «چقدر جالب: همین که ما سفر در سطح رئیس جمهور را به اروپا آغاز کردیم، (کزارشی منتشر شد که) ظاهراً عملیاتی ایرانی اتفاق افتاده و توطئه گران آن دستگیر شده‌اند. ایران صراحتاً هرگونه خشونت و ترور را در هر جایی که باشد محکوم کرده و آمادگی دارد تا با همه طرف‌های ذینفع برای پرده برداشتن از چیزی که یک طرح شیطانی عملیات فریب است، همکاری کند.»

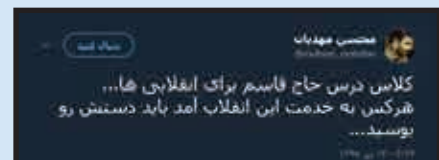


مواجهه دو وزیر



سربازان انقلاب جناح بندی ندارند

واکنش مهدی محمدی به سخنان روحانی



کلاس درس حاج قاسم



واکنشی به ماجرای معاون اولی قالیباف



دو محور اساسی



با دلار ۴۲۰۰ وارد کرده و با دلار ۸۰۰۰ تومانی می‌فروشند. همین الان دلالتان با تمام قوا خودروهایی که دارند یا حتی ندارند با قیمت‌های خیلی بالا در اینترنت و فضای مجازی آگهی می‌کنند تا جو روانی را به هم زده و زمینه را برای قیمت‌های بالا آماده کنند با این کار کسانی که می‌خواهند با قیمت‌های معقول بفروشند پشیمان شده و با توهم قیمت بالا آنها هم قیمت‌شان را بالا برده و این جوری سیاست دلال‌ها به بار می‌شینه جالبه که برخی مسئولان دست روی دست گذاشته و فقط نظاره گر شده‌اند. امروز یکی از آشناهای ما ماشینی که چند ماه پیش با آگهی در سایتی فروخته عکس ماشینش را با پلاک خودش دیده که با دو برابر قیمت آگهی شده این یعنی چی؟



تقریباً تمامی شرکت‌هایی که خودروهای خارجی وارد می‌کنند به میزان زیادی یورو دریافت کردند در حد میلیون یورو اونم ارز دولتی که اختلاف چندانی با قیمت ارز در سال گذشته نداره، حالا سوال اینه که رو چه حسابی بعد از افزایش قیمت ارز، این شرکت‌ها به خودشون اجازه دادن قیمت خودروها رو گاه تا سه برابر افزایش بدن سوال بعدی اینه که چرا ارگان‌های ناظر هیچ عکس‌العملی نسبت به این موضوع ندارند؟ خواهشاً پیگیری کنید که این شرکت‌ها پول بیت‌المال رو دارن دریافت می‌کنند و دقیقاً دارن چند برابر سود می‌کنند با گرفتن پول خیلی خیلی اضافی از مردم.

وقتی قیمت ارز واقعی نباشد باعث فساد و رانت می‌شود. چرا مثلاً افغانستان چند نرخی ندارد. ارز ۴۲۰۰ تومانی به چه کسانی تعلق می‌گیرد؟ هر کسی که ارز دولتی بگیرد از رانت استفاده کرده. هر کس می‌خواهد باشد.

دولت را بی‌گناه جلوه ندهید. اگر کنترل اولیه و ابتدایی و در حد یکبار با بی‌سوادی هم انجام می‌شد به خیلی‌ها از تعلق نمی‌گرفت.



خلیج فارس در تاریخ به نام ایران ثبت شده و آن زمان که هیچ کشوری در منطقه نبود ایران تمدن باشکوهی بود و امپراطوری ایران تا اروپا گسترش داشت، بنابراین ترامپ و حکومت‌های وابسته منطقه عدوی نیستند که بتوانند جلوی ایران را سد کنند، آقای رئیس‌جمهور به موقع تهدید خود را به گوش دشمنان رساند، اگر ما نباشیم هیچ کس نیست، اگر ما نتوانیم از خلیج فارس نفت صادر کنیم، قطره‌ای نفت صادر نخواهد شد، صاحب منطقه ملت ایران است، نه تعدادی کشور بی‌هویت مزدور سرسپرده، چو ایران نباشد، تن من مباد، این شعار نیست واقعیت تاریخی است.



آقای روحانی! به دنیا اعلام کنید اگر ظرف دو ماه همه تحریم‌های ایران لغو نشود، برجام را کنار خواهم گذاشت. تحریم در کنار محدودیت‌های برجامی قابل‌پذیرش نیست.

نامه حاج قاسم سلیمانی که در واکنش به سخنان حسن روحانی نگاشته شده پایانی است بر پروژه دوقطبی‌سازی اصلاح‌طلبان. مردم از مسئولین نظام همین همدلی‌ها و همزبانی‌ها را انتظار دارند.



نظام ما یک انقلاب است و همیشه نیاز به رئیس‌جمهور انقلابی دارد. رئیس‌جمهور روحانی الان تبدیل شده است به یک انقلابی. ان شاء الله انقلابی بماند و واقعا عمل کند. اگر از روز اولی که ترامپ از برجام خارج شد، روحانی هم اعلام خروج می‌کرد و سایت‌های هسته‌ای را مانند گذشته باز می‌کرد، الان دستش برای مذاکره با اروپا بازتر بود. ضمن اینکه الان قیمت نفت بالای ۱۰۰ دلار بود.



صددرد با انتشار نام و مشخصات و جزئیات موافقم ولی مهم‌تر از انتشار نام آنها برخورد قانونی و بدون کوچک‌ترین اغماض و بخششی با این افراد و شرکت‌هاست.

اینها باعث به هم ریختن وضعیت بازار و قیمت‌ها شده‌اند و به دنبال کار غیرانسانی این نامردان، بازار و اقتصاد به هم ریخت و مردم خوب کشورم درمانده و مستاصل شده‌اند.

شما فکر کن بازار موبایل افزایش قیمتی نداشت مطمئناً بازارهای دیگر هم تحریک نمی‌شدند که افزایش قیمت بدهند. اعدام هم برای اینها کم است.



دارو نیست حتی داروهای ابتدایی و در عین حال حیاتی، یه گزارشی برزید شاید این وزرا تکونی بخورند قبل از اینکه مردم بمیرن داروخانه‌ها سهمیه‌ای دارن دارو می‌دن. اوضاع فاجعه‌بار.

معمای پیچیده

تورم و تخریب سرمایه‌های اجتماعی



به خوبی می دانیم که سرمایه اجتماعی به معنای مجموعه ای از شبکه ها، هنجارها، ارزش ها و درکی است که موجب تسهیل همکاری درون گروهی و برون گروهی در جامعه می شود و به طور اصولی شرایط لازم برای توسعه اقتصادی جوامع تلقی شود. از طرفی نرخ تورم نیز یکی از مهم ترین متغیرهای اقتصاد کلان است که علاوه بر تحت تاثیر قرار دادن بخش های مختلف اقتصاد در جامعه رشد ناهنجاری های اجتماعی و تخریب سرمایه اجتماعی را نیز به دنبال دارد.

این موضوع مهم سابقه تاریخی در کشور داشته و از دهه ۱۳۴۰ که رشد برنامه های توسعه اقتصادی در مسیری هدایت شده قرار گرفت، پیامدهای جانبی و سپس مستقیمی را بر مجموعه های فعالیتی در جامعه فراهم آورد. این مکانیزم در ابعاد ملی از روشی نامعقول و غیر قابل پیش بینی برخوردار بوده و آلودگی های اجتماعی را ایجاد کرده و سبب سربایت آن به سایر بخش های فعال اقتصادی شده است. با مطالعه یک دوره ۵۰ ساله در کشور یعنی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ می توان گفت که رابطه نرخ تورم و سرمایه اجتماعی در گام های مختلفی توانسته عامل های اثرگذاری را به وجود آورد و هریک از آن عوامل طی زمان آثار نامطلوبی را بر روند اجرای طرح های جاری و سرمایه ای برجای گذاشته است.

در گام اول، این مهم، «رابطه نرخ تورم و سرمایه اجتماعی» باید مورد بررسی و مذاقه کامل قرار گرفته و در گام دوم «اثر تورم بر سرمایه اجتماعی» با رعایت متغیرهای سیاستی (همانند سیاست های پولی و مالی) مورد توجه جدی قرار گیرد چرا که نتایج حاصل از این تحقیق می تواند تاثیر منفی و معنی دار تورم بر سرمایه اجتماعی را برای همگان و به ویژه مدیران و مسئولان تصمیم گیر کشور و سپس مردم به عنوان جامعه اثرپذیر مشخص کند. بر اساس آخرین مطالعات و پژوهش های میدانی صورت گرفته در موسسات تحقیقاتی، پژوهشی، اجتماعی در کشورهایی نظیر انگلستان، آلمان، فرانسه، نروژ، کانادا و آمریکا مشخص شده است که اثرات منفی ناشی از شوک تورمی تا ۲۳ دوره بعد در سرمایه های اجتماعی باقی می ماند که با توجه به آن بازسازی سرمایه اجتماعی پس از تخریب آن بسیار مشکل خواهد بود.

در این حالت ضرورت برنامه ریزی جهت کاهش نرخ تورم به طور جدی و اجتناب ناپذیر در اقتصاد ایران بیش از پیش نمایان می شود. نگارنده در یک مطالعه تطبیقی ملی و سپس بین المللی به این نتیجه ملموس دست یافت که شکل گیری تورم و پایداری با رشد آن طی یک دوره برنامه توسعه ای می تواند انگیزه سرمایه های پایدار و ماندگار را کاهش داده و موجب شود برنامه های بلندمدت توسعه ای به برنامه های میان مدت و سپس به برنامه های کوتاه مدت سقوط کند.

اقتصاد ایران در دو دهه گذشته همواره شاهد تورم دورقمی بوده و پژوهشگران و تحلیلگران مختلف از زوایای متفاوت به بررسی این پدیده و اثرات مخرب آن بر اقتصاد کشور پرداخته اند؛ به گونه ای که بخش عمده ای از ادبیات اقتصادی کشور به بررسی رابطه تورم و رشد اقتصادی، تورم و فقر، تورم و نابرابری، تورم و سرمایه گذاری، تورم و بازارهای مالی، تورم و اقتصاد غیررسمی و تورم و سود بانکی اختصاص یافته است. علاوه بر آن و علیرغم گستردگی ادبیات مرتبط با مضرات اقتصادی تورم، آنچه کمتر به آن توجه شده، تبعات اجتماعی افزایش تورم در

اقتصاد ایران بوده است. این در حالی است که افزایش تورم با تاثیر مستقیمی که بر نابرابری ها و شکاف های طبقاتی می گذارد به رشد ناهنجاری های اجتماعی و تخریب سرمایه های اجتماعی منجر می شود و در این شرایط، دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی امکان پذیر نخواهد بود.

بدین جهت و بر پایه آنچه بیان شد، باید گفت که با توجه به ضرورت ارتقای سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه و شواهد مبنی بر کاهش سرمایه اجتماعی در ایران، لزوم مطالعات بیشتر در مورد حفظ سرمایه اجتماعی و راهکارهای تقویت آن آشکار می شود. با نگاهی کوتاه به سابقه تاریخی و مبانی نظری سرمایه اجتماعی می توان گفت که مفهوم فعلی سرمایه اجتماعی به عنوان نوعی سرمایه گذاری در ساختار روابط انسانی در اقتصاد اجتماعی شناخته شده است که همکاری و هماهنگی در روابط میان افراد جامعه را تسهیل می کند. به قول دانشمند معروف (Bourdieu) بوردیو، سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه ای است که از شبکه ای با دوام از روابط کمابیش نهادینه شده ارتباط و شناخت متقابل حاصل می شود.

او به سرمایه اجتماعی یک نگاه ابزاری دارد و متوجه منافعی است که افراد به سبب شرکت در تعاملات اجتماعی به دست می آورند. در این رهگذر دانشمندان بسیاری در زمینه سرمایه های اجتماعی اظهار نظرهای متفاوت و ارزشمندی را مطرح کرده اند که در عمده آنها ویژگی های فردی، گروهی و اجتماعی مورد واکاوی قرار گرفته و منافع جمعی بیان شده است. به طور مثال استاد Fukuyama ژاپنی در سال ۱۹۹۵ سرمایه اجتماعی را مجموعه ای معین از هنجارها یا ارزش های غیررسمی دانسته است که اعضای گروهی که همکاری میان آنها وجود دارد، در آن شریک هستند.

از منطری دیگر می توان گفت که نتایج حاصل از سرمایه گذاری در سرمایه اجتماعی متمرکز می شود و نتایج آن تبعات رفتارها و فعالیت های گذشته افراد در گروه ها و شبکه های اجتماعی را به هم متصل می کند. در این حالت و در تبیین سرمایه اجتماعی می توان به آثار خارجی کنش های متقابل اجتماعی توجه و تاکید کرد که عضویت افراد به ویژه در زمینه های تخصصی و حرفه ای در پرتو عضویت در شبکه های اجتماعی یا سایر ساختارهای اجتماعی، منفای نیز برای آنها در پی خواهد داشت. در این حالت، انتظارات افراد برای حضور موثر در مجموعه های غیرانتفاعی (سرمایه اجتماعی) در قالب انجمن ها، فدراسیون ها، اتحادیه ها و کنفدراسیون ها می تواند وجه مشترک تمامی تعاریف و مطالعات انجام شده را فراهم آورده و به عنوان مجموعه ای از شبکه ها، هنجارها و ارزش ها

تلقی شود و درک مشترکی برای تامین منافع ملی و نیز راهیابی به منافع مشترک و جمعی را حاصل آورد. این تفکر موجب تسهیل همکاری درون گروهی و نیز برون گروهی شده و وجه مشترک مورد انتظار را در ملاحظات فردی و گروهی در مقابل جامعه (کارفرمایی) تثبیت و پایدار می نماید.

در این صورت بر آورد سرمایه اجتماعی در حفظ و پایداری طرح ها و نیز رویکرد ملی برای توسعه آن قوام و دوام یافته و میزان مشارکت در انجمن ها و فعالیت های مشترک داوطلبانه اجتماعی و حرفه ای را رشد می بخشد اما با توجه به آثار نامطلوب تورم به عنوان یک عامل اثرگذار بر هنجارهای اجتماعی، می توان گفت که با وقوع این جریان به نوعی در روند اقتصادی جامعه جرم واقع شده است چرا که جرایم اجتماعی خود ریشه در فعالیت اقتصادی دارد و هر فرد که دارای تفکر پایدار ارزش های اجتماعی است با وقوع این جریان موجب ارتکاب ناهنجاری اجتماعی شده و در تحقق وظایف و مسئولیت های فردی (انتفاعی) یا گروهی (اجتماعی) موجب ارتکاب دیگری از نابرابری حقوق برای رسیدن به تحول اجتماعی می شود.

در این صورت انتخاب عقلایی با تحلیل هزینه - فایده شامل عواید مادی و غیرمادی نسبت به کارهای قانونی و با در نظر گرفتن احتمال دستگیری و مجازات یا نوع و میزان می تواند به صورت عمدی یا غیر عمدی مرتبط جرم شود. ضرورت دارد موضوع تورم را فارغ از شعارها یا ادبیات خام آماری و بازبایی واقع گرایانه و اثربخش و وفق آنچه که در میدان مبارزه اقتصادی امروز می گذرد برای مردم شفاف سازی نموده و جایگاه و موقعیت آن را تبیین کرد.

اطلاعات و آمارهای موجود ناظر بر رشد تورم بالاتر از ۷۰ تا ۸۰ درصد است که در مقابل آمار و ارقام نهادهای مسئول همانند بانک مرکزی یا سازمان آمار کشور دال بر کمتر از عدد ۱۰ بوده که با واقعیت حاکم بر جامعه فاصله دارد. بیابیم شفاف سازی کنیم و تاثیر تورم را بر سیاست های کلان اقتصادی و روی جرایم اجتماعی به صورت جدی و با قید فوریت ارزیابی و اطلاع رسانی نماییم چرا که با ادامه این روند و تخریب همه جانبه نهادهای تشکیلی و انجمن های فعال در فضای اقتصادی امروز جامعه که از مرز ۱۶۰۰۰ انجمن گذشته است، می توان گفت که بازسازی این نهادها به عنوان یکی از سرمایه های اصلی اجتماعی هم پرهزینه است و هم پرتالهاب.

در کلام آخر و برای جلوگیری از وقوع جرائم و انحراقات اجتماعی، تورم را کنترل و از وقوع آثار بیرونی و سپس درونی آن بر تولید ملی کشور که تجمیع تولید فردی، گروهی و سرمایه ای است، جلوگیری به عمل آوریم. ان شاء الله



انتخاب عقلایی با تحلیل هزینه - فایده شامل عواید مادی و غیرمادی نسبت به کارهای قانونی و با در نظر گرفتن احتمال دستگیری و مجازات یا نوع و میزان می تواند به صورت عمدی یا غیر عمدی مرتبط جرم شود



صورت خروج از اتحادیه اروپا، مناسبات اقتصادی دوجانبه (مبتنی بر تجارت آزاد میان آمریکا و فرانسه) را به صورتی بهتر میان طرفین تعریف و اجرایی خواهد کرد. او همچنین در بجهوه خروج انگلیس از اتحادیه اروپا چنین پیشنهادی را به مقامات انگلیسی نیز ارائه داده است. دونالد ترامپ معتقد است که شرکای اروپایی آمریکا در ناتو، رقابلی هستند که اقدامات لازم را برای تامین هزینه‌های ناتو صورت نمی‌دهند.

مقامات اروپایی معتقدند که ترامپ همچنان به انتقادات متداول خود از ناتو و اعضای این پیمان ادامه خواهد داد و مواضع وی تغییری نسبت به قبل پیدا نخواهد کرد. همچنین چند دیپلمات اروپایی نسبت به برگزاری نشست آینده ناتو ابراز نگرانی کرده‌اند. آنها معتقدند که نشست ناتو می‌تواند تکرار نشست گذشته باشد؛ جایی که ترامپ با اصرار و تاکید بر تامین هزینه‌های دفاعی ناتو (از طریق اختصاص ۲ درصد تولید ناخالص داخلی اعضا)، اهمیت اتحاد میان اعضای ناتو را کاهش داد. در هر حال، منابع اروپایی از اینکه ترامپ دقیقاً می‌خواهد چه اقداماتی در نشست ناتو صورت دهد، ابراز بی‌اطلاعی می‌کنند. دیپلمات‌های اروپایی نگران تکرار تجربه برگزاری نشست اخیر گروه هفت در نشست اعضای ناتو هستند. در نشست گروه هفت، شاهد تقابل ایالات متحده آمریکا و دیگر اعضا بودیم؛ جایی که ترامپ رسماً به میزبان نشست یعنی جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا توهین کرد. همچنین در جریان برگزاری نشست اخیر گروه هفت، ترامپ از امضای بیانیه پایانی نشست اجتناب کرد و امضای خود را پس گرفت.

نکته دیگری که در این خصوص باید مدنظر قرار داد، سفر ترامپ به هلند (پایتخت فنلاند) و دیدار وی با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه است. این دیدار، پس از برگزاری نشست اعضای ناتو در بروکسل صورت خواهد گرفت و نگرانی‌هایی را در میان اعضای ناتو به وجود آورده است. این دیدار دوستانه می‌تواند ضمن ایجاد اتحاد میان آمریکا و روسیه، تلاش‌های پوتین برای ایجاد شکاف در ناتو را در آینده تقویت کند.

اگرچه مقامات آمریکایی سعی دارند همه چیز را خوب و تحت کنترل جلوه دهند اما مقامات اروپایی اعلام می‌کنند که هیچ چیز نسبت به آینده نمی‌دانند و از نگرانی‌های خود (در قبال رابطه با آمریکا) سخن می‌گویند. مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا در مصاحبه اخیر خود با سی‌ان‌ان، سعی کرد اهمیتی به موضوع اختلافات آمریکا و اروپا ندهد و این اختلافات را اغراق‌آمیز جلوه دهد. اما رهبران اروپایی به صورتی واضح نشان داده‌اند که ارتباطات آنها با دولت ترامپ در وضعیتی عادی و طبیعی قرار ندارد. پس از آنکه دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد، دونالد در پیامی توهین‌آمیز اعلام کرد که با وجود دوستی مانند رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا نیازی به دشمن ندارد. آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان نیز در اظهاراتی قابل تامل اعلام کرد که اتحادیه اروپا دیگر نمی‌تواند به ایالات متحده آمریکا و انگلیس متکی باشد؛ اظهاراتی که بیانگر ایجاد شکاف و خدشه‌ارشدن اتحاد اعضای پیمان آتلانتیک شمالی است. مایک پمپئو اعلام کرده است که وی با متحدان آمریکایی و کانادایی ایالات متحده آمریکا گفت‌وگوهای فراوانی را هدف دستیابی به مجموعه‌ای از اهداف مشترک صوت خواهد داد. وزیر امور خارجه آمریکا در این خصوص می‌گوید: «چیزهای زیادی وجود دارد که در آن ارزش‌های مشترک و نگرانی‌های مشترک را به اشتراک می‌گذاریم. اما در نهایت، اتحاد سنتی با ارزش بین اروپا و ایالات متحده (اتحاد آتلانتیک) که ۷۰ سال از آن می‌گذرد، همچنان قوی است.»

نگرانی آتلانتیکی‌ها

تقابل آمریکا و اروپا به اوج رسیده است



تنش‌ها میان دولت ترامپ و اتحادیه اروپا در حال افزایش است. برگزاری نشست اعضای ناتو، تحت تاثیر اعلام وضع تعرفه‌های گمرکی (در خصوص فولاد و آلومینیوم وارداتی اروپا) و دیگر دیدگاه‌های سلبی ترامپ قرار گرفته است. یک مقام ارشد اروپایی در این خصوص می‌گوید: «ما هم اکنون در وضعیتی بحرانی قرار داریم. ترامپ جهشی را ایجاد کرده است که در آن، پیمان ناتو به مانند پیمان نفتا بد محسوب می‌شود و اتحادیه اروپا نیز از چین بدتر است.»

این اظهارات پس از آن بیان شد که ترامپ در جریان برگزاری نشست اخیر گروه هفت در کانادا، اعلام کرد که پیمان آتلانتیک شمالی مانند پیمان نفتا بد است. اگرچه مقامات آمریکایی در صدد مناسبات خود و اروپا را خوب جلوه دهند، اما رویکرد عملی آنها به گونه‌ای است که تقابل با اروپا را تشدید کرده است. وضع تعرفه‌های گمرکی بر فولاد و آلومینیوم صادراتی از اروپا، کانادا و مکزیک در همین راستا قابل ارزیابی و تحلیل است. در حال حاضر بسیاری از نزدیک ترین متحدان ایالات متحده آمریکا نیز دیگر به این کشور اطمینان ندارند و قابلیت اطمینان به واشنگتن (در حال و آینده) را زیر سوال می‌برند. همچنین مقامات اروپایی از تلافی اقدامات آمریکاسخن گفته و در عین حال نگران شکل گیری یک جنگ تجاری با واشنگتن هستند. از سوی دیگر، ترامپ در صدد است اروپا را تقسیم کرده و میان بازیگران اروپایی شکاف ایجاد کند. او به امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه گفته است که در

سعید سبحانی

مترجم

تقابل اقتصادی و امنیتی ایالات متحده آمریکا و متحدان اروپایی آن به نقطه اوج خود نزدیک می‌شود. اگرچه مقامات اروپایی کماکان مواجهه معطالنه‌ای با این موضوع داشته و حتی برخی افراد مانند ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس در صدد همراهی اروپا با تمامی خواسته‌های ترامپ هستند، اما بسیاری از تحلیلگران معتقدند که تقابل واشنگتن و اروپا واحد در آینده‌ای نزدیک به نقطه اوج خود خواهد رسید. برگزاری نشست کشورهای عضو ناتو، بار دیگر دغدغه اعضای پیمان آتلانتیک شمالی را در قبال کاخ سفید دوچندان کرده است. ترامپ در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا به صورتی صریح ساختار حاکم بر ناتو را منسوخ شده خواند. وی پس از حضور در کاخ سفید نیز بارها از دیگر کشورهای عضو ناتو خواست تا هزینه‌های دفاعی و نظامی خود را در ذیل پیمان آتلانتیک شمالی افزایش داده و آن را به میزان ۲ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهایشان ارتقا دهند. در هر حال، از زمان حضور ترامپ تاکنون، شاهد شکل گیری شکاف‌هایی میان آمریکا و اعضای اروپای ناتو بوده‌ایم. گزارش سی‌ان‌ان در این خصوص از نظراتان می‌گذرد:

مواجهه کاخ سفید با اروپای واحد

خیز ترامپ برای بی ثبات سازی اروپا آغاز شده است

جاش راجین

مترجم: سعید سبحانی

تقابل دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا با اروپای واحد ادامه دارد. پیشنهاد ترامپ به امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه مبنی بر خروج از اتحادیه اروپا، بار دیگر از تلاش های خاص کاخ سفید در مواجهه با اتحادیه اروپا و منطقه یورو پرده برداشته است. طی روزهای اخیر بسیاری از رسانه های آمریکایی و اروپایی، به بررسی و تحلیل رویکرد خاص دولت فعلی آمریکا در قبال قاره سبز پرداخته اند. واشنگتن پست در یادداشتی به قلم جاش راجین، این مواجهه را مورد واکاوی قرار داده است. متن این یادداشت از نظراتان می گذرد.

دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده ماه آینده به منظور شرکت در نشست ناتو به اروپا سفر خواهد کرد و پس از آن راهی ملاقات تاریخی خود با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه خواهد شد. این موضوع (ملاقات با پوتین) در کنار حملات شخصی وی به اتحادیه اروپا و دیگر ستون های غرب، نگرانی زیادی برای مقامات اروپایی ایجاد می کند. در این میان تلاش های کابینه ترامپ به منظور اطمینان خاطر دادن به شرکای ایالات متحده در قاره سبز و تأکید بر روی اعتقاد وی به عنوان رئیس جمهور آمریکا به پروژه های مشترک میان دو سوی آتلانتیک که از سال های ۱۹۴۰ در جریان بوده، فایده ای نداشته است. طی یک جلسه خصوصی در کاخ سفید که در اواخر ماه آوریل و در خصوص تجارت با فرانسه برگزار شد، امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه با سوال بحث برانگیزی روبه رو شد. در این جلسه ترامپ از ماکرون پرسید: «چرا شما اتحادیه اروپا را ترک نمی کنید؟» ترامپ سپس تأکید کرد که در صورت خروج فرانسه از اتحادیه اروپا، وی معاملات تجاری ویژه ای را به فرانسه پیشنهاد خواهد داد که ارزش آن بیش از آن چیزی است که اتحادیه اروپا در کل از مرادودات تجاری خود با ایالات متحده به دست می آورد و در حالی که دو تن از مقامات اروپایی این گفته ترامپ را تصریح نموده اند، کاخ سفید از تأیید یا رد این نقل قول سر باز زده است.

فعلا نمی خواهیم به این نکته بپردازیم که چنین پیشنهادی از سوی ترامپ بیانگر عدم درک صحیح وی از نظرات ماکرون و آن دسته از شهروندان فرانسوی است که وی را به عنوان رئیس جمهور خود برگزیده اند. جدای از این مساله، این رفتار ترامپ نمونه ای از انگیزه حقیقی رئیس جمهور ایالات متحده، مبنی بر تجزیه سازمانی است که متحدان محسوب می شود و این بر خلاف سیاست های رسمی دولت آمریکا می باشد.

واقعیت این است که ترامپ از زمان مبارزات انتخاباتی خود، اتحادیه اروپا و ناتو را نادیده گرفته است اما سرعت و خشونت حملات او در ماه های اخیر افزایش یافته است. ترامپ در این هفته در جمع هواداران خود در داکوتای شمالی گفت: «البته که اتحادیه اروپا، برای استفاده از بانک های ایالات متحده تأسیس شد تا به بانک های پر قدرت ما حمله کند.» او سپس از ۱۵۰ میلیارد دلار کسری

بودجه در تجارت با اتحادیه اروپا شکایت کرد، البته رقم واقعی این مبلغ ۱۰۱ میلیارد دلار است.

همچنین گزارش های رسیده حاکی از آن است که ترامپ، به تازگی به رهبران گروه جی ۷ گفته است که «ناتو نیز همانند نفتا، پیمان بدی محسوب می شود.» وی سپس به نخست وزیر سوئد پیشنهاد خروج از ناتو را داده و حملات بی سابقه ای را نیز به آنگلا مرکل صدراعظم آلمان داشته است. این در حالی است که مرکل اکنون در جایگاه ضعیفی قرار گرفته است، چنان که مشخص است این روند همچنان شدت بیشتری به خود می گیرد و در نهایت تنها به یک نتیجه می انجامد؛ اینکه ترامپ اعتقادی به ادامه بقای اتحادیه اروپا و ناتو ندارد و هیچ تعهدی را برای ایالات متحده نسبت به این دو پیمان قائل نیست.

مدافعان ترامپ اغلب عنوان می کنند که او در این خصوص صرفا به بیان آنچه به ذهنش می رسد اکتفا می کند و اقدام ویژه ای در راستای تحقق سخنان خود صورت نمی دهد. برخی می گویند انگیزه های او عمدتاً سیاسی و داخلی است - یا اینکه او بیش از آنکه دست به عمل بزند، صحبت می کند. بسیاری امیدوارند که مقامات ارشد دیپلماتیک و نظامی رئیس جمهور هنوز بتوانند سیاست های صحیح را اجرا کنند، به متحدان اطمینان خاطر دهند، رفتار ترامپ را مدیریت کنند و هر نوع فاجعه واقعی را سر و سامان دهند. این توجیهات در طول نخستین سال قدرت ترامپ تا حدی قابل درک بود و متحدان اروپایی آمریکا نیز نسبتاً مطمئن بودند. اما در طول سال دوم خود، تاکنون، ترامپ سعی در سست نمودن ریشه محدودیت های قبلی داشته است. تیم جدید امنیت ملی او تنها می تواند تلاش کند تا ترس ها را در این خصوص از بین ببرد و تلاش کند تا با اتخاذ یک استراتژی مسئولانه، شعار ترامپ یعنی «آمریکا در وهله اول قرار دارد» را با یک استراتژی مسئولانه همراه سازد.

مایک پمپو، وزیر امور خارجه آمریکا در مصاحبه ای که ماه گذشته انجام شد، اعلام کرد که رئیس جمهور به دنبال «تنظیم مجدد» نظم جهانی یا تجزیه آن نیست، بلکه او مترصد است تا از طریق تخریب، متحدان ایالات متحده را مجبور سازد تا با اصلاحاتی که به سود منافع آمریکاست، موافقت کنند. معاون وزیر امور خارجه، وس میچل ماه گذشته در بروکسل، سخنرانی ترامپ را «نوسازی

استراتژیک» نامید. آقای میچل استدلال کرد که مقابله با اختلاف نظرها مانند سرنوشت تجارت می تواند اتحاد را برای رقابت استراتژیک با روسیه و چین به جلو ببرد.

اما این تلاش ها برای اطمینان خاطر بخشیدن به اروپا ناموفق بوده است. مقامات اروپایی دیگر اعتقاد ندارند که سخنان ترامپ را می توان همچنان ساده انگاشت و از کنار آن عبور کرد. آنها دیگر ایجاد شکاف در اتحادیه اروپا را اقدامی روتین یا موقت نمی بینند. آنها دیگر باور ندارند که می توان رابطه تخریب شده میان دو سوی آتلانتیک را با وجود حضور ترامپ بازسازی کرد. برای کشورهای اروپایی دیگر هیچ گزینه ای نمانده است مگر جست و جو برای یافتن جایگزینی برای ایالات متحده به منظور در دست گرفتن رهبری.

تونی بلر، نخست وزیر سابق بریتانیا تأکید کرد: «اگر امروز به جهان نگاه کنید، متوجه می شوید که برای نخستین بار طی چندین قرن، موضع غرب مورد منازعه قرار گرفته است و اگر اتحاد غرب از هم پاشد، دیگر به خوبی قادر نخواهد بود در برابر این چالش ایستادگی کند. به همین دلیل بسیار کمتر قادر به کنار گذاشتن این چالش خواهد بود.» اگر اروپا احساس کند که ایالات متحده واقعا متحد آن نیست، این خطر وجود دارد که کشورهای اروپایی به صورت جداگانه به دیگر نیروهای ژئوپلیتیکی گرایش پیدا کنند، و این امر برای آمریکا بد است.

مشخص است که نظرات آقای ترامپ، بسیار با عقاید پوتین همخوانی دارد، از جمله در خصوص وضعیت کریمه، کمک به اوکراین و دخالت روسیه در انتخابات ایالات متحده. به طور کلی، حمله ترامپ به اتحادیه اروپا و رابطه ایالات متحده و اروپا، یک نقطه قوت بزرگ و استراتژیک برای روسیه محسوب می شود. بنا به گفته جو بایدن، معاون اسبق رئیس جمهور ایالات متحده، وجود یک اروپای متحد بر خلاف منافع افرادی مانند پوتین می باشد.

ایالات متحده و اروپا پیشتر نیز اختلاف نظر داشته اند. این امکان وجود دارد که این منازعه نیز نهایتاً حل و فصل شده و خاتمه یابد. با این وجود باید توجه داشت که ترامپ آسیب های عظیم و غیر ضروری به بار می آورد. اقدامات عمدی و فریبکارانه او برای تضعیف اتحادیه اروپا، ناتو و رابطه ایالات متحده با هر دو را دیگر نمی توان نادیده انگاشت یا توجیه نمود، بلکه این اقدامات از سوی شخص رئیس جمهور آمریکا به واقع تلاش هایی بی سابقه به منظور از بین بردن زیرساخت های استراتژیک است که آمریکا و اروپا هر دو، بیش از هر زمان دیگری به آنها نیاز دارند.

The Washington Post





استراتژی پنهان

رمزگشایی از پیشنهاد اخیر کاخ سفید به ماکرون

روزنامه واشنگتن پست در تازه‌ترین شماره خود، از پیشنهاد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا به دولت فرانسه مبنی بر خروج پاریس از اتحادیه اروپا پرده برداشته است. به نظر می‌رسد این پیشنهاد در جریان سفر اخیر امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه به واشنگتن ارائه شده باشد. ترامپ به ماکرون پیشنهاد کرده است که در صورت خروج فرانسه از اتحادیه اروپا، آمریکا می‌تواند توافق تجاری دوجانبه بهتری را با فرانسه داشته باشد. در این خصوص نکاتی وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد.

نخست اینکه ترامپ در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا، مخالفت خود را با «موجودیت اروپایی واحد» بیان کرده بود. حمایت خاص ترامپ از پدیده‌هایی مانند برگزیت و فراتر از آن، حمایت وی از گروه‌های ملی‌گرا و راست افراطی در کشورهای اروپایی، بیانگر تقابل تمام‌عیار رئیس‌جمهور آمریکا با اتحادیه اروپا و منطقه یورو بود. شواهد و مستندات موجود نشان می‌دهد که روابط ترامپ و گروه‌های ملی‌گرا و مخالفان موجودیت اروپایی واحد همچنان به قوت خود باقی است. بنابراین منازعه و تقابل کاخ سفید با اروپایی واحد، نوعی تقابل ماهوی و زیربنایی است؛ تقابلی که تا زمان فروپاشی اروپایی واحد یا خروج کامل ترامپ از کاخ سفید ادامه خواهد داشت.

نکته دوم اینکه مصالحه سران اروپایی با دونالد ترامپ و سیاست‌های ایالات متحده آمریکا، نه تنها تاثیری در کلیت تقابل رئیس‌جمهور آمریکا با موجودیت اروپایی واحد نداشته، بلکه ترامپ را در این خصوص وقیح‌تر کرده است. پیشنهاد اخیر رئیس‌جمهور آمریکا به

برآید، تحرکات پنهان و آشکار کاخ سفید علیه موجودیت اروپایی واحد تشدید خواهد شد. در این میان، امکان دارد مقامات اروپایی زمانی متوجه عمق فاجعه شوند که دیگر نماد و نشانه‌ای از اروپایی متحد باقی نمانده باشد. سران اروپایی هم اکنون دریافته‌اند که «مصالحه با ترامپ» دیگر نمی‌تواند به مثابه نسخه‌ای شفا بخش در مناسبات دو سوی آتلانتیک مورد توجه قرار گیرد اما همچنان با عینکی ایده‌آل‌گرایانه مناسبات جاری در نظام بین‌الملل، مخصوصاً مناسبات خود و آمریکا را مورد رصد و تحلیل قرار می‌دهند. بدون شک، استمرار این خطای محاسباتی و راهبردی در سیاست خارجی اتحادیه اروپا هزینه‌های جبران‌ناپذیری را برای این مجموعه و منطقه یورو در بر خواهد داشت.

بدیهی است که از زمان تشکیل اتحادیه اروپا و منطقه یورو، خروج کشورهای اروپایی از این مجموعه و بازگشت به دوران قبل از شکل‌گیری اروپایی واحد، خط قرمز مقامات قاره سبز محسوب می‌شد؛ خط قرمزی که هنوز در معادلات اتحادیه اروپا پررنگ است. با این حال ترامپ عملاً کشورهای اروپایی را نسبت به خروج از اروپایی واحد تشویق می‌کند. حمایت رئیس‌جمهور جنجالی و جدید ایالات متحده آمریکا از گروه‌های راست‌گرا و ملی‌گرا در اتحادیه اروپا بیانگر همین نکته است. بی‌دلیل نیست که افرادی مانند مارین لوپن، رهبر جبهه ملی فرانسه جهت حضور در قدرت حساب ویژه‌ای روی حمایت‌های دونالد ترامپ باز کرده‌اند.

نکته بعدی اینکه اروپایی واحد هم‌اکنون در بحران قرار دارد. بحران‌های اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و سیاسی طی سال‌های اخیر به صورت هم‌زمان در قاره سبز پررنگ‌تر شده است. همین مسئله بر ضریب آسیب‌پذیری بیرونی اتحادیه اروپا افزوده است.

در چنین شرایطی شاید اتحادیه اروپا از استحکام لازم برای مقابله با تحریک‌های صورت گرفته از سوی ترامپ روبه‌رو نباشد. رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در صدد است از طریق ترغیب افکار عمومی اروپا نسبت به ملی‌گرایی، اروپا را به دوران قبل از شکل‌گیری اتحادیه اروپا بازگرداند و از این طریق بتواند قدرت مانور اروپا در نظام بین‌الملل و ناتو را محدود کند. این رویکرد ترامپ برای اروپایی واحد بسیار خطرناک است. اقبال برخی شهروندان اروپایی نسبت به جریان‌های ملی‌گرا و راست افراطی نیز این روند را تقویت کرده است.

نکته بعدی به حمایت ترامپ نسبت به برگزیت بازمی‌گردد. وی در دوران برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته میلادی، بارها حمایت خود را از خروج انگلیس از اتحادیه اروپا اعلام کرد. ترامپ به خوبی می‌دانست که خروج انگلیس، اولین و آخرین خروج از اتحادیه اروپا نخواهد بود. وی هم‌اکنون نمی‌تواند ذوق‌زدگی خود را از تحولات اخیر در اروپا کتمان نماید. رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در صدد است زمینه خروج دیگر اعضای اتحادیه اروپا را از این مجموعه فراهم آورد.

نکته جالب توجه اینکه ترامپ این موضوع را در قالب یک «استراتژی پنهان» پیگیری نمی‌کند و صراحتاً آن را در مقابل رسانه‌ها و افکار عمومی اعلام می‌کند. این موضوع نشان‌دهنده تقابل جدی واشنگتن و اتحادیه اروپا در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ است. از این رو تعبیر رئیس‌کنفرانس امنیتی مونیخ در خصوص اعلام جنگ آمریکا به بروکسل (اتحادیه اروپا) تعبیری عینی و صحیح محسوب می‌شود. این تقابل، نه تنها طی ماه‌های آتی متوقف نمی‌شود، بلکه با نزدیک‌تر شدن به زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری فرانسه شاهد تشدید آن خواهیم بود.

امانوئل ماکرون در همین راستا قابل تجزیه و تحلیل است. اروپا تحت تاثیر رویکرد مصالحه‌گرایانه سیاستمدارانی مانند ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس و امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و حتی آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، هنوز از ظرفیت‌های خود برای مقابله با رفتارها و اقدامات دولت ترامپ استفاده نکرده است. کار به جایی رسیده که نخست‌وزیر انگلیس از دیگر کشورهای اروپایی خواهش کرده است که در مقابل وضع تعرفه‌های گمرکی بر فولاد و آلومینیوم اروپا سکوت کرده و اقدام متقابلی در برابر واشنگتن صورت ندهند.

نکته سوم اینکه نقش سلبی کشورهای اروپایی در قبال پرونده برجام غیرقابل انکار است. تروئیکای اروپایی در ابتدا با بازی مستقیم خود در زمین ایالات متحده آمریکا و پذیرش خواسته‌های چهارگانه ترامپ مبنی بر گتجاندن موضوع توان دفاعی و موشکی ایران در برجام، بازرسی از اماکن نظامی و حذف بندهای موسوم به غروب آفتاب (Sunset) و تحدید توان منطقه‌ای ایران، دچار بدترین خطای ممکن شدند. پس از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام نیز کشورهای اروپایی همچنان از به کارگیری تمامی توان و ظرفیت خود در تقابل با سیاست‌های ضدبرجامی ترامپ استنکاف می‌کنند.

بی‌دلیل نیست که مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا از رایزنی‌های مستمر و پشت پرده کاخ سفید با وزرای امور خارجه سه کشور اروپایی بر سر توافق هسته‌ای با ایران خبر داده است. بدون شک، تا زمانی که اتحادیه اروپا تقابل تمام‌عیار و کامل خود را با دولت ترامپ آغاز نکند و صرفاً در صدد مدیریت و مهار مقطعی رفتارهای رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا

چانه‌زنی با تهران

آیا پوتین در سوریه پشت ایران را خالی خواهد کرد؟

جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل خاورمیانه



در شرایطی که تحولات و بحران‌های منطقه‌ای روند پرشتابی به خود گرفته است قرار است پوتین و ترامپ، دو تن از رهبران موثر در تحولات جهان دیداری با یکدیگر داشته باشند. این در شرایطی است که اختلافات میان مسکو و واشنگتن همچنان پابرجاست اما طبق برخی اخبار انتشار یافته قرار است طی این دیدار طرفین درباره مسأله سوریه و حضور ایران در این کشور رایزنی‌هایی داشته باشند. همچنان که جان بولتون، مشاور امنیت ملی آمریکا ضمن اشاره به دیدار قریب‌الوقوع روسای جمهور آمریکا و روسیه گفت که این دیدار با محوریت آینده سوریه و پیشنهاد به مسکو برای کمک به خروج ایران از سوریه خواهد بود.

البته این اولین بار نیست که آمریکایی‌ها موضوع مذاکره با روسیه را در خصوص خروج ایران از سوریه مطرح کرده‌اند؛ چرا که بارها و بارها در نشست‌های مختلف و تحت عناوین متعدد از سوی واشنگتن بر ضرورت خروج نیروهای ایران از سوریه تأکید و پافشاری شده است.

از سوی دیگر مقامات اسرائیلی نیز طی ۶ سال گذشته در هر سفری که به روسیه داشته‌اند، با پیش کشیدن این موضوع و طرح و عده‌های مختلف تلاش داشته‌اند تا دولت سوریه را نسبت به خروج نیروهای ایران متقاعد کنند. جالب آنکه در رابطه با خروج نیروهای ایران از سوریه در صحنه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای نیز بارها خبرهای مختلفی درباره زدن مقامات مسکو با مقامات اسرائیلی یا مقامات آمریکایی منتشر شده و حتی در بخشی از افکار عمومی این تصور غلط ایجاد شده که دولت مسکو یا دولت

دمشق به همه تعهدات خودشان با ایران پشت پا زده و در مسیر شکستن پیمان‌های خود با ایران گام برمی‌دارند. ولیکن در عرصه عمل و حتی در تازه‌ترین مورد، شخص بشار اسد و همچنین دولت سوریه بر پابندی خود به تعهدات‌شان در خصوص ایران تأکید کرده و همه وعده‌ها و فشارهای دولت‌های غربی و اسرائیل را نادیده گرفته‌اند. آنچه مسلم است طرح دوباره این موضوع بیانگر بسیاری از مسائل مهم و راهبردی در عرصه منطقه و بیانگر ضعف و ناتوانی واشنگتن در پیشبرد مقاصد خود به خصوص مقاصد مرتبط با رژیم صهیونیستی است. در واقع آنچه از زبان جان بولتون بیان شده همان موضوعاتی است که مقامات رژیم صهیونیستی نیز به عنوانین مختلف طی دو هفته اخیر بدان اشاره کرده و جان بولتون را که از جمله عناصر نزدیک به محافل صهیونیستی محسوب می‌شود به طرح چنین موضوعی واداشته‌اند.

همچنین طرح این موضوع از یک طرف به معنی اعتراف به نگرانی اسرائیل از تغییر معادلات منطقه‌ای به نفع سوریه و از سوی دیگر بیانگر شکست همه تلاش‌های قبلی برای بیرون راندن ایران از سوریه است. از جنبه دیگر این سخن از لحاظ راهبردی نشان‌دهنده این نکته بسیار مهم است که مقامات آمریکایی نیز به تأثیرگذاری کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت اعمال تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران برای کاهش نقش منطقه‌ای هیچ آمیدی ندارند و به طور غیرمستقیم وارد صحنه چانه‌زنی با تهران با هدف برداشتن تحریم‌های اقتصادی در ازای خروج نیروهای ایران از سوریه هستند و در همین ارتباط به دولت مسکو به عنوان یک میانجی می‌نگرند.

باید توجه داشت که صحبت‌های جان بولتون درباره نقش مسکو در خروج ایران از سوریه، بیان یک آرزوی دست‌نیافتنی است که ناتوانی آمریکا در اجرای

راهبردی‌ترین سیاست منطقه‌ای‌اش یعنی حفظ امنیت اسرائیل را منعکس می‌کند و از منظر دیگر از نگرانی‌ها و دغدغه‌های اسرائیل پرده برمی‌دارد.

این در حالی است که از وضعیت کنونی تا تن دادن مسکو به خواسته‌های آمریکا فاصله زیادی وجود دارد چرا که مسکو نه تنها در قضایای مربوط به سوریه، بلکه در قضایای مختلفی از جمله ماجرای اوکراین و از آن مهم‌تر تحریم‌های اقتصادی همه‌جانبه از سوی غرب روبه‌روست. مضافاً اینکه، از یک سو موضوع سوریه به عنوان یک موضوع استراتژیک و بسیار مهم در سیاست‌های منطقه روسیه مطرح است و از سوی دیگر موضوع روابط ایران و سوریه موضوعی نیست که مسکو در خصوص آن تام‌الاختیار بوده یا اینکه توانایی تغییر آن را در شرایط کنونی داشته باشد.

همان‌گونه که اشاره شد شخص بشار اسد در تازه‌ترین مصاحبه تلویزیونی‌اش بر ضرورت حفظ پیمان دفاعی ایران یا سوریه تأکید و همزمان بر ضرورت خروج نیروهای آمریکایی و نیروهای دیگر کشورهای غربی نیز پافشاری کرده است. جالب آنکه در مصاحبه اخیر نه تنها مداخله کشورهای غربی در سوریه را اقدامی بر خلاف موازین بین‌المللی دانسته، بلکه بر عدم پذیرش هرگونه کمک‌های اقتصادی آنها برای بازسازی زیرساخت‌های سوریه تأکید ورزیده است. این در حالی است که ارتش سوریه همچنان مصمم و پرتلاش در عرصه مبارزه با گروهک‌های تروریستی در جنوب سوریه گام برمی‌دارد و مناطقی که آمریکایی‌ها امیدوار بودند از طریق آن به اجرای عملیاتی علیه اسرائیل مبادرت کنند در حال آزادسازی هستند. براساس نقشه‌های عملیاتی موجود ارتش سوریه به تدریج با پاکسازی مناطق جدید به سمت منطقه اشغالی جولان پیش می‌رود و با فراهم کردن زمینه‌های خروج بقایای داعش و جبهه النصره که در مناطق مرزی فلسطین اشغالی قرار دارند خود را برای آزادسازی منطقه اشغالی جولان آماده می‌کند و این همان چیزی است که سرکردگان رژیم صهیونیستی را به ناشکیبایی واداشته و به صورت غیرمستقیم جان بولتون را به طرح مسأله درباره توافق مسکو و واشنگتن برای خروج ایران از سوریه سوق داده است.



حاکمیت یگانه

نامه حاج قاسم سلیمانی به حسن روحانی را باید چگونه تحلیل کرد و نشانه چه دانست؟



مردم نسبت به اصلاح طلبان بی اعتماد شدند

گفت‌وگو با علی صوفی

خصلت کودتایی غرب

چرا خشن‌ترین رفتار غرب نصیب دولت‌های همسو می‌شود؟



حاکمیت یگانه

نامه حاج قاسم سلیمانی به حسن روحانی را باید چگونه تحلیل کرد و نشانه چه دانست؟

همه چیز تغییر کرده است؛ غروب چهارشنبه ای که حسن روحانی آن سخنان غیرمنتظره مطرح کرده به خوبی می شد پیش بینی کرد که آرایش سیاسی دستخوش تغییرات خواهد شد.

نشانه ها پیدا شده و یک به یک در حال خودنمایی است. اصلاح طلبان حالا رک و صریح مقابل حسن روحانی ایستاده اند. حتی بحث عدم کفایت را نیز پیش کشیده اند. نامه نوشته اند و رخ به رخ روحانی شده اند. تحلیل ماجرای رخ داده می تواند این باشد که بعد از خروج ترامپ از برجام اصلاح طلبان بنا داشتند یک دوقطبی درون کشور درست کنند. سقف این دوقطبی استعفای روحانی و و کف آن ایستادن روحانی مقابل نظام بود. باید این ماجرا را با دقت بیشتری نگاه کرد.

سخنان روحانی غروب چهارشنبه حاکی از خنثی کردن این پروژه بود. مساله ما این است که پاسخ سردار سلیمانی به این سخنان به صورت کامل این نسخه اصلاح طلبان را ناکام کرده است.

قاسم سلیمانی در نامه ای به حسن روحانی نوشته است: «آنچه از فرمایشات حضرتعالی در رسانه ها منعکس شد، مبنی بر اینکه اگر نفت جمهوری اسلامی ایران صادر نشود، تضمینی برای صدور نفت کل منطقه نمی باشد و بیانات بسیار ارزشمندی که در موضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی فرمودید، مایه مباهات و افتخار است.

حقیر به عنوان سرباز ولایت و این ملت سرفراز و با همه جان به حضور جنابعالی عرض می کنم: این همان دکتر روحانی است که ما شناخت داشتیم و داریم و می بایست باشد. شما با سخنان حکیمانه ارزشمند و قدرتمندانه خودتان رهبر عزیز، ملت بزرگوار ایران اسلامی و مسلمانان جهان را سرفراز نمودید.

دست شما را برای ایراد این سخنان به موقع، حکیمانه و صحیح می بوسم و برای هر سیاستی که مصلحت نظام اسلامی باشد در خدمت هستیم.»

بازی جدید

اصلاح طلبان که می گویند ریاست جمهوری روحانی مدیون حمایت آنهاست، بعد از گلایه و تخریب، طرح عدم کفایت سیاسی روحانی را نیز امضا کرده اند تا زمین بازی ۱۴۰۰ را برای خویش فراهم کنند. به گزارش مشرق، کسی تردید ندارد که حجت الاسلام حسن روحانی بدون حمایت اصلاح طلبان و برخی شخصیت های مطرح آنان از جمله مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی که گفته بود رأی روحانی ۳ درصد بود و با حمایت او به ۵۰ درصد رسید، نمی توانست سال ۹۲ به صندلی رئیس جمهوری در ساختمان تکیه بزند؛ حمایتی که به صورت جریان و تشکیلاتی انجام و نهایت از حسن روحانی به عنوان گزینه نهایی حمایت شد و اما بعد از پیروزی روحانی در انتخابات ریاست جمهوری، اصلاح طلبان ریاست جمهوری روحانی را مدیون او دانسته و تصریح کردند که روحانی با حمایت آنها رئیس جمهور شده است و البته بعد از گذشت یک سال از تشکیل دولت، اصلاح طلبان و روشن شدن عملکرد دولت در حوزه های مختلف از جمله مباحث اقتصادی، اصلاح طلبان از حمایت صددردی به عقب نشست و به انتقاد از عملکرد روحانی

روی آوردند تا عملکرد دولت به پای آنها نوشته نشود و حتی برخی سران اصلاح طلب رسماً گفتند که حمایت شان از روحانی از روی اجبار بوده و او گزینه ای ایده ای برای اصلاح طلبان نبوده است. همین اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری ۹۶، مجدد حمایت از روحانی را ترجیح داده و از وی به عنوان گزینه نهایی خود حمایت کردند؛ بعد از تشکیل دولت دوازدهم انتقادهای اصلاح طلبان از روحانی شروع شد و بخش قابل توجهی از اصلاح طلبان، اعضای کابینه روحانی را نا کارآمد توصیف کردند. انتقاد از روحانی تا جایی علنی شد که مصطفی کواکبیان گفت که خجالت می کشد که بگوید در انتخابات از روحانی حمایت کرده است یا محمدعلی ابطی، رئیس دفتر رئیس دولت اصلاحات خطاب به روحانی گفت که دولتش گنگ، لال و وزرای سوپر محافظه کار است؛ برخی اصلاح طلبان نیز در نامه های پی در پی به بهانه های مختلف خواستار ترمیم کابینه برای بهبود عملکرد اقتصادی دولت روحانی شدند و البته جمعی دیگر در نامه علنی، تصریح کردند که به دلیل عملکرد ضعیف دولت حال حامیان روحانی خوب نیست و اما این نگرانی که عملکرد روحانی به پایگاه اجتماعی اصلاح طلبان در ۱۴۰۰ ضربه خواهد زد، مسئله ای بود که موجب نگرانی بخشی از جریان اصلاحات شد گرفت و از همین رو برخی تئوری پردازان اصلاح طلب اعم از عباس عیدی، سعید جباریان یا محمدرضا تاجیک در سخنرانی ها و مصاحبه های خود تصریح کردند که مسئولیت دولت روحانی با اصلاح طلبان نیست؛ اظهاراتی که با واکنش امثال صادق زیبا کلام همراه شد، زیبا کلام در پاسخ به کسانی که می گویند اصلاح طلبان مسئول عملکرد روحانی نیستند، گفت: «برخی اصلاح طلبان یک چنین نگاهی دارند به قول تهرانی های قدیم «خر را یک وَر سوارند» تا هر جا ببینند به مشکل برمی خورند بلافاصله پایین بپرند.» و اما با گذشت زمان و تشدید فشار اقتصادی به مردم، اصلاح طلبان در حال علنی تر کردن فاصله خود با روحانی هستند و سعی دارند از مسئولیت حمایت از روحانی شانه خالی کنند و از همین رو، جلال محمودزاده، عضو فراکسیون امید از طرح عدم کفایت سیاسی حسن روحانی توسط اصلاح طلبان خبر داده است؛ طرحی که به گفته سخنگوی فراکسیون امید هنوز در فراکسیون متبوع او بررسی یا تایید نشده اما سند و تصویر طرح عدم کفایت سیاسی حسن روحانی توسط اصلاح طلبان در رسانه ها منتشر شده است و این قابل انکار نیست. حال باید دید که اصلاح طلبان با طرح عدم کفایت سیاسی حسن روحانی دنبال چه برنامه ای هستند؟ می خواهند زمین بازی را برای ۱۴۰۰ فراهم کنند؟ یا فرار به جلو از حمایت خود عقب نشینی کنند یا اینکه طمع دیگری دارند.

واکنش سلیمی نمین به طرح عدم کفایت روحانی

یک تحلیلگر مسائل سیاسی با بیان اینکه برخی گروه های اصلاح طلب در تلاشند با انتقاد از دولت مسیر خود را از رئیس جمهور جدا کنند، گفت: «طرح عدم کفایت رئیس جمهور فرصت طلبی سیاسی است.» عباس سلیمی نمین، تحلیلگر مسائل سیاسی با اشاره به طرح عدم کفایت رئیس جمهور که از سوی تعدادی از اصلاح طلبان مطرح شده است، اظهار کرد: طرح عدم

کفایت رئیس جمهور از سوی برخی اصلاح طلبان که در انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ اصلی ترین حامی روحانی بودند، فرصت طلبی سیاسی است. وی افزود: «تلقی برخی گروه های اصلاح طلب که تنها به قدرت می اندیشند، این است که کارنامه دولت دوازدهم به سمتی سوق پیدا می کند که پیوند خوردن با آن می تواند شرایط این گروه ها برای موفقیت در انتخابات آتی مجلس و ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ را دشوار کند؛ لذا به دنبال این هستند با انتقاد از دولت دوازدهم، مسیر خود را از رئیس جمهور و دولتش جدا کنند.» سلیمی نمین با بیان اینکه برای این گروه از اصلاح طلبان منافع ملی معنایی ندارد و هدف نهایی آنها ماندن در قدرت است، تصریح کرد: «هر فردی که تعلق خاطر به ایران دارد، وقتی می بیند کشور تحت فشار قدرت هایی است که به هیچ اصول انسانی، سیاسی و قواعد بین المللی پایبند نیستند، طبعاً به این نتیجه می رسد که باید برای غلبه بر این قدرت های زورگو، اتحاد ملی را در داخل کشور مستحکم کند.» این تحلیلگر مسائل سیاسی با اشاره به لزوم ترمیم کابینه گفت: «اگر ما با دشمنی های فوق العاده آمریکانیز مواجه نبودیم، باید برای برطرف کردن ضعف های تیم اقتصادی دولت اقدامی جدی صورت می دادیم.» وی با بیان اینکه تغییراتی که در دولت دوم آقای روحانی صورت گرفت وضعیت اقتصادی را به سوی ضعیف تر شدن پیش برد، تصریح کرد: «واگذاری سکانداری اقتصاد کشور به فردی که از گمرکات کشور آمده و کنار گذاشتن شخصیتی برجسته و کارشناس اقتصادی از وزارت اقتصاد و دارای اقدام بسیار نادرستی بود. آقای طیب نیا چه از نظر شخصیتی و چه از نظر مدیریتی قابل مقایسه با آقای کرباسیان نیست و ترجیح دادن وی به آقای طیب نیا یک کج سلیقگی بارز بود.» سلیمی نمین با انتقاد از عملکرد وزیر صنعت گفت: «متأسفانه آقای شریعتمداری در این یک سال بیشتر اسیر معاونانش بوده و توانمندی اداره وزارتخانه مهمی چون وزارت صنعت، معدن و تجارت را ندارد. بنابراین تغییرات در این وزارتخانه نیز به طور جدی حس می شود.» این تحلیلگر مسائل سیاسی با اشاره به تحقیقاتی که در تشکل مردم نهاد دیده بان شفافیت و عدالت به منظور یافتن سرنشانه های فساد اقتصادی در کشور صورت گرفته، گفت: «آقای دکتر توکلی که ریاست این تشکل مردم نهاد را برعهده دارد، در نشست خبری اخیرش با اصحاب رسانه، رئیس بانک مرکزی در دولت سابق و رئیس کنونی بانک مرکزی و برخی از معاونین او را متهم به دست داشتن در تخطفات موسسات مالی و اعتباری کرده و علیه آنها به قوه قضائیه اعلام جرم کرده بود.» وی افزود: «اگر از این اعلام جرم تا زمان اثبات آن موقتاً صرف نظر کنیم، با این حال شواهد امر نشان می دهد که قطعا در این زمینه کتاهی های جدی صورت گرفته، لذا لازم است رئیس جمهور هرچه سریع تر تغییرات اساسی را در راس مدیریت بانک مرکزی اعمال کند.»

در اظهارنظری دیگر یک عضو فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس گفت: «طرح عدم کفایت رئیس جمهور نشان دهنده این است که اصلاح طلبان اولویتی برای حل مسائل کشور ندارند.» احمد سالک، عضو فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس شورای اسلامی با اشاره به طرح عدم کفایت رئیس جمهور که از سوی تعدادی از اصلاح طلبان مطرح شده است، گفت: «شرایط فعلی کشور ایجاب می کند که یک وحدت و انسجام محکمی بین سران قوا و بدنه قوا صورت گیرد و طرح عدم کفایت رئیس جمهور به مصلحت کشور نیست.» وی با بیان اینکه انتقادات بسیاری به عملکرد دولت درباره مشکلات ایجاد شده در حوزه معیشتی و اقتصادی مردم وجود دارد، اظهار کرد: نباید مشکلات موجود در حوزه اقتصادی

به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان راه خود را از حسن روحانی جدا کردند و البته مهم‌تر از آن اینکه آنها نتوانسته‌اند دو پروژه اساسی خود را در مورد توقف دولت روحانی با استفاده از استعفا و عدم کفایت و پروژه دیگر یعنی دوقطبی‌سازی میان روحانی و حاکمیت پیش ببرند، حالا دوره، دوره روحانی جدید است

چهار سناریو پیش روی دولت روحانی قرار خواهند داد. اولین آنها پیشنهاد استعفاست؛ یعنی روحانی را به استعفا دلاله کنند. «وی باز هم در راستای سیاست رقیب‌هراسی دوقطبی قدیمی سرهنگ و حقوقدان را مطرح کرد و گفت: «اگر کار به جایی برسد که کلیه مراودات حقوقی با غرب بسته شود، طبعاً نظام برای پیشگیری از درگیری نظامی به سمت سرهنگ‌ها خواهد رفت.» حجابیان می‌خواهد جناح راست را عامل اجرایی نشدن وعده‌های دولت آقای روحانی معرفی کند اما این روش هائیک‌نما شده است. پس از این اظهارات حجابیان، صحبت درباره استعفا حسن روحانی در جریان اصلاحات به طور فزاینده و عجیبی رشد کرد و داغ شد.

سیدحسین موسویان رک و صریح در این مورد سخن گفت و خواستار استعفا روحانی شد. صادق زیباکلام، فعال سیاسی اصلاح‌طلب هم در این باره گفت: «آقای روحانی از ریاست جمهوری استعفا بدهد یا استعفا ندهد، به اصلاح‌طلبان نزدیک شود یا نشود، همچنان بر خط اعتدال باقی بماند یا نماند، فرقی نمی‌کند چون دیگر حرفی برای گفتن ندارد.» عبدالله ناصری، عضو شورای مشورتی رئیس دولت اصلاحات گفت: «ظرفیت سیاسی آقای روحانی بیشتر از آن است که استعفا دهد.» علی جنتی، وزیر اسبق ارشاد نیز در این باره با تکرار ادعای حجابیان گفت: «روحانی اهل استعفا نیست. رئیس جمهوری نظامی رویای برخی جریان‌ها است.» پس از این بحث‌ها روزنامه اعتماد، موضوع استعفا روحانی و دولتش را به اصولگرایان نسبت داد. و این در حالی است که سیدحسین موسویان، دیپلمات طرفدار دولت، نسبت به ادامه وضعیت کنونی در صحنه سیاسی جاری هشدار داده و از مقامات جمهوری اسلامی خواسته

را با طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور خلاصه کرد، زیرا این طرح راه حل مشکلات اقتصادی نیست. عضو کمیسیون فرهنگی مجلس اضافه کرد: «مانتقادر از دولت بجاست اما این انتقادهای نباید موجب شود که انسجام داخلی خدشه‌دار شود، زیرا در شرایط تحریمی اوضاع سخت‌تر می‌شود و نیازمند اتحاد و یکپارچگی بیشتری بین قوا هستیم.» حجت‌الاسلام سالک ضمن مخالفت با طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور، گفت: «پیش‌تر نیز طرح استیضاح یا عدم کفایت رئیس‌جمهور در مجلس مطرح شده بود، اما برخی آقایان در مجلس این تلاش را ناکام گذاشتند، زیرا همه حامی دولت بودند، اما حالا نمی‌دانم چه شده که طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور را مطرح کرده‌اند؟» وی شرایط زمانی و مکانی برای طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور را فاقد کارایی دانست و اظهار کرد: «طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور که از سوی اصلاح‌طلبان مطرح شده، نوعی فرار به جلوس و نکته مهم این است که باید وضعیت موجود کشور را بشناسند و ببینند که اولویت‌های مهم چیست و آنها را در صدر امور و رسیدگی‌ها قرار دهند. طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور نشان‌دهنده این است که اصلاح‌طلبان اولویت‌شناسی برای حل مسائل کشور ندارند.»

چه کسانی ساز استعفا را کوک کردند؟

اصلاح‌طلبان در حالی سوژه استعفا رئیس‌جمهور را داغ می‌کنند که پیش‌تر سعید حجابیان به سناریو چینی این موضوع پرداخته بود. باز هم شاهد تحرکات مشکوک از سوی اصلاح‌طلبان در زمانی که دولت در مدیریت بحران دچار مشکلاتی شده است، هستیم. استیضاح رئیس‌جمهور در قانون اساسی توسط مجلس در صورت عدم کفایت پیش‌بینی شده اما به نظر می‌رسد که اصلاح‌طلبان بسیار مشتاق استعفا روحانی هستند و آن را با حرف در دهان دیگری گذاشتن به رقیب سیاسی نسبت می‌دهند. نکته مشکوک درباره موضوع استعفا، استیضاح یا عدم کفایت رئیس‌جمهور این است که اصلاح‌طلبان اگر مخالف این امر هستند چرا به طور گسترده درباره آن حرف می‌زنند؟!

در همین زمینه بود که چندی پیش «سعید حجابیان»، تنورپسین جریان اصلاحات با سناریوسازی درباره پیش‌بینی تشدید مشکلات کشور گفت: «در صورتی که وضعیت گفته شده تشدید شود، راست‌ها

است برای خروج از بن‌بست به «استعفا روحانی» و برگزاری انتخابات زودرس» تن دهند. برخی از کارشناسان سیاسی مطرح می‌کنند که این اخبار بسیار مشکوک است. این رابطه مطرح می‌شود اینکه برخی حامیان و نزدیکان روحانی به جای ارائه راهکار برای حل مشکلات، مساله استعفا و کنار رفتن دولت را مطرح کرده‌اند، بسیار مشکوک است. کیهان در واکنش به پیشنهاد سیدحسین موسویان درباره استعفا روحانی نوشت: «چه استعفا؟! اگر گفته شود برای کارآمدی، عمرو یا زید دولت جابه‌جا شوند حرف معقولی است، درست مانند یک تیم ورزشی؛ اما مگر وسط مسابقه و دست‌وپنجه نرم کردن با حریف می‌شود تیم را یکجا کنار گذاشت و فی الفور تیم جدیدی جایگزین کرد؟! این روزنامه افزود: «این آدرس مشکوک، چاره‌جویی است یا بهانه‌تراشی برای سرگرمی غفلت‌آفرین جدید؟ بازنگری و اصلاح مسیر گذشته با رویکرد اعتماد و اتکا به ظرفیت‌های بزرگ داخلی و در جهت عملی کردن وعده رونق و گشایش اقتصادی، برعهده دولتمردان است.» اصلاحات در صحنه‌آرایی سیاسی سعی دارد که مساله استعفا را به طور مشکوکی زنده نگه دارد هر چند که با سیاه‌نمایی آن را به رقیب نسبت می‌دهد اما با نگاهی به صحبت‌های حجابیان به خوبی می‌توان دریافت که ریشه این بحث‌ها از کجا شکل گرفته است و اصلاح‌طلبان چه جنگ روانی را عملیاتی می‌کنند. دو کلیدواژه استعفا روحانی و استقرار دولت نظامی که حجابیان آن را سناریوسازی کرد در صحبت‌های اصلاح‌طلبان به خوبی به چشم می‌خورد که عقبه طرح مشکوک این بحث را آشکارا نشان می‌دهد. یادآور می‌شود علی شکوری‌راد، از اعضای حزب منجمله مشارکت که حزب اتحاد ملت را اداره می‌کند در همایش احزاب و برخلاف مواضع روزهای اخیر رئیس‌جمهور، مدعی شد: «بعید می‌دانیم الان و در بحران فعلی کاری از دست شخص آقای روحانی بر بیاید، راه حل این بحران فزاینده در دست روحانی نیست، بلکه روحانی باید با مقام معظم رهبری بنشیند و بگوید که راه‌حلی پیش‌روی ما قرار دهند.» به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان راه خود را از حسن روحانی جدا کردند و البته مهم‌تر از آن اینکه آنها نتوانسته‌اند دو پروژه اساسی خود را در مورد توقف دولت روحانی با استفاده از استعفا و عدم کفایت و پروژه دیگر یعنی دوقطبی‌سازی میان روحانی و حاکمیت پیش ببرند، حالا دوره، دوره روحانی جدید است.





مردم نسبت به اصلاح‌طلبان بی‌اعتماد شدند

گفت‌وگو با علی صوفی

اصلاح‌طلبان این روزها سردرگم هستند. در انتخابات مجلس، لیست امید را به صحنه آوردند اما از ۱۶۸ نفری که در قالب این لیست به مجلس راه یافتند، حدود ۱۰۰ نفر پای کار ماندند و علی لاریجانی اصولگرا بر کرسی ریاست تکیه زد. در انتخابات ریاست جمهوری چاره‌ای جز حمایت از روحانی نداشتند و به جبر روزگار تن دادند اما در انتخابات شورای شهر گرچه از زیر سایه اعتدال بیرون آمدند و کرسی‌های پارلمان شهرهای بزرگ مثل تهران و مشهد را در اختیار گرفتند ولی در نهایت خروجی مطلوبی از خود به جای نگذاشتند. حالا سعید حجازیان، تنورسین جریان اصلاحات طرحی نو در انداخته تا اصلاح‌طلبان را از گوشه رینگ خارج کند. او عملاً شرط گذاشته که اصلاح‌طلبان در صورتی وارد انتخابات مجلس می‌شوند که بتوانند لیست حداکثری ببندند و جالب آنکه خودش نیز چنین امکانی را رد کرده است. اصولگرایان نیز به این صحبت‌ها واکنش نشان دادند و مدعی شدند حجازیان با جنگ روانی می‌خواهد فرار به جلو کند. علی صوفی، وزیر دولت اصلاحات و از فعالان سیاسی مطرح این جریان بر تحلیل اصولگرایان مهر تأیید می‌زند.

اصلاح‌طلبان بود و آنها درست عمل نکردند و نشان دادند که آن اعتراض‌شان هم چندان موردی نداشت. یعنی ممکن بود، شورای نگهبان چهره‌های شاخص را تأیید کند اما اصلاح‌طلبان لیست حداکثری نبندند و لیست حداقلی تدوین کنند. این انتقاد درست و بجاست و باید تدبیر و حل شود.

این تحلیل، مبنایی هم دارد؟

معتقدم تعبیر «فرار به جلو» چندان بی‌ربط نیست چون می‌بینیم مردم نسبت به عملکرد اصلاح‌طلبان بی‌اعتماد شدند و پیش‌بینی می‌شود که دیگر به کاندیداهای ما اقبالی نداشته باشند، بنابراین شاید این طور تحلیل شود که آقای حجازیان با این پیش‌فرض که می‌داند در آینده دیگر اقبالی از طرف مردم بر اثر سرخورگی به صندوق رأی وجود نخواهد داشت، چنین صحبتی کرد. این تحلیل عقلی و منطقی است و می‌تواند مبنای داشته باشد.

دوراهی تعیین‌کننده؛ وقت انتخاب اصلاح‌طلبان

مصطفی آرائی

روزنامه‌نگار



تکلیف حسن روحانی با خودش معلوم است. اصلاح‌طلبان هستند که باید تصمیم بگیرند می‌خواهند در قدرت حضور داشته باشند یا نه و از این طریق نسبت خود را با روحانی و امثال او معین کنند.

نسبت سیاسی اصلاح‌طلبان و دولت حسن روحانی، از روز اول تشکیل این دولت مساله بوده و هنوز هم بعد از ۵ سال، مورد توجه سیاست‌پوین و رسانه‌ها قرار دارد. با وجود اینکه در این زمینه نظرات مختلفی ارائه شده اما به نظر می‌رسد که واقعیت‌هایی در اینجا وجود دارد که نمی‌توان

باشند و ریزش کرده باشند.

این مساله چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟

در چنین شرایطی فقط می‌ماند اینکه ما هزینه عدول از ضوابط شاخص‌های اصلاح‌طلبی کاندیداهای ما را بپذیریم. وقتی پیش‌بینی می‌شود مردم پای صندوق‌های رأی نمی‌خواهند بیایند، دیگر عدول از شاخص‌های اصلاح‌طلبی معنادار چون ممکن است همان لیست نیم‌بند هم رأی نیابد، بنابراین ما از هر دو طرف ضرر می‌کنیم. اگر چهره‌های شاخص اصلاحات تأیید صلاحیت شوند و اصلاح‌طلبان بتوانند لیست خالصی ببندند می‌توانند امیدوار باشند و به مردم بگویند «دلیل انتخاب آن کاندیداهایی که قبلاً معرفی کردیم، این بود که در یک شرایط سخت قرار داشتیم اما حالا شرایط بهتر شده و ما با چهره‌های شاخص اصلاح‌طلبی لیست حداکثری معرفی می‌کنیم، بنابراین مردم! به پای صندوق‌های رأی بیایید تا با قرار دادن چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب در عرصه قدرت، وضع کشور بهتر از گذشته شود.»

یعنی حرف آقای حجازیان منطقی است؟

با این تحلیل حرف آقای حجازیان منطقی است. برخی اصولگرایان می‌گویند «این حرف آقای حجازیان فرار به جلو است چون در انتخابات شورای شهر دست اصلاح‌طلبان در معرفی نامزد باز بود اما نه‌بیتانه لیست مناسبی بستند و نه عملکرد قابل‌اعتنایی از خود در مدیریت شهری نشان دادند، به طوری که خود اصلاح‌طلبان نیز منتقد این وضع هستند»، نظر شما چیست؟

این نقد درستی است، یعنی یکی از ضعف‌های اصلاح‌طلبان در برهه انتخابات در شورای شهر تجلی پیدا کرد که حتی جمع‌قایل توجیحی از اصلاح‌طلبان معترض لیست بودند چون آنها که در لیست قرار گرفتند چهره‌های شاخص اصلاح‌طلبان نبودند، در حالیکه همه هم تأیید صلاحیت شده بودند. این نقد وارد است و نگرانی هم وجود دارد که همین روند ادامه پیدا کند. یعنی در واقع ما روی دست شورای نگهبان بلند شدیم. نارضایتی شدید اصلاح‌طلبان نسبت به عملکرد شورای نگهبان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس این بود که می‌گفتند «اجازه نمی‌دهند لیست یا نامزد قوی اصلاح‌طلبی داشته باشیم» اما در انتخابات شورای شهر دیگر کاملاً توپ در زمین

سعید حجازیان اعلام کرد «انتخابات بت نیست برای ما؛ چه کسی گفته اصلاً باید شرکت کرد یا نکرد؟ اگر شورای نگهبان می‌خواهد همین طوری رد صلاحیت کند اصلاً شرکت نمی‌کنیم.» به نظر شما چرا آقای حجازیان ۱۸ ماه مانده به انتخابات مجلس چنین صحبتی انجام داده است؟

از یک طرف پیش‌بینی می‌شود که مشارکت مردم در انتخابات نسبت به گذشته کاهش چشمگیری پیدا کند که این مساله تهدید جدی برای اصلاح‌طلبان است. جریان اصولگرا یک آرای سنتی دارد اما اصلاح‌طلبان چنین پایگاه رأیی ندارند و وقتی مردم پای صندوق‌های رأی بیایند به نفع اصلاح‌طلبان نخواهد بود. در گذشته وقتی اصلاح‌طلبان استقبال مردم را می‌دیدند به کاندیداهای حداقلی نیز اکتفا می‌کردند و معتقد بودند «باید در انتخابات حضور داشت» کما اینکه در انتخابات سال ۹۲ وقتی از حضور آقای خاتمی ممانعت و آقای هاشمی رد صلاحیت شد، آقای روحانی و آقای عارف در صحنه رقابت باقی ماندند و همین امر باعث شد اصلاح‌طلبان کنار نکشند و استراتژی کاندیدای واحد را پیش گیرند چون خواست و فشار مردم این بود. مردم می‌خواستند اصلاح‌طلبان اشتباهات سال ۸۴ را تکرار نکنند و وقتی همه اصلاح‌طلبان روی حمایت از آقای روحانی اجماع کردند، مردم فوج فوج پای صندوق‌های رأی آمدند و به اصلاح‌طلبان رأی دادند، ولو اینکه کاندیدای نهایی اصلاح‌طلب نبود. در سال ۹۴ نیز همین شرایط پیش آمد، با رد صلاحیت‌های گسترده کاندیدایی برای ارائه لیست سراسری باقی‌نماند و در تهران هم پیش‌بینی نمی‌شد که اصلاح‌طلبان بتوانند لیست ۳۰ نفره بدهند، حتی اصلاح‌طلبان می‌خواستند به لیست ۱۵ نفره اکتفا کنند اما بعد عدول از ضوابط اصلاح‌طلبی لیست ائتلافی بستند که چند چهره اصولگرا نیز در آن بودند. مردم نیز حمایت کردند و کل نفرات لیست را به مجلس فرستادند. در انتخابات شورای شهر پنجم و انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ نیز به همین ترتیب عمل شد اما بعد به علت عملکرد مایوس‌کننده آقای روحانی در ایفای تعهدات و وعده‌های انتخاباتی‌اش، ریزش رأی شدیدی را شاهد بودیم. عده‌ای تحت عنوان «پشیمانان» ظهور و بروز پیدا کردند و عده‌ای نیز در مقابل کمپین «پشیمان نیستیم» را راه‌انداختند اما همان «پشیمان نیستیم» ها معلوم نیست همچنان بر موضع قبل مانده باشند و به نظر می‌آید جمعی از آنها نیز پشیمان شده

اصلاح طلبان، انتخابات را تحریم نمی‌کنند پشت پرده سخنان حجاریان چیست؟

ناصر ایمانی

تحلیل‌گر سیاسی



به نظر من جریان اصلاح طلب به عنوان اولین کار باید پاسخگوی عملکرد خود در مجلس شورای اسلامی، دولت یا شورا شهر باشند اما یک پرسش رو به جلو دارند و بحث دیگری را مطرح می‌کنند. می‌گویند دو سال آینده اگر شورای نگهبان چنین کند ما چنان می‌کنیم. این چه ربطی دارد؟ الان باید پاسخگوی عملکرد خود باشید. ممکن است بگویند که به خاطر نظارت استصوابی شورای نگهبان نتوانستیم افراد مورد نظر خود را به مجلس بفرستیم. ما هم می‌گوییم خوب نمی‌فرستادید، چرا فرستادید؟ حالا که فرستادید باید پاسخگو باشید. مگر از نظارت استصوابی خبر نداشتید پس چرا لیست دادید؟ اصلاح طلبان سال هاست در همین ساختار سیاسی و با وجود نظارت استصوابی شورای نگهبان وارد بازی قدرت می‌شوند و حالا هم باید پاسخگو باشند. به نظر من اصلاح طلبان هرگز از قدرت خارج نخواهند شد. آنها تحت هر شرایطی با وجود همین شورای نگهبان و همین ساختار سیاسی باز هم در قدرت باقی می‌مانند، همچنان که این شرایط را در سال ۹۲، ۹۴ و ۹۶ نیز می‌دانستند و وارد شدند.

مساله این است که آنها طی ۲۰ سال گذشته هیچ‌وقت پاسخگوی عملکرد خود نبوده‌اند و مسئولیت قبول نمی‌کنند. همه این حرف‌ها فرار رو به جلو است. می‌خواهند ذهن‌ها را از ناکارآمدی خود در مجلس، دولت و شورای شهر منحرف کنند. می‌گویند که علت این ناکارآمدی ما نیستیم و شورای نگهبان است. ساختار سیاسی موجود با ساختار هفت، هشت سال گذشته تفاوتی نداشته و آنها شرکت کرده‌اند، پس باز هم مشارکت می‌کنند.

آنها را نادیده گرفت. واقعیت اول این است که حسن روحانی، ذاتاً یک مهره اصولگراست. او همچنان از نظر حزبی، عضوی از جامعه روحانیت مبارز معرفی می‌شود که به هر روی در طیف راست جمهوری اسلامی دسته‌بندی می‌شود.

از سوی دیگر، او در دو عرصه مدیریتی یعنی شورای عالی امنیت ملی تا سال ۱۳۸۲ (آغاز مساله هسته‌ای) و نمایندگی مجلس، نشان داده که ایده‌های جناح راست را بیش از جناح چپ جمهوری اسلامی قبول دارد و اجرایی می‌کند. در عین حال کنش‌های سیاسی او بعد از انتخابات ۱۳۹۶ از دیدار با فرماندهان سپاه تا دیدار مجدد با جامعه روحانیت مبارز نیز همین ایده را تقویت می‌کند. در این زمینه باید به محمود احمدی‌نژاد و نقش او در نقشه جدید سیاسی کشور اشاره کرد. احمدی‌نژاد اگرچه به ظاهر نماینده اصولگرایان در انتخابات سال ۱۳۸۴ بود اما با نیروی گریز از مرکز خود باعث شد که سیاست ایران عملاً به دو گروه موافقان و مخالفان او تبدیل شود. انتخابات دوقطبی سال ۸۸ و پیامدهای آن هم این فضا را تشدید کرد و در نهایت باعث نزدیکی اصولگرایان کلاسیکی مثل روحانی به اصلاح طلبان شد.

نکته جالب توجه دیگر در این حوزه نزدیکان روحانی

اول از همه باید اقرار کنند ناکارآمد هستیم. چرا نمی‌گویند؟ اصلاح طلبانی که ادعای شفافیت، عقلانیت و پاسخگویی به مردم را دارند باید پاسخگو باشند. بالاخره باید یک کسی از جریان اصلاح طلب پاسخگو باشد. نمی‌شود که به بهانه وجود نظارت استصوابی از پاسخگویی شانه خالی کنند. هنوز معلوم نیست چقدر از میزان آرای جریان اصلاح طلب نزد مردم کاسته شده است. با توجه به عملکردشان در مجلس و دولت تصور من این است که باریزش رای مواجه هستند. برای همین هم می‌خواهند مسئولیت نهادهای تحت کنترل خود را به عهده بگیرند. در ثانی می‌دانند که اگر در انتخابات مشارکت کنند معلوم نیست چقدر مورد اقبال مردم قرار بگیرند و برای همین فرار رو به جلو می‌کنند. اگر آنها را یک جریان سیاسی سالم در نظر بگیریم. به نفع آنهاست که در انتخابات شرکت کنند و رای نیاورند. همچنان که اصولگرایان در چند انتخابات اخیر می‌دانستند خیلی مورد اقبال عمومی قرار ندارند و باز هم شرکت کردند. یک جریان سیاسی نباید به شرط موفقیت وارد رقابت شود. این بسیار قبیح است که یک جریان سیاسی مدعی اگر توان رای آوری ندارد، مشارکت نکرده و بازی را به هم بزند. این ناجوانمردانه است. جریان سیاسی همواره باید در انتخابات شرکت کند و لو اینکه رای نیاورد. نباید بهانه تراشی کرد چون همه مسائلی که می‌گویند، بهانه است. جریان اصلاح طلبی اگر می‌خواهد زنده و شاداب باشد باید در انتخابات بعدی نیز شرکت کند. آنان تصمیم گیرنده هستند اما اگر شرکت نکنند مردندی سیاسی خود را نشان می‌دهند و مردم نیز این را به خوبی درک می‌کنند. من این تعبیر که رقیب اصولگرا نیست و رقیب برانداز است را خیلی قبول ندارم. فکر می‌کنم که اگر عملکرد اصلاح طلبان در مجلس و دولت مناسب بود الان نه رقیبی به نام اصولگرا داشتند و نه رقیبی به نام برانداز. بهتر است بگویند چرا جریان برانداز خود را به نمایش می‌گذارد من وجود این جریان را قبول ندارم اما فرض کنیم که وجود

است. در تاریخچه حزب اعتدال و توسعه به عنوان منبع اصلی ترین نزدیکان روحانی آمده که این حزب بعد از وقایع سال ۷۸ تأسیس شده است. وقتی به قول این تاریخچه، گندمی در زمین نه به افراط گرایی آن سال کاشته شود، نمی‌توان از آن انتظار اصلاح طلبی داشت.

واقعیت دوم این است که تمایل اصلاح طلبان در سال ۱۳۹۲ به حمایت از حسن روحانی، نه به دلیل اصلاح طلبی او، بلکه به دلیل رای آوری بیشتر او بود. اصلاح طلبان به این نتیجه رسیده بودند که عارف احتمالاً در آن انتخابات رای ندارد و حتی در صورتی که رای داشته باشد توانایی لازم برای اجرای ایده‌های اصلاح طلبانه ندارد. در عین حال به دلیل بدبینی حاکمیت به اصلاح طلبان به دلیل ترکش‌های ماجرای سال ۱۳۸۸، احتمالاً روحانی اصولگرا و معتمد بهتر می‌تواند شرایط را برای بازگشت اصلاح طلبان آماده کند. این همان چیزی است که در سپهر سیاسی ایران به عنوان ایده رجم اجاره‌ای مطرح شد.

واقعیت سوم، توجه به ماموریت حسن روحانی است. دو دغدغه اساسی اصلاح طلبان یعنی سیاست و فرهنگ، اساساً برای روحانی مساله نیست و در عین حال او تلاش کرده که در دو حوزه سیاست خارجی و اقتصاد فعالیت کند که اگرچه در این حوزه‌ها، ایده‌های اصلاح طلبانه

دارد عملکرد چه کسی باعث شد که به میدان بیایند؟ نمی‌گویم اصلاح طلبان به تنهایی مقصر بوده‌اند اما چقدر از مسئولیت آن به عهده اصلاح طلبان است؟ حداقل بخشی از مسئولیت را به عهده بگیرند.

من نمی‌خواهم بگویم رای آنها در سید اصولگرایان ریخته می‌شود، قطعاً این طور نیست. هم چنان که آرای اصولگراها هم به سید اصلاح طلبان ریخته نشد. مثلاً آرای قالیباف در انتخابات گذشته بین آقای رئیسی و آقای روحانی تقسیم شد. به هر حال معتقد هستم که ممکن است شرایط کشور به سمتی برود که مردم از عملکرد اصلاح طلبان بیش از این دلزده شوند و بخشی از آرای آنها به سید اصولگرایان و بخشی از آن نیز به سید جریان مستقل غیر اصولگرا ریخته شود. اعتدال و اصلاحات که فرقی ندارند. اینها فقط اسم‌ها است که درمی‌آورند. در افکار عمومی مردم اعتدالگرایی وجود ندارد. مردم کوچه و خیابان فقط دو جریان اصلاح طلب و اصولگرا را می‌دانند. ممکن است افراد مستقلی که سابقه اصولگرایی یا اصلاح طلبی ندارند وارد میدان شوند و رای آورند. مثلاً دکتر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی نه اصلاح طلب است، نه اعتدالگرا یا اصولگرا. افرادی که سابقه مدیریتی هم دارند با این ویژگی‌ها داریم. معتقدم تا یک سال و نیم آینده شرایط کشور تغییر می‌کند و از حالا نمی‌توان در این خصوص گفت. اگر اصلاح طلبان انتخابات را تحریم کنند، چه می‌شود؟ به نظر من هیچ‌وقت این کار را نمی‌کنند اما اگر هم تحریم کنند، اتفاق خاصی نمی‌افتد. همچنان که اصلاح طلبان قبلاً هم انتخابات را تحریم کرده بودند و دیدند که مشارکت عمومی هم بالا بود و مردم به افراد دیگری رای دادند. این طور نیست که بگویم سید آرای مردم کاهش پیدا می‌کند یا همه به اصولگرایان یا اعتدالگرایان رای می‌دهند. به اعتقاد من این طور نمی‌شود و فقط آرا تقسیم می‌شود. الان برای صحبت در مورد چگونگی تقسیم آرا زود است.

به اعتقاد من اصلاح طلبان چه تصمیم به حضور در انتخابات بعدی داشته باشند و چه نداشته باشند، باید در مورد عملکرد خود به ملت پاسخ دهند. حداقل به اندازه سهم خود پاسخ دهند. بالاخره آنها در دولت، مجلس و شورا سهمی داشته‌اند که باید در مورد آن پاسخگو باشند.

را پیش می‌برد، اما ویتترین رفتارهای او و دولتش چندان اصلاح طلبانه نیست. در کنار این مساله باید به یکی از سخنرانی‌های روحانی پیش از انتخابات نیز اشاره کرد که در آن گفته بود رای مردم به او تعیین کننده سرنوشت کشور برای سال هاست. حقیقت این است که روحانی دوست ندارد با اجرای ایده‌های اصلاح طلبانه، بعد از پایان ریاست جمهوری اش از حاکمیت بیرون برود و از این رو است که می‌بینیم او بعد از پایان انتخابات دوازدهم به کلی تغییر کرده است.

با در نظر داشتن این سه واقعیت است که حالا اصلاح طلبان باید نسبت خود با قدرت به طور کلی و نه فقط حسن روحانی را تعیین کنند. همان طور که بارها افرادی مثل عبدی، تاجیک یا حجاریان گفتند، اصلاح طلبان باید تصمیم بگیرند که می‌خواهند در قدرت حضور داشته باشند یا نه.

میل به قدرت باعث می‌شود که آنها وارد بازی ائتلاف با افرادی مثل روحانی یا لاریجانی شوند یا اینکه با چهره‌های دست دوم یا سوم خود در مجلس حضور داشته باشند. در عین حال آنها اگر هویت اصلاح طلبانه و اصرار به آن را انتخاب کنند با توجه به بی‌اعتمادی حاکمیت و ساختارهای مثل شورای نگهبان، باید قید قدرت را بزنند و با احتیاط در جامعه مدنی فعالیت کنند.

خصلت کودتایی غرب

چرا خشن‌ترین رفتار غرب
نصیب دولت‌های همسو می‌شود؟

رضا گنجی

روزنامه‌نگار



چرا اغلب خشن‌ترین چهره و رفتار غرب، متوجه همسوترین دولت‌هایشان در ایران شده یا اتخاذ سیاست‌های غلط و ناکارآمدشان، بیشترین ضربه را از قضا متوجه دوستان‌شان در داخل کرده است؟ چرا آمریکا هیچ‌وقت در ایران حامی خوبی برای همسوترین دولت‌ها چه قبل و چه بعد از انقلاب نبوده است. سرانجام دموکراتیک‌ترین دولت پیش از انقلاب، یعنی دولت مصدق را به‌خاطر بیاورید، چرا چنان تحقیرآمیز سرنگون شد؟ چرا محمدرضا پهلوی منفور ملت و آواره کشورها شد؟ چرا با دولت تکنوکرات‌های هاشمی همکاری نکردند، چرا دولت اصلاحات را محور شرارت خواندند و کاری کردند که از شکم دولت اصلاحات، به تعبیر خودشان دولتی رادیکال زاییده شود و حال، چرا به دنبال براندازی و سرنگون کردن معتدل‌ترین دولت ایران از بعد از انقلاب تاکنون هستند؟ خروج از برجام، وضع سخت‌ترین تحریم‌ها و به کار بردن زشت‌ترین ادبیات نسبت به میانه‌روترین دولت، حکایت از چه چیز دارد؟ شگفت‌آور اینکه کیفیت تحقیر دولت‌ها با گرایش‌های غربی در ایران، توسط غربی‌ها، اصلاً قابل قیاس با دولت‌های ضد غرب و ضد سیاست‌های آمریکا نبوده و نیست. این دست از دولت‌ها دارای هیچ وزن خاصی برای غرب نیستند. نگاه به آنها همیشه ابزاری بوده است و در اغلب مواقع هم آنها شأنی عمیق برای تعامل، عقد قرارداد و عهدهای مهم با این دست از حکومت‌ها قائل نیستند. شاهد دلیل بنده هم سرگذشت چند دولت است که در ذیل مرور خواهیم کرد. نگارنده این سطور فقط به دنبال ترسیم این فضا و طرح سوال فوق است و هیچ اصراری بر قطعی بودن نظر خود ندارد و تنها مترصد بازگو کردن یافته‌اش در این موضوع است.

حکایت اول: دولتی که با ۲۰۰۰ لمپن و فاحشه
سقوط کرد. محمد مصدق...

اگر اصلاح‌طلبان ایرانی بخواهند تنها یک دلیل برای دشمنی ابدی‌شان با انگلیس و آمریکا ارائه دهند، سرگذشت دوران کوتاه حاکمیت مصدق و مرور آنچه بر رهبر محبوب‌شان گذشت کافی است. آمریکا به عنوان یکی از اصلی‌ترین بازیگران کودتای ۲۸ مرداد، دولت مصدق را به‌سخت‌ترین شکل براندازی که استفاده از اراذل و اوباش بود سرنگون کرد و حاکم مستبد پهلوی را بر فردی ناسیونالیست و مدافع دموکراسی غربی ترجیح داد. اشتیاق همیشگی تشکل‌های اصلاح‌طلبی ایرانی به غرب خاصه آمریکا هرگز باعث نشد که آنها روزی به دنبال بازخواست یا گرفتن انتقام از فرنگستان به‌خاطر آن ضربه هولناک بر شاخص‌ترین و محبوب‌ترین چهره سیاسی‌شان باشند. بعضاً عمر واکنش و خونخواهی مصدق دوستان و اصلاح‌طلبان وطنی نسبت به این حادثه مهم، فراتر از



زمانی که کاملاً از آمریکایی‌ها مایوس شده بود به هنری کسینجر، وزیر خارجه اسبق آمریکا زنگ می‌زند و با لحن ملامت‌کننده، جملاتی را می‌گوید که به گمان باید این کلمات را به خط خوش خطاطی و قاب کرد و برای حاکمان کوچک و خوش خیال منطقه فرستاد، شاید این تجربه تلخ و دیرهنگام شاه خام ایرانیان در آینده به کارشان بیاید. شاه به کسینجر گفت: «این چه کشوری است که برای یک دوست جاندارد؟ من (شاه) امیدوارم یک بار دیگر موقعیت خودم را به دست بیاورم تا به جبران سالها دوستی با شما به دشمنی با شما آمریکاییان برخیزم.» او در ادامه به کسینجر می‌گوید: «سرنوشت من مسلمان درس عبرتی برای سایر رهبران خاورمیانه و کشورهای جهان سوم خواهد شد تا به ایالات متحده دل نبندند.» شوربختانه اینکه تاریخ بدون اینکه ورق بخورد و مطالعه شود سپری می‌شود و باز هم برخی رهبران خاورمیانه بدون پندگرفتن از پیشینیان مشغول سواری دادن به قدرت‌های بزرگ هستند.

حکایت سوم: با آن همه همراهی، شدید محو شرات. سید محمد خاتمی...

آقای خاتمی، رئیس‌جمهور وقت ایران، عصر روز ۱۱ سپتامبر، حوالی ساعت پنج، با کلی تأخیر، از حملات تروریستی به آمریکا مطلع می‌شود. او سریعاً موضع‌گیری می‌کند. نخست، موضع انسانی در مقابل این عمل که محکومیت هر اقدام تروریستی در دنیا را به دنبال داشت و دوم اظهار تأسف در مقابل اینکه این همه انسان کشته شده است. در پیام سیدمحمد خاتمی آمده بود: «به نام ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران، اقدام تروریستی هواپیمارانی و حمله به مراکز عمومی در شهرهای آمریکا را که شمار زیادی از مردم بی‌دفاع را به کام مرگ کشید محکوم می‌کنم و تأسف عمیق و همدردی خود را با ملت آمریکا به‌ویژه آسیب‌دیدگان و خانواده قربانیان حادثه اعلام می‌دارم.»

تنها ۱۰ سال بعد و در دهمین سالگرد حملات ۱۱ سپتامبر، وزارت خارجه آمریکا، حاضر شد از همدردی مردم ایران در سال ۲۰۰۱ تشکر کند. خاتمی در آن پیام همچنین خواهان تعامل جهانی



مصدق به چشم بسیاری از سیاسیون، همه هنرش پنهان کردن چهره واقعی‌اش بود. او «یک سیاسی کار، با هوش بالا بود نه یک سیاستمدار با مشی منظم و مشخص.» به گواه تاریخ، نقش مصدق در به قدرت رسیدن رضا شاه انکارناپذیر است. او مخالف برچیده شدن نظام شاهنشاهی بود

در آن مقطع از تاریخ، یعنی محمدرضا پهلوی را به عنوان دوست و شریک خود انتخاب کرد و حاضر به پذیرش فردی عاقل تر و مقبول تر چون محمد مصدق برای تصدی پست ریاست دولت ایران نشد. چرا؟

حکایت دوم: همه سال‌ها دوستی با شما را تبدیل به دشمنی خواهیم کرد. محمد رضا پهلوی...

ترازوی روابط خارجی ایران هرگز به اندازه حکومت ۳۷ ساله محمدرضا پهلوی، به سود ارتباط با آمریکا سنگین نبود. پهلوی‌ها که با حمایت انگلیسی‌ها بر سر کار آمدند پیش‌تر در دام آمریکایی‌ها افتادند. البته اشتیاق شاه جوان ایران در نزدیک شدن به آمریکا کمتر از شوق واشنگتن برای چپاول ایران نبود. ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا به دنبال بازسازی کشورش بعد از جنگ جهانی دوم بود و تهران لقمه‌ای آماده که می‌توانست تا حدی آنها را از آن مخصصه اقتصادی خارج کند. باز هم قرار بود گندی که غربی‌ها زدن با سرمایه ایرانیان رتق و فتق شود. محمدرضا شاه به دفعات در زمان ریاست جمهوری آیزنهاور به آمریکا سفر کرد و ماحصل همه آن دیدارها، ایجاد خط دفاعی جدید در مقابل شوروی و تشکیل سازمان ساواک و ایجاد رعب و وحشت در دل ایرانیان بود. در طول حکومت پهلوی دوم، ۶ رئیس‌جمهور در واشنگتن بر سر کار آمدند. ترومن، آیزنهاور، کندی، لیندون جانسون، نیکسون و کارتر که هر یک مطالبه‌شان از شاه ایران چیزی جز پیروی محض نبود و شاه هم جاهلانه تنها به دنبال بسط و ترویج مواضع مورد نظر آمریکا در داخل کشور و منطقه بود بدون اینکه در مقابل این همه خوش خدمتی، سهمی و سودی برای ملتش درخواست کند. همه هدف شاه از آن همه رفت‌وآمدها و باج‌دهی‌ها، تنها مشابه‌سازی ایران با آمریکا بود. او واقعاً شیفته غرب بود و هر کاری را برای به دست آوردن رضایت غربی‌ها و بقای حکومتش انجام می‌داد. توهم و نمایش کمیک مستقل بودن و در پی آن ضدیت قدرت‌های بزرگ دنیا با حکومت محمدرضا به‌خاطر بالا رفتن قیمت نفت و رشد سریع اقتصادی و تمدن نوین و غیره هم مانع از فروپاشی حکومتش نشد. شاه یک متوهم بود. او زمانی فهمید که آمریکا ضعیف‌تر و زبون‌تر از اراده ملت‌هاست که دیگر خیلی دیر شده بود. حالا دیگر جسم نزار شاه مدام از آسمان از این سو به آن سو می‌رفت و کسی به‌خاطر بدنامی‌اش، حاضر به پذیرش این دیکتاتور نبود. روزی ایرانیان شاهد صف طولی از روسای جمهور و پادشاهان ممالک جهان برای روبوسی با محمدرضا و فرح بودند اما بعد می‌دیدند که حتی متحدترین یارش یعنی ایالات متحده حاضر به پذیرش این بیمار جسمی و روانی که سابق بر این اعلیحضرت خطابش می‌کردند نیست.

اوج تلخی خیانت به دوست، به یک متحد و نامطمئن بودن غربی‌ها زمانی برای شاه مسلم شد که فهمید در چشم آمریکایی‌ها آن همه خوش خدمتی‌اش به پیشینی نمی‌ارزد هنگامی که پای منافع خودشان در میان است. او در پاناما

حیات سه‌روزه میکروارگانیزم‌های آبی نبوده و دندان غیظ آنها هم عاجزتر از دریدن پوسته یک حبه انگور بود چه رسد به پاره کردن شکم امپریالیسم جهانی. واقعیت اینکه از سال ۱۳۳۲ و بعد از سرنگونی دولت مصدق تا اکنون، ما شاهد هیچ اقدام عملی موثر فراتر از لفاظی‌ها از سوی هم‌حزبی‌ها و جریانات همسو با مصدق و منش او در تقابل با آمریکا نبوده‌ایم. این در حالی است که چهار دهه خصومت و دشمنی هنوز باعث التیام درد تسخیر سفارت آمریکا نشده و بی‌شک آمریکایی‌ها به کمتر از زوال ایرانیان هم رضایت نخواهند داد.

سوال این است که چرا آمریکا با یکی از بهترین و موثرترین مهره‌های ایرانی مدافع سیاست‌های غربی چنین کرد؟ چرا درخت خوش‌بینی مصدق نسبت به آمریکا هرگز ثمری برای او و حامیانش نداشت؟

مصدق به چشم بسیاری از سیاسیون، همه هنرش پنهان کردن چهره واقعی‌اش بود. او «یک سیاسی کار، با هوش بالا بود نه یک سیاستمدار با مشی منظم و مشخص.» به گواه تاریخ، نقش مصدق در به قدرت رسیدن رضا شاه انکارناپذیر است. او مخالف برچیده شدن نظام شاهنشاهی بود و حتی در وصف شاه جوان، محمدرضا پهلوی می‌گفت که «ما امروز یک شاه خوب داریم و شاه خوب را باید نگه داریم.» مصدق روزی از رضاخان به عنوان یک نظامی برجسته یاد می‌کند و او را فرد مفیدی برای جامعه می‌داند و دگر روز فریاد می‌زند «من ایرانی و مسلمانم و علیه هر چه که ایرانیت و اسلامیت ما را تهدید کند تا زنده هشتم مبارزه می‌نمایم.» او محرک اصلی جنبش ملی کردن صنعت نفت نیست بلکه سوار بر موج ملی کردن این سرمایه مہینی می‌شود.

ارتشبد فردوست معتقد بود که او از جوانی یک فراماسون بود و با انگلیسی‌ها ارتباط داشت. فردوست بر این باور بود که مصدق بنا بر مصالح خاصی از طرف آمریکایی‌ها کاندیدا شد که نفت را ملی کند اما وقتی نقشش تمام شد و وجودش بی‌ثمر و حتی مضر، برکنار و خانه‌نشین شد.

تصویری که مطبوعات آمریکا در سال‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۲ از دکتر مصدق ارائه می‌دهند کاملاً متفاوت است. سیاسیون و جریان رسانه‌ای آمریکا در سال ۱۳۳۰ او را ملی‌گرای زیرک و پیش‌تر از او با عناوینی چون «دیوانه» و «بازیچه کمونیست‌ها» یاد می‌کنند. مصدق با آمریکایی‌ها خوش‌بینانه برخورد کرد و روی حمایت آنها حساب باز کرده بود. البته به دید بعضی از کارشناسان تاریخی، سندی دال بر آمریکایی‌بودن مصدق وجود ندارد اما آمریکایی‌ها بسیار «مودیان» و «خصمانه» با دولت او رفتار کردند. دولت مصدق متکی به پشتیبانی مردم و روحانیت بود اما او هرگز نتوانست به درستی از این ظرفیت استفاده کند و بعدتر پشتیبانی مردمی‌اش را هم از دست داد، شاهد این ادعای دیدگاه پژوهشگر تاریخ معاصر، آقای قاسم تبریزی است که می‌گوید: «حکومتی که با ۲۰۰۰ لپین و فاحشه سقوط کند، دیگر حکومت مردمی به حساب نمی‌آید.»

جالب است بدانیم که نظام مورد پسند مصدق یک نظام لیبرالی و سکولار است. او خواهان جدایی دین از سیاست بود. روحیه غربگرایی، غرب‌پرستی و غرب‌پذیری در بین هم‌حزبی‌ها و شخص مصدق موج می‌زد. آمریکایی‌ها از دید مصدق اهل دموکراسی و آزاداندیشی بودند و... حالا با این وجود چرا انگلیس و آمریکا حاضر به پذیرش شبیه‌ترین دولت و فرد به غرب در ایران نشدند و دولتش را ساقط کرده و بار دیگر با حمایت از دیکتاتوری پهلوی، استبداد سیاسی و فحشان را برای ایرانیان تجویز کردند؟ چرا غرب چنین توهینی را بر ملت روا داشت و کودن‌ترین، بی‌سوادترین و مستبدترین فرد

جورج بوش در سخنرانی سالانه خود در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ م، ایران را یکی از محورهای اهریمنی (Axis of evil) معرفی کرد. این اظهارات مقامات ایرانی را شوکه کرد. خاتمی به خوشبینی اش به غرب باخت. باز هم غرب حاضر به همکاری با یک دولت همسو با گرایشات غربی در تهران نشد. چرا آن همه لیخند و همراهی و همدلی خاتمی نتوانست دل آمریکایی ها را نرم کند تا از شکم خاتمی فردی چون احمدی نژاد ظهور نکند. چرا؟

حکایت چهارم: نتیجه پر جام؛ آمریکا مصمم تر از هر زمان برای براندازی، حسن روحانی...

کسی نمی تواند بعد از روی کار آمدن آقای حسن روحانی به عنوان رئیس دولت، منکر فشار همه جانبه از اطراف و اکناف به رهبر ایران برای تهاجم به آمریکا شود. همه مردان آقای روحانی آن قدر این پیشش که تنها راه نجات کشور، مذاکره با غربی ها خاصه آمریکاست را در بوق و کرنا کردند تا آیت الله خامنه ای حاضر به انجام دور جدید مذاکرات هسته ای شدند. روحانی در طول رقابت های انتخاباتی اش به نتیجه بخش بودن مذاکرات با واشنگتن خوش بین و بر این باور بود که مذاکره با آمریکا سهل تر و ثمربخش تر از مذاکره با اروپایی هاست. او جایی اظهار داشت که «بند معتقدم مذاکره با آمریکا راحت تر از مذاکره با اروپاست چرا که اروپایی ها به دنبال آقا اجازه از آمریکا هستند. از این رو دولت آینده باید بتواند رابطه ایران و آمریکا را از حالت خصام به مرحله تنش که یک مرحله پایین تر است برساند.»

روحانی در شهرپور ۱۳۹۳ در گفت و گو با شبکه تلویزیونی ان بی سی آمریکا گفت: «اراده دولت من بر این است که سطح تخصم و تنش را پایین بیاوریم و شرایط را برای اینکه دو ملت بتوانند به هم نزدیک تر شوند، فراهم کنیم، رابطه نزدیک این دو ملت می تواند خیلی از مشکلات را حل بکند. رابطه نزدیک تر می تواند راه های جدیدی را پیش روی سیاستمداران آمریکا بگذارد به هر حال معتقدم به آینده باید بیشتر نگاه کنیم تا گذشته.» او در این مصاحبه به حل مسئله ایران و آمریکا ابراز امیدواری کرد و اظهار داشت که این دشمنی روزی به پایان خواهد رسید.

آقای روحانی به عنوان رئیس دولت، برای اولین بار در تاریخ انقلاب اسلامی با باراک اوباما، رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکایی واسطه و از طریق مکالمه تلفنی گفت و گو کرد. آنها بر اراده سیاسی برای حل سریع مسئله هسته ای تاکید کردند. تیم مذاکره کننده جدید ایرانی به همراه دیگر کشورهای درگیر این موضوع توانستند طی دو سال گفت و گو ی فشرده، در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ به توافق «برنامه جامع اقدام مشترک» یا همان «برجام» برسند. مقرر شده بود که در قبال انجام تعهدات هسته ای ایران، اتحادیه اروپا و آمریکا تحریم ها علیه ایران را خاتمه دهند. اوباما گفت به «توافق خوبی دست یافتیم» او در ادامه تهدید کرد که «اگر ایران یک میلیون تخطی کند، تمامی تحریم ها برمی گردد.» در وین جشنی برپا بود. همه مسرور از پیروزی بودند. صدای خنده های ظریف بلندتر از هر زمان دیگر شنیده می شد. جان کری، وزیر خارجه وقت آمریکا اجرای این توافق را برای جامعه جهانی مفید دانست و آن را تضمینی برای جهانیان که برنامه هسته ای ایران صلح آمیز است و صلح آمیز خواهد ماند. روحانی در تهران به خاطر به سرانجام رساندن این توافق، فاتحانه تر گام برمی داشت و مخالفینش را به بی سوادی و ناآشنابودن به زبان دیپلماتیک متهم می کرد. روحانی در سخنرانی طولانی ۳۸ دقیقه ای خود پس از بیانه مشترک توافق هسته ای گفت که این توافق می تواند دیوار بی اعتمادی را بردارد

ایران به عنوان یکی از حامیان اصلی برقراری صلح در افغانستان به آن اندازه که شایسته اش بود، قدر ندید. خیلی از کشورهای غربی تلاش ایران در ایجاد ثبات سیاسی در افغانستان را یا ندیدند و یا نخواستند که ببینند، آنها هرگز در رسانه های شان از دولت ایران به عنوان یک حامی جدی در سرنگونی حکومت «جهل» نام نبردند

طرف آمریکایی ارسال خواهد شد هنوز معلوم نیست. ایران به عنوان یکی از حامیان اصلی برقراری صلح در افغانستان به آن اندازه که شایسته اش بود، قدر ندید. خیلی از کشورهای غربی تلاش ایران در ایجاد ثبات سیاسی در افغانستان را یا ندیدند و یا نخواستند که ببینند، آنها هرگز در رسانه های شان از دولت ایران به عنوان یک حامی جدی در سرنگونی حکومت «جهل» نام نبردند. آنها به مردم شان واقعیت ها را نگفتند. آن دسته هم که از سطح همکاری ایران و آمریکا مطلع بودند خوشبینانه آب شدن یخ رابطه دو کشور همراه با لغو بسیاری از تحریم ها را پیش بینی می کردند. عده ای هم بر این باور بودند که دنیا دیگر متقاعد شده است که ایران حامی گروه های تروریستی و جریان های رادیکال نیست، اما آمریکا در همان حال که از مشاوره های دولت ایران برای سرنگونی طالبان و القاعده و استقرار نظام جدید سود می برد، حاضر نشد نام ایران را از فهرست کشورهای حامی تروریسم کنار بگذارد. معلوم شد آمریکایی ها بعد از کسب یک پیروزی آسان تمایلی به امتیاز دادن به طرف ایرانی ندارند. دولت اصلاحات که فکر می کرد می تواند از این طریق به بخشی از کدورت های چندین ساله ایران و آمریکا فائق آید با در بسته روبرو شد. عده ای از اصلاح طلبان میانه رویی بردند که حق با رهبر ایران بود و دوستی با آمریکا نفعی برای آنها نخواهد داشت. آقای حسن روحانی، رئیس جمهور فعلی ایران که آن زمان ریاست شورای عالی امنیت ملی را بر عهده داشت تحلیل درستی از اتفاقات بعدی ارائه می دهد. او در همان جلسات گفته بود: «همین که خر آمریکایی ها از پل گذشت، آنها به رفتار قبلی خود در برابر ایران باز خواهند گشت.» در نهایت موضوع همکاری ایران با آمریکایی ها در افغانستان هم نتوانست کمکی به جریان حامی برقراری رابطه کند چرا که چندی بعد واکنش های خصمانه جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا، تمام راه های مذاکره را مسدود کرد.



اوباما هم قبل از اتمام دوره ریاستش چند حال انسانی به آقای روحانی داد. او که هدفش «تغییر صلح آمیز رژیم» ایران بود با اعمال تحریم های جدید حتی زمانی که برجام ماه عسلش را سپری می کرد، نشان داد که برای براندازی حکومت ایران خیلی هم صبور نیست و سیاستش چندان تفاوتی با پیشینیانش ندارد

برای شناخت ریشه ها و ابعاد این حادثه شد و گفت: «اراده اصولی دولت جمهوری اسلامی ایران قطعا در این مسیر قرار دارد و برای تحقق این باور اسلامی و انسانی از هیچ اقدامی دریغ نخواهد داشت.»

هنوز هم اطلاعات بسیار اندکی از جلسات محرمانه و همکاری های دولت های ایران و آمریکا در موضع حمله به افغانستان منتشر شده است و مردم دو کشور، خاصه ایران، از سطح و کیفیت این همکاری ها کاملاً بی اطلاع هستند. هیلاری من (نماینده آمریکا در گروه «۶+۲») در شرح یکی از جلسات مشترک با طرف ایرانی چنین می گوید: «نماینده نظامی ایران نقشه ای روی میز گذاشت و محل هایی را که آمریکا بایستی مورد هدف قرار می داد، تعیین کرد. ما نقشه را گرفتیم و به نظامیان دولت آمریکا دادیم و همین شد استراتژی نظامیان آمریکا.» باور این مطلب که استراتژی نظامی آمریکا در افغانستان توسط مردان نظامی ایران تعیین شده باشد تا حد زیادی سخت است اما این یک واقعیت است که کارشناسان نظامی ایران به کمک دستگاه دیپلماسی آمده بودند و در جلسات مشترک با طرف آمریکایی شرکت می کردند. اشراف اطلاعاتی ایران در منطقه به خصوص در افغانستان می توانست شرایط بهتری را برای اتخاذ تصمیم مناسب به وجود آورد.

اندکی بعد ایرانی ها نشان دادند که استراتژی شان در مقابله با تروریسم بسیار کارآمد است. صحت این ادعا خیلی زود بر همگان معلوم شد، چرا که در ۱۲ نوامبر ۲۰۰۱ م، جبهه شمال موفق شد کابل را با کمترین درگیری تصرف کند. یک پیروزی بزرگ برای ملت افغان که با نیروها و تجهیزات نظامی آمریکا و متحدانش و با هوش ایرانی رقم خورده بود. جیمز دابینز، نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان در روزنامه واشنگتن پست نوشت: «هیچ یک از شرکت کنندگان به اندازه ایران موثر نبودند.» اعترافات جیمز، نماینده ویژه آمریکا حکایت از نهایت همکاری ایران در موضوع افغانستان دارد. سطحی از همکاری که تا به امروز به صورت کامل و جامع رسانه ای نشده و برای بسیاری از مقامات و مردم دو ملت ایران و آمریکا پوشیده مانده است. هنوز معلوم نیست که آمریکایی ها تا چه حد از توان، قدرت و نفوذ نیروهای امنیتی، نظامی و سیاسی ایران در سرنگونی طالبان و شکست نیروهای القاعده بهره برده اند. کشف آنچه در جلسات فی مابین مردان تصمیم ساز دو دولت ضد طالبان و القاعده گذشت سخت است، اما آنچه که از شواهد امر پیداست سطح همکاری بیش از انتظار بوده و گویای این مطلب است که تهران گامی مثبت، فراتر از حد انتظار در حل این مشکل جهانی برداشته است. اینکه چه زمانی فاکتور هزینه های انجام شده توسط دولت ایران برای



۲۲

هنوز هم اطلاعات بسیار اندکی از جلسات محرمانه و همکاری‌های دولت‌های ایران و آمریکا در موضع حمله به افغانستان منتشر شده است و مردم دو کشور، خاصه ایران، از سطح و کیفیت این همکاری‌ها کاملاً بی‌اطلاع هستند. هیلاری من (نماینده آمریکا در گروه «۶+۲») در شرح یکی از جلسات مشترک با طرف ایرانی چنین می‌گوید: «نماینده نظامی ایران نقشه‌ای روی میز گذاشت و محل‌هایی را که آمریکا بایستی مورد هدف قرار می‌داد، تعیین کرد. ما نقشه را گرفتیم و به نظامیان دولت آمریکا دادیم و همین شد استراتژی نظامیان آمریکا.»

۲۲

متفاوت، چیزی جز «هیچ» برای ایرانیان به همراه نداشت. رهبر ایران از روز نخست به این تلاش‌ها دل نیست و معتقد بود که هیچ اعتمادی نمی‌شود به طرف غربی داشت و در نهایت همان شد که او پیش‌بینی کرده بود.

مهم نیست که به باور راست و جبهه اصولگرایان، آقای روحانی یا تیمش تا چه حد گرایش‌های غربی دارند. خیلی وقت‌ها این ادعاها شاید برای زدن روحانی به عنوان یک رقیب سیاسی باشد اما ما در بین چپ‌ها و اصلاح‌طلب‌ها هم کسی را نیافتیم که ادعای اصولگرایان در این موضوع را رد کند.

به راستی چرا باز هم آمریکایی‌ها بدترین ضدحال را به رئیس‌دولتی زدند که از روز نخست شعارش در حوزه سیاست خارجی، آرمانخواهی واقع‌گرایانه، تعامل با نظام بین‌المللی، موازنه قدرت بر اساس مفهوم اعتدال و تنش‌زدایی به‌ویژه با همسایگان بوده است. این حرف‌ها و خط‌مشی‌ها کجایش با نظم‌نوین جهانی آمریکا در تضاد است؟ کجایش برای گاؤ و گوسفندهای آمریکایی‌ها و غربی‌ها ضرر دارد؟ کسی که در سیاست خارجی‌اش هیچ منعی برای برقراری رابطه با آمریکا و انگلیس وجود ندارد، سال نو عبوری را به همه یهودیان تبریک می‌گوید و کشتار یهودیان و غیریهودیان توسط نازی‌ها را محکوم می‌کند و بر اساس ادعای بعضی از فعالان سیاسی ایرانی به باور آقای رئیس‌جمهور، آمریکا کخداست و در ذهن بسیاری از نیروهای حلقه نخست و مدیرانش، کشور آرمانی کشوری است که بسیار شبیه به غرب باشد، چرا باید این‌گونه مورد بی‌مهری قرار گیرد؟ چرا؟

دست از اظهارات بود: «مردم بعد از توافق هسته‌ای انتظار بیش از حد از اقتصاد نداشته باشند.» «به برجام نگاه اقتصادی نداشته باشید.» «توافق هسته‌ای باعث گشایش در همه حوزه‌های اقتصادی نمی‌شود.» «مشکلات اقتصادی ما به واسطه تحریم آغاز نشده است که بخواهد با حذف تحریم‌ها زمینه‌ای برای حل و فصل همه مشکلات فراهم شود.» «بازار مسکن بازار داخلی است و توافق هسته‌ای خیلی نمی‌تواند تأثیر مستقیمی روی این بازار داشته باشد.»

اوباما هم قبل از اتمام دوره ریاستش چند حال اساسی به آقای روحانی داد. او که هدفش «تغییر صلح‌آمیز رژیم» ایران بود با اعمال تحریم‌های جدید حتی زمانی که برجام ماه عسلش را سپری می‌کرد، نشان داد که برای براندازی حکومت ایران خیلی هم صبور نیست و سیاستش چندان تفاوتی با پیشینیانش ندارد.

محدودیت صدور روادید برای مسافران ایرانی، تمديد ۱۰ ساله قانون ایسا، وضع تحریم‌های جدید علیه شرکت‌ها و افراد مرتبط با ایران، مصادره دارایی‌های ایران و... فهرست تحریم‌هایی است که بعد از برجام و در زمان اوباما اتفاق افتاد.

تیر آخر بر جسم بی‌جان و بی‌حال برجام را رئیس‌جمهور جدید آمریکا، آقای دونالد ترامپ به تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ زد. خلاص. او از برجام رسماً خارج شد و در صدد اعمال سخت‌ترین تحریم‌ها برای فروپاشی ایران است. همه چیز به نقطه صفر بازگشت و شاید هم کمی عقب‌تر از نقطه صفر چرا که دولت روحانی ۵ سال از ظرفیت کشورش را معطل چنین توافقی کرده بود. محصول ۱۲ سال مذاکره با زبان و سیاست و ادبیات

و مدعی شد که «همه تحریم‌ها لغو می‌شوند، نه تعلیق.» او در طول ایام تبلیغات ریاست‌جمهوری قول داده بود کاری کند که هم سانترفیوژها بچرخد و هم زندگی مردم و حالا بر پایه این توافق که محصول نرمش و همراهی تیم روحانی با طرف غربی خاصه آمریکایی بود، در معیشت و فضای اقتصادی کشور باید تحولی بزرگ رخ می‌داد. دقایقی بعد از توافق جشن برجام در کف خیابان‌های تهران برگزار شد. تصاویر ظریف که تشبیه به امیرکبیر شده بود و عکس روحانی به‌وفور دیده می‌شد. مردم خوشبینانه بر این باور بودند که نهایت از هفته‌ای دیگر هر یک دلار به هزار تومان معامله و اوضاع بسامان خواهد شد. ریزبینان معتقد بودند که این یک نمایش و یک عملیات روانی کاملاً هماهنگ شده و دولتی است که تکمیل‌کننده آن هم تیتز فردای روزنامه‌ها و سایت‌های زنجیره‌ای و مصاحبه‌ها و مقالات در مدح این توافق و کار بزرگ دولت در این راستا خواهد بود. تیتزها را به‌خاطر دارید؟ «تحریم‌ها به تاریخ پیوست»، «فروپاشی تحریم»، «صبح بدون تحریم»، «تحریم‌ها هم رفت»، «توافقات سیاسی و اقتصادی با لغو تحریم‌ها»، «سند تحریم شکست»، «پیروزی تدبیر بر تحریم»، «اینکه بدون تحریم»، «سلام بر ایران بی‌تحریم، خلاص شدیم»، «تحریم تمام شد»، «برپید شدن طرف تحریم‌ها»، «روز شکست حصر اقتصادی»، «فتح الفتوح»، «آفتاب تابان»، «معجزه قرن»، «بزرگ‌ترین دستاورد تاریخ ایران»، «نشانه تسلیم همه قدرت‌های بزرگ در برابر اراده ملت»، «ورق خوردن تاریخ به نفع ایران»، «پیروزی بزرگ‌تر از فتح خرمشهر» و...

سه ماه از توافقی گذشت اما هیچ اتفاق بزرگی در معیشت مردم رخ نداد. یواش‌یواش داشت معلوم می‌شد که آمریکایی‌ها، آقای روحانی و تیمش را به بازی گرفتند تا در این بازی حداقل بخشی از توان هسته‌ای کشورش را مهار کنند. تهران قسمت قابل توجهی از قابلیت‌های هسته‌ای‌اش را محدود یا معدوم کرد اما در مقابل، امتیازاتی که دریافت می‌کرد هیچ قربانی با سطح و کیفیت انجام تعهدات طرف ایرانی نداشت. شرایط روز به روز داشت ناامیدکننده‌تر می‌شد و مردم مایوس‌تر. دولت هم متوجه پیام‌ها شد و تغییر موضع داد. دیگر در سخنرانی‌هایشان خبری از «شکست حصر اقتصادی» نبود. برعکس، آنچه داشت تیتز می‌شد این

قالیباف به کابینه می‌رود؟

برخی اخبار از احتمال حضور شهردار سابق تهران در دولت حکایت دارد



این اعتماد بود همان گونه که انقلاب به پیروزی رسید، از این شرایط نیز بیرون خواهیم آمد.» این اظهارات و تعریف از سیاست‌های روحانی کافی بود تا برخی گمانه‌زنی‌هایی را درباره جانمایی این فرد در کابینه به زبان بیاورند. در همین راستا سایت نامه‌نویز از رسانه‌های اصولگرایی نزدیک به روحانی در گزارشی با عنوان «قالیباق معاون اول روحانی می‌شود» نوشت که در خبرهایی آمد سیدابراهیم رئیسی جلسات سیاسی مهمی را در تهران با موضوع انتخابات مجلس برگزار کرده و از جمله شخصیت‌هایی که با او به گفت‌وگو نشستند، محمدباقر قالیباق، سعید جلیلی، محسن رضایی، حدادعادل، ذوالقدر و رحیمیان بوده‌اند. در واکنشی دیگر به این ماجرا محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران، درباره گفت‌وگوی محمود واعظی با محمدباقر قالیباق برای تصدی پست معاون اولی رئیس‌جمهور که از سوی یکی از سایت‌های خبری منتشر شده بود، گفت: «اینجا خبری است که همکاران شما خبر می‌کنند و قرار نیست به همه شایعه‌ها پاسخ داده می‌شود.»

پشت پرده یک پیشنهاد

این ماجرا از دو حالت خارج نیست؛ یا اینکه این خبر صحت دارد و در ادامه معادلات پشت پرده مربوط به تغییرات در کابینه است و حسن روحانی توافق کرده که با ورود افرادی مانند قالیباق برای بهبود عملکرد دولتش پروژه خود را پیش ببرد.

در چنین حالی این یک اتفاق مثبت هم برای محمدباقر قالیباق و هم برای دولت حسن روحانی است. برای قالیباق این خبر خوبی است چرا که او یک مدیر جهادی است و عملکرد مثبتش در شهرداری تهران نشانگر تلاش‌های صادقانه و پیگیری برای پیشبرد امور است. او حالا زمینه مناسبی برای خدمت پیدا خواهد کرد. اما این خبر در صورت صحت برای دولت روحانی هم اتفاق خوبی است. او با چنین جذبی می‌تواند حمایت قابل توجهی از بدنه اصولگرایان و نهادهای حاکمیتی را به دست آورد. حالت دوم این است که این خبر صحت نداشته و صرفاً یک بازی سیاسی است. به نظر در چنین حالتی نیز این خبر برای محمدباقر قالیباق بازخورد منفی نداشته و نشان‌دهنده توانایی او در اداره امور است. نکته این است که این خبر در هر دو حالت راستی و نادرستی اش برای قالیباق، برد-برد است.

که مدت‌هاست در متن سیاست ایران حضور ندارد این روزها اخباری در باره‌اش منتشر می‌شود که دوباره نامش را به وسط میدان رقابت‌های سیاسی کشیده است. ماجرا از این قرار بود که شهردار سابق و سردار اسبق در اظهاراتی اقتصادی در سالور دفن شهدای گمنام در مجتمع پیشکوه اظهار داشت که امروز باید همه با هر سلیقه‌ای کنار یکدیگر باشیم و از جنگ اقتصادی که دشمن به راه انداخته است فرصت درست کنیم. دولت نیز باید از فرصت پیش آمده که بسیار بی‌نظیر است استفاده کند و در مسیر برطرف کردن مشکلات اقتصادی کشور قدم بردارد. امروز دشمن با تمام قوا به میدان آمده است، مسئولان ما نیز باید به همین طریق وارد شوند و فارغ از سلاقی آنها را کنار گذاشته و دست در دست یکدیگر قرار دهند و در مقابل دشمن ایستادگی کنند. در گذشته کسانی بودند که معتقد بودند می‌توان با آمریکا گفت‌وگو کرد اما امروز این افراد داخلی نیز متوجه شده‌اند که آمریکا دیگر قابل اعتماد نیست زیرا در برجام عهدشکنی و ذات شیطنانی آمریکا را دیدند. وی گفت: «آمریکایی‌ها پس از مذاکرات خیانت کردند آن هم مذاکراتی که مورد تایید سازمان ملل بود اما باز هم آنها خیانت کرده و از برجام خارج شدند. مردم باید در حوزه اقتصادی ورود داشته باشند زیرا ضعف اصلی ما نیز در حوزه اقتصاد است و این ضعف اقتصادی ناشی از این است که مردم در عرصه اقتصاد و مدیریت کشور ورود نداشته‌اند، در حالی که در دوران دفاع مقدس این گونه نبود اما امروز به مردم اجازه ندادیم در عرصه اقتصادی و اجتماعی شکوفایی و خلاقیت داشته باشند.» شهردار پیشین تهران افزود: «وضعیت بازار ارز، سکه و واردات را اگر شاهد باشید قابل تایید است که بخش عمده اقتصاد کشور در انحصار و اختیار یک گروه خاص است.» نکته اظهارات قالیباق اینجا بود که در ادامه حواشی‌ای را ایجاد کرد: «دولت حرف‌های خوبی در حوزه اقتصادی داشت و البته این صحبت‌ها نیازمند عمل است و باید محقق شود اما در مجموع موضع شفافی از سوی دولت در قبال آمریکا اعلام شد و از این بابت خوشحال هستیم. امیدوارم دولت شعارها و وعده‌ها و حرف‌هایی را که در حوزه اقتصاد ایراد کرد در عرصه عمل نیز محقق کند. مواضع روحانی را دیدیم و مواضع ایشان مغایر با بحث برخی بود که گاهی عنوان می‌کردند دولت در سایه اجازه کار به دولت را نمی‌دهد و حتی سخنان روحانی در مورد حمایت مقام معظم رهبری از مصوبات دولت را نیز شنیدیم که گفت حمایتی بی‌نظیر صورت گرفته است. دشمن با تمام توان به دنبال القای ناآرامی نظام است. دشمنان انقلاب اسلامی را مورد حمله قرار داده‌اند اما این ملت عظمت و عزت خود را با اهدای مال و جان و فرزندان‌شان به دست آورده و ناامیدی را بزرگ‌ترین گناه می‌دانند. ما از آرمان‌های خود عقب‌نشینی نمی‌کنیم. امروز هم کسی مدعی نیست شرایط اقتصادی کشور مناسب است اما این به معنای آن نیست که اجازه نفوذ و القای نومیدی از سوی دشمن را بدهیم. آرمان‌هایی که امروز به دست آورده‌ایم مرهون انقلاب اسلامی است که از جمله آن می‌توان به استقلال، آزادی و عزت و مردم‌سالاری اشاره کرد و اساس دشمنی استکبار نیز به دلیل همین عزتی است که امروز از آن برخوردار و شاهد هستیم که جمهوری اسلامی تمامی معادلات استکباری را برهم زده است. امروز دشمن عرصه اقتصادی را برای نبرد انتخاب کرده است. آنها از تهدید و فتنه و جنگ نظامی ناامید شدند و در این عرصه‌ها شکست خوردند و در طول ۴۰ سال اخیر ملت ما روز به روز در عرصه دفاعی و راهبردی قوی‌تر شد و امروز در تراز ۱۰ کشور نخست دنیا در حوزه دفاعی هستیم. این تجربه را در دوران دفاع مقدس داشتیم. مردم و جوانان جنگ را اداره کردند اما امروز جوانان را از صحنه بیرون کردیم و از انرژی آنها استفاده نمی‌شود. باید به این جوان‌ها اعتماد کرد و اگر

خبرهای سیاسی گاه آن چنان غیر منتظره است که تحلیل‌گران سیاسی را برای راستی آزمایی‌اش به سختی می‌اندازد. باید مولفه‌ها و نشانه‌ها را کنار هم گذاشت تا به این رسید که خبری راست است و قابل توجه و تامل.

در مورد محمدباقر قالیباق هفته گذشته خبرهای مهمی مطرح شده، برخی تکذیب شده‌اند و برخی دیگر مسکوت مانده‌اند.

در مهمترین این خبرها گفته شده که به او پیشنهاد معاون اولی داده شده است. اولین بار یک روزنامه اصلاح طلب در خبری مدعی شد که محمدباقر قالیباق شهردار سابق تهران به معاون اولی روحانی منصوب خواهد شد. ساعتی از انتشار این خبر گذشته بود که محسن پیرهادی، عضو سابق شورای شهر تهران نوشت: «اینکه دولت به قالیباق هرگونه پیشنهادی داده باشد اساساً کذب است اما بعید می‌دانیم این قدر تدبیر و جود داشته باشد که کار را دست کاردان و مرد روزهای بحران دهد.»

ساعتی بعد سایت نامه‌نویز نیز از افراد نزدیک به محمدباقر قالیباق در مورد این خبر پرس و جو کرد و این افراد اصل ماجرا را تکذیب کردند.

این سایت البته در ادامه نوشته بود: «البته در ابتدای تشکیل دولت دوم روحانی نیز این خبر به شکل دیگری مطرح شده بود و حکایت از آن داشت که یک وزارتخانه به قالیباق پیشنهاد شده است. در آن مورد گویا ماجرا از این قرار بود که در جلسه‌ای با حضور کاظم جلالی و علی لاریجانی از سوی یکی از افراد پیشنهاد وزارت راه به قالیباق مطرح می‌شود. گویا در آن جمع همه غیر از علی لاریجانی با این پیشنهاد مخالفت می‌کنند. این گزارش حاکی از آن است که علی لاریجانی بعد از آن جلسه حتی این پیشنهاد را به حسن روحانی نیز ارائه می‌کند.» همین سایت مصاحبه‌ای هم با محمدسعید احدیان داشت. او درباره برگزاری جلساتی از سوی سیدابراهیم رئیسی در تهران با چهره‌هایی سیاسی همچون محمدباقر قالیباق در موضوع انتخابات مجلس گفت: «خبر را دیدم، ولی من از چنین جلسه‌ای درباره انتخابات مجلس اطلاعی ندارم.» وی درباره ورود محمدباقر قالیباق به انتخابات مجلس اظهار کرد: «آقای قالیباق ورودی به انتخابات مجلس ندارد، او کارهای دیگری می‌کند.» مشاور شهردار اسبق تهران درباره پیشنهاد معاون اولی دولت روحانی به محمدباقر قالیباق یادآور شد: «این خبر را برخی رسانه‌های اصلاح طلب نوشتند اما به راحتی تکذیب می‌شود.» وی افزود: «دولت آقای روحانی به آقای قالیباق چنین پیشنهادی را ماهیتاً نمی‌تواند بدهد، چون در این صورت آقای قالیباق موی دماغ فرصت طلبانی می‌شد که از آنها در انتخابات تحت عنوان ۴ درصدی‌ها یاد می‌کرد. البته کاش آن قدر عقلانیت و جود داشت که دنبال افراد پاک‌دست و توانمند برای انجام کارها باشند و چنین پیشنهادی را مطرح کنند. گرچه در صورت طرح مساله، بعید بود مورد پذیرش آقای قالیباق قرار بگیرد.» احدیان درباره خبر طرح پیشنهاد وزارت راه و شهرسازی دولت دوازدهم به آقای قالیباق بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ نیز بیان کرد: «هیچ پیشنهاد جدی توسط دولت آقای روحانی به آقای قالیباق ارائه نشده و نخواهد شد، چون ماهیتاً اگر آقای قالیباق بخواهد کاری کند موی دماغ یک مجموعه فرصت طلب ۴ درصدی درون دولت می‌شود، بنابراین این مجموعه فرصت طلب هیچ گاه چنین وضعیتی را برای خود ایجاد نمی‌کنند.»

نکته جالب دیگر نیز البته این بود که روزنامه قانون هم در مطلبی در مورد اخبار فضای مجازی برای معاون اولی قالیباق نوشت: «محمدباقر قالیباق فردی است که حتی اگر در عالم سیاست ایران نیز جایگاهی نداشته باشند، نامش حاشیه‌هایی را می‌تواند به همراه بیاورد. او



از پارلمان تا پاستور

هفته گذشته اخبار متفاوتی درباره قالیباف منتشر شد

هفته گذشته برای محمدباقر قالیباف پرحاشیه بوده است. اول از همه یک خبر منتشر شد که او در جلسات سیاسی با سید ابراهیم رئیسی شرکت کرده است. خبری که تحلیل‌های زیادی را در ادامه داشت. متن این خبر را که برای اولین بار هفته‌نامه مثلث منتشر کرد، به این شرح بود: «سید ابراهیم رئیسی جلسات سیاسی مهمی را نه در مشهد که در تهران برگزار کرده است و در این جلسات که با موضوع انتخابات مجلس برگزار شده، برخی شخصیت‌های اصولگرا حضور داشتند. البته بنا بر گفته برخی منابع این جلسات را چند ماهی است که رئیسی تشکیل می‌دهد و در برخی جلسات هم محمدباقر قالیباف حضور داشته است. همچنین سعید جلیلی که از نظر گفتمان با رئیسی اشتراک‌هایی دارد در برخی از این جلسات شرکت کرده است. از محسن رضایی، حداد عادل، ذوالقدر و رحیمیان به عنوان دیگر نفراط شرکت‌کننده در جلسات نام برده می‌شود.» همزمان با انتشار این خبر چند شایعه بر سر زبان‌ها افتاد. اول اینکه گفته شد محمدباقر قالیباف و رئیسی به یک تفاهم برای دو انتخابات رسیده‌اند. محمدباقر قالیباف برای انتخابات ریاست جمهوری نامزد می‌شود و ابراهیم رئیسی برای انتخابات مجلس. شایعه دیگر این بود که قالیباف برای انتخابات ۱۴۰۰ ستادهای خود را فعال کرده است. برخی دیگر هم گفتند که او ابتدا در انتخابات مجلس نامزد خواهد شد و حتی ممکن است سرلیست اصولگرایان شود.

داستان ستادها

کانال دولت بهار تنها بازمانده رسانه‌های جریان

احمدی نژاد که مدیرمسئولش نیز در زندان به سر می‌برد و این روزها توسط تیم جوانفکر اداره می‌شود، در خبری مدعی شد: «شنیده‌ها حاکی است، در پی داغ شدن موضوع انتخابات زودرس، یکی از کاندیداها اصولگرا که اخیرا شایعه انتصابش در جایگاه معاون اولی منتشر شد، ستادهای خود را فعال کرده است.» منظور دولت بهار، محمدباقر قالیباف است. در واکنش به این خبر یکی از نزدیکان محمدباقر قالیباف راه اندازی مجدد ستادهای انتخاباتی این چهره سیاسی اصولگرا را تکذیب کرد. حسین قربانزاده در پاسخ به این پرسش که آیا خبر کانال تلگرامی دولت بهار نزدیک به محمود احمدی نژاد از فعال شدن ستادهای انتخاباتی محمدباقر قالیباف صحیح است یا خیر؟ گفت: این خبر درست نیست و من قویا این موضوع را تکذیب می‌کنم. چنین خبری قطعاً غلط است و این حرف‌ها حرف‌های بیپنده‌ای است که از سوی این افراد مطرح می‌شود. محمدسعید احدیان، مشاور قالیباف درباره ورود شهردار اسبق تهران به انتخابات مجلس اظهار کرد: آقای قالیباف ورودی به انتخابات مجلس ندارد، او کارهای دیگری می‌کند.

ماجرای سرلیستی

این روزها خیلی صحبت از سرلیستی قالیباف یا رئیسی برای انتخابات آینده به میان می‌آید. حمیدرضا فولادگر، نماینده اصولگرایی مجلس دهم در این باره گفته است: «نه در این رابطه‌ها که اصلا هیچ صحبتی مطرح نشده است و هنوز ساز و کار اصولگرایان برای ورود به انتخابات مشخص نشده است. تا رسیدن به مصادیق

فاصله زیادی وجود دارد و از امروز درباره آن صحبت کردن خیلی زود است.»

در مورد اینکه قالیباف چقدر در این مورد شانس دارد محمدعلی پورمختار گفته است: «اما با این وجود فکر می‌کنم آقای قالیباف بهتر از دیگران بتواند آرای خاکستری را جذب کند. چمن و اصولگرایان در انتخابات مجلس حتما به قالیباف اقبال نشان می‌دهند کما اینکه در انتخابات ریاست جمهوری هم قالیباف به عنوان یکی از گزینه‌های چمن انتخاب شد. وی در پاسخ به این سوال که در مورد لیست هم آیا قالیباف هم می‌تواند با امضای خود لیستی ارائه کند؟ گفته است: «قالیباف هم می‌تواند تاثیرگذاری داشته باشد. او وقتی شهردار بود خاطره خوبی از خودش در ذهن مردم به جا گذاشت گرچه از امروز شروع به تخریب کرده‌اند و نشانه‌های آن در اظهارنظرها و اعلام آمار و ارقام قابل مشاهده است.» و همچنین در پاسخ به این سوال که «یعنی قالیباف سرلیست اصولگرایان خواهد بود؟» گفته است: «به هر حال هر چیزی محتمل است. باید دید شرایط سیاسی اجتماعی آن روز چه خواهد بود.»

حاشیه‌های آقای اصولگرا

اما محمدباقر قالیباف گلایه‌هایی هم از برخی چهره‌های اصولگرا داشته است که به نظر می‌رسد این مساله به یکی از چالش‌های او تبدیل شده است. محمدتقی رهبر در مورد مواضع محمدباقر قالیباف می‌گوید: «انقلاب، نظام، اسلام، ولایت، خط امام و رهبری و حمایت از مستضعفان اصول محسوب می‌شوند و افراد معتقد، متعهد و ملتزم به این اصول، اصولگرا هستند. وی با بیان اینکه تفکر اصولگرایی پدرخوانده خاصی ندارد، افزود: گروه‌های مختلف شناخته شده‌ای در این اردوگاه سیاسی قرار دارند و تصمیم‌گیری‌ها نیز شورایی انجام می‌شود. این طور نیست که عده‌ای بنشینند و برای جمع تصمیم بگیرند.»

عضو جامعه روحانیت مبارز درباره صحبت قالیباف که گفته «پیشکسوتان اصولگرا نیازی به گوش کردن حرف دیگران نمی‌بینند»، یادآور شد: «حالا برداشت‌ها متفاوت





افق جدید؟

در باب محال بودن معاون اولی آقای قالیباف!

رسول بابایی

کارشناس سیاسی



حوزه‌های اقتصادی دولت از قبیل بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و وزارت صنعت را از سردرگمی و بی‌برنامگی و لختی‌هایی بخشید. به علاوه اقتدار آقای قالیباف در پیشبرد حوزه‌های عملکردی دولت اجازه نمی‌دهد تمبرد و سرپیچی از برنامه‌های دولت به وجود آید. برای مثال معلوم است که ذیل مدیریت آقای قالیباف، وزیر صنعت اجازه پیدا نخواهد کرد که از اعلام اسامی دریافت‌کنندگان ارز دولتی سرباز زند و مدیر بالادستی هم در اختلاف بین وزیر صنعت و وزیر ارتباطات تنها به لایک یک پست توییتری وزیر ارتباطات بسنده کند. به هر حال حضور آقای قالیباف در دولت می‌تواند برگ جدید و متفاوت دولت و سایر دست‌اندرکاران اداره کشور باشد و نتایج و ثمرات قابل توجهی به بار آورد. با این حال به دلایل مختلف امکان عملی شدن آن بسیار سخت است:

حتی اگر بپذیریم که آقایان قالیباف و روحانی اختلافات سیاسی خود را که در رقابت‌های انتخاباتی ۹۶ به اوج رسید به نفع حل بحران‌های اقتصادی و مدیریتی کشور فراموش کنند، اطرافیان دو طرف به ویژه تیم آقای روحانی به دلایلی که آشکار است بعد می‌نمایند که به ایشان اجازه دهند چنین ابتکاری را در جهت حل مشکلات کشور عملی کنند. علاوه بر این جایگاه معاون اولی به تنهایی این امکان را در اختیار آقای قالیباف قرار نخواهد داد که اقتصاد کشور را به سمت آرامش و پویایی رهنمون کند و طبعاً نیاز به هماهنگی سایر ارکان اقتصادی دولت از قبیل بانک مرکزی، وزارت صنعت و وزارت اقتصاد وجود دارد.

در عین حال این سوال وجود دارد که آیا این آمادگی در دولت وجود دارد که برای مدیریت بحران اختیارات، تغییرات این حوزه‌ها به قالیباف سپرده شود؟

به هر حال در اینکه اقتصاد کشور را نمی‌توان با شیوه‌ای که دولت آقای روحانی تاکنون اداره کرده به مسیر درست و قابل اعتماد برگرداند، شکی نیست. برای گذر از این بحران‌ها معمول است که ابتکارات و شیوه‌های متفاوت از آنچه در شرایط عادی به کار گرفته می‌شود، بهره می‌گیرند ولی کارایی و گره‌شایی این ابتکارات و شیوه‌ها به میزان عقلانیت و تدبیر مدیران دولت از یک طرف و جسارت و شهامت آنها از طرف دیگر بستگی دارد و البته گذر از اختلافات سیاسی و شخصی شرط مهم اتخاذ چنین تصمیماتی است.

بحران در عملکرد دولت دوازدهم به‌ویژه در حوزه اقتصاد به سطحی رسیده که طرفداران دوآتشه دولت هم گریزی از پذیرش آن و ارائه راهکارهایی برای عبور از این بحران ندارند. سیدحسین موسویان، از نزدیک‌ترین دیپلمات‌های دولت پیشنهاد استعفا روحانی و انتخابات زودهنگام را ارائه می‌کند شاید که این تغییرات بتواند فضا و افق جدیدی را پیش‌روی اقتصاد و مدیریت کشور باز کند. البته برخی مخالفان دولت هم همین نگاه را دارند با این تفاوت که تغییرات در دولت را با طرح عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور پیگیری می‌کنند؛ راهکاری که روحانی در سخنرانی اخیرش به شدت رد کرد و نشان داد اهل استعفا نیست. در عین حال مخالفان روحانی که خواهان استیضاح و عدم کفایت سیاسی روحانی هستند هم آن‌چنان قدرتمند نیستند که بتوانند ایجاد تغییر در اقتصاد کشور را از در پیچه تغییر رئیس‌جمهور جست‌وجو کنند.

در این بین پیشنهادی هم ارائه شده و مورد بحث و بررسی مخالفان قرار گرفته است که آقای قالیباف به عنوان معاون اول آقای روحانی تحولات اقتصادی دولت را مدیریت کند، به جای آنکه رئیس‌جمهور استعفا دهد و استیضاح شود و نیاز به انتخابات زودهنگام باشد. استدلال طرفداران این پیشنهاد این است که اولاً حضور قالیباف در دولت در جایگاه معاون اولی نماد تحول بنیادینی است که می‌تواند جامعه را به ایجاد تحولات مثبت در مدیریت دولت به‌ویژه در حوزه اقتصاد امیدوار کند و آرامش را به اقتصاد کشور برگرداند. آقای قالیباف به واسطه جایگاه قابل اعتمادی که نزد حاکمیت و نهادهای حاکمیتی و نظارتی دارد، می‌تواند از تنش‌های بعضاً فرساینده بین دولت و سایر قوا و نهادهای حاکمیتی بکاهد و هماهنگی و انسجام بین دولت و سایر قوا و نهادهای بالا ببرد. این اعتماد، انسجام و هماهنگی می‌تواند موجب بالارفتن کارآمدی در حوزه‌های مختلف دولت به‌ویژه دیپلماسی و اقتصاد شود.

از طرف دیگر توان بالایی مدیریتی آقای قالیباف می‌تواند تحرک بالایی را در حوزه اقتصادی فراهم کند و

است، ما معتقدیم اصولگرایان چندنفری نیستند که داخل اتاق در بسته می‌نشینند و برای همه تصمیم می‌گیرند. هر وقت هم گروه‌های اصولگرا اعم از جامعه روحانیت و دیگر تشکلهای نظر و دیدگاهی دارند مطالب‌شان را می‌گویند. گاهی نظرات‌شان را سایر گروه‌ها می‌پذیرند و گاهی هم نمی‌پذیرند. در مجموع گاهی وفاق جمعی هست و گاهی وفاق جمعی نیست. به عبارت دیگر آن‌طور نیست که تصمیم‌گیری از جایی دیکته شود و دیگران ملزم به اطاعت باشند. همدلی، همیاری، توجیه و هماهنگی باید به عنوان اصل بر جامعه اصولگرایی حاکم باشد. به نظر من این برداشت چندان درستی نیست که بگویند عده‌ای می‌خواهند برای همه تصمیم بگیرند و گوش به حرف کسی نمی‌دهند. «وی درباره چرایی دلجویی نکردن از محمدباقر قالیباف به علت دلخوری‌اش از نحوه انتخاب نامزد نهایی در جریان اصولگرا برای انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم، گفت شخص آقای قالیباف در اجتماع مصالای تهران آمد و رسماً اعلام کرد عرصه را به آقای رئیسی واگذار می‌کند بنابراین کسی آقای قالیباف را کنار نگذاشت. در واقع خود آقای قالیباف کناره‌گیری از نامزدی در انتخابات را پذیرفت و اعلام کرد مردم هم دیدند. تا جایی که من خبر دارم هیچ مرجع و مقامی به آقای قالیباف درباره کنار رفتن یا نرفتن از صحنه انتخابات حرفی نزد. کسی که ملزم به کنار رفتن نیست بنابراین آنچه استنباط می‌کنیم این است که خود آقای قالیباف تصمیم گرفت که کنار برود.» وی افزود: «دلیل ندارد کسی آقای قالیباف را ملزم به کناره‌گیری از نامزدی در انتخابات کند، ضمن آنکه او می‌توانست بگوید «الزام نمی‌شوم که کنار بروم و چنین الزامی را قبول ندارم». عضو جنانا نبودم که تصمیم‌گیری در این رابطه شده باشد اما عضو جامعه روحانیت هستیم و از طرف جامعه روحانیت کسی جبری به آقای قالیباف برای کناره‌گیری از نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری نکرد. حالا انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ گذشت و آقایان برای آینده باید فکر باشند.»

در مقابل اما علی صوفی، وزیر سابق دولت اصلاحات نظر دیگری هم در مورد اظهارات قالیباف دارد: «آقای قالیباف لایه‌لای صحبت‌هایشان چراغ‌سبزی را هم به اصلاح‌طلبان نشان داده‌اند. ایشان جریان مقابل آقای احمدی‌نژاد بوده‌اند. البته جاهایی هم تندرستی‌هایی داشته که چهره‌اش را معشوش کرده است. قالیباف به کانون قدرت دیگری وصل است. او در بدو ورودش به شهرداری، یک پرونده چهارصد میلیاردی را از تخلفات آقای احمدی‌نژاد مطرح کرد و تا آخر هم بر آن پافشاری کرد. از نظر ارتباطات شخصی هم، با برخی از شخصیت‌های اصلاح‌طلب، ارتباطات خودش را حفظ کرده است منتها از نظر موضع‌گیری، در مقابل اصلاح‌طلبان قرار گرفت. در حال حاضر هم سعی دارد آن و ارتباط خودش را با اصلاح‌طلبان ترمیم کند.» این فعال سیاسی اصلاح‌طلب در پاسخ به این سوال که آیا قالیباف با مطرح کردن «نواصولگرایی» به دنبال ترمیم روابط خود با اصلاح‌طلبان است، گفت: «دقیقاً همین مورد است. قالیباف جوان است و هنوز برای کاندیداتوری در دوره‌های بعد انتخابات ریاست‌جمهوری، امیدوار است. مخصوصاً الان هم که بحث آقای لاریجانی مطرح است و برخی از چهره‌های اصلاح‌طلب تلویحاً از کاندیداتوری ایشان برای ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ حمایت کرده‌اند. قالیباف این برداشت را دارد که برای انتخابات ریاست‌جمهوری آینده ممکن است اصلاح‌طلبان از کسی که گرایش اصولگرایانه معتدل یا به عبارتی نواصولگرایانه دارد، بخواهند حمایت کنند. قالیباف خودش را نزدیک‌تر از لاریجانی به اصلاح‌طلبان می‌داند.»

راه تازه

برنامه قالیباف برای سیاست‌ورزی چیست؟

سال‌هاست با دو صفت «تکنوکرات» و «مدیر جهادی» تبدیل به پای ثابت انتخابات‌های ریاست جمهوری شده و پس از سال‌ها هم از عزم او برای رسیدن به پاستور کاسته نشده است. همین عزم جزم‌اوست که باعث شده همچنان نام محمدباقر قالیباف در لیست کاندیداهای دو انتخابات مهم ۹۸ و ۱۴۰۰ خودنمایی کند.

او در انتخابات ۹۶ نیز با شعار ۹۶ درصد و ۴ درصدی سرو صدای زیادی به پا کرد. قالیباف که تا کنون بین اصولگرایان به صاحب آرای طبقه متوسط معروف بود، یکباره زمین بازی را عوض کرد و طبقه کارگر را هدف و مقصد تبلیغات انتخاباتی خود قرار داد. طبقه‌ای که رقیب او سعید جلیلی هم چندسال پیش تر آن را هدف گرفته بود اما ناکام ماند.

شاید این تصمیم و تغییر رویه آنجا در دستورکار قرار گرفت که قالیباف ماه‌ها پیش از انتخابات خود را برای رقابت با جلیلی آماده می‌کرد نه افرادی چون میرسلیم یا رئیسی. از همین رو نیز در صدد برآمد تا بی‌توجه به قشر متوسط که تا حدودی رای‌شان پشت سر او قرار داشت، قشر هوادار جلیلی را جذب کند.

جلیلی به میدان نیامد تا باز هم رقیب آقای شهردار شود اما رقیبی سخت‌تر رو در وی او قرار گرفت، رقیبی که برخلاف جلیلی حمایت بخش‌هایی از جریان اصولگرا را همراه خود داشت و دست قالیباف در مقابل او خالی بود. رئیسی هرچند با اما و اگرهای زیادی تبدیل به کاندیدی نهایی جمن و طیف اکثریت اصولگرایان شد اما در نهایت قالیباف نتوانست رو در روی او قرار گیرد و وقتی حمایت اصولگرایان را با خود ندید از صحنه رقابت کنار رفت. او که با استراتژی حمله به رقبا خاصه حسن روحانی به میدان آمده بود، چند روز مانده به رای‌گیری انصراف داد تا کاندیدی او مورد علاقه جمن با پشتوانه بیشتری راهی میدان شود و امید بیشتری به پیروزی داشته باشد.

اصرار تشکیلات جناح راست برای انصراف قالیباف کار را به جایی رساند که شهردار تهران با وجود اینکه تصور می‌کرد نسبت به رئیسی رای بیشتری دارد، به نفع او کناره‌گیری کند. قالیباف از همان سال ۸۴ که پا به خیابان بهشت گذاشت، یک گزینه بالقوه بود. با این حال در مقابل تصمیم تشکیلاتی اصولگرایان سر فرود آورد، هرچند این ساختار تصمیم‌گیری را دچار اشکال می‌دانست. او این مساله را بعد از شکست ابراهیم رئیسی در انتخابات طی نامه‌ای بیان کرد. او شکایت نامه‌ای خطاب به جوانان نوشت و یک بار دیگر از آلترناتیوی به نام «نواصولگرایی» سخن گفت. او خطاب به جوانان اصولگرا گفت: «شما امیدوارانه، فعالانه و آتش به اختیار وارد صحنه شده، منتظر اقدامات از بالا به پایین در جریان اصولگرایی نباشید؛ زیرا تحلیل رفتارهای پس از انتخابات برخی دوستان نشان می‌دهد تصمیم‌گیری در این مورد در رأس جریان همچنان دچار اختلال است.»

ایده جدید

محمدباقر قالیباف برای بار سوم به انتخابات آمد؛ یک ریسک سیاسی بزرگ. او برای بار دوم با حسن روحانی رقابت می‌کرد. نبردهای تن به تن او در مناظرها با حسن روحانی که البته به اسحاق جهانگیری هم کشیده شد

از مهم‌ترین صحنه‌های انتخابات سال ۹۶ بود. او اما در اندک زمان باقیمانده تا انتخابات از رقابت کناره‌گیری کرد. خودش می‌گوید در نظر سنجی‌های رای‌بالاتر داشته اما به دلیل اینکه همه از او خواسته‌اند که به نفع ابراهیم رئیسی کناره‌گیری کند، از ادامه رقابت منصرف شد. او بعد از انتخابات برخی مواضع انتقادی داشته؛ هم نسبت به دولت مستقر هم البته نسبت به اصولگرایان. بعد از انتخابات یک نامه بسیار مهم از سوی محمدباقر قالیباف منتشر شد که بازخوردهای فراوانی در محافل سیاسی و رسانه‌ای داشت. قالیباف حرف‌های تازه‌ای مطرح کرده و البته نقدهای قابل توجهی هم به جناح اصولگرا داشت. او در این نامه از نواصولگرایی سخن گفته و به بدنه اصولگرایی توصیه‌هایی برای چگونگی مواجهه با فضای موجود ارائه کرده بود. این نامه بازخوردهای متفاوتی هم در جناح اصولگرا داشت و هم البته با نوع



نامه جنجالی

اما این نامه چه محتوایی داشت که این گونه با واکنش‌های گسترده مواجه شد؟

فارغ از بخش‌هایی از این نامه که نقدهایی را به دولت مستقر وارد می‌کرد، در یک بخش از این نامه آمده بود: «در گفت‌وگو با شما جوانان مومن و دلسوز انقلاب و نظام و کشور، جواب‌های متعددی در پاسخ به این دغدغه‌ها شنیده‌ام که نشان می‌دهد بسیاری از شما دلیل شکست‌های اخیر جریان اصولگرایی، در جلب نظر مردم در انتخابات را نتیجه اشکالات ساختاری، رویکردی و عملکردی در سطوح کلان و خرد می‌دانید. بنابراین به

این باور رسیدم که «تغییر اساسی در نحوه کنش جریان اصولگرایی» یکی از مطالبات اصلی امروز شما جوانان مومن و دلسوز انقلاب و کشور است. امروز دیگر روشن است که اصولگرایی باید با حفظ مبانی و ارزش‌های انقلابی جمهوری اسلامی، در نگرش و شیوه سیاست‌ورزی خود متحول شود و با گفت‌وگو و چهره‌هایی نو، حرکت در راستای «نواصولگرایی» را هرچه زودتر آغاز کند. این انقلاب با تکیه بر شور و انگیزه جوانان پیروز شد و این نظام با فداکاری آنها بقای خود را تضمین کرد. در ادامه راه نیز چاره‌ای جز تکیه بر جوانان در انجام کارهای بزرگ و ماندگار نیست و یکی از کارهای بزرگ جسارت «خودانتقادی» و متحول کردن اصولگرایی، بدون تضعیف این جریان در مقابل رقیبی است که اصلی‌ترین هنر آن ترریق ترس مصنوعی به جامعه، به قصد فراموش کردن وعده‌ها و ناکارآمدی هایش است. امیدوارم دیگر دوستان مسئول و اثرگذار در جبهه اصولگرایی این پیام و درخواست شما را، برای ایجاد این تحول بزرگ و ضروری، بشنوند و بدانند «خودانتقادی» و تغییر نشانه قوت است و نه ضعف.»

او در واقع در این بخش از نامه‌اش تلاش کرده بود تا ایده خود را که همان ایجاد نواصولگرایی است، مطرح کند. او در عین حال یکی از راه‌های رسیدن به این نواصولگرایی را خودانتقادی دانسته بود. این ایده قالیباف با موجی از واکنش‌های موافقان و مخالفان مواجه شد.

اما این نامه یک بخش مهم‌تر دیگر هم داشت. آنجا که او نوشته بود: «شما امیدوارانه، فعالانه و آتش به اختیار وارد صحنه شده، منتظر اقدامات از بالا به پایین در جریان اصولگرایی نباشید؛ زیرا تحلیل رفتارهای پس از انتخابات برخی دوستان نشان می‌دهد تصمیم‌گیری در این مورد در رأس جریان همچنان دچار اختلال است.» این بخش از نامه دلخوری‌هایی در سطوح از اصولگرایان به همراه داشت و البته موجب شد تا اصلاح‌طلبان هم برچسب فرمان شورش در جناح را به این نامه الصاق کنند.

قالیباف در ادامه پرسش‌هایی را نیز مطرح کرده و نوشته بود:

«۱- از یک منظر آسیب‌شناسانه، «اصولگرایی» چه ضعف‌های ساختاری، عملکردی و رویکردی دارد که باید آنها را اصلاح کرد؟ «نواصولگرایی» در این سه مورد کدام دغدغه‌ها را باید مورد توجه قرار دهد؟ چتر نواصولگرایی باید شامل کدام گروه‌های جامعه باشد؟

۲- چگونه و با چه روشی می‌توان از اصولگرایی به سمت نواصولگرایی حرکت کرد و چهره‌های جدیدی که می‌توانند این کار را انجام دهند باید چه خصایصی داشته باشند و نقش جوانان در این روند چیست؟

۳- پایگاه مردم در نواصولگرایی چگونه باید باشد؟ آیا ما نیازمند بازگشت به مردم و توجه به مطالبات و نقش آنها در اداره همه امور نیستیم؟ چگونه می‌توان بدون چشم‌پوشی از آرمان‌ها با واقعیت تغییر سبک زندگی طبقه متوسط کنار آمد؟

۴- شیوه تعامل نواصولگرایی با دولت چگونه باید باشد؟

۵- نسبت نواصولگرایی با رهبری انقلاب، نهادهای حاکمیتی و جریان‌های سیاسی رقیب چگونه باید باشد؟»

بازگشت به سیاست

برخی می‌گویند محمدباقر قالیباف سال ۹۷ را با ورود جدی‌تر به سیاست آغاز کرده است. برخی معتقدند او برای انتخابات مجلس برنامه‌هایی دارد و برخی دیگر هم می‌گویند او به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ هم نیم‌نگاهی دارد. گویا می‌خواهد با حزب کار خود را با قوت بیشتری ادامه دهد. هر چه هست سال ۹۷ در ادامه روزهای شلوغی برای محمدباقر قالیباف خواهد داشت.



آرشیو کامل

هفته نامه مکتب

از سال ۸۸ تا ۹۲

نمایش نسخه دیجیتالی | نسخه pdf | جستجوی پیشرفته
سال به روایت تصویر | شبکه های اجتماعی

مجری طرح:



مؤسسه فرهنگی هنری
نسیم شب کویر

www.nshk.ir

خدمات کتابخانه ای اجتماعی

مکتب

درک تازه ای از واقعیت

www.mosallas.ir



سیمای جدید روحانی

پس از تهدید روحانی درباره بستن تنگه هرمز قیمت نفت بالا رفت

قوه مجریه گذاشته شده و دولت آمریکا می تواند بعد از ارزیابی وضعیت عرضه نفت در بازارهای جهانی، رقمی را برای کاهش خرید نفت از ایران تعیین کند. دولت اوپاما قبل از برجام کشورها را به کاهش ۲۰ درصد خرید نفت از ایران ملزم کرده بود اما یک مقام دولت ترامپ چند روز پیش گفت واشنگتن قصد دارد این بار در روز اجرایی شدن تحریم ها میزان فروش نفت ایران را به صفر برساند. یک مقام دیگر دولت آمریکا یک روز بعد از این ادعا عقب نشینی کرد.

شوگ تازه به بازارهای نفتی

هرچند رئیس جمهور کشورمان مستقیماً اشاره به تنگه هرمز نکرده و نامی از شاهراه انتقال نفت دنیا نیاورده است اما تفسیر صحبت او در نهایت به این تنگه حیاتی و نقش ایران در آن بازمی گردد. بستن تنگه هرمز هیچ گاه به شکل جدی در دستور کار ایران قرار نگرفته است، اما اهمیت استراتژیک آن باعث می شود تا بازار جهانی نفت حتی به اظهارنظرهایی که به شکل مستقیم و غیرمستقیم در رابطه با این تنگه بیان می شود نیز واکنش نشان دهد.

بسیاری از کارشناسان مسائل نفتی معتقدند که اعمال دوباره تحریم های نفتی ایالات متحده علیه ایران، هم برای واشنگتن و هم برای نظام بین الملل هزینه بر خواهد بود. به گفته این کارشناسان، یکی از دلایل افزایش اخیر قیمت نفت، تحریم های آمریکا علیه ایران است. به گفته کارشناسان هرچه شدت تحریم ها علیه ایران بیشتر شود، ریسک افزایش قیمت ها در بازار بالاتر خواهد رفت؛ موضوعی که ترامپ را نیز زمینگیر خواهد ساخت و قدرت مانور آن را در مدیریت بازارهای نفتی به شدت محدود خواهد کرد. بنابراین در شرایطی که آمریکا تلاش دارد بالایی با دیگر کشورهای تولیدکننده نفت مانع اثرگذاری تحریم نفت ایران بر بازار نفت شود و با این شیوه خریداران نفت را نیز به قطع خرید خود از ایران راضی کند اما بازار همچنان نسبت به امنیت عرضه در بازار بی اعتماد است. از سوی دیگر، هر گونه واکنش جمهوری اسلامی ایران می تواند این معادله را تشدید کند. به عبارت بهتر، افزایش فشار بر ایران می تواند به افزایش ریسک های ژئوپلیتیک در منطقه منجر شود و این خود اهرمی برای بالا نگه داشتن قیمت ها محسوب می شود.

در نهایت اینکه دونالد ترامپ به شدت از شنیدن نام تنگه هرمز وحشت دارد. او تا قبل از سخنان اخیر رئیس جمهور کشورمان، با پاسخ منفی کشورهای چین، ترکیه و هند در خصوص کاهش واردات نفتی ایران مواجه شده بود اما سخنان اخیر حسن روحانی، شوک سخت تری را به وی و همراهانش در کاخ سفید وارد ساخته است.

نیاز بدانند، تضمین کنند، قایق های تندرو ایران نیز مکملی خواهند بود تا مهمترین شاهراه انرژی جهان، هیچ گاه بدون اراده جمهوری اسلامی، روی آرامش را نبیند. این مساله، منجر به ترس و وحشت ترامپ و متحدان وی شده است. این نخستین بار است که رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا (پس از اعلام رسمی خروج از برجام)، این چنین از سوی دولت ایران به چالش کشیده می شود.

در این خصوص یک مقام ارتش آمریکا به سخنان رئیس جمهوری ایران درباره تلاش آمریکا برای جلوگیری از صادرات نفت ایران واکنش نشان داد. آسوشیتدپرس اظهارات یک مقام ارتش آمریکا در روز چهارشنبه که گفته واشنگتن «آماده تضمین آزادی تردد دریایی» است را واکنش به سخنان اخیر «حسن روحانی»، رئیس جمهوری ایران تعبیر کرده است.

رئیس جمهور ایران در پاسخ به تهدیدهای مقام های آمریکایی که خواستار رساندن صادرات نفت ایران به صفر شده بودند، گفت: «آمریکایی ها مدعی شده اند که می خواهند به طور کامل جلوی صادرات نفت ایران را بگیرند، آنها معنی این حرف را نمی فهمند، چرا که اصلاً معنی ندارد که نفت ایران صادر نشود و آن وقت نفت منطقه صادر شود، اگر شما توانستید این کار را بکنید تا نتیجه اش را ببینید.»

«بیل اربن»، سخنگوی فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا به خبرنگاری آسوشیتدپرس گفت نیروهای آمریکایی و متحدان منطقه ای این کشور «آماده تضمین آزادی تردد دریایی و گردش آزاد تجارت حسب مجوزهای قوانین بین الملل هستند.»

«دونالد ترامپ»، رئیس جمهور آمریکا روز ۱۸ اردیبهشت ماه کشورش را از توافق هسته ای برجام خارج و زمانی ۹۰ و ۱۸۰ روزه امضا کرد. تحریم های مربوط به محدود کردن فروش نفت ایران، جزو تحریم هایی هستند که اجرای آنها ۱۸۰ روز بعد از خروج آمریکا از برجام، در تاریخ ۴ نوامبر (۱۳ آبان ماه) اجرایی خواهد شد.

این تحریم ها به موجب بند ۱۲۴۵ (د) قانون اختیارات دفاع ملی آمریکا، ۲۰۱۲ اعمال می شوند که خزانه داری آمریکا را ملزم می کند علیه آن دسته از موسسات مالی خارجی که با بانک مرکزی ایران یا هر یک از دیگر موسسات مالی تحت تحریم ایران معامله انجام می دهند تحریم هایی اعمال کند، مگر آنکه کشورهای میزبان آن موسسات مالی در بازه ۱۸۰ روز گذشته خرید نفت خام از ایران را «به میزان قابل توجهی» کاهش داده باشند. در این قانون، تعیین اینکه «میزان قابل توجه» چه رقمی خواهد بود به عهده

حسن روحانی، رئیس جمهور کشورمان در جریان سفر خود به سوئیس، به صورتی قاطعانه و صریح، ایالات متحده آمریکا و متحدان سیاست های نفتی واشنگتن را مورد عتاب قرار داد و با بیان این جمله، شوک سختی به کاخ سفید و ریاض (به عنوان دو بازیگر کارشناس نفتی علیه ایران) وارد ساخت: «آمریکایی ها مدعی شده اند که می خواهند به طور کامل جلوی صادرات نفت ایران را بگیرند. آنها معنی این حرف را نمی فهمند، چرا که این اصلاً معنی ندارد که نفت ایران صادر نشود و آن وقت نفت منطقه صادر شود. اگر شما توانستید، این کار را بکنید تا نتیجه اش را ببینید.»

اهمیت راهبردی و ژئواستراتژیک تنگه هرمز بر هیچ کس پوشیده نیست. حدود ۴۰ درصد نفت دنیا و عمده نفت هشت کشور صادرکننده حاشیه خلیج فارس از این آبراه راهبردی صادر می شود. به عنوان مثال بیش از ۸۸ درصد نفت عربستان سعودی، ۹۸ درصد نفت عراق، ۹۹ درصد نفت امارات متحده عربی و صد درصد نفت کشورهای کویت و قطر و در مجموع به طور متوسط ۹۷ درصد نفت این کشورها از تنگه هرمز عبور می کنند. همچنین ۵۰ درصد سایر مبادلات کالای این کشورها نیز از تنگه هرمز عبور می کند. کارشناسان اقتصادی معتقدند در صورت مسدود شدن این آبراه حیاتی، بازار نفت دنیا با کمبود ۱۶/۵ تا ۲۰ میلیون بشکه ای مواجه خواهد شد که در این صورت بهای هر بشکه نفت به صورت تصاعدی حتی به میزان حدود ۲/۵ برابر فعلی افزایش خواهد یافت.

حسن روحانی در حالی غرب را به صورت تلویحی (و در عین حال گویا) نسبت به بستن تنگه هرمز تهدید کرده که دور تازه از تحریم های یکجانبه آمریکا پس از خروج از برجام از ۱۳ مرداد با تحریم صنعت خودرو و تجارت فلزات گرانبها آغاز می شود. همچنین قرار است تحریم های بانکی و نفتی ایران نیز از ۱۳ آبان ماه امسال توسط ایالات متحده آمریکا دوباره اعمال شود. در چنین شرایطی سخنان رئیس جمهور، پیام قاطعانه ای را به واشنگتن و شرکای سیاسی و نفتی آن مخابره کرده است.

شلیک ایران به سیاست های نفتی آمریکا و عربستان

اخیراً پادشاه عربستان همدستی نفتی این کشور با دونالد ترامپ علیه ایران را علنی کرد. پیش از این رئیس جمهوری آمریکا از جلب موافقت عربستان برای عرضه بیشتر نفت و جبران کاهش احتمالی صادرات نفت ایران خبر داده بود. گرچه این خبر در ابتدا از سوی کاخ سفید رد شد اما ملک سلمان در نشست کابینه این کشور از موافقت با درخواست ترامپ برای افزایش تولید ۲ میلیون بشکه در روز خبر داد. گرچه پس از اعلام این خبر قیمت نفت در بازارهای جهانی افت کرد، اما موسسه مورگان استنلی پیش بینی خود از بهای این محصول را برای پاییز و زمستان سال جاری ۷ دلار افزایش داد. برخی تحلیلگران نیز نسبت به عملی بودن وعده نفتی آل سعود ابراز تردید کردند. بسیاری از کارشناسان معتقدند که اظهارات رئیس جمهور کشورمان مبنی بر اینکه در صورت عدم صدور نفت ایران، نفت منطقه نیز صادر نخواهد شد، نه یک شعار و مانور سیاسی، بلکه به مثابه تکیه بر یکی از ظرفیت های مهم ایران در مواجهه با تحریم ها و اقدامات واشنگتن و متحدان آن محسوب می شود.

وحشت ترامپ از عملی شدن تهدید ایران

ترامپ و دیگر مقامات آمریکایی به خوبی می دانند که موشک های کروز، باالستیک و هوا به سطح گوشه ای از سامانه های تهاجمی نیروهای مسلح ایران هستند که می توانند بسته ماندن تنگه هرمز را تا هر زمان که کشورمان



**بستن تنگه هرمز
هیچ گاه به شکل جدی
در دستور کار ایران قرار
نگرفته است، اما اهمیت
استراتژیک آن باعث
می شود تا بازار جهانی نفت
حتی به اظهارنظرهایی
که به شکل مستقیم و
غیرمستقیم در رابطه با
این تنگه بیان می شود نیز
واکنش نشان دهد**

هشدار به موقع

آمریکا از تسلط و توان دفاعی ایران در خلیج فارس آگاه است

سیدحسین نقوی حسینی

عضو کمیسیون امنیت ملی
مجلس

به دنبال اقدامات کاخ سفید برای به صفر رساندن فروش نفت ایران، حسن روحانی، رئیس جمهور ایران طی سخنانی در سوئیس بیان داشتند: «آمریکایی‌ها مدعی شده‌اند که می‌خواهند به‌طور کامل جلوی صادرات نفت ایران را بگیرند، آنها معنی این حرف را نمی‌فهمند، چرا که اصلا معنی ندارد که نفت ایران صادر نشود و آن وقت نفت منطقه صادر شود، اگر شما توانستید، این کار را بکنید تا نتیجه‌اش را ببینید.» در واقع با توجه به ادامه رفتار خصمانه ایالات متحده آمریکا علیه ملت ایران و بر خلاف توافق بین‌المللی، جمهوری اسلامی باید تکلیف خود را با دنیای بین‌الملل به‌ویژه کشورهای غربی عضو برجام مشخص کند زیرا در برجام توافقاتی صورت گرفت که ایالات متحده آمریکا علاوه بر اینکه آشکارا آن را نقض توافق کردند، اکنون نیز ایران را تهدید و تحریم می‌کنند.

به همین دلیل رئیس جمهور ایران در این خصوص به صراحت بیان کردند که با همه باید بتوانند نفت بفروشند یا هیچ کس نفت نفروشد زیرا در شرایطی که ایران صاحب بزرگ‌ترین ذخایر و منابع نفتی دنیاست و در حوزه خلیج فارس حضور قاطع دارد به صورتی که کل شمال خلیج فارس در اختیارش است، نمی‌تواند در برابر فروش نفت دیگر کشورها و عدم فروش نفت خود در بازار جهانی سکوت کند. جامعه جهانی باید تدابیری را اتخاذ کند که همه دارندگان نفت، معاملات نفتی را انجام دهند. در غیر این صورت ایران اجازه نخواهد داد دیگران هم از این منابع منتفع شوند. لذا چون جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور عضو اوپک صاحب بزرگ‌ترین ذخایر و منابع نفت و گاز دنیا و منطقه است، حق دارد فروش نفت خود را تضمین کند. ضمن اینکه دشمنان هم بر این موضوع واقف هستند که ایران هم می‌تواند امنیت فروش نفت منطقه را تامین کند هم برعکس عمل کند. علاوه بر این جمهوری اسلامی طبق تجربه ۴۰ ساله دریافته است که هر زمان در مقابل دشمن مقاومت کند آنها عقب‌نشینی می‌کنند و هرگاه ضعف نشان دهد یا از مواضع خود کوتاه آید دشمن افسار پاره می‌کند. لذا دکتر روحانی اخطار بجا و درستی از جانب اقتدار ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی دادند و مردم از این اخطار حمایت خواهند کرد و این حمایت را به جامعه بین‌الملل هم نشان خواهند داد.

از سوی دیگر رگ حیاتی اروپا وابسته به نفت منطقه است و اگر صادرات نفت خدشه‌دار شود، آنها هم دچار مشکل می‌شوند و اقتصادشان ضربه می‌خورد. بنابراین آنها برای منافع خودشان هم شده باید تمهیداتی فراهم کنند که همه کشورها بتوانند به راحتی نفت صادر کنند.

همچنین اروپاییان، ایران را به عنوان یک کشور عضو اوپک، صاحب نفت و باثبات می‌شناسند و طی مراودات و توافقاتی که مطابق برجام برقرار شده بر این باور هستند که ایران حق دارد نفت خود را بفروشد. از این جهت دور از ذهن است که ریسک کنند و با همراهی ایالات متحده آمریکا مانع فروش نفت ایران شوند، چون هم به ضررشان

تمام خواهد شد و هم بهای نفت افزایش چشمگیری خواهد داشت که به ضرر اقتصاد بین‌الملل است.

از سوی دیگر اگرچه کشورهای عربی به دنبال سودجویی در عدم صادرات نفت ایران هستند اما آنها باید در چارچوب اوپک عمل کنند و اجازه ندهند بیش از این تولید خود را افزایش دهند. ضمن اینکه کشورهای منطقه در بحران شدیدی قرار دارند، عربستان در باتلاق یمین اسیر شده و بعضی از کشورها را هم درگیر کرده است. به همین جهت برخی از کشورهای منطقه از سیاست‌های خصمانه عربستان حمایت نمی‌کنند و برخی نیز اعلام کرده‌اند که علیرغم تحریم‌های ایالات متحده آمریکا، مراودات خود را با ایران ادامه خواهند داد.

همچنین ایالات متحده آمریکا و اروپا نیز دریافته‌اند

”

اگرچه کشورهای عربی به دنبال سودجویی در عدم صادرات نفت ایران هستند اما آنها باید در چارچوب اوپک عمل کنند و اجازه ندهند بیش از این تولید خود را افزایش دهند. ضمن اینکه کشورهای منطقه در بحران شدیدی قرار دارند، عربستان در باتلاق یمین اسیر شده و بعضی از کشورها را هم درگیر کرده است. به همین جهت برخی از کشورهای منطقه از سیاست‌های خصمانه عربستان حمایت نمی‌کنند و برخی نیز اعلام کرده‌اند که علیرغم تحریم‌های ایالات متحده آمریکا، مراودات خود را با ایران ادامه خواهند داد

”



که ایران دارای توانمندی‌های دفاعی و اقتدار نظامی لازم است تا بتواند امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز را به‌خوبی فراهم کند و همه کشورها بتوانند از این تنگه بهره‌مند شوند و برعکس می‌تواند نقل و انتقالات در این تنگه را مسدود کند زیرا تنگه هرمز دارای سرزمینی است که کاملاً تحت کنترل ایران است، تمام بار دیپلماسی، اقتصادی و نفتی همه کشورهای حوزه خلیج فارس از این تنگه عبور می‌کند و بنابراین تنگه‌ای استراتژیکی است. با توجه به اینکه امروز اقتصاد، محور مراودات و تعاملات کشورهاست هر نوع اختلالی در نقل و انتقال بار تجاری و نفتی، اقتصاد دیگر کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین کشورهای اروپایی عواقب تحریم نفتی ایران را دریافته‌اند و به هر شکلی است اجازه نمی‌دهند انتقال نفت از ناحیه خلیج فارس دچار مشکل شود و اگر اختلافی هم به وجود آید اروپاییان برای رفع آن تلاش خواهند کرد.

همچنین باید متذکر شد که موقعیت اروپا و آمریکا جنگ‌طلبی نیست، آنها شاید تمایل داشته باشند با امکانات و ثروت کشورهای عربی جنگ‌های نیابتی راه بیندازند، مانند آنچه در یمین شاهد هستیم، اما در مقطع فعلی آنها نه توان اقدام نظامی در منطقه را دارند، نه جراتش را، نه منافعشان در این موضوع است. بنابراین اقدام نظامی از جانب آنها غیرقابل تصور است. اما همان گونه که اشاره کردم شاید غربی‌ها برخی کشورها را در منطقه تحریک کنند که اقداماتی انجام دهند. در این راستا ایران همواره این توصیه را به کشورهای منطقه دارد که دشمنان هیچ‌گاه نمی‌توانند بر این منطقه مسلط و مستقر شوند و کشورهای منطقه خود باید امنیت منطقه را تامین کنند، لذا کشورهای منطقه باید عقلایی رفتار کنند و مانند صدام حسین فریب کشورهای سلطه‌گر را نخورند.

در عین حال در مقابل این رفتارهای کینه‌توزانه آمریکایی‌ها، سفر اخیر رئیس جمهور به دو کشور اروپایی اتریش و سوئیس فرصتی را فراهم آورد که جمهوری اسلامی ایران باز هم اثبات کند که پاینده به توافقات بین‌المللی و مذاکره و گفت‌وگو است اما با این وجود اگر آمریکا بخواهد محیط را برای ما ناامن کند، قطعاً جمهوری اسلامی ایران محیط را برای آمریکایی‌ها ناامن خواهد کرد. اگر آمریکایی‌ها بخواهند ملت ما را محدود کنند قطعاً ما هم منافع آمریکا را در هر جایی محدود خواهیم کرد. خلیج فارس و ذخایر و منابع آن متعلق به کشورهای منطقه است و همه باید بتوانند از آن استفاده کنند و همه باید بتوانند از بازار نفت استفاده کرده و نفت خود را به راحتی بفروشند. اگر قرار باشد که یک کشور قلدر تجاوزگر بیاید و منافع ملت ایران را به خطر بیندازد حتماً جمهوری اسلامی ایران اجازه نخواهد داد دیگران هم انتفاعی داشته باشند.

آمریکایی‌ها و معاندان، قدرت و توان جمهوری اسلامی ایران را می‌دانند و تسلط و توان دفاعی ایران در خلیج فارس کاملاً آگاه هستند و می‌دانند که اگر بخواهند محیط را برای نفت ما ناامن کنند قطعاً محیط برای همه ناامن خواهد شد.

تجربه ۴۰ ساله جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که هر جا ما در مقابل قدرت‌های سلطه‌گری مثل آمریکا محکم ایستاده‌ایم و به آنها جواب دندان‌شکن داده‌ایم آنها کوتاه آمده و عقب‌نشینی کرده‌اند. در نهایت باید توجه داشت که دستاورد بزرگ ما از برجام این بوده که امروز آمریکایی‌ها هر کاری بکنند نمی‌توانند همه کشورها را علیه ایران بسیج کنند و امروز دست‌مان در بسیاری از کشورها باز است. پیش‌تر جمهوری اسلامی ایران ۱۰ برابر سخت‌تر از این تحریم‌ها را تجربه کرده و اکنون نیز می‌تواند از این بحران عبور کند.



همه باید هزینه بدهند

پیام هشدار نفتی روحانی خطاب به کدام کشورها بود؟

نوذر شفیعی

کارشناس مسائل بین الملل و نماینده
سابق مجلس شورای اسلامی



حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران اخیراً در نشست در سوئیس گفت که «امکان ندارد نفت منطقه صادر شود و نفت ایران صادر نشود»؛ این صحبت رئیس جمهور پیام مشخصی برای طرف های مشخص دارد. اولین پیام این است که در مقطع فعلی طرفین باقی مانده در برجام هر گزینه ای که دارند را روی میز قرار داده اند. سیاست خارجی عرصه مبادله پیام هاست و ایران نیز در حال رونمایی از ابزارهای قدرتی است که در اختیار دارد. همچنان که وزیر کشور نیز گفته است که اگر ۲۴ ساعت چشمانش را روی هم بگذارد بیش از یک میلیون پناهنده از مرزهای غربی به اروپا می روند.

از دیگر سو دکتر روحانی این پیام را ارسال کردند که امروزه امنیت، سیاست و اقتصاد جهان به هم وابسته است و نوعی وابستگی متقابل در میان کشورهای جهان وجود دارد. یعنی با تحریم ایران، اقتصاد و امنیت جهان لطمه می بیند و در مقطع فعلی برخورد تحریمی با کشوری مانند ایران جواب نمی دهد زیرا ایران ابزارهای مختلفی دارد که می تواند مقابله به مثل کند. لذا بدین صورت نیست که یک کشور بخواهد از تمام مزایای ارتباطات جهانی بهره برداری کند و کشور دیگری از آن ظرفیت ها محروم باشد. بنابراین منظور دکتر روحانی این است که اگر قرار باشد کشوری را از حق که دارد محروم کنند آن کشور نیز از گزینه های مختلفی که در اختیار دارد استفاده خواهد کرد که یکی از گزینه های مهم در اختیار ایران «تأثیرگذاری در حوزه صادرات نفت» است.

در حال حاضر از یک سو کشورهای باقی مانده در برجام در حال رایزنی های فشرده ای با ایران با هدف باقی ماندن این کشور در توافق هسته ای و ارائه تضمین های لازم هستند و از سوی دیگر آمریکا تمام

پیامی با این مضمون که اگر فرصتی هست باید برای همه باشد و اگر تهدیدی نیز وجود دارد این تهدید می تواند علیه همه باشد. بنابراین کشورها نباید به طور یکجانبه و با در نظر گرفتن ظرفیت های خودشان تصمیم گیری کنند، بلکه ظرفیت های کشورهای دیگر که می تواند بر تحولات منطقه ای و بین المللی تأثیرگذار باشد نیز باید از سوی سایر کشورها مدنظر قرار بگیرد. وقتی چنین معیارهایی مدنظر قرار بگیرد بدون شک تصمیم گیری ها نیز منطقی تر خواهد بود.

نکته ای که باید توجه داشت اینکه حتی اگر آمریکا پیام این صحبت های روحانی را دریافت کرده باشد نباید الزاماً انتظار داشته باشیم که این هشدارها بر تصمیم و اشتگتن تأثیرگذار باشد. البته من معتقد هستم که به جای واژه آمریکا باید طیف نومحافظه کاران ایالات متحده آمریکا را خطاب قرار دهیم. اغلب جامعه آمریکا و حتی بخش زیادی از سیاستمداران این کشور، مخالف سیاست های دونالد ترامپ هستند. باید به یاد داشته باشیم کسانی که در حال حاضر در آمریکا قدرت را در اختیار دارند طیف محافظه کار هستند و اشخاصی را شامل می شوند که اغلب دنبال ماجراجویی هستند. در نتیجه ارزیابی این مسئله که صحبت های رئیس جمهور ایران تا چه حد بر رفتارهای آنها تأثیرگذار باشد، امر نسبتاً دشواری است.

همان طور که اشاره شد، لایه دوم پیام روحانی، خطاب به کشورهای اروپایی بود؛ با در نظر گرفتن تلاش های فعلی کشورهای اروپایی باقی مانده در توافق برجام با هدف حفظ آن و ارائه تضمین های لازم به ایران، می توان این طور بیان کرد که اروپا علاقه مند به حفظ این توافق و ادامه مناسبات با ایران است. با توجه به صحبت های انجام گرفته در سفر رئیس جمهور ایران به اتریش و سوئیس به نظر می رسد که گشایش هایی پیش روی ایران قرار دارد. همچنین بعد از صحبت های آقای روحانی این مسئله مطرح شد که آیا بستن تنگه هرمز توسط ایران امکان پذیر است یا تنها یک هشدار محسوب می شود. در این رابطه باید توجه داشت که بستن این تنگه به راحتی امکان پذیر است اما این اقدام برای تمام بازیگران هزینه بردار است و به همین خاطر است که آقای روحانی تلویحاً گفتند که اگر قرار است منافع ایران تهدید شود منافع دیگران نیز تهدید خواهد شد. درواقع رئیس جمهوری ایران متوجه این نکته است که بستن تنگه هرمز ممکن است هزینه هایی نیز برای کشور داشته باشد. ولی اگر قرار باشد ایران بدون بستن تنگه هرمز، هزینه بپردازد بهتر است که با بستن تنگه هرمز، هزینه ها را میان تمام بازیگران منطقه ای و بین المللی توزیع کند. اگر ایران چنین تصمیمی را عملیاتی کند اولاً این تصمیم یک تصمیم کاملاً مطالعه شده است، در ثانی بستن تنگه هرمز به صورت پلکانی و مقطعی اجرا خواهد شد و در این فرآیند اجرایی پلکانی و مقطعی، فرصت ها و تهدیدها دوباره مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. این تصمیم اگر اجرا شود تأثیر قابل توجهی بر قیمت نفت باقی خواهد گذاشت که شوکی بر اقتصاد جهان وارد می کند. تصور آمریکایی ها بر این است که با مازاد تولید نفت در جهان می توانند خلاء ایران را پر کنند ولی این اقدام ایران منجر به آن می شود که نه تنها آن خلاء پر نشود، بلکه اقتصاد جهان دچار شوک شود و حتی ظرفیت های موجود نیز رو به کاهش بگذارد. در این میان خسارات و شوک زیادی نیز به کشورهای عربی و صادرکننده نفت حوزه خلیج فارس وارد می شود زیرا حوزه خلیج فارس یک مجموعه امنیتی را تشکیل می دهد لذا هرگونه اتفاقی در این منطقه به طور اتوماتیک کل منطقه را تحت تأثیر قرار می دهد و بدون شک هر اقدامی در حوزه تنگه هرمز منافع عربستان، امارات و دیگر کشورهای تحت تأثیر قرار خواهد داد.

تلاشش را معطوف بر فشارهای نفتی به ایران و به زعم خودشان به صفر رساندن صادرات نفت ایران کرده است. در چنین شرایطی بیان این مسائل، واقعیاتی است که در صحنه وجود دارد و بر تصمیم کشورهای اروپایی تأثیرگذار خواهد بود. این تصمیم می تواند در جهت خلاف موضع گیری رئیس جمهور ایران باشد و آنها بگویند که از این تهدیدات هراسی ندارند و ایران هر کاری که قادر است انجام دهد در مقابل نیز آنها پاسخ خواهند داد. برعکس ممکن است این صحبت بر تصمیم آنها در جهت گشایش راه هایی برای توسعه مناسبات با ایران و اجرایی کردن برجام منجر شود. ولی به طور کلی به نظر می رسد که پیام و سیگنال دکتر روحانی از این صحبت ها بیش از آنکه اروپایی ها باشند، ایالات متحده آمریکا بود.

این پیام خطاب به واشگتن این است که اگر قرار باشد کشورهای از ابزار زور، تحریم و فشار استفاده کنند، این گزینه ها به طور نسبی در اختیار خیلی از کشورها قرار دارد. در همین رابطه در برخی موارد ایران دارای مزیت های مطلق است و می تواند اثرگذاری بالایی داشته باشد. بحث تنگه هرمز و اثرگذاری بر صادرات نفت فقط یکی از گزینه های ایران است و گزینه های دیگری نیز پیش روی تهران قرار دارد. می توان گفت که آمریکایی ها نیز معنا و مفهوم پیام آقای روحانی را به خوبی دریافت کردند.

لایه دوم پیام روحانی، خطاب به کشورهای اروپایی بود؛ با در نظر گرفتن تلاش های فعلی کشورهای اروپایی باقی مانده در توافق برجام با هدف حفظ آن و ارائه تضمین های لازم به ایران، می توان این طور بیان کرد که اروپا علاقه مند به حفظ این توافق و ادامه مناسبات با ایران است. با توجه به صحبت های انجام گرفته در سفر رئیس جمهور ایران به اتریش و سوئیس به نظر می رسد که گشایش هایی پیش روی ایران قرار دارد



جنگ تجاری بارقبا

چرا ترامپ اصرار بر توقف صادرات نفت ایران دارد؟

سید غلامحسین حسنتاش

کارشناس انرژی



به دنبال خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، دولت ترامپ فشار سنگینی را برای خارج کردن نفت ایران از بازار جهانی آغاز کرده و این سوال برای همه مطرح است که این فشارها چه هدفی دارد؟ به صفر رساندن صادرات نفت ایران تا چه حد امکان پذیر است و شرایط بازار نفت بدون ایران چگونه خواهد بود. در تلاش نزدیک شدن به پاسخگویی به این سوالات شاید بهتر باشد که نگاهی به سابقه تحریم‌ها تا قبل از برجام بیندازیم.

بعد از شروع دور تحریم‌های گذشته، اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) بر اساس قانون دفاع ملی این کشور موظف شده بود که هر دو ماه یک بار گزارشی را تحت عنوان «وضعیت دسترسی بودن و قیمت‌های نفت خام و فرآورده‌های نفتی در کشورهای جهان غیر از ایران» تهیه کرده و در اختیار مقامات آمریکایی و مسئولان تحریم‌ها قرار دهد. در واقع به طور خلاصه هدف از تهیه چنین گزارشی این بود که توازن عرضه و تقاضای جهانی سوخت‌های هیدروکربنی مایع، شامل نفت خام و میعانات گازی را بررسی و مشخص کند برای حفظ این توازن تا چه میزان به نفت و میعانات ایران نیاز است. در واقع فشار بر صادرات نفت ایران یا به عبارت دیگر، میزان فشار بر کشورهای دیگر برای خودداری آنها از خرید و برداشت نفت ایران بر اساس

این گزارش تنظیم می‌شد. اگر شرایط و توازن بازار اجازه می‌داد و عرضه مناسب و تقاضا کم بود، فشار بر صادرات نفت ایران بیشتر یا در شرایط عکس آن فشار کمتر می‌شد. ۲۵ نسخه از گزارش مذکور بین ماه‌های فوریه سال ۲۰۱۲ و ژانویه سال ۲۰۱۶ منتشر شد و تولید این گزارش در ژانویه ۲۰۱۶ و با اجرایی شدن برجام متوقف شد. اتفاقاً در ماه‌های بعد از آن شرایط بازار تغییر کرد و عرضه نفت و سوخت‌های مایع از تقاضای آن پیشی گرفت که نهایتاً سازمان اوپک با همکاری غیر اوپکی‌ها مجبور به کاهش تولید شدند تا جلوی کاهش بیشتر قیمت نفت را بگیرند. در واقع اگر برجام تحقق نیافته بود در آن مقطع امکان داشت که فشار بر صادرات نفت ایران بیشتر شود و صادرات نفت کاهش بیشتری یابد.

اینک بعد از خروج ایالات متحده از برجام، انتشار گزارش مذکور مجدداً آغاز شده است و در ماه نوامبر سال ۲۰۱۸ اداره اطلاعات انرژی آمریکا مجدداً مبادرت به تولید این گزارش کرده است. البته گزارش ماه نوامبر به صورت مستقل مانند دوره ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶، بلکه به صورت ضمیمه‌ای بر گزارش چشم‌انداز کوتاه مدت انرژی تهیه شده و در ماه‌های آتی ممکن است دوباره به صورت مستقل انتشار یابد. گزارش مورد اشاره نشان می‌دهد که در ماه‌های آوریل و می ۲۰۱۸ بازار نفت حداقل به ۲/۵ میلیون بشکه در روز نفت خام و میعانات نفتی ایران نیاز داشته یعنی بدون ایران این مقدار کمبود وجود داشته است و سطح ذخیره‌سازی‌های نفتی هم در حدی نبوده که برداشت از

مازاد ذخایر پاسخگوی این میزان کمبود بوده باشد. حال در اینجا مساله ظرفیت‌های مازاد تولید در کشورهای اوپک و غیر اوپک به یک مساله کلیدی تبدیل می‌شود یعنی آیا کشورهای اوپک و غیر اوپک دارای آن میزان ظرفیت مازاد تولید (یا ظرفیت تولید به کار گرفته نشده) هستند که بتوانند در صورت لزوم، تولیدشان را بالا ببرند و نفت و میعانات نفتی (یا گازی) ایران را جایگزین کنند یا نه؟ در این رابطه باید اشاره کرد که اصولاً در کشورهای غیر اوپک مقوله‌ای به عنوان ظرفیت مازاد تولید وجود ندارد یعنی غیر اوپکی‌ها همواره از حداکثر ظرفیت تولید خود استفاده کرده و می‌کنند و تنها روسیه است که از اوایل سال ۲۰۱۷ در هماهنگی با اوپک مقدار اندکی از تولید نفت خود را کاهش داده و ممکن است مقدار کمی ظرفیت مازاد تولید داشته باشد که متعاقباً به آن خواهم پرداخت. بنابراین مقوله ظرفیت مازاد تولید عمدتاً مربوط به کشورهای اوپک و در میان اوپکی‌ها نیز عمدتاً مربوط به عربستان سعودی است و این مقوله سابقه دیرینه‌ای دارد که در اینجا مجال پرداختن به آن نیست. در هر حال در همان گزارش ماه نوامبر EIA که ذکر آن رفت، اشاره شده است که مجموعه کشورهای اوپک دارای ۱/۹ میلیون بشکه ظرفیت مازاد تولید هستند و شاید ترامپ هم اخیراً به استناد همین گزارش بوده است که سازمان اوپک را مورد حمله قرار داد و از آنها خواست که کنترل تولید را کنار بگذارند ولی باید توجه کرد که در پاورقی همان گزارش ابهاماتی در مورد این میزان ظرفیت مازاد تولید مطرح شده و در آنجا اشاره



شده است که فعال کردن این ظرفیت یک ماه به طول می انجامد و استفاده از آن نیز نمی تواند در طولانی مدت و بیش از سه ماه پایدار بماند و به عبارت دیگر تولید از آن قابل تداوم نیست.

از آنجا که در میان کشورهای عضو اوپک نیز بیشترین پتانسیل ظرفیت مازاد تولید، مربوط به کشور عربستان است در اینجا خوب است وضعیت تولید روسیه و عربستان به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. بنا به گزارشات سازمان اوپک، حداکثر تولید نفت عربستان سعودی در سال ۲۰۱۶ و در اوج تحریم ها علیه ایران، به میزان حدود ۱۰/۴ میلیون بشکه در روز بوده و آخرین تولید این کشور در ماه می ۲۰۱۸ که در جهت منویات ترامپ نسبت به ماه های قبل قدری افزایش داشته، نزدیک به ۱۰ میلیون بشکه در روز بوده است؛ البته عربستان حدود ۱/۸ میلیون بشکه در روز هم میعانات گازی تولید می کند که جزو نظام سهمیه بندی اوپک نیست و عمدتاً در صنایع پتروشیمی این کشور مصرف می شود. عربستان به دلایلی که ذکر آن از حوصله این مطلب خارج است (در نوشته های دیگری به آن پرداخته ام) همواره سعی کرده است خود را دارای ۱/۵ تا ۲ میلیون بشکه ظرفیت مازاد تولید نشان دهد ولی در زمان هایی که شرایط بازار مساعد بوده عملاً نتوانسته است چنین ظرفیتی را فعال کند و بعید به نظر می رسد که عربستان بتواند تولید نفت خود را به بالاتر از حدود ۱۰/۵ میلیون بشکه در روز برساند. بنابر اطلاعات اداره انرژی آمریکا، اوج تولید نفت و میعانات روسیه نیز

در سال ۲۰۱۷ در حدود ۱۱/۲ میلیون بشکه در روز بوده که عملاً نسبت به سال قبل از آن (و علی رغم ادعای همکاری با اوپک در جهت کاهش تولید)، کاهش قابل توجهی نداشته است.

در جمع بندی باید گفت در شرایط فعلی بازار و با وجود قوت نسبی تقاضا، بعید به نظر می رسد در کوتاه مدت و میان مدت بیش از حداکثر ۱ تا ۱/۳ میلیون بشکه نفت ایران قابل جایگزین باشد مگر اینکه تعادل فعلی بازار به هم بخورد و محتنی های عرضه و تقاضا در سطوح بسیار بالاتری از قیمت نفت یکدیگر را قطع کنند و شاید هم همین مطلب هدف جانبی فشارهای دونالد ترامپ باشد.

در اینجا سوال مهمی که باید به آن توجه شود این است که چرا اصولاً ترامپ و همکارانش این میزان بر توقف صادرات نفت ایران اصرار دارند؛ در تجربه قبلی تحریم های آمریکایی، دو جهت گیری اصلی و محوری وجود داشت که اولی همین کاهش و توقف صادرات نفت ایران بود و دیگری قفل کردن تراکشن های ارزی ایران در سیستم بانکی بین المللی. خصوصاً باید توجه داشت که مورد دوم، اولین تجربه آمریکایی ها بود و بعدها روشن شد که مورد دوم یعنی قفل کردن تبادلات ارزی، از همه چیز تأثیرگذارتر است. وقتی نتوانیم دریافتهای نفتی را در سیستم بانکی جهان به حرکت در آوریم فروش نفت کمک زیادی نمی کند؛ نفت را می فروشیم ولی عملاً وجوهش در اختیار کشور قرار نمی گیرد. خصوصاً اینکه بعدها و حتی بعد از برجام، آمریکایی ها کور کردن منافذ باقیمانده نقل

و انتقالات ارزی ایران را نیز پیگیر بودند. بنابراین چرا این همه اصرار بر توقف صادرات نفت ایران وجود دارد در حالی که ایران می تواند مقداری نفت صادر کند و توازن بازار به هم نخورد و در عین حال بتواند از درآمد آن به سهولت استفاده کند. شاید سه پاسخ برای این سوال قابل طرح باشد: ۱- دولت ترامپ به دنبال فشار روانی بر مردم و مقامات ایران است؛ مشکل نقل و انتقالات ارزی برای همه ملموس نیست ولی توقف صادرات نفت در اقتصاد وابسته به نفت، ملموس تر و قابل درک عمومی است و نگرانی و فشار روانی بیشتری ایجاد می کند. ۲- با توجه به اینکه این بار دولت آمریکا به صورت یکجانبه از برجام خارج شده نگران است که خریداران عمده نفت ایران بتوانند راهکارهای قانونی برای تداوم خرید نفت ایران و پرداخت وجوه آن بیابند و از طریق فشار مضاعف بر صادرات نفت ایران می خواهد جلوی این کار را بگیرد. ۳- دولت ترامپ علاوه بر مساله ایران، یک جنگ اقتصادی و تجاری و تعرفه ای را علیه رقبای عمده اقتصادی ایالات متحده و خصوصاً اروپا و چین آغاز کرده است. افزایش قیمت جهانی نفت در راستای این جنگ تجاری می تواند برای آمریکا مفهوم داشته باشد. افزایش نسبی قیمت جهانی نفت می تواند در آمریکا رونق نفتی ایجاد کند و برای رقبای اقتصادی آمریکا پرهزینه باشد. این سه انگیزه و هدف که منافاتی هم با هم ندارند می تواند در دستور کار دولت ترامپ قرار گرفته باشد. البته باید زمان بیشتری سپری شود تا مسائل بیشتری آشکار شود.

راه‌های مقابله با تحریم نفتی آمریکا

گفت‌وگوی مثلث با رضا مجیدزاده



رضا مجیدزاده، نویسنده و پژوهشگر اقتصاد سیاسی توسعه در گفت‌وگویی با هفته‌نامه مثلث به بررسی این موضوع پرداخته است که در صورت اعمال تحریم‌های نفتی آمریکا، شرایط ایران

به چه سمتی می‌رود و کشورهای چون عربستان و روسیه صادرات نفتی‌شان را تا چه حد می‌توانند افزایش دهند.

غیر از دلار مبنای معامله باشد یا اینکه معامله به صورت تهاجر انجام پذیرد. برای نمونه، هند پرداخت پول نفت را از طریق یک بانک ترکیه‌ای انجام داده است.

اروپا برای خرید نفت ایران، چقدر قابل اعتماد است؟

قابلیت اعتماد به مشتریان اروپایی به دو مساله مهم بیمه کشتی‌های حامل نفت ایران و میل و توانایی شرکت‌های اروپایی در تقبل ریسک‌های مالی و ارزی خرید نفت از ایران است. خروج شرکت توتال نشان داد که بین میل یا دست کم اعلام ارسالی کشورهای اروپایی مبنی بر تمایل به ادامه خرید نفت از ایران و توانایی واقعی آنها در مقابله با احتمال تحریم‌های آمریکا برای خرید نفت از ایران، تفاوت معناداری وجود دارد. هرچند جنگ تجاری بین آمریکا و اروپا و میل ترامپ به اعمال تعرفه روی واردات خودرو از اروپا، آنها را به استفاده ابزاری از ایران برای جنگ تجاری خود با آمریکا مصمم تر کرده است، اما حجم تجارت خارجی بین اروپا و آمریکا، رقمی بسیار بزرگتر از حجم تجارت این قاره با ایران است و امکان جایگزینی نفت روسیه و عربستان در بازار اروپا نیز به عنوان فاکتوری مهم در این معادلات وارد می‌شود. خرید نفت ایران توسط اروپا یک تعادل منفعت‌محور است، زیرا وابستگی آنها به نفت کشورهایی مانند روسیه به عنوان یک فروشنده نامطمئن را افزایش نمی‌دهد اما ریسک بالای احتمال شدت یافتن جنگ تجاری با آمریکا از یک طرف و احتمال تحریم و مجازات شرکت‌های اروپایی از طرف دیگر، احتمال استقرار تعادل ریسک‌محور عدم خرید نفت از ایران را نیز منتفی نمی‌سازد. با این حال، یافتن راهی برای دسترسی ایران به سوئیت، یکی از گزینه‌های منجر به افزایش احتمال استقرار تعادل منفعت‌محور خواهد بود مشروط بر آنکه مساله شفافیت مالی در ایران، جدی تر گرفته شود.

آیا در صورت اعمال تحریم‌های نفتی آمریکا، نسبت به دوره قبلی تحریم‌ها، وضعیت اقتصادی بدتر خواهد شد؟

مجموع درآمد نفتی قبل از انقلاب ۱۳۹۵/۵۳۷ میلیارد دلار و مجموع درآمد نفتی پس از انقلاب تا سال ۱۳۸۴ معادل ۴۴۵/۴۷۲ میلیارد دلار بوده در حالی که درآمد نفتی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ در حدود ۴۳۷/۸۸۶ میلیارد دلار بود. اما طی این دوره زمانی بسیار مهم این سرمایه عظیم ملی منجر به رشد بخش‌های واقعی اقتصاد اعم از کشاورزی، صنعت، به ویژه خود صنعت نفت و گاز که تامین کننده این درآمد عظیم بوده، نشده است و در عوض بخش قابل توجهی از

خام به بخش خصوصی، جایگزینی ارزهای محلی در معاملات نفتی یا انجام تهاجر نفت در برابر کالاهای مشخص خواهد بود.

چه کشورهایی خریدار نفت ایران باقی خواهند ماند؟

مشتریان نفت ایران شامل کشورهای چین، هند، کره جنوبی، ترکیه، ایتالیا، ژاپن، امارات متحده عربی، اسپانیا، فرانسه و یونان می‌شود. به احتمال زیاد، ژاپن نخستین کشوری است که به دنبال یک صادرکننده جایگزین نفت برای ایران خواهد بود اما جایگزینی نفت ایران توسط ژاپن به نتیجه ارزیابی این کشور درباره کفایت حجم واردات جاری این کشور برای معافیت از خرید نفت ایران بستگی دارد. چین و هند، دو اقتصاد نوظهور و دو واردکننده بزرگ نفت هستند که رشد اقتصادی آنها به میزان زیادی به واردات نفت وابسته است. از این روی با تصمیم آمریکا برای قطع فروش نفت ایران، موافق نیستند؛ ترکیه نیز مخالفت خود با قطع خرید نفت از ایران را اعلام کرده است. با این وجود احتمال همراهی کره با سیاست قطع خرید نفت از ایران نیز بالاست، چون مذاکرات صلح کره شمالی در جریان است و کره جنوبی در زمینه خلع سلاح این کشور، نیاز به همراهی با آمریکا دارد.

با هدف کمتر متضرر شدن از تحریم‌های نفتی آمریکا، چه راه‌هایی پیش روی ایران وجود دارد؟

برای مقابله با تحریم نفتی آمریکا دو راه کلی وجود دارد: قطع کامل فروش نفت خام به کشورهای دیگر یا دور زدن تحریم‌های آمریکا. در صورت اقدام به دور زدن، دو استراتژی محتمل کلی، عبارت از یافتن مشتریان جدید یا یافتن روش‌های جدید فروش نفت به مشتریان سابق نفتی است. بر اساس تحلیل تضاد و مدل گراف، چنانچه باز یگران اصلی این وضعیت، آمریکا، ایران، روسیه و عربستان در نظر گرفته شوند، بدون در نظر گرفتن محدودیت تقاضا و با احتساب ترجیحات روسیه و عربستان برای جایگزینی نفت ایران در بازار بین‌المللی، هر دو گزینه یافتن مشتریان جدید و یافتن روش‌های جدید فروش نفت برای ایران، تعادل‌های احتمالی هستند. تاکنون، ۶۸ درصد صادرات نفت ایران به کشورهای آسیایی و ۳۸ درصد آن به کشورهای اروپایی است. بنابراین اگر آمریکا با اتکا به جنگ تجاری و اعمال تعرفه روی واردات از کشورهای اروپایی بتواند آنها را به قطع خرید نفت از ایران متقاعد کند باز هم امکان استمرار آن ۶۸ درصد (به صورت حد اکثری) وجود دارد. چین با خرید ۲۴ درصد، هند با خرید ۱۸ درصد و کره جنوبی با خرید ۱۴ درصد از صادرات نفت خام ایران، بزرگترین مشتریان آسیایی نفت کشور را تشکیل می‌دهند. با وجود اعمال فشار آمریکا، ترکیه (خریدار ۹ درصد از صادرات نفت ایران) اعلام کرده است که قطع واردات نفت از ایران را در دستور کار خود ندارد. اما مساله مقابله با ریسک ایجاد می‌کند که ایران هر دو رویکرد یافتن مشتریان جدید نفتی و دور زدن تحریم فروش نفتی را به صورت همزمان دنبال کند.

اما برای پرداخت پول نفت ایران، لازم است ارزی

آیا عربستان و روسیه در صورت اعمال تحریم‌های آمریکا قادر به افزایش تولید نفت و جبران کمبود نفت خواهند بود؟

در حال حاضر، روسیه بالغ بر ۶۰ درصد نفت اروپا را تامین می‌کند و سهم آن در تامین واردات نفت کشورهای چین، کره جنوبی و ژاپن نزدیک به ۲۰ درصد است. البته اتحادیه اروپا بر اساس منشور انرژی خود، روی تنوع منابع عرضه انرژی تاکید دارد و به طور ویژه، سابقه رفتار روسیه در قطع صادرات گاز به اروپا در دهه ۲۰۰۰ موجب تاکید بیشتر کشورهای اتحادیه اروپا روی تنوع منابع عرضه انرژی شده است. اما عربستان نیز از پتانسیل پاسخ به تقاضای کشورهای اروپایی برخوردار است و در صورت موفقیت آمریکا در متقاعد ساختن کشورهای اروپایی در قطع خرید نفت از ایران، عربستان می‌تواند تقاضای آنها را تامین کند. سهم عربستان از تامین نفت اروپا نزدیک به ۱۵ درصد بوده است. این کشور به اندازه ۱۹ درصد، روسیه به اندازه ۵/۳۳ درصد و ایران به اندازه ۱/۲۸ درصد ذخایر نفت جهان را در اختیار دارند. بنابراین پتانسیل عربستان برای جایگزینی نفت ایران، بیشتر از روسیه است. افزون بر این، نشست بوتین و ترامپ به زودی در فنلاند برگزار می‌شود و امکان دارد بوتین با افزایش فروش نفت خود برای همکاری با آمریکا موافقت کند؛ نفت خام زیر ۱۰۰ دلار در چند سال گذشته، مشکلات زیادی برای اقتصاد این کشور فراهم ساخته بود و از این روی، افزایش مقدار فروش می‌تواند تاحدی برای افزایش درآمد ارزی روسیه و کمک به بودجه دولت این کشور کارگر افتد.

ایران روزانه ۲/۷ میلیون بشکه تولید نفت دارد و از نظر فنی، درجه API (جگالی نفت بر اساس محاسبه موسسه آمریکایی نفت) نفت سبک ایران در حدود ۳۳/۱ و میزان سولفور آن به اندازه ۱/۵ درصد است. نفت سنگین ایران نیز API ۲/۳۰ با درجه گوگرد ۷۷/۱ درصد است. از منظر نفت سنگین، کیفیت نفت عراق، کویت، آنگولا و عربستان، به کیفیت نفت سنگین ایران بسیار همانند است و در رابطه با نفت سبک، آنگولا، عربستان و نیجریه مشابه ایران هستند. اما در میان کشورهای غبرایک، روسیه با درجه API ۳۱،۷ و میزان سولفور ۱،۳۵ درصد، شبیه‌ترین نفت به ایران را داراست. از این روی، قابلیت روسیه و عربستان برای جایگزینی نفت ایران در بازار جهانی، هم از نظر سیاسی و هم از نظر فنی بالاست.

در آن زمان میزان صادرات ایران چه تغییری خواهد کرد؟

تحریم صادرات نفت خام ایران، از پنجم نوامبر سال جاری میلادی باز خواهد گشت و برای برخورداری از معافیت واردات نفت، وزارت خزانه‌داری آمریکا از کشورهای واردکننده خواسته تا واردات خود را بکاهند. بر اساس برآوردها، انتظار می‌رود افت صادرات ایران بین ۲۰۰ تا ۸۰۰ هزار بشکه نفت خام در روز باشد. برنامه توسعه ظرفیت میدان نفتی ایران با مشکلات جدی همراه خواهد شد اما در کوتاه مدت، مهم‌ترین چالش پیش روی صادرات نفت خام ایران، تهدید سیستم‌های تهاجری، برونسپاری فروش نفت

برای مقابله با تحریم نفتی آمریکا دوره‌ای کلی وجود دارد؛ قطع کامل فروش نفت خام به کشورهای دیگر یا دور زدن تحریم‌های آمریکا. در صورت اقدام به دور زدن، دو استراتژی محتمل کلی، عبارت از یافتن مشتریان جدید یا یافتن روش‌های جدید فروش نفت به مشتریان سابق نفتی است. بر اساس تحلیل تقاضا و مدل گراف، چنانچه بازیگران اصلی این وضعیت، آمریکا، ایران، روسیه و عربستان در نظر گرفته شوند، بدون در نظر گرفتن محدودیت تقاضا و با احتساب ترجیحات روسیه و عربستان برای جایگزینی نفت ایران در بازار بین‌المللی، هر دو گزینه یافتن مشتریان جدید و یافتن روش‌های جدید فروش نفت برای ایران، تعادل‌های احتمالی هستند.

سابقه تحریم‌های پیشا‌برجامی، عراق و نیجریه قابلیت تصاحب جایگاه ایران در بازارهای آسیا و آفریقا را دارند.

سیاست‌های اعلانی ترامپ برای تحریم نفت ایران، چه تفاوتی با دوره اوپاما دارد؟
سیاست‌های اوپاما و ترامپ در تحریم ایران، تفاوت معناداری ندارد. در سال ۲۰۱۱، باراک اوپاما قانونی را امضا کرد که هرگونه ارتباط با بانک مرکزی ایران و سایر بانک‌های ایرانی را ممنوع کرد و به تبع این قانون، صادرات نفت ایران کاهش یافت. اتحادیه اروپا نیز در تحریم نفت ایران شرکت کرد و واردات آن را متوقف ساخت. بنابراین، مهم‌ترین تفاوت بین سیاست اوپاما و ترامپ، عدم همراهی (حتی موقتی) اتحادیه اروپا با تحریم نفت ایران توسط ترامپ است. در واقع، در ماه نوامبر سال جاری، همان تحریم‌های دوره اوپاما بازخواهد گشت و در نتیجه تحریم‌های دوره اوپاما، صادرات نفت کشور به روزانه یک میلیون بشکه در روز رسیده بود. البته ترامپ به دنبال قطع کامل واردات نفت از ایران (با معافیت‌های جزئی) است که از نظر شدت می‌توان رویکرد آن را با دوره اوپاما متفاوت دانست.

در صورت اعمال تحریم‌های نفتی علیه ایران، وضعیت اوپیک به چه سمتی می‌رود؟
به عنوان یک واقعیت مهم، اوپیک دیگر به اندازه دوران طلایی خود در بازار جهانی نفت، کارگر نیست. موضوعیت یافتن نفت شیل آمریکا، فروش نفت توسط روسیه، اختلافات سیاسی بین کشورهای اوپیک و ضعف داخلی برخی از آنها، اهمیت یافتن روزافزون انرژی‌های نوین و مسائل دیگر موجب شده‌اند تا اوپیک قدرت گذشته خود را نداشته باشد اما هنوز هم سازمانی اثرگذار در بازار جهانی نفت است. حتی در صورت قطع کل صادرات نفت ایران، تولید اوپیک به اندازه ۲/۷ میلیون بشکه در روز کاهش می‌یابد و با توجه به افزایش ۳۰ درصدی تقاضای هند برای نفت در سال ۲۰۱۹، به نظر می‌رسد که چشم‌انداز بازار جهانی نفت با افت قیمت یا کاهش تقاضا مواجه نباشد؛ بدین سان، اعضای اوپیک، بر اساس همان مدل معماری زندانیان از تحریم نفت ایران، استقبال می‌کنند چون می‌توانند با چانه‌زنی سهمیه خود را افزایش دهند. با این وجود، ساختار کلی اوپیک همچنان حفظ می‌شود و از میان سه استراتژی کلی خروج، اعتراض و وفاداری برای اعضا، همچنان استراتژی وفاداری (به عضویت نه سهمیه) برای آنها منفعت دارد چون امکان هماهنگی و اطمینان برای آنها از درآمد را ایجاد می‌کند. تجزیه سازمانی مانند اوپیک برای تولید انرژی‌های جایگزین و نفت شیل نیز خبر خوشایندی نیست و به تقویت کشورهای نوظهوری مانند چین و هند می‌انجامد. بنابراین استمرار فعالیت یک اوپیک ضعیف و پیروی از سیاست‌های آمریکا با اجرای عربستان سعودی، همچنان در آن مشاهده خواهد شد.

جدید نیز می‌توانند در میان کشورهای شرق اروپا مانند رومانی و اسلواکی باشند.

به جز روسیه و عربستان، چه کشورهایی تولید نفت‌شان را افزایش می‌دهند تا به نفت ایران احتیاج نباشد و آیا توانایی آن را دارند؟
اوپیک، یک کارتل اقتصادی است که مساله تعیین سهم اعضا در آن اهمیت بسیار بالایی دارد. در تجربه پیشین اوپیک، محاسبات انفرادی هر کشور این علامت را می‌داده است که افزایش عرضه آن به میزانی بالاتر از سهمیه معین، می‌تواند درآمد نفتی آن کشور را بالا ببرد، چون یک فرض کورنوبی اتخاذ می‌شده که کشورهای دیگر به سهمیه پایبند می‌مانند. اما بر اساس مدل معماری زندانیان، محاسبه بالا توسط همه کشورها به صورت انفرادی انجام می‌شده است چون تخطی از سهمیه یک استراتژی مسلط بوده و از این روی همه کشورها از سهمیه تخطی می‌کرده‌اند که نتیجه آن، افت قیمت نفت و خسارت اعضای اوپیک بوده است. بنابراین احتمال افزایش تولید از جانب سایر کشورهای تولیدکننده اوپیک دست کم تا زمان جلسه بعدی این سازمان وجود دارد اما عربستان و روسیه به میزان معناداری تولید خود را می‌افزایند. با این حال، عربستان همواره مدافع یک سقف و کف قیمتی در بازار نفت بوده است و با وجود توانایی افزایش تولید سایر اعضای اوپیک، به دلیل مدل رهبر-پیرو عربستان در میان بیشتر کشورهای عضو اوپیک، احتمال افزایش تولید چشمگیر از طرف سایر اعضای اوپیک، چندان بالا نیست اما بر اساس

این درآمد در راستای مهار نرخ تورم به واردات کالا و خدمات عمدتاً مصرفی اختصاص یافت که منجر به تورم رکودی شد. طبق گزارش کمیسیون انرژی، نفت و محیط زیست اتاق بازرگانی، اثر تحریم‌ها ۹۰ میلیارد دلار و اثر تضییع درآمدهای نفتی بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار بوده است. طبق گزارش وزارت خزانه‌داری ایالات متحده روز چهارشنبه ۱۳ سپتامبر سال ۲۰۱۳، ایالات متحده برخی بنگاه‌های اقتصادی خارجی را به محرومیت از بازارهای آمریکا تهدید کرد مگر اینکه شریکان تجاری اصلی ایران، واردات نفت از این کشور را کاهش دهند. بر اساس همین گزارش، اقدامات این آمریکا موجب کاهش فروش روزانه حدود یک میلیون بشکه نفت ایران نسبت به سال ۲۰۱۲ شد، در حالی که در سال ۲۰۱۱ برآورد شده بود که ایران روزانه ۲/۴ میلیون بشکه بفروشد. دیوید کوهن، معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا، در دانشکده حقوق دانشگاه نیویورک گفت که این میزان کاهش صادرات ماهانه حدود ۵ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی ایران کم کرده و دولت را به کاستن هزینه‌های جاری واداشته است. شکاف تولید ناخالص داخلی در اثر خسارت بخش‌های بانکداری، بیمه، حمل و نقل و بازرگانی طی دوره ۱۳۹۱-۱۳۸۶ به قیمت‌های ثابت، در حدود ۱۷ میلیون میلیارد ریال بود.

با توجه به ارقام بالا، در بدترین حالت، تجربه دوره قبل تحریم‌ها تکرار می‌شود اما برای عدم تکرار آن تجربه لازم است تا هرگونه زمینه بروز عوارض بیماری‌های هندی از جمله تحریک انتظارات عمومی به سمت افزایش هزینه‌های جاری دولت، فساد اقتصادی و بروز اختلاس بیشتر یا خروج سرمایه‌های مردم از کشور، با توزیع رانتی ارز و دستکاری قیمت‌های کلیدی به هیچ وجه در دستور کار دولت قرار نگیرد.

ایران یک دوره تحریمی را تجربه کرده است؛ با توجه به این تجربه آیا ایران می‌تواند برای نفت خود مشتری پیدا کند؟

مهم‌ترین مساله برای یافتن مشتری نفت ایران، قطع دسترسی به سیستم بانکی آمریکا برای موسسات مالی است که قصد معامله دلاری با ایران را دارند. این عدم دسترسی بدان معناست که هیچ‌گونه محدودیت مستقیم در خرید نفت ایران وجود ندارد اما خریداران نفت ایران، با موانع پرداخت دلار به ایران روبه‌رو خواهند شد. با این وجود، دو گزینه آسان برای ایران، انجام تهاوت با نفت یا انجام مناقصه نفت به بخش خصوصی داخلی است، به طوری که فروش نفت به مشتریان خارجی به بخش خصوصی برون سپاری شود. از دیگر روش‌های مقابله با تحریم نفتی و یافتن مشتریان جدید یا حفظ مشتریان قبلی می‌توان به تخفیف در مورد شرایط پرداخت بهای نفت و حل مسائل بیمه محموله‌های نفتی اشاره کرد. بر اساس تجربه فروش نفت در دوران تحریم‌های بین‌المللی پیشا‌برجام، کشورهایی هستند که امکان فروش نفت برای ایران را فراهم می‌آورند. برای نمونه در آن زمان، دلالاتی در مالزی، فروش نفت را انجام دادند اما مشکلات بعدی در دریافت پول نفت، این راهکار را پرهزینه و پریسک می‌کند. توافق با کشورهای آسیایی از جمله چین و هند، در کنار ترکیه برای استمرار فروش نفت بر یک مبنای غیردلاری، راه‌حل بلندمدت‌تر و بهینه‌تر، سرمایه‌گذاری داخلی برای تبدیل نفت خام به محصول در داخل کشور و فروش آن به کشورهای دیگر است؛ راه‌حلی که در دوران نهضت ملی نفت نیز اثر بخش بود. اما مشتریان



کاهش وابستگی به نفت

استفاده از ظرفیت مازاد، بازار اوپک را آسیب پذیر خواهد کرد

محمدعلی خطیبی

نماینده پیشین ایران در اوپک



در بحبوحه تلاش های دولت واشنگتن و متحدان آن در منطقه با هدف تشدید فشارها علیه ایران خصوصا در حوزه نفت، اخیرا صدو هفتاد و چهارمین نشست اعضای اوپک در وین برگزار شد و در پایان، اعضا اعلام کردند که توافق قبلی اوپک (نوامبر ۲۰۱۶) مبنی بر کاهش تولید تا سقف یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه همچنان به قوت خود باقی است. در نوامبر سال ۲۰۱۶ اعضای اوپک به همراه چند کشور غیر اوپک موافقت نامه ای را امضا کردند مبنی بر اینکه تولید نفت را به میزان یک میلیون و هشتصد هزار بشکه برای تنظیم بازار و بهبود قیمت ها کاهش دهند. از این میزان بشکه ای که کاهش پیدا کرد، یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه آن مربوط به اعضای اوپک و ۶۰۰ هزار بشکه مرتبط با روسیه و دیگر کشورهای غیر اوپک است، لذا در راستای تلاش آمریکا برای تحریم نفتی و صفر کردن خرید نفت از ایران، کشورها ظرفیت این را دارند که تولید خود را به میزانی که پیش از این کاهش پیدا کرده افزایش دهند. اگرچه در برخی نشریات گفته می شود که کشورهایی مانند عربستان، کویت و امارات بیش از این هم می توانند افزایش تولید داشته باشند، اما برخی بر این باور هستند که باتوجه به افت تولید این کشورها، آنها نمی توانند ظرفیت تولید بالایی داشته باشند. بنابراین طبق منابع موجود، ظرفیت تولید نفت تا ۱۲ میلیون بشکه برای کشورهایی چون عربستان، کویت، امارات و حتی روسیه وجود دارد، اما باید دید در عمل چه مقدار از این ظرفیت مازاد به کار گرفته می شود. از سوی دیگر صادرات بشکه های نفت ایران به همراه میعانات و فرآورده ها حدودا ۳ میلیون بشکه را شامل می شود که گمان نمی رود به کارگیری ظرفیت های مازاد بتواند جایگزین صادرات ایران شود. البته اصطلاحی در مهندسی وجود دارد به نام تولید صیانتی، به این معنا که تولید با روش های توصیه شده مهندسی صورت بگیرد تا از مخازن صیانت کنند. نوع دیگر تولید هم تولید غیر صیانتی است که همان تولید بی رویه است و می تواند به مخازن نفتی لطمه جبران ناپذیر بزند. با این حساب برخی کشورها ممکن است وارد فاز تولید های غیر صیانتی شوند به این صورت که به چاه های خودشان لطمه می زنند تا کمبود نفتی چاه های ایران را جبران کنند. از سوی دیگر حداقل مقداری است که وجود دارد در واقع ظرفیت مازاد است که باید باشد، زیرا بازار نفت نیاز به یک ظرفیت مازاد به اندازه ۱۰ درصد اوپک را دارد تا در صورت وقوع اتفاقات



دولت مجبور شد وابستگی بودجه را به درآمدهای نفتی کم کند، زیرا صادرات کم شده بود و درآمد آن هم به تبع پایین آمده بود، به همین خاطر وابستگی بودجه کشور به نفت به ۳۰ درصد رسید. اما بعد از برجام این روند معکوس شد و وابستگی به درآمدهای نفتی افزایش پیدا کرد. در واقع یک نوع خلف وعده صورت گرفت و دولت و مجلس براساس تعهداتی که وجود داشت عمل نکردند. لذا در وهله اول باید این وابستگی را کاهش داد تا دشمن نتواند از این نقطه اقتصاد ایران را تحت فشار قرار دهد؛ در واقع درآمد حاصل از فروش نفت باید صرف مسائل زیرساختی و سرمایه گذاری های درازمدت شود نه هزینه های جاری دولت. مسئله دوم بحث خام فروشی نفت است؛ جمهوری اسلامی باید به جای خام فروشی، فرآورده های نفتی را بفروشد تا آسیب پذیری در مقابل تحریم ها را کاهش دهد. بنده به عنوان مسئول فروش نفت در سال ۹۰-۹۱ می گویم که مشکل اصلی ایران در آن دوره خام فروشی نفت بود و تقریبا مشکلی در فروش محصولات وجود نداشت، بنابراین خام فروشی و وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی نقایع هستند که دشمن با تکیه بر آنها قصد گرفتن امتیاز از ایران را دارد. جمهوری اسلامی باید طبق یک برنامه ریزی مستمر و پیگیر، این نقاط ضعف را برطرف کند. در کوتاه مدت هم باید تلاش کرد تعامل بیشتری با مشتریان داشت و تا جای ممکن آنها را حفظ کرد. ضمن اینکه این اطمینان خاطر را به آنها بدهیم که در صورت خرید نفت ایران هیچ گونه ضرری متوجه آنها نخواهد شد و در صورت بروز مشکل هم مسئولیت برطرف کردن آن به عهده ایران خواهد بود. همچنین مانند سال ۹۰-۹۱ از ظرفیت های داخلی، بیشتر استفاده کنیم که تا حدودی بتوانیم نگرانی ها را برطرف کنیم و در سایه تلاش و کوشش به موفقیت دست یابیم. در واقع ما باید از این تهدیدها به عنوان فرصت استفاده کنیم؛ توان داخلی مان را تقویت کنیم، وابستگی به درآمد نفتی را کم، تولید ملی را تقویت و بودجه را به گونه ای تنظیم کنیم که وابستگی به درآمدهای ناپایدار نداشته باشد و به درآمدهای ثابت، پایدار و قابل اتکا وابسته باشد. بنابراین از این منظر فرصت هایی به وجود آمده که می توان با استفاده از آنها، بستر اقتصاد سالم را ایجاد کرده و در آن مسیر حرکت کرد.

پیش بینی نشده یا قطع عرضه به دلیل عوامل ژئوپلیتیک، ظرفیت مازاد به بازار این اطمینان خاطر را دهد که می تواند هرگونه کمبودی را جبران کند و در واقع به نوعی سوپاپ اطمینان بازار است. اما اگر این ظرفیت به کار گرفته شود به این مفهوم است که بازار دیگر امنیتی ندارد و هرگونه اتفاقی می تواند بازار را با کمبود مواجه کند و به دنبال آن قیمت ها به شدت افزایش یابد. بنابراین وجود ظرفیت مازاد معادل ۱۰ درصد اوپک برای امنیت بازار و عرضه و امنیت روانی مصرف کنندگان ضروری است و اگر این ظرفیت با هدف خارج کردن نفت ایران به کار گرفته شود، بازار نفت را بسیار آسیب پذیر و شکننده خواهد کرد.

از سوی دیگر با وجود فشارهای دونالد ترامپ برای به صفر رساندن خرید نفت از ایران تاکنون هیچ کدام از خریداران نفت ایران با این مسئله ابراز هماهنگی نکرده اند. ضمن اینکه ایالات متحده قبل از تحریم ها هم نه دادوستد نفتی با ایران داشته نه سرمایه گذاری در این خصوص در ایران کرده است. بنابراین تحریم های آمریکا و عدم ارتباط تجاری این کشور با ایران به تنهایی هیچ گونه لطمه ای به صادرات ایران نمی زند. اما در سوی دیگر این قضیه، شرکای تجاری ایران هستند که آمریکا از طریق اعمال فشار و مذاکره با آنها در صدد صفر کردن خرید نفت آنها از ایران است. لازم به ذکر است که خریداران نفت ایران مانند اتحادیه اروپا به نوعی شرکای تجاری ما هستند که ایران در قبال صادرات نفت، کالا و خدمات آنها را وارد می کند. طبیعتا اگر حجم صادرات و تعاملات تجاری جمهوری اسلامی کم شود، آنها هم بازار ایران را از دست می دهند اما تا به حال که هیچ کدام از شرکای تجاری ما با آمریکا در مورد تحریم ایران همکاری نکرده اند. همچنین باید گفت تحریم های آمریکا علیه ایران امری جدید و موقعیتی نا آشنا نیست. ضمن اینکه در تحریم های سال ۹۰، باراک اوباما توانسته بود یک اجماع بین المللی علیه ایران شکل دهد و شرایط به مراتب سخت تر بود. در واقع در آن زمان کشورهای متعددی ایران را تحریم کرده بودند حتی سازمان های بین المللی از جمله سازمان ملل و شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی قطعنامه صادر کرده بودند. از این رو بسیاری از کشورها به دلیل بیانیه های سازمانی بین المللی روابط اقتصادی خود را با ایران کم کرده بودند. اکنون وضعیت تحریم ها فرق می کند و تنها آمریکا ایران را تحریم کرده و تاکنون باقی کشورها در این زمینه ایالات متحده را همراهی نکرده اند. در این راستا و برای پیشبرد منافع، ایران هم باید تلاش کند شرکای اقتصادی خود را حفظ کند تا علی رغم تحریم های آمریکا بتواند موانعی که در زمینه مسائل اقتصادی دارد را برطرف کند. زیرا دشمنی واشنگتن با ایران از بدو پیروزی انقلاب اسلامی کاملا مشخص بود و به شکل های مختلف ایران را تحت فشار قرار می دادند، لذا تحریم های آمریکا به تنهایی مسئله جدیدی نیست اما پیوستن کشورهای دیگر به آنها می تواند مشکل ساز باشد. در این خصوص مهم ترین اقدامی که ایران باید انجام دهد برطرف کردن نقاط ضعفی است که در اقتصاد داریم زیرا این نقاط ضعف، وسیله ای در دست دشمن برای تحت فشار قرار دادن ایران است. در این راستا، اولین مسئله، وابستگی بودجه کشور به درآمدهای نفتی است و دولت باید این وابستگی را کم کند و در نهایت از بین ببرد. همان گونه که بعد از تحریم های نفتی سال ۹۰



پیوند نفت با سیاست عربستان در خط مقدم تحریم نفتی ایران قرار دارد

جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل خاورمیانه

کارشناسان نفتی در تازه‌ترین مورد نسبت به اعمال تحریم‌های همه‌جانبه نفتی علیه ایران تردیدهای جدیدی را مطرح می‌کنند که مبتنی بر امکانات تولید و صدور نفت در بازارهای نفتی و ظرفیت‌هایی است که ممکن است توانایی جبران نفت ایران را داشته باشد. طبیعی است زمانی که صدور نفت ایران بر اثر اعمال تحریم‌های آمریکا کاهش پیدا کند، قاعدتا کمبودهایی در بازار جهانی نفت پدید خواهد آمد که باید توسط دیگر کشورها جبران شود. بنا بر آنچه که پشت صحنه اقدامات آمریکا در این عرصه به بیرون درز کرده، عربستان تنها گزینه جایگزین برای جبران کسری نفت ایران است. به خصوص که گفته می‌شود پیش از اعلام سیاست‌های ترامپ برای به صفر رساندن خرید نفت از ایران، مذاکراتی میان ریاض و واشنگتن صورت گرفته و ترامپ از مقامات سعودی خواسته است تا کمبودهای ناشی از تحریم نفت ایران را جبران کنند؛ موضوعی که قاعدتا بنا به اظهارنظرهای جدید کارشناسان، تردیدهای زیادی در رابطه با آن وجود دارد. در خصوص این مسئله حتی روزنامه‌های مشهور آمریکایی در صفحات اقتصادی خود بدان پرداخته و ناتوانی عربستان را در جبران کمبودهای حاصله از نفت ایران را مورد تأکید قرار داده‌اند. عربستان سعودی قصد دارد برای جایگزینی نفت تحریمی ایران، یک میلیون بشکه در روز تولید نفت خود

را افزایش دهد. ایران هم اکنون بیش از ۳/۵ میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کند و از این رقم روزانه ۲/۵ میلیون بشکه صادر می‌شود. آمریکا گفته است که قصد دارد تا پایان ماه آینده، صادرات نفت ایران را به صفر برساند. عربستان سعودی نیز قصد دارد با افزایش تولید نفت، جای نفت صادراتی ایران را پر کند و مانع از ایجاد اختلال در بازار نفت یا افزایش قیمت آن شود. البته همان‌طور که اشاره شد در توانایی عربستان در این باره شک و شبهه‌هایی وجود دارد. این کشور قصد دارد تا چند ماه آینده تولید نفت خود را نزدیک به رکورد ۱۱ میلیون بشکه در روز برساند. این بالاترین رقم تولید نفت سعودی در تاریخ این کشور خواهد بود. رئیس شرکت نفت سعودی (آرامکو) قبل از این گفته بود که این کشور ۲ میلیون بشکه ظرفیت اضافه بر تولید نفت دارد. همچنین اواسط هفته گذشته خبری منتشر شد مبنی بر اینکه عربستان سعودی آمادگی خود برای افزایش تولید نفت توسط این کشور را با هدف ادعایی توازن در بازار اعلام کرده است.

ملک سلمان پادشاه، عربستان پس از اتمام نشست کابینه این کشور اعلام کرد که ریاض تولید نفت خود را افزایش خواهد داد.

این موضوع یکی از نتایج فشارهای دونالد ترامپ، رئیس ایالات متحده آمریکا برای افزایش تولید و جایگزینی تحریم صادرات نفت ایران و جلوگیری از افزایش قیمت جهانی نفت همزمان با تحریم صادرات نفت ایران است. البته با وجود تردیدهایی که در رابطه با احتمال افزایش تولید نفت عربستان به عنوان جدی‌ترین گزینه وجود دارد به نظر نمی‌رسد دیگر کشورها در شرایطی باشند که بتوانند این کمبود را جبران کنند. به بیان دیگر نه تنها دیگر کشورهای عضو اوپک بلکه کشورهای نفت خیز غیر عضو اوپک نیز در شرایطی نیستند که بتوانند نیاز روزافزون کنونی به نفت را جبران کنند. به ویژه که تاسیسات استخراجی نفت در دو کشور لیبی و ونزوئلا و همچنین برخی از معضلات سیاسی و اجتماعی در این دو کشور سبب شده است تا میزان صادرات این دو کشور که از جمله اعضای مهم اوپک هستند به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش پیدا کند. به هر ترتیب نکته مهم آن است که مقامات ریاض در این عرصه نیز وارد یک مصاف تازه با ایران شده و با کنار گذاشتن برنامه‌های راهبردی خود مجدداً موضوع نفت را به سیاست پیوند زده‌اند.

این در حالی است که مقررات اعضای اوپک به خصوص مقررات مربوط به تعیین سهمیه صادرات هر یک از اعضا نیز افزون بر قابلیت‌های ناچیز عربستان برای جبران کمبود نفت ایران، مانع مهمی در راه اجرای همکاری عربستان با آمریکا به شمار می‌رود و قاعدتا این حق را برای ایران به وجود می‌آورد که در این عرصه، ریاض را به عنوان عضو خاطی اوپک محسوب کرده و پیگیری‌های حقوقی لازم را در این عرصه به عمل آورد.

عربستان به دلایل مختلف سال‌هاست که وارد عرصه خصومت‌ورزی علیه ایران شده که از دیدگاه بسیاری از کارشناسان عمدتاً به ماهیت حکومت این کشور و به ویژه سیاست‌های افزون طلبانه مقامات سعودی بازمی‌گردد. البته با روی کار آمدن ملک سلمان و اوج گیری دامنه نفوذ و قدرت ولیعهد این کشور، چالش‌ها و مناقشات سیاسی، اقتصادی و نظامی میان ریاض و تهران به بالاترین حد خود افزایش پیدا کرده و به مهم‌ترین تنش‌ها و واکنش‌های سیاسی در منطقه غرب آسیا تبدیل شده است.

البته این گونه خصومت‌ورزی‌ها از سوی عربستان سعودی موضوع جدیدی نیست و از ابتدای انقلاب اسلامی ایران به طور پیوسته ادامه داشته است؛ خصوصاً ورزی‌هایی که بخشی از آن طی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در قالب کمک‌های تسلیحاتی و دلاری به

رژیم بعث عراق صورت گرفت و به طولانی شدن این جنگ تحمیلی منجر شد. پس از آن نیز در صحنه‌های دیپلماتیک آن هم در سطوح جهانی به صورت تبلیغات گسترده ضدشیعی جنبه عملی به خود گرفت. شماری از کارشناسان بر این اعتقاد هستند که ریشه‌های این خصومت‌ورزی از هراس و بیم رژیم سعودی از برپایی یک مردم سالاری در منطقه ناشی می‌شود و برخی دیگر بر آن هستند که به‌ویژه در سال‌های اخیر حیثیت سیاسی و حیات رژیم سیاسی سعودی به شکست ایران در سطوح منطقه‌ای و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران گره خورده است.

با این حال شماری دیگر از کارشناسان از نقش و کالتی و نیابتی عربستان در منطقه خاورمیانه به خصوص در مواجهه با نظام جمهوری اسلامی ایران سخن می‌گویند. آنها بر این اعتقاد هستند که آنچه در قالب خصومت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی از جانب ریاض نسبت به تهران اعمال می‌شود در واقع به مفهوم انجام ماموریت‌هایی است که توسط سفارتخانه‌های آمریکا و انگلیس به مقامات ریاض دیکته می‌شود. آنچه در حال حاضر در خصوص تحریم‌های نفتی علیه ایران در دستور کار مقامات سعودی قرار دارد در واقع کوششی به منظور انجام وظایفی است که شخص ترامپ به محمد بن سلمان دیکته کرده و از وی خواسته تا همه توان خود را در راه اجرای برنامه براندازی در ایران به کار گیرد. این در حالی است که مقامات سعودی خود در این عرصه یکی از مشوق‌های اصلی برای اعمال فشارهای بیشتر علیه ایران بوده و به طور داوطلبانه نیز آمادگی خود را برای جبران کمبودهای نفت ناشی از توقف صدور نفت ایران اعلام کرده‌اند.

جداً از مباحث مربوط به ناتوانی عربستان در جبران کمبود نفت ایران در بازارهای جهانی، شماری از عمده‌ترین کارشناسان بازار نفت نیز در اظهارنظرهای خود بر این نکته که «در عرصه عمل هیچ امکانی برای به صفر رساندن صدور نفت ایران وجود ندارد» تأکید دارند؛ چنان که در این باره با اشاره به برخی از مشتریان سنتی نفت ایران، از امکان ناپذیر بودن تأمین نیازهای نفتی این گونه کشورها از طریق دیگر کشورهای نفت خیز سخن گفته و وجود برخی از تضادها و مناقشات سیاسی این کشورها با ارتجاع عربی را دلیل این امر می‌دانند.

همچنین

اندوخته‌های ارزی ایران که بخشی از آن مربوط به فروش نفت در گذشته است، به اندازه‌ای است که نه تنها نیازهای یک سال آینده، بلکه بیش از آن را به طور اطمینان بخشی تأمین می‌کند. افزون بر آنچه گفته شد در حال حاضر از معادلات تهاثری با برخی از کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین سخن گفته می‌شود که همچون سال‌های قبل از برجام، نتایج حاصل از آن خواهند توانست بسیاری از نیازهای حیاتی جمهوری اسلامی را تأمین کند.





مشوق‌های واشنگتن به مسکو

بهره‌برداری چندجانبه روسی از تحریم‌های نفتی ایران

مسئولان سیاست خارجی و اقتصادی نسبت به تعهدات روسیه خیلی خوش‌بین نباشند و بر اساس اتکا به توان ملی و مردم استراتژی مواجهه با تحریم‌ها را اتخاذ کنند زیرا در صورت وجود اتحاد ملی در داخل، مواجهه با تحریم‌ها و سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه ایران قابل تحقق خواهد بود. در نهایت باید به تلاش‌های مثلث عربی-عبری-غربی علیه ایران توجه داشت. اقدامات این مثلث شوم که به موازات تحریم‌های آمریکا و خروج شرکت‌های اروپایی از ایران در حال انجام است، حکایت از تقسیم کار متحدان منطقه‌ای آمریکا برای هموار کردن مسیر تحریم‌های گسترده منطقه‌ای و جهانی علیه ایران دارد. چنان که با ایجاد جبهه دوم تحریم‌ها، شعاع روابط تجاری ایران با کشورهای مختلف روز به روز محدودتر شود. براین اساس، شرکای منطقه‌ای آمریکا، نه تنها از ابزارهای تحریمی خود همچون افزایش تولید نفت برای جبران کاهش صادرات نفت ایران بهره خواهند برد، بلکه ریزنی با کشورهای مختلف برای افزایش دامنه تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را نیز دنبال خواهند کرد. اقداماتی که هدف اصلی آنها، توسعه تدریجی تحریم‌های ضدایرانی و خنثی کردن تلاش‌های اروپا برای نجات برجام است چرا که همراهی کشورهای مختلف با تحریم‌های ضدایرانی، علاوه بر افزایش فشارهای اقتصادی بر ایران، به مشروعیت بخشی تحریم‌های آمریکا علیه ایران منجر خواهد شد. بنابراین به‌زعم واشنگتن، خروج آمریکا از برجام تنها به این کشور یا شرکت‌های اروپایی محدود نخواهد شد، بلکه قطع همکاری اقتصادی تعداد زیادی از کشورهای منطقه‌ای و جهانی را هدف گیری کرده است به گونه‌ای که حفظ برجام از سوی اروپا نیز دیگر سودی برای ایران و مردم نداشته باشد. بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که تعدادی از کشورهای عربی منطقه به‌ویژه عربستان و امارات به همراه رژیم صهیونیستی به نیابت از آمریکا اقدامات مختلفی را برای ریزنی با کشورهای مختلف جهت گسترش تحریم‌ها علیه ایران دنبال کنند. همچنان که هفته گذشته امارات و عربستان اعلام کردند که تولید نفت خود را به درخواست آمریکا و برای جبران تحریم نفت ایران افزایش خواهند داد. این روند بیانگر آن است که نباید به موضوع خروج آمریکا از برجام به صورت تک‌بعدی نگریسته شود، چرا که این کشور سعی دارد با ایجاد جبهه جدیدی از کشورهای مختلف علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، توطئه تحریم‌ها و به زانو درآوردن ایران را به شکلی جدی دنبال کند؛ توطئه‌ای که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و طی ۴۰ سال گذشته به طرق دیگر نیز ادامه داشته و دارد. همچنان که انجام کودتا، حمایت از گروه‌ها و تجزیه‌طلبان و هشت سال جنگ تحمیلی تنها بخشی از اقدامات ضدایرانی دولت‌های آمریکا در طول سال‌های گذشته بوده‌اند؛ اقداماتی که در طول زمان و با تغییر دولت‌ها در آمریکا، تنها روش‌ها و ادبیات آنها براساس شرایط حزبی و زمانی تغییر کرده است.

این رابطه هستیم. در خصوص مواضع روسیه نیز باید گفت روسیه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده نفت و گاز در دنیا نقش مهمی در تامین امنیت و انرژی جهانی دارد؛ با کاهش تولید نفت ایران میزان تولید نفت روسیه افزایش پیدا می‌کند که این امر در شرایط بحران اقتصادی در روسیه یک فرصت برای صنایع آن کشور محسوب می‌شود چرا که با افزایش تولید و صادرات نفت، میزان درآمد روسیه افزایش پیدا می‌کند و این یک فرصت برای روسیه است. در بررسی مواضع سیاسی، امنیتی و اقتصادی دولت روسیه در تحولات منطقه‌ای و جهانی یک اصل مهم وجود دارد که مقامات روسیه به آن پایبند هستند و آن «حفظ منافع ملی روسیه» در هر شرایطی است. روس‌ها هیچ‌گاه در تاریخ روابط سیاسی خود متعهد به تعهدات خود با کشورهای دوست نبودند و هر زمان شرایط ایجاب می‌کرد منافع ملی خود را بر منافع مشترک با دوستان ترجیح دادند که این امر به‌صورت متواتر اتفاق افتاده است.

در صورت تحریم نفتی ایران، روسیه سعی خواهد کرد نفت ایران را ارزان‌تر از قیمت جهانی خریداری و در بازار جهانی به نام نفت روسیه به فروش برساند. در این صورت، علاوه بر افزایش فروش، مابه‌التفاوت قیمت نفت خریداری شده از ایران با قیمت جهانی آن سود هنگفتی عاید شرکت‌های روسی خواهد کرد. به همین جهت روسیه زیاد هم از تحریم نفتی ایران ناراحت نیست، بلکه این اتفاق را فرصتی جهت توسعه روسیه از سوی رئیس‌جمهور این کشور باید در نظر گرفت و این فرصتی است که ترامپ در اختیار ولادیمیر پوتین گذاشته است. به این جهت باید منتظر باشیم و ببینیم که اجلاس مشترک روسیه و آمریکا که قرار است با حضور ترامپ و پوتین انجام شود چه نتایجی را به دنبال خواهد داشت چرا که ترامپ در خصوص مسئله سوریه و ایران با پوتین مذاکره و مشوق‌هایی را نیز به روسیه از سوی آمریکا ارائه خواهد کرد. همچنین اینکه پوتین تا چه اندازه با سیاست‌های آمریکا همراهی خواهد کرد، به نوع و میزان امتیازات ارائه شده از سوی آمریکا بستگی دارد. اما یک اصل مهمی که در سیاست خارجی و استراتژی روابط بین‌المللی روسیه وجود دارد موضوع منافع حاصله است که از مذاکرات با آمریکا به‌دست می‌آید و منافع ایران یا سوریه در سیاست روسیه بعد از منافع آن کشور قرار دارد. به همین جهت نباید بیش از عرف بین‌المللی روی حمایت روسیه حساب کرد. چون روسیه هر لحظه که منافعش ایجاد کند تغییر مواضع خواهد داد و از این رو لازم است که

میر قاسم مومنی

مدیرعامل موسسه مطالعات بین‌المللی چشم‌انداز ابرار نوین



سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه ایران بعد از روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ تشدید شده است و مهم‌ترین اقدام ضدایرانی رئیس‌جمهوری آمریکا نیز خروج از توافق بین‌المللی برجام بود. با توجه به اینکه توافق برجام یک توافق بین‌المللی زیر نظر شورای امنیت سازمان ملل متحد است، واشنگتن علی‌رغم مخالفت سازمان ملل متحد و سایر کشورهای عضو برجام به‌صورت یکجانبه از این توافق خارج شد و علاوه بر بازگشت تحریم‌های اولیه، یک سری تحریم‌های جدید ثانویه را نیز تصویب کرد. همچنین آمریکا در نظر دارد بخش دیگری از تحریم‌ها را نیز تصویب کند که علاوه بر ممنوعیت مبادلات تجاری ایران با شرکت‌های آمریکایی، شامل مبادلات بازرگانی و تجاری سایر کشورها با ایران نیز می‌شود.

بزرگ‌ترین استراتژی دونالد ترامپ علیه ایران استفاده از ابزاری از مبادلات بازرگانی و تحریم‌هاست؛ دولت ایالات متحده آمریکا معتقد است با اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی و بازرگانی می‌توان ایران را سر میز مذاکرات نشاند و بر همین اساس «قطع مبادلات تجاری و اقتصادی با دنیای خارج از مرزهای ایران» و «قطع منابع مالی و درآمدهای نفتی» مهم‌ترین هدف سیاست‌های ضدایرانی ترامپ است و به همین جهت فشار به اوپک جهت افزایش تولید نفت و تهدید خریداران نفت ایران مثل کره جنوبی، هند و چین مبنی بر عدم خرید نفت ایران یک سیاست دووجهی است که ترامپ دنبال می‌کند. باید توجه داشت که محدود کردن منابع مالی کشور و ایجاد آشوب و اعتراضات مردمی و بالابردن تورم در کشور، موجب معطوف شدن توجه مقامات ایران به حل معضلات داخلی می‌شود و آمریکایی‌ها در این فرصت می‌توانند در حوزه‌های نفوذ ایران در عراق، سوریه، یمن و لبنان ورود پیدا کرده و اقدامات ضدایرانی انجام دهند. در چنین وضعیتی فشار آمریکا به عربستان و روسیه و به طور کلی اوپک در جهت افزایش تولید و پایین نگه داشتن قیمت نفت، جهت حفظ منافع شرکای آمریکا در اروپا لازم است و با توجه به وابستگی شدید مقامات عربستان سعودی به سیاست‌های ضدایرانی آمریکا، ما شاهد قبول درخواست آمریکا از سوی ملک عبدالله، پادشاه عربستان سعودی در

بازی روانی ترامپ با نفت

آمریکا به حوزه امنیتی ایران حمله کرده است

نصرت‌الله تاجیک

دیپلمات و سفیر پیشین ایران در اردن



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، در ماه مه گذشته در پی خروج از توافق هسته‌ای (برجام) به کشورهای دیگر بین ۹۰ تا ۱۸۰ روز برای اجرای تحریم‌های ایران فرصت داد. بنا بر سیاست اعلام شده از سوی آمریکا برای تحریم کامل نفتی ایران و «به صفر رساندن» خرید نفت از این کشور در جهان، قرار بود الزام کشورهای به قطع خرید نفت از ایران از تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۱۸ اجرایی شود. درواقع باید گفت مجموعه اقدامات ایدئال آمریکان نشان از ورود آمریکا به حوزه امنیتی جمهوری اسلامی دارد. این اقدامات در قالب سلسله تحرکات سیاسی مانند تلاش برای ایجاد اغتشاش سیاسی، امنیتی و اقتصادی در کشور به منظور تغییر رژیم یا اقدامات اقتصادی همچون مذاکره، لابی یا فشار به شرکت‌های خصوصی و دولتی برای عدم خرید نفت ایران، یا عدم معامله در زمینه کالاهای مورد نیاز ایران همراه با اقدامات و پشتیبانی عملیاتی که هم‌پیمانان منطقه‌ای اش به طور علنی و پنهان انجام می‌دهند را شامل می‌شود. به همین منظور باید طراحی مناسب و جدیدی برای رویارویی با شرایط جدید داشته باشیم؛ طراحی سلسله اقدامات دیپلماتیک و عملیاتی که اجازه ندهد این اقدامات حتی جزئی به بهمنی‌ویرانگر تبدیل شود. زیرا ترامپ از طریق فشار بر دولت‌ها و شرکت‌ها برای جلوگیری از همکاری با ایران و مختل کردن اقتصاد ایران درصدد ایجاد شورش در داخل کشور است تا به ایده تغییر رژیم نزدیک شود.

به همین جهت ایران باید یک طراحی استراتژیک در ارتباط با این مسئله داشته باشد. اگر چه ایران هم در این حوزه ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی دارد، درواقع دارای اهرم‌هایی برای رویارویی با این شرایط جدید است. ضمن اینکه آمریکا، نفوذ و تأثیر صددرصدی روی همه شرکت‌های نفتی و تجاری ندارد، بلکه صرفاً «در مورد شرکت‌های بزرگ که به نوعی تحت سلطه آمریکا هستند و باید مقررات آن را مدنظر داشته باشند تا مورد تحریم قرار نگیرند، اعمال قدرت می‌کند، ولی شرکت‌های دیگر و کوچک‌تری هستند که بتوانند نیازهای این مقطع ایران را رفع کنند. لذا ممکن است جمهوری اسلامی بتواند با شرکت‌های مذکور به نوعی همکاری و تعامل داشته باشد. از سوی دیگر ایران، روسیه و عربستان در آخرین نشست اوپک سلسله تفاهماتی انجام داده‌اند و تلاش شد حجم نفتی که به بازار ریخته می‌شود در سطح محدودی اضافه شود که منجر به بالا رفتن قیمت نفت نشود اما اگر تهدید ترامپ برای انصراف خریداران نفت ایران محقق شود، بدیهی است یا قیمت باید بالا رود یا کسری سهمیه ایران را کشور یا کشورهای جبران کنند. به هر جهت فارغ از اینکه چه توافقاتی در این اجلاس صورت گرفته، این یک امر بدیهی است که ایران اجازه نخواهد داد تا از مزایای منابع طبیعی خود برای رفاه مردم ایران محروم شود اما سایر کشورها از جمله کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نهایت بهره‌را از آن ببرند. زیرا همان گونه که

پیش از این گفتیم ایران نیز اهرم‌های متعددی در دست دارد که با استفاده درست از آنها می‌تواند به طریقی از این شرایط سخت عبور کند. بنابراین مهم‌ترین مسئله جمهوری اسلامی در شرایط فعلی طراحی استراتژیک در ارتباط با آمریکا و استفاده درست از اهرم‌هایش در رابطه با اروپا، روسیه و چین، برای رقم‌زدن بازی برد-برد یا تعامل با این کشورهاست. از سوی دیگر رئیس‌جمهور آمریکا منافع فروش نفت ایران و خریداران آن را هدف قرار داده است. به این معنا که وی مصرف‌کننده‌هایی را مورد هدف قرار داده تا تقاضایی برای نفت ایران وجود نداشته باشد و به دنبال آن صادرات ایران متوقف شود و درنهایت نیز روسیه و عربستان جبران کمبود منابع را به عهده بگیرند، اما این یک طرف ماجراست. طرف دیگر ماجرا قدرت بازیگری ایران و استفاده به موقع از اهرم‌ها و ظرفیت‌هایش است تا اجازه ندهند درآمد کشور لطمه بخورد.

در همین راستا و با همین مضمون دکتر روحانی سخنرانی در سوئیس انجام دادند. اگرچه بیشتر تحلیلگران موضع رئیس‌جمهور در سوئیس در زمینه عدم صدور نفت دیگر کشورها در صورت لطمه خوردن صدور نفت ایران را نشانه‌ای از قصد ایران برای بستن تنگه هرمز مطرح کردند، اما این شاید یکی از اقدامات احتمالی آتی و شاید آخرین آنها باشد. ایران روش‌های متعددی برای حفظ سهم بازار فروش نفت خود را دارد و شاید راه‌حل‌های ممانعتی دیگری همچون پر مخاطره کردن رفت‌وآمد در تنگه هرمز، اقدامات ایدئال و... یا استفاده از مشوق‌های لازم برای شرکت‌ها و دولت‌های طرف قرارداد را نیز به کار بگیرد. به این معنا که در این شرایط ممکن است جمهوری اسلامی برای حفظ خریدارانش، به وسیله قراردادهای یا نحوه فروش، ایجاد مشوق کند تا شرکت‌ها هزینه‌ای را که در ارتباط با آمریکا می‌پردازند، از محل مشوق‌ها یا منافی‌هایش که از تعامل با ایران عایدشان می‌شود، تأمین کنند. به عنوان مثال از منظر دولت، فروش نفت در بورس مطرح است که بخش خصوصی باید خریدارانش را در بخش خصوصی دنیا پیدا کند و نفت را به آنها فروخته و بازار را اشباع نماید.

ضمن اینکه باید به این مهم اشاره کرد که طراحی تحریم‌های جدید از سوی آمریکا هوشمندتر شده و نقاط میانبر ایران برای خروج از فشارها را هدف قرار داده که اگر ایران خلق ظرفیت نکند و از ظرفیت‌هایش استفاده نکند، شرایط سختی پیش‌رویش خواهد بود. ایران قدرت بازیگری داشته و ابزارهایی برای خروج از این وضعیت در دست دارد به شرط اینکه طراحی درست و استراتژیکی برای استفاده از این ظرفیت‌ها صورت گیرد اما با همه این تفاسیر دنیای نفت قواعد خود را دارد و ترامپ با وجود تأثیر گذاری‌اش نمی‌تواند همه قواعد بازی را در این حوزه به هم بریزد. علاوه بر آن به دلیل برخی اقدامات ترامپ، اروپا نیز با آنها به مخالفت برخاسته است و ایران می‌تواند از این فرصت‌ها به بهترین شکل استفاده کند. ایران به عنوان یک بازیگر بین‌المللی باید از اهرم‌هایش در تعامل با اروپا، چین و روسیه در بحث سیاست خارجی استفاده کند. ضمن اینکه کشورهای اروپایی نیز به دنبال منافع خود هستند و از منظر اقتصادی و مالی می‌توانند به گونه‌ای رفتار کنند که شرایط را به نفع خودشان رقم بزنند.

درواقع به نظر می‌رسد ترامپ خود را در یک موضع پارادوکسیکال قرار داده است. از طرفی تلاش‌های بیش از حد و با عجله‌وی برای تحریم نفت ایران، حتی با الزامات سیاسی داخلی آمریکا برای پایین نگه داشتن قیمت‌های نفت در سال انتخابات همخوانی ندارد، از طرف دیگر امید چندانی برای همراهی هم‌پیمانان اروپایی، چین و هند که بازار مصرف نفت ایران هستند، وجود ندارد. در این شرایط چه بسا نه تنها راه برای آمریکا جهت اعمال فشار بر ایران هموار نخواهد بود، بلکه اجرای سفت و سخت تحریم‌های ترامپ، نزاع بین او و متحدان اروپایی‌اش را نیز تعمیق خواهد کرد؛ متحدانی که برجام را هنوز تنها ظرفیت همکاری‌ها می‌دانند و عمیقاً از خروج یکجانبه ترامپ از توافق هسته‌ای ناراضی هستند. این امر، زمینه را برای وقوع یک درگیری بیشتر با چین، هند و دیگر واردکنندگان نفت ایران بر سر اجرای تحریم‌ها مهیا کرده و به نظر می‌رسد آمریکا در اجرای تحریم‌ها تنها خواهد بود. این ظرفیتی است که ایران می‌تواند از آن بهره‌برداری کند و طبعاً در کار با اروپا مدنظر دست‌اندرکاران سیاست خارجی قرار دارد. بنابراین ترامپ در حال یک بازی روانی با دنیاست تا اثرات کاهش فروش نفت ایران بر قیمت نفت در جهان را کمتر کند. از طرفی از قول سعودی‌ها چیزی می‌گوید که هم تعدیل و تکذیب می‌شود و هم ممکن نیست سعودی‌ها بتوانند دست به چنین کاری بزنند، زیرا ایران هم دست روی دست نخواهد گذاشت که به تنها منبع درآمد عمده کشور لطمه بخورد.



روحانی پاسخ قاطعی مقابل تهدیدات ترامپ داشته است



ترامپ تلاش می‌کند با استفاده از ابزار نفت ایران را تحت فشار قرار دهد

فوتبال ایران پیشرفت کرده است

گفت‌وگو با مجید جلالی

آقای جلالی، از قرار معلوم در روسیه شاهد جام شگفتی‌ها هستیم. موافقت می‌کنید؟

فوتبال همیشه برای ما حرف‌های تازه‌ای دارد. در درون بازی‌های هر تورنمنت حرف‌ها و روش‌های تازه‌ای وجود دارد که ما باید آنها را کشف کنیم. حالا اگر فکر می‌کنیم که این حرف‌ها تکراری است مشکل خود ماست نه فوتبال. اتفاقی که در حال حاضر در روسیه رخ می‌دهد نشانه‌های قدیمی‌تری هم دارد. نشانه‌های آن برمی‌گردد به جام جهانی سال ۲۰۰۲. حتی این نشانه‌ها در یورو ۲۰۰۴ هم مشهود بود. البته همیشه دو طیف در فوتبال به عنوان ایده‌پرداز خودشان را تثبیت کرده‌اند. یک گروه از مربیان هستند که همواره دل‌شان می‌خواهد از طریق پیشرفت و توسعه فوتبال و با استفاده از روش‌های پرکار و با کیفیت به ذات فوتبال کمک کنند و این فوتبال را پیش ببرند. معمولاً این گروه به ثباتی می‌رسند که تا سال‌ها این ثبات دست‌نخورده باقی می‌ماند و تنها در صورتی این ثبات به هم می‌خورد که روش تازه‌ای به دنیای فوتبال معرفی شود. گروه دیگری هم هستند که کاملاً مقابل گروه اول قرار می‌گیرند. آنها کسانی هستند که همواره مقابل ایده‌های گروه اول ایده‌های تلافی‌جویانه یا بهتر بگوییم تخریبی را مورد استفاده قرار می‌دهند. این گروه همواره به دنبال تله‌گذاری هستند تا بازی گروه اول را به هم بزنند.

در میان این دو طیفی که از آن صحبت کردید، کدام یک می‌تواند نتیجه بهتری کسب کند؟

هر دو گروه به نتیجه می‌رسند اما تفاوت این دو گروه در اینجاست که گروه تخریبی به نتایج زودگذر می‌رسند اما گروه اول که به پیشرفت فوتبال فکر می‌کند، هم به نتیجه می‌رسند و هم به ثبات در موفقیت.

خلق شگفتی در جام جهانی به شکلی که امروز در روسیه هم شاهد آن هستیم قطعاً ماجرای تازه‌ای نیست. موافقت می‌کنید؟

بله. کاملاً. در جام جهانی ۹۸ فرانسوی‌ها دنیای فوتبال را با سبک جدیدی که بازی کردند کاملاً غافلگیر کردند

که هنوز هم اثرات آن فوتبال را در تیم ملی این کشور می‌بینید. آنجا قهرمان جهان شدند. بعد از سال ۲۰۰۰ قهرمان یورو شدند. در سال ۲۰۰۳ قهرمان جام کنفدراسیون‌ها شدند اما بعد از آن حذف می‌شوند. زمان حذف‌شان دقیقاً زمانی بود که فوتبال تخریبی یا فوتبال تله‌گذار به سراغ‌شان رفت. در واقع بعد از قهرمانی‌شان در جام کنفدراسیون‌ها حریفانی که به تله‌گذاری یا بازی‌های تلافی‌جویانه مقابل فرانسه فکر می‌کردند، با شناسایی نکات مثبت فوتبال فرانسه سعی کردند در مقام تخریب این ویژگی‌ها بر آیند. حریفان فرانسه دو راه پیش رو داشتند؛ کنترل و تخریب. یکی از این دو روش را به کار می‌بردند تا فرانسه را زمین بزنند. همان موقع هم از زمین خوردن فرانسه به عنوان شگفتی نام می‌بردیم. این شگفتی چیز تازه‌ای نیست. بعد از ۲۰۰۱ این شگفتی‌ها را در دنیای فوتبال زیاد دیدیم. در جام جهانی ۲۰۰۲ ترکیه خود را به جمع ۴ تیم برتر دنیا رساند یا کره جنوبی که همین شرایط را تجربه کردند. تیم‌های دیگری هم بودند که این وضعیت را تجربه کردند.

بعد از نزول فرانسوی‌ها فضا برای چه روشی مهیا شد و چه دوره تازه‌ای را در دنیای فوتبال شاهد بودیم؟

بعد از ۲۰۰۲ روش مالکیت توپ در فوتبال به یک روش قابل اعتماد و کاربردی تبدیل شد. این روش از بارسلونا شروع شد و تیم ملی اسپانیا با تکیه بر همین روش موفق شد قهرمان جام جهانی شود و همین‌طور قهرمانی اروپا را هم به دست بیاورد. بعد از اسپانیا این روش مورد استقبال آلمان‌ها قرار گرفت. آنها هم با استفاده از همین سبک بود که موفق شدند قهرمانی جهان و یورو را تجربه کنند.

اما تیمی تا کایز نتوانست دوام پیدا کند.

بله. در جام جهانی ۲۰۱۴ دیدید که تیم‌های متوسط از روش تخریبی یا کنترلی کاری کردند که عرصه بر تیم‌های بزرگ تنگ شده بود. اما در جام جهانی کنونی ما شاهد این هستیم که با نزول روش پیشرفت گرایانه در فوتبال دور برتری

جام جهانی روسیه همچنان به شگفتی‌ساز بودن خود ادامه می‌دهد. تیم‌های متوسطی که کمتر کسی موفقیتی برایشان متصور است با سختکوشی قابل توجهی تیم‌های بزرگ و پرستاره را حذف می‌کنند. آلمان، آرژانتین، اسپانیا و پرتغال تیم‌های بزرگی بوده‌اند که از جام جهانی حذف شدند. حالا دو مساله به طور همزمان ذهن هواداران فوتبال را درگیر کرده؛ آیا جام ۲۰۱۸ جام شگفتی‌های بزرگ‌تری هم خواهد بود؟ سوال دوم اما به دنبال حذف تیم‌های اسپانیا و پرتغال ذهن هواداران فوتبال در ایران را به خود مشغول کرده است؛ آیا این تیم‌ها ضعیف بودند یا ما عملکرد خیلی خوبی مقابل این تیم‌ها داشتیم؟ پاسخ این سوال‌ها و برخی نکته‌های دیگر را در متن مصاحبه مثلث با مجید جلالی بیابید.

به تیم‌هایی رسیده که اتفاقاً روش کنترلی یا تخریبی را در دستور کارشان قرار می‌دهند. با افول سبک مالکیت توپ شاهد سبک جدیدی در دنیای فوتبال نبودیم. درست به همین دلیل ما در روسیه می‌بینیم که تیم‌هایی با سبک بازی تخریبی از لحاظ کسب نتیجه در شرایط خوبی قرار گرفته‌اند.

روش کنترلی گویا به شدت مورد استقبال تیم‌هایی قرار می‌گیرد که نمی‌توانند ستاره‌های بزرگی در تیم‌شان داشته باشند؛ به خصوص در خط حمله. این طور نیست؟

تیم‌هایی که با سبک کنترلی بازی می‌کنند همه سعی‌شان این است که با قفل کردن حریف و با بستن فضای حرکتی بازیکنان بزرگ اجازه نفوذ را از حریف بگیرند. این تیم‌ها به خوبی در محوطه جریمه خودی جمع می‌شوند و با قابلیت‌های خاصی که از نظر فیزیکی دارند، می‌توانند به خوبی حریف را اداره کنند. این تیم‌ها برای رسیدن به گل بیش‌تر به ضدحمله فکر می‌کنند. همین‌طور امیدوارند با ضربات ایستگاهی بتوانند به دروازه حریف برسند. در واقع جام جهانی روسیه را تیم‌هایی فتح کرده‌اند که قابلیت تخریب یا کنترل حریف را در خود به طرز عجیبی بالا برده‌اند. شما در بازی‌های مقدماتی جام جهانی هم دیدید که تیم‌های بزرگ برای صعود به جام جهانی زجر کشیدند. آرژانتین، پرتغال، اسپانیا و برخی تیم‌های بزرگ دیگر واقعاً به زحمت توانستند به جام جهانی برسند. برخی از تیم‌ها که اصلاً نتوانستند به روسیه برسند؛ مثل ایتالیا و هلند.

این زجر کشیدن تیم‌های بزرگ در مسابقات جام جهانی هم ادامه پیدا کرد.

بله، دقیقاً. وقتی بازی‌های جام جهانی شروع شد هم

پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای داشته است. همین طور باید به این موضوع اشاره کنم که از لحاظ فیزیکی، آمارها به ما می‌گوید که ما شرایط بسیار بهتری نسبت به قبل پیدا کرده‌ایم.

در مورد تصمیمات کی‌روش، معتقدید که همه این

تصمیمات به درستی اتخاذ شد؟

بله، من این طور فکر می‌کنم. البته هر مربی حق دارد نظرات خاص خودش را بگوید و سلیقه متفاوتی داشته باشد اما شما ببینید در بازی با اسپانیا، مهدی طارمی گوشه قابل هضم نباشد اما برای کسانی که کاملاً فنی به ما جرا و تصمیمات کی‌روش نگاه می‌کنند قابل درک است که این تغییر صرفاً به این دلیل ایجاد شده تا مهدی طارمی بتواند آلبا، مدافع چپ اسپانیایی‌ها را مهار کند. بنابراین وقتی این تغییر را ردیابی می‌کنیم به بازی‌های آلبا در تیم ملی اسپانیا می‌رسیم؛ جایی که ما با یک دفاع راست بی نظیر مواجه هستیم که در فرارهایش رو به جلو فوق العاده خطرناک و زهردار است و همبازی‌های او سعی می‌کنند با پاس‌های بلند و قطری این بازیکن را در محوطه جریمه حریف یا جایی نزدیک به این محوطه صاحب توپ کنند. بنابراین شما باید بازیکنی بلند قامت را در آن نقطه قرار بدهید که بتواند خوب ببرد و توپ‌های بلند را با ضربه سر قطع کند و اجازه نفوذ به آلبا را ندهد. بنابراین وقتی به روش کنترلی فکر می‌کنیم لازم است که از همه ابزارها برای از کار انداختن نقاط قوت حریف استفاده کنید و شاید به همین دلیل است که شاید حتی مجبور می‌شوید از عناصر هجومی تان هم در سازمان دفاعی بهره ببرید.

در مورد عملکرد سردار آزمون هم انتقادهای زیادی

مطرح شده. نظر شما چیست؟

من انتقادهای سردار آزمون را اصلاً منطقی نمی‌دانم. این بازیکن یکی از فداکاران تیم ما در جام جهانی بود. به خصوص در بازی با پرتغال او ماموریت داشت تا سایه به سایه کاروالیو، هافبک توپ‌مند و بازی‌ساز پرتغالی‌ها حرکت کند و او را از کار بیندازد. آزمون به بهترین شکل ممکن این کار را انجام داد. تمام وقت با کاروالیو حرکت کرد. در نیمه اول گل کوارشما را که دریافت می‌کنیم تازه در نیمه دوم شرح وظایف این بازیکن را کمی تغییر می‌دهیم و به او اجازه می‌دهیم در کار هجومی شرکت کند.

بنابراین شما عملکرد تیم ملی را با توجه به روشی که

در آن تحریر پیدا کرده، مثبت می‌دانید؟

در این روش بله، سازماندهی تیم ملی ما بسیار عالی بود. ما در روش کنترلی بی نظیر بودیم. حالا اینکه این روش خوب است یا بد بحث دیگری است اما در این روش ما خیلی خوب عمل کردیم.

مسئله ماندن در رفتن کی‌روش از تیم ملی این روزها

به بحث داغ رسانه‌ها و افکار عمومی تبدیل شده است. خیلی‌ها معتقدند دوران پس از کی‌روش دورانی سخت برای فوتبال ما خواهد بود. شما چه نظری دارید؟



بازی کردن طارمی در گوشه راست مقابل اسپانیا
ابتکار کی‌روش بود

کسب عنوان قهرمانی تبدیل کند.

و در مورد اسپانیا؟

در مورد اسپانیا ماجرا متفاوت است. آنها در بهترین شرایط وارد جام جهانی شدند ولی در فاصله ۴۸ ساعت مانده به شروع بازی‌ها شوک بسیار بدی را تجربه کردند. تیم‌شان از هم پاشید. از درون متلاشی شدند. آنها ۴ بازی در جام جهانی داشتند که هیچ‌یک از این بازی‌ها کیفیت خوبی نداشت.

آیا تیم ملی ایران بازی‌های ضعیفی ارائه کرد؟

نه. اصلاً با این حرف موافق نیستیم. تیم ما در سبکی که سال‌هاست با آن انس گرفته و به خوبی و با مهارت خاصی آن را ارائه می‌دهد بسیار قوی ظاهر شد. ایران نسبت به گذشته پیشرفت‌های زیادی داشته. ما در جام جهانی قبلی با همین روش کنترلی بازی کردیم اما در دقیقه آخر بازی را به آرژانتین باختیم اما با همین روش مقابل مراکش موفق شدیم برنده از زمین بیاییم.

چرا تیم کی‌روش راویژه می‌دانید؟

چون ما در همین روشی که به نظرم تبحر خاصی در آن پیدا کرده‌ایم هم به فاکتورهای ویژه‌ای دست یافته‌ایم. در این روش ایران یک تیم خاص است. ما در ۱۰ دقیقه پایانی بازی اجازه ندادیم بازی به طور زنده جریان پیدا کند. آنها در دقیقه ۸۰ یک شوت زدند که بیرانوند خیلی خوب از عهده مهارش برآمد دیگر اجازه ندادیم بازی یک بازی زنده باشد. همه چیز را از کار انداختیم و این روشی کاملاً برنامه‌ریزی شده است. تعویض‌های ما در آن دقایق صورت گرفته. تغییرات ما در آن دقایق است. تیم ما به خوبی می‌دانست که دقایق پایانی بازی می‌تواند برای هر دو تیم کشنده و پرفشار دنبال شود. قانون اشتداد می‌گوید تیم شما هر چقدر که به پایان بازی نزدیک‌تر می‌شود از لحاظ ذهنی می‌تواند شکننده و آسیب‌پذیر باشد چون فشار شدت بالایی پیدا خواهد کرد و ما موفق شدیم این فشار که در بیشتر دقایق بازی روی دوش بازیکنان خودمان بود را در ۱۰ دقیقه پایانی عوض کنیم. این توپ‌سنگین را به زمین حریف انداختیم تا آنها تحت فشار مجبور به اشتباه شوند. شما بازی مصر - اروگوئه را به خاطر بیاورید. مصری‌ها خیلی سعی کردند تا دقایق پایانی این فشار را تحمل کنند اما نتوانستند و باختند. در بازی‌های دیگر هم این اتفاق را دیدیم. در واقع فشار ذهنی - روانی که ما از آن صحبت می‌کنیم در اکثر مواقع دامن تیم قوی‌تر را گرفته اما این موضوع بسیار اهمیت دارد که تیم متوسط یا ضعیف‌تر بتواند به خوبی این جریان را به نفع خودش و علیه حریف ساماندهی کند و ما در تیم ملی فوتبال ایران این ساماندهی را به طرز فوق العاده‌ای شاهد بودیم. مراکشی‌ها سعی می‌کردند شوت بزنند و کرنر بزنند. حمله و سانتر کنند. ایستگاهی بزنند و همه‌چیز به دروازه ما حمله کنند تا نتیجه بگیرند اما ایران در ۱۰ دقیقه پایانی موفق شد این فشار را روی دوش حریف بگذارد. اینجا است که باید بپذیریم که ما در روش کنترلی خودمان هم بسیار خاص عمل کردیم. به همین دلیل است که من معتقدم تیم ما نه تنها بد نبود، بلکه نسبت به ۲۰۱۴

کابوس تیم‌های متوسطی که در ارائه بازی تخریبی مهارت دارند برای تیم‌های بزرگ تمام نشد. آرژانتین، اسپانیا، پرتغال جان کنند تا از مرحله گروهی صعود کردند و آلمان که در همان مرحله مقدماتی حذف شد و به یک هشتم هم نرسید. بنابراین جام جهانی روسیه به محلی باشکوه برای رشد روش کنترلی و تخریبی در فوتبال تبدیل شده است و فقط باید امیدوار باشیم که مربیان و افرادی که به فوتبال و پیشرفت سبک تخریبی ارائه کنند. در این صورت اطمینان داشته باشید جام جهانی بعدی به مراتب زیباتر از این جام سبیری خواهد شد.

آقای جلالی! اسپانیا، پرتغال، آرژانتین و آلمان

حذف شدند. آیا حذف اینها به نفع فوتبال تمام

می‌شود؟

شما اگر صرفاً به پیشرفت فنی فوتبال فکر کنید قطعاً حذف تیم‌هایی مثل پرتغال، آرژانتین، آلمان و اسپانیا به نفع فوتبال نخواهد بود اما اگر از زاویه دیگری به این موضوع نگاه کنید متوجه می‌شوید که این اتفاقات می‌تواند جذابیت‌های فوتبال را دوچندان کند. چون فوتبال را به پدیده‌ای تبدیل می‌کند که به هیچ وجه نمی‌توان آن را پیش‌بینی کرد. پیش از این اتفاقات هم نمی‌شد فوتبال را پیش‌بینی کرد اما به هر حال حذف این تیم‌ها باعث می‌شود که حتی روی کاغذ هم نتوانید با اطمینان کنار نام یک تیم به عنوان تیم برنده یا بازنده علامت بگذارید. بدین ترتیب فوتبال گیراتر و جذابیت بیشتری پیدا خواهد کرد. از این نقطه نظر حذف تیم‌های بزرگ یک ضایعه نیست چون باعث می‌شود تیم‌های متوسط هم خودشان را باور کنند و بدانند که در این فوتبال می‌شود دست به کارهای بزرگی زد.

چرا حذف این تیم‌های بزرگ به نفع فوتبال نیست؟

این تیم‌ها در دنیای فوتبال مولد هستند. فوتبال را صادر می‌کنند و همواره از نظر فنی حرف‌های تازه‌ای برای جهان فوتبال دارند.

اسپانیا و پرتغال که در گروه ما قرار گرفته بودند

بلافاصله در مرحله حذفی با جام جهانی خدا حافظی

کردند. آیا این تیم‌ها نسبت به قبل ضعیف بودند یا

تیم ملی ما واقعاً مقابل این تیم‌ها بازی بسیار خوبی

ارائه کرد؟

هر دو اتفاق با هم رخ داده؛ همزمان. البته این را باید مشخص کنیم که ماجرای اسپانیا با پرتغال خیلی متفاوت است. پرتغال بعد از قهرمانی در یورو ۲۰۱۶ بازی‌های خوبی را به نمایش گذاشت. حتی در مقدماتی جام جهانی به سختی موفق شدند جواز حضور در جام جهانی روسیه را به دست بیاورند؛ با کمترین برد و بیشترین زجر که به طور طبیعی برای تیم قهرمان یورو متصور نیستیم. متوسط‌ترین تیم‌ها هم آنها را آزار دادند. پرتغال به طور کلی کیفیت خیلی خوبی نداشت؛ حتی در جام جهانی هم کیفیت بالایی نداشت. البته من از کیفیتی صحبت می‌کنم که قرار است یک تیم را به مدعی



سردار آزمون مقابل پرتغال خیلی خوب
بازی کرد



فوتبال ایران پیشرفت
کرده است

شما اطمینان داشته باشید هر زمانی که کارلوس کی‌روش از تیم ملی ما برود فوتبال ملی ما دوران بسیار سخت و پرتنش را سپری خواهد کرد. این اتفاق چه حالا رخ بدهد چه ۱۰ سال دیگر فرقی نمی‌کند. مادر آینده با چالش عمیقی روبه‌رو خواهیم شد. در آن دوره خیلی اهمیت دارد که بتوانیم تمهیدات خاصی داشته باشیم و اجازه ندهیم فوتبال مان با یک بحران بزرگ روبه‌رو شود.

آیا شگفتی‌ها در جام جهانی ادامه خواهد یافت؟

من فکر می‌کنم ما همچنان شگفتی‌های دیگری را در دنیای فوتبال شاهد خواهیم بود، اما در مورد قهرمانی تیم‌های متوسط نمی‌توانیم با اطمینان صحبت کنیم. چون این بحث اهمیت دارد که تیم‌های متوسط آیا شخصیت قهرمانی هم دارند یا خیر؟ آیا ذهن قهرمانی دارند یا خیر؟ آیا این تیم‌ها آمادگی انجام کارهای بزرگ تر

از این را دارند یا اینکه نهایتاً خود را برای حذف یا تخریب بازی تیم‌های بزرگ آماده کرده‌اند؟ برای رسیدن به پاسخ این سوال‌ها باید صبر کنیم. شما بازی بلژیک - ژاپن را دیدید. ژاپنی‌ها هر کاری که خواستند انجام دادند اما در نهایت آن چیزی که باعث شد آنها برنده از این بازی سخت بیرون نایند شخصیت تیمی‌شان بود. آنجا که حریف‌شان یعنی بلژیک موفق شد شخصیت تیمی بالای خود را به ژاپنی‌ها دیکته کند. شک ندارم که اگر ژاپنی‌ها کمی بازی کنترلی یا تخریبی را بلد بودند، می‌توانستند برنده از زمین بیرون بیایند.

آیا نکته‌ای هست که بخواهید به آن اشاره‌ای داشته باشید؟

نکته‌ای که علاقه‌مندم راجع به آن صحبت کنم بحث دودستگی جامعه فوتبال در ایران است. عده‌ای

شگفتی ادامه دارد

آنها که حذف شدند، آنها که ماندند

بهتاش فریبا

مربی فوتبال



چرا تیم‌های بزرگ در جام جهانی روسیه حذف شدند؟ آیا ما با بیشترین تعداد خلق شگفتی در تاریخ ادوار جام جهانی روبه‌رو هستیم؟ اینها سوالاتی است که این روزها همکاران من به آن پاسخ می‌دهند. فوتبال یک بازی گروهی است. وقتی شما می‌خواهید به نتیجه قابل قبولی دست پیدا کنید نیاز به فاکتورهای مختلفی دارید. مهم‌ترین مساله به نظر من هماهنگی است. شما وقتی بازیکنان تیم‌های ملی‌تان در کشورهای دیگر فوتبال بازی می‌کنند بالطبع شرایط متفاوتی را تجربه کرده‌اند. نوع فشار، نوع دفاع، نوع پرس کردن، نوع حمله و به طور کلی در همه زمینه‌ها شرایط متفاوتی را تجربه کرده‌اند. کشوری مثل ما نیاز دارد که تیم ملی‌اش ۳۰ تا ۴۰ روز بازیکنان را در اردوی تیم ملی داشته باشد تا بتواند هماهنگی را در بین بازیکنان ایجاد کند. اما در کشورهای دیگر شاید ۷۲ ساعت قبل از بازی ملی بازیکنی از یک باشگاه اجازه می‌گیرد که به تیم ملی کشورش ملحق شود. این البته در بازی‌های مقدماتی است. بعد هم به تورنمنت می‌رسند، بالطبع زمان بیشتری را صرف هماهنگی می‌کنند.

اسپانیا تکلیفش تقریباً روشن است. آنها با تغییر مربی کار خودشان را خیلی سخت کردند. خودشان باعث حذف خودشان شدند. تیمی که مدت‌ها بود با افکار لوپتکی کار کرده بود و قصد داشت قهرمانی جام جهانی روسیه را از آن خود کند با تغییر این مربی ناگهان از هم پاشید و شرایط به گونه‌بدی برای آنها پیش رفت. رئیس فدراسیون فوتبال اسپانیا فکر می‌کرد شوک مثبتی به تیمش می‌دهد اما به نظرم بزرگ‌ترین اشتباه اسپانیایی‌ها این بود که دو روز مانده به شروع بازی‌ها سرمربی تیم‌شان را عوض کردند. آنها درست بعد از این تصمیم بود که حذف شدند و تنها چیزی که باعث شد آنها در همان مرحله گروهی حذف نشوند، شخصیت تیمی‌شان بود.

حالا همه درباره تیم ملی نظرات خودشان را صریح مطرح می‌کنند. من نمی‌گویم که ما زبیا بازی کردیم. بازی زبیا شاید از نظر من تعریف دیگری داشته باشد اما این را باید بپذیریم که ما از بهترین استراتژی‌های ممکن برای رویارویی با اسپانیا و پرتغال بهره‌بردیم. استراتژی بهتری وجود نداشت.

متعصبانه از کی‌روش دفاع می‌کنند و عده‌ای هم متعصبانه سعی می‌کنند این مربی را تخطئه کنند. اگر مشکلی وجود دارد مطمئن باشید که مشکل از خود ما است نه آقای کی‌روش. کی‌روش یک مربی حرفه‌ای است. او کاری را انجام داده که ما از او خواسته‌ایم. کاری را انجام داده که افکار عمومی ما به آن رضایت داده است. نباید او را مقصر بدانیم. بلکه مقصر آنهايي هستند که افکار عمومی را برای پذیرفتن نتایج مقطعی و زودگذر آماده می‌کنند.

شمارد این جام چه تیم‌هایی را برای موفق شدن صاحب شانس بیشتری می‌دانید؟

فرانسه، برزیل، اروگوئه و انگلیس را برای رسیدن به مرحله نهایی صاحب شانس بیشتری می‌دانم، اما تاکید می‌کنم که این تیم‌ها صرفاً شانس بیشتری دارند و من نمی‌توانم پیش‌بینی کنم.

بازیکنی که بازی‌هایش در منچسترستیتی خیره‌کننده است و خیلی راحت می‌توانست برای تیم ملی آلمان گره‌گشا باشد. چطور می‌شود که یک مربی از سانه عبور می‌کند؟ نمی‌دانم. آرژانتین هم که در درون اردویش بدترین شرایط ممکن وجود داشت و صحبت از کودتا بود. دیگر از این وضعیت بدتر و بحرانی‌تر سراغ دارید؟ می‌خواهم بگویم هر تیم بزرگی که حذف شده دلایل خاص خودش را داشته.

نکته‌ای که مايلم درباره‌اش صحبت کنم این است که این روزها بعضی‌ها بعد از حذف اسپانیا و پرتغال مدعی می‌شوند که ما نباید از این تیم‌های ترسیدیم. باید شجاعانه‌تر بازی می‌کردیم. باید حمله می‌کردیم و خلاصه به مسائلی اشاره می‌کنند که من آن را منطقی نمی‌دانم. ببینید از قدیم گفته‌اند معما چون حل گشت آسان شود. حالا که اسپانیا و پرتغال حذف شده‌اند این حرف را می‌زنیم در صورتی که تحلیل ما برای روبه‌رو شدن با اسپانیا و پرتغال اتفاقاً درست و منطقی بود. ما باید خودمان را برای اسپانیای قهرمان جهان، پرتغال قهرمان اروپا و مراکش قهرمان قاره آفریقا آماده می‌کردیم. فکر می‌کنید منطقی بود اگر این تیم‌های بزرگ را دست کم می‌گرفتیم یا اینکه بازی هجومی و باز را در مقابل این تیم‌ها به نمایش می‌گذاشتیم؟ آن وقت همین عده‌ای که انتقاد می‌کنند به بدترین شکل ممکن از کی‌روش انتقاد می‌کردند که چرا در درجه اول به دفاع فکر نکرده است. نه، این تحلیل‌ها را درست نمی‌دانم. اسپانیا و پرتغال ابدانیم‌های ضعیفی نبودند همان‌طور که مراکش هم تیم بسیار خطرناک و زهرداری بود. بنابراین تاکتیک تیمی ما درست بود. ما فقط بدشانس بودیم. همین. اگر آن توبی که در لحظات پایانی بازی ایران برابر پرتغال روی پای چپ طارمی آمد روی پای تخصصی‌اش یعنی پای راست او می‌آمد، حالا خبری از این تحلیل‌ها نبود. فوتبال همین است.

در پایان باید عرض کنم که من در بین تیم‌های باقیمانده در جام جهانی اروگوئه و کرواسی را تیم‌تر از بقیه می‌بینم. خیلی با هم هماهنگ هستند. فداکارانه بازی می‌کنند. دوندگی بسیار بالایی دارند و خستگی ناپذیرند. فکر می‌کنم شگفتی‌ها ادامه خواهد یافت.



که معتقدند حذف آرژانتین، آلمان، اسپانیا و پرتغال خیلی هم اتفاقی نبوده و نمی‌توان خیلی شگفتی‌اش خواند. همان‌طور که نیامدن ایتالیا و هلند به روسیه نمی‌تواند خیلی اتفاقی باشد. به هر حال بعید است پوتین که موفق شد میزبانی را از بلاتر بخرد حالا به خریدن خود جام از اینفانتینو فکر نکند.

عده‌ای می‌گویند اگر روسیه میزبانی جام جهانی را از بلاتر خرید همین روسیه این توانمندی را دارد که خود جام را هم بخرد. البته برای این‌طور قضاوت‌ها نباید عجله کنیم اما به هر حال این تحلیل در میان آنهایی که می‌دانند در فوتبال دستکاری‌های صورت می‌گیرد، مطرح شده است. بنابراین از منظر دیگر هم می‌شود به حذف تیم‌های بزرگ نگاه کرد. دستکاری نتایج فوتبال آن هم علیه تیم‌های بزرگ شاید ماجرای جالبی باشد؛ ماجرای که حالا جدی‌تر از هر زمان دیگر مدنظر سیاست‌های نولیبرالیسم قرار گرفته است.

راحت‌تر بگویم طی هزار سال آینده روس‌ها برای قهرمان شدن در جام جهانی فقط یک شانس خواهند داشت آن هم همین امسال در کشور خودشان است. بعید می‌دانم که حذف ۴ تیم بزرگ از روسیه و قبل از آن نیامدن هلند و ایتالیا به جام جهانی همه‌اش از روی اتفاقات فوتبالی رقم خورده باشد. با این حال مردم دنیا هنوز این فوتبال را باور دارند و معتقدند که شگفتی بزرگی در جام جهانی روسیه رخ داده است. به نظر تیم‌هایی که جزو چهار تیم نهایی جام روسیه باشند زحمت زیادی کشیده‌اند.

این تیم‌ها بزرگان فوتبال را به زانو درآورده‌اند. در مورد ایران هم باید بگویم که در بازی با مراکش با یک دفاع حساب‌شده توانستیم بازی را ببریم اما امیدوارم روزی تیم ما مقابل مکزیک یا کرواسی قرار بگیرد. آنجا عیار ما مشخص خواهد شد. عیار ما مقابل اسپانیای بحران‌زده هرگز مشخص نشد. بنابراین با همه وجود باید به ساختن بازیکن حرفه‌ای در داخل فوتبال مان بپردازیم و فوتبال گلخانه‌ای را کنار بگذاریم.

خسته و ناآماده چرا تیم‌های بزرگ حذف شدند

بهمن فروتن

مربی فوتبال



جام جهانی جالبی است. در آلمان اگر چه هنوز خیلی‌ها درباره حذف تیم ملی فوتبال این کشور با هم صحبت می‌کنند و نظرات‌شان را با هم در میان می‌گذارند، اما در عین حال کافه‌ها تا پاسی از شب باز است. تلویزیون‌های بزرگ همچنان بازی‌های جام جهانی را نشان می‌دهد. مردم در کنار هم می‌نشینند و از دیدن سایر بازی‌های جام جهانی لذت می‌برند. فوتبال همین است. به شدت جذاب است. باعث شکل‌گیری ارتباطات مردمی می‌شود. پر از هیجان، شور و نشاط است.

فوتبال ورزش عجیبی است. وقتی یک تیم می‌برد یا می‌بازد هوادارانش با توجه به آن نتیجه خوشحال یا غمگین می‌شوند، اما در هر حال زندگی در جریان است. با این حال این فوتبال باعث به وجود آمدن دوستی و صمیمیت و اتحاد می‌شود. این فوتبال در عین هیجان انگیز بودن آرامش‌بخش هم هست.

سوال این است: چرا تیم‌های بزرگ حذف شدند؟ ما دیدیم که آرژانتین، اسپانیا، آلمان و پرتغال حذف شدند. در مورد آرژانتین باید بپذیریم که آنها خیلی ضعیف ظاهر شدند. اسپانیا و پرتغال هم ضعیف بازی کردند.

بازیکنان این تیم‌ها ظاهراً خسته بودند. آماده جام جهانی نبودند. بزرگ‌ترین بازیکنانی که هواداران فوتبال در سراسر دنیا به آنها دل بسته بودند تا از طریق این

ستاره‌ها به جذابیت جام جهانی اضافه شود از دور مسابقات حذف شدند تا شرایط شکل دیگری به خود بگیرد. اگر بازیکنان بوبینند دستکاری یک امر عادی است نولیبرال‌ها به طور مرتب در مقام دستکاری بازی‌های فوتبال برمی‌آیند چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ چه اتفاقی رخ خواهد داد اگر این بازیکنان بدانند در جشن نهایی فوتبال حضور ندارند. مثلاً تیمی مثل ایسلند از جام جهانی قهرمانی نمی‌خواهد اما تصور کنید همین ایسلندی که همیشه به بهترین شکل ممکن می‌جنگد به طور کلی انگیزه‌اش را از دست خواهد داد. از این گذشته یادمان نرود که تیم‌های بزرگ انرژی خودشان را برای بازی‌های مرحله‌های مختلف جام تقسیم‌بندی می‌کنند. حالا اگر تیم‌های مقابل اینها دست به شیطنت بزنند.

به عنوان مثال کره‌ای‌ها که حذف شده بودند شیطنت کردند یا بهتر بگویم ماجراجویی کردند و آلمان قهرمان جهان را حذف کردند. کره‌ای‌هایی نظیر بازی کردند. سرشار از جنگندگی و هیجان و قدرت و تلاش بودند اما آیا این قدرت واقعی کره جنوبی بود. نه. اگر قدرت واقعی‌شان بود باید از گروه خودشان بالا می‌آمدند. هر چند این را هم بگویم که تا قبل از مرحله حذفی تیم‌های متوسط می‌توانند شیطنت کنند اما از اینجا به بعد تیم‌های حاضر در جام جهانی چهره دیگری خواهند داشت. شگفتی‌ها بیشتر در مرحله گروهی اتفاق می‌افتد تا در مرحله پایانی جام.

اما اگر قرار باشد نگاه دیگری هم به حذف چهار تیم بزرگ جام جهانی داشته باشیم باید به تحلیل افرادی رجوع کنیم که به فوتبال نگاه پیچیده‌تری دارند. افرادی





این تابلوی نقاشی از سهراب سپهری بیش از ۵ میلیارد تومان به فروش رفت

حراج تهران، بحث این روزهای دنیای هنرهای تجسمی است که به واسطه جابه‌جایی مالی بسیاری که دارد، اعداد و ارقام موجود در آن و سازوکار برگزاری اش بیش از پیش مطرح شده است. این حراج در نهمین سال خود با هم با حضور چهره‌های مختلفی که پای ثابت آن هستند، برگزار شد و در یک شب ۳۱ میلیارد و ۳۷۸ میلیون تومان فروش داشت. در این دوره تعداد ۸۰ اثر از ۵۹ هنرمند معاصر و کلاسیک عرضه شد؛ آثاری از هنرمندانی چون خانم‌ها و آقایان سهراب سپهری، حسین زنده‌رودی، پرویز تناولی، عباس کیارستمی، پرویز کلاتری، فرامرز پیلارام، منوچهر یکتایی، فریده لاشایی، منیر شاه‌رودی فرمانفرمایان، ناصر اویسی، بهمن محض، محمد غفاری (کمال الملک)، محمود فرشچیان، محسن وزیری مقدم، آیدین آغداشلو، زازه تباتبایی، هانیبال الخاص، حسین محجوبی، محمد احصایی و... که از بین آنها پرویز تناولی و حسین زنده‌رودی هر کدام با سه اثر، ۱۷ هنرمند با دو اثر و بقیه هنرمندان با یک اثر در حراج حضور داشتند. در این حراجی همین‌طور که طراحی شده بود، گران‌ترین قیمت پیشنهادی به یکی از دو تابلوی ارائه شده از سهراب سپهری اختصاص یافت که به قیمت بیش از ۵ میلیارد تومان به فروش رفت. تا به حال مجموعه‌های دیگر سهراب سپهری که عمدتاً از سری «درختان» بودند، بیشترین قیمت در میان آثار سهراب را داشتند. سال گذشته بود که یکی از آثار همان مجموعه با قیمتی نزدیک به ۳ میلیارد تومان به فروش رسیده بود اما اثری که امسال از سهراب فروخته شد، فرم دیگری دارد؛ اثری کمینه‌گرا، شاعرانه با هماهنگی رنگی بسیار زیبا. در این شب اثری از حسین زنده‌رودی دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان، کار دیگری از سهراب سپهری یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان، یک نقاشی از منصور قندریز یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان و اثری از رضا مافی یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان و نقاشی مینیاتور از محمود فرشچیان ۹۰۰ میلیون تومان، فروخته شدند.



حجت الاسلام موسوی فرد، امام جمعه خرمشهر در اعتراض به وضعیت آب در این شهر، از مسئولان خواسته است نسبت به رفع مشکل آب در خرمشهر اهتمام ویژه‌ای داشته باشند چرا که اعتراض مردم به وضعیت آب، اعتراضی بحق و قابل دفاع است. او که بارها خواستار تسریع در رفع مشکل آب و همچنین انتقال آب شیرین به خرمشهر شده بود، با حضور در جمع کارگرانی که مشغول کار انتقال آب شیرین به خرمشهر بودند، جوشکاری لوله انتقال آب را برای ساعتی به عهده گرفت تا کارگران با روحیه و انگیزه بیشتری کار کنند. این اقدام امام جمعه خرمشهر با استقبال چشمگیر مردم خرمشهر مواجه شده است. کار بعدی فتحی پس از شهرزاد معلوم شد. فیلمنامه سریالی که قرار است آقای حسن فتحی آن را در تلویزیون بسازد به «ده پهلوان» تغییر نام داد. حسن فتحی کارگردان سریال‌های تلویزیونی پیش از این قرار بود سریالی با نام «هفت پهلوان» در تلویزیون بسازد که در سال ۹۵ تا حدی نگارش متن فیلمنامه این اثر نیز پیش رفت. این مجموعه اکنون دوباره به جریان افتاده و به «ده پهلوان» تغییر نام داده است. همچنین متن فیلمنامه نیز به زندگی ۱۰ پهلوان از مناطق مختلف ایران اختصاص دارد. فیلمنامه «ده پهلوان» اکنون توسط تیمی از نویسندگان در حال نگارش است. با توجه به اتفاقاتی که برای مدیرعامل فیس‌بک افتاد و پای وی به مجلس سنا باز شد تا درباره عملکرد این اپلیکیشن در رابطه با انتشار اخبار جعلی و همچنین نشت اطلاعات توضیح دهد. حالا آمار نشان می‌دهد دیگر تعداد کمتری از کاربران برای اطلاع از اخبار مهم روز سراغ فیس‌بک می‌روند. مطالعات دانشگاه آکسفورد نشان می‌دهد کاربران در زمینه رصد و کسب خبر، نه تنها از فیس‌بک، بلکه نسبت به سایر شبکه‌های اجتماعی نیز دلسرد شده‌اند. این آمار نشان می‌دهد که میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای پیگیری اخبار نسبت به سال گذشته کاهش ۶ درصدی داشته و البته این روند برای کاربران جوان به ۲۰ درصد رسیده است.



یکی از این اتفاقات جذاب که شاید بسیاری کمتر در مورد آن بدانند، حضور پدران و پسرانی است که هر دو، در ادوار مختلف جام‌های جهانی به میدان رفته‌اند. به خانواده‌های زیادی می‌توان اشاره کرد، از ژان و یوری ژورکائف که هر دو برای تیم ملی فرانسه در جام جهانی بازی کرده‌اند یا سزار و پائولو مالدینی در تیم ملی ایتالیا، شاید برایتان جالب باشد بدانید در خانواده چیچاریتو هم پدرش و هم پدربزرگش برای مکزیک در جام جهانی بوده. آخرین نمونه به دانمارک برمی‌گردد. کاسپر اشمایکل دروازه‌بان ۳۱ ساله تیم ملی دانمارک به رغم حذف دانمارک مقابل کرواسی در مرحله یک‌هشتم نهایی جام جهانی ۲۰۱۸، درخشان ظاهر شد و موفق شد ۳ ضربه پنالتی را مهار کند تا خاطره پدرش را زنده کند. نکته جالب آن‌جا بود که پتر اشمایکل روی سکوها نشسته بود و واکنش‌های او به درخشش پسرش از جذابیت‌های جام جهانی شد. اشمایکل بزرگ که در زمان بازی، به عنوان یکی از بهترین دروازه‌بان‌های دنیا شناخته می‌شد، بازی پسرش را از جایگاه ویژه و ورزشگاه نیژنی نووگورود تماشا می‌کرد. او که در بیشتر لحظات بازی آرام بود، بعد از پنالتی‌هایی که کاسپر یکی بعد از دیگری مهار کرد، چند بار به هوا پرید و با مشت‌های گره کرده، شادی اش را به نمایش گذاشت. هرچند در نهایت درخشش اشمایکل کوچک ثمری نداشت و این کرواسی بود که توانست راهی مرحله بعد شود. اشمایکل پس از درخشش پسرش در این بازی در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «واژه‌ها را گم کرده‌ام. نمی‌توانم بیش از این به کشورم، پسر، هم‌تیمی‌هایم، کادر تیم ملی و سرمربی فوق‌العاده آن‌گاه‌ها ریسه بیاورم. پس از خشک شدن تمامی اشک‌ها، خواهیم فهمید که چقدر خوب کار کرده‌ایم.»



حضور فرمانده کل قوا در دانشگاه افسری



سرلشگر قاسم سلیمانی در مراسم دانشگاه امام حسین (ع)



روایت محسن رضایی از حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری



سالروز شهادت مجید سوزوکی واقعی



روایت حسن یزدانی از مشکلات خوزستان



سه شنبه

روزهای گرما و خاموشی است. طی روزهای اخیر با افزایش دمای هوا و افزایش استفاده از وسایل سرمایشی به ویژه کولرهای گازی، رکوردهای جدیدی در مصرف برق کشور به ثبت می رسد، به طوری که عصر سه شنبه رکورد تاریخ مصرف برق کشور با ثبت مصرف لحظه ای ۵۶ هزار و ۶۷۲ مگاوات شکست. رشد افسارگسیخته مصرف برق، فشار به شبکه فوق توزیع و توزیع را چندبرابر کرده، به طوری که در برخی نقاط، شدت بار از توان تحمل تجهیزات شبکه فراتر می رود یا تجهیزاتی چون فیدرها و ترانس ها آسیب دیده و از مدار خارج می شوند یا شرکت های توزیع با مشاهده افزایش شدت بار روی بخشی از شبکه، با اعمال خاموشی درصدد جلوگیری از بروز قطعی های وسیع تر برمی آیند. طبق گزارش های مردمی، طی روزهای اخیر در اغلب نقاط کشور قطعی های برق از ۳۰ دقیقه تا بیش از ۳ ساعت رخ داده است و متصدیان سامانه فوریت های قطع برق که در چنین زمان هایی گزارش های مردمی را دریافت کرده و در سیستم های مخصوص رسیدگی به گزارش های مردمی، ثبت و ضبط می کنند، در حال تجربه پرکارترین روزهای کاری خود هستند.

«یک گردشگر» در «جاده آسیایی» بخشی از پارک ملی گلستان را طعمه حریق کرد. آتش سوزی در پارک ملی گلستان از عصر دوشنبه از اراضی مرتعی آغاز شد و به سرعت به اراضی جنگلی پارک تسری پیدا کرد اما سه شنبه به طور کامل مهار شد. در برآورد اولیه به نظر می رسد حدود ۱۰۰ هکتار از اراضی مرتعی و حدود ۳۰ هکتار از اراضی جنگلی پارک ملی گلستان در آتش سوخته است. دادستان عمومی و انقلاب بجنورد با اشاره به اینکه آتش سوزی در پارک ملی گلستان عامل انسانی داشته است گفت: «۲ نفر به اتهام عامل آتش سوزی پارک ملی گلستان شناسایی و دستگیر شدند.»

چهارشنبه

مهدی فخیم زاده پس از تکمیل مراحل درمانی خود از بیمارستان مرخص شد. این بازیگر و کارگردان که مدتی قبل مشغول فیلمبرداری تازه ترین فیلم خود با نام «مشت آخر» در شمال کشور بود و دچار سانحه تصادف شد، بر اساس پیگیری از بیمارستان ایرانمهر، ظهر چهارشنبه پس از تکمیل درمان خود مرخص شده است. فخیم زاده از حدود یک هفته قبل در بیمارستان بستری شد و پس از آنکه چند روزی در حالت بی هوشی به سر برد، پس از برطرف شدن ضایعه ای که به دلیل ضربه به سرش وارد شده بود، در بخش مراقبت های ویژه تحت نظر قرار گرفت و امروز از همان بخش ترخیص شد. سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس تهران از دستگیری مردی با ۲ تن سکه در تهران خبر داد: «فردی معروف به «سلطان سکه» که سال ۹۶ حدود ۲ تن سکه را از سطح بازار جمع کرده بود، دو شب پیش در عملیات پلیس دستگیر شد.» سردار رحیمی درباره این فرد که ۵۸ سال سن دارد، گفت: «این فرد به توجه های خود دستور داده بود در بازار تهران به راه افتاده و بدون توجه به قیمت روز سکه، تمام سکه های موجود را بخرد تا در روزهای آینده خودش تعیین کننده نرخ سکه باشد.» به گفته رحیمی، این فرد پیش از این هم به عنوان دلال سکه دستگیر شده بود و پسرش نیز با قید ضمانت آزاد است. این فرد طی مدت ۱۰ ماه فعالیت خود، بر اساس ۵۰۰ سند و مدرکی که در خصوص وی به دست آمده در بحث دلالی سکه نقش اصلی را به عهده داشت و در این مدت حدود ۲ تن سکه را جمع آوری کرده بود. عکس روز اختصاص دارد به بانوان فلسطینی. هزاران نفر از بانوان فلسطینی ساکن نوار غزه سه شنبه در راهپیمایی «حق بازگشت» شرکت کردند. این بانوان با راه اندازی گردهمایی «زنان فلسطینی، پیش به سوی پایان دادن به محاصره غزه و راهپیمایی بازگشت» و شرکت در راهپیمایی حق بازگشت علیه اقدامات رژیم صهیونیستی دست به تظاهرات زدند.



بین، بخوان، بشناس

آدم‌های کرایه‌ای و تاریخ قلابی، گذشته منافقین را مخفی نمی‌کند

«مراقب باشییم جای جلااد و شهید عوض نشود...» این توصیه از مقام معظم رهبری خود در پیچه‌ای به یک تاریخی است، تاریخی پر از خیانت و خباثت. آن مشاور ناآگاه و شاید نادان نزدیک به ترامپ، جولانی وقتی در آن مراسم پرزرق و برق با آدم‌های اجاره‌ای حاضر می‌شود، باید بداند که این آدم‌های کرایه‌ای، دارند برای یک تاریخ قلابی دست می‌زنند. تاریخ واقعی این آدم‌ها پر از خون است، در دل این گروهک

سبیه‌دل، تاریخی است که باید بازگو شود، همه باید بدانند که این‌ها حتی به خودشان هم رحم نمی‌کردند و به خاطر اختلاف عقیده به کسانی شلیک می‌کردند که دل‌شان هنوز به تاریخی آلوده نشده بود. همه باید بدانند که زمانی حتی مردم کوچه و خیابان هم از دست کوردلان در امان نبودند و همه شجاعت‌شان را بر سر کودکان و زنان بی‌پناه متفجر می‌کردند. همه باید بدانند که زمانی که مردم ایران زیر گلوله و موشک رژیم صدام به دفاع مقدس مشغول بودند در آن سوی مرزها آنها در

کنار صدام دست‌دوستی دراز کرده بود؛ پشت به وطن و هموطن. آنها منافقین هستند، باید آنها را شناخت، برای شناختن آنها چندین کتاب، فیلم سینمایی، فیلم مستند و سریال وجود دارد که در اینجا به معرفی برخی از آنها می‌پردازیم اما شاید این کافی نباشد، بیشتر از این باید باشد تا هیچ کس با آدم کرایه‌ای و تاریخ جعلی برای غربی‌ها دلبری نکند، هر چند خودشان خوب می‌دانند، سکه‌شان اینجا خریدار ندارد.

سریال

ارمغان تاریکی

ارمغان تاریکی به نویسندگی و کارگردانی جلیل سامان، قصه چند دانشجوی جوان است که در سال‌های آغاز دهه ۶۰ در تهران زندگی می‌کنند و هر یک در برخورد با حوادث و رویدادهای سیاسی و اجتماعی آن دوران همچون جنگ تحمیلی، بحران‌های سیاسی، حضور گروهک‌های سیاسی در جامعه و... سرنوشت‌های متفاوت پیدا می‌کنند. ارمغان تاریکی، داستان دانشجوی عکاسی به نام مجید با بازی آرش مجیدی را روایت می‌کند که اوایل انقلاب جذب یکی از سازمان‌های سیاسی شد و به دلیل هوش و ذکاوت خود مورد اطمینان قرار می‌گیرد و به او مأموریت مهمی و اگذار می‌شود. مجید از طرف سازمان مأموریت می‌یابد تا برای نفوذ به خانواده انقلابی و مذهبی یکی از فرماندهان جنگ، با برادرزاده او ازدواج کند و سپس اهداف تشکیلات را دنبال نماید. به مرور زمان، مجید دل‌باخته آن دختر می‌شود و در دوراهی بین عشق و وابستگی به سازمان قرار می‌گیرد. او در نهایت به پیش مطلوب می‌رسد.

سریال

نفس

در رمضان سال قبل سریالی روی آنتن رفت که هر چند منتقدانی داشت اما در مجموع مورد توجه قرار گرفت؛ داستان سریال «نفس» در مورد جوانی پر شور و شور است که در بحبوحه وقایع انقلاب رازی در زندگی اش فاش می‌شود. او برای رسیدن به حقیقت حوادث پیچیده‌ای را پشت سر می‌گذارد. داستان این سریال مربوط به دهه ۵۰ زمانی که سازمان مجاهدین در اوج انشعاب و پراکنده شدن اعضای خود بوده. روزه به عنوان یکی از اعضای این سازمان، حالا از رویه این گروه فاصله گرفته و در صدد است به روش خود به مبارزه ادامه دهد. ازدواج روزه با ناهید نیز باعث نمی‌شود که روزه دست از مبارزه علیه شاه بردارد. ناهید که قبل از آن هیچ ذهنیتی نسبت به مبارزه آن هم از نوع مسلحانه‌اش نداشت حالا چنان عاشق روزه می‌شود که با همسرش در عملیات مسلحانه شرکت می‌کند و شخصیش دچار یک دگردیسی کامل می‌شود.

مستند

برای دخترم سمیه

«فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه» ساخته مرتضی پایه‌شناس و به تهیه‌کنندگی محمد شکیبانیاروایتگر بخشی از زندگی پدری است که خواهان نجات فرزندانش از دامی است که سال‌هاست درگیر آن شده است. این فیلم داستان زندگی مصطفی محمدی، مردی است که پس از اعدام یکی از بستگان همسرش، در دهه هفتاد از ایران خارج می‌شود. او برای سهولت پروسه پناهندگی، کیس هواداری سازمان مجاهدین خلق (منافقین) را انتخاب می‌کند و از آن پس، به دلیلی دینی که به سازمان احساس می‌کند، در کانادا به عنوان یکی از هواداران این سازمان فعالیت می‌کند. اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که سازمان، سمیه دختر او را برای یک بازدید سه هفته‌ای به عراق دعوت می‌کند. سه هفته‌ای که هنوز پایان نیافته است و سمیه هرگز به آغوش خانواده بازمی‌گردد. داستان به این ختم نمی‌شود و محمد، پسر دیگر مصطفی محمدی نیز برای بازگرداندن خواهرش سمیه، به عراق می‌رود ولی او نیز در پادگان اشرف ماندگار می‌شود. عمده فیلم، مربوط به صحنه‌هایی است که مصطفی محمدی از تلاش‌هایش برای بازگرداندن دو فرزندش به آغوش خانواده ضبط کرده است. تصاویری که با دوربین غیر حرفه‌ای ضبط شده اما همین فیلم دارای صحنه‌های بدیع از درون کمپ اشرف و ماجراهایی تلخ و گزنده از درون منافقین است.



فیلم

ماجرای نیمروز

فیلم ماجرای نیمروز، پس از فیلم تحسین‌شده «ایستاده در غبار» دومین فیلم سینمایی محمدحسین مهدویان است. فیلم ماجرای نیمروز درباره شروع فعالیت مسلحانه سازمان مجاهدین خلق در دهه شصت است. این دهه آغاز مبارزه جمهوری اسلامی با تروریسم است. پدیده‌ای که هزاران نفر از شهروندان بی‌گناه ایرانی را قربانی کرده است. این فیلم به مقابله سازمان اطلاعات سپاه با سازمان منافقین اشاره می‌کند. این روایت مربوط به حوادث تابستان ۶۰ تا ضربه بهمن ماه است. این فیلم خوش ساخت که در جشنواره فیلم فجر درخشید، دارای شخصیت‌هایی است که در واقعیت حضور داشته‌اند و می‌توان گفت که آدم‌ها و اتفاقات فیلم تا حدود زیادی از حوادث رخ داده در آن مقطع برداشت شده است. ماجرای نیمروز با مبارزه مسلحانه از طرف مجاهدین خلق همزمان با عزل بنی‌صدر در ریاست جمهوری و همچنین شروع تحقیقات عملیاتی سپاه آغاز می‌شود. در ادامه داستان، گروه عملیاتی ۵ نفره‌ای تشکیل می‌شود که هر کدام از این جوانان متعدد و دوآتیشه به سبک خودشان همه زورشان را می‌زنند تا کشور را در کوران جنگ تحمیلی و جنگ داخلی با منافقان سرپا نگه دارند. ماجرای نیمروز نه شعارزده است و نه خسته‌کننده؛ نه افراط می‌کند و نه تفریط. این فیلم توانسته برهه‌ای را به درستی روایت و با تلفیق المان‌های سینمایی و خط تعلیقی هیجان‌برانگیز، اثری متفاوت را تولید کند.

عملیات مهندسی

این کتاب نوشته محمدحسن روزی طلب در واقع تاریخ شفاهی کارنامه تروریستی بخش ویژه نظامی سازمان مجاهدین خلق است که دوران تاریک و مبهم، فعالیت‌های این سازمان را از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۱ مورد بررسی قرار می‌دهد؛ برهه‌ای که فعالیت‌های نظامی منافقین موجب می‌شود پس از آن دیگر اجازه فعالیت رسمی در کشور نداشته باشند. عملیات مهندسی پرده از اسنادی برداشته است که پیش از این در دسترس عموم نبود؛ اطلاعاتی از عملیات‌های نظامی منافقین و همچنین ضربه‌هایی که اطلاعات سپاه به این سازمان وارد کرده است. فیلم تحسین شده «ماجرای نیمروز» نیز از جمله دستاوردهای این کتاب به حساب می‌آید، چرا که بخش زیادی از پژوهش‌های این فیلم وابسته به کتاب، نویسنده و روایان آن بوده است. نام این کتاب برگرفته از عنوان یکی از وحشیانه‌ترین برنامه‌های منافقین است که به واسطه مشکوک شدن به نیروهای درونی سازمان، شکنجه‌های خاص و عجیبی را علیه آنها اعمال می‌کردند.

از مجاهدین تا منافقین

در میان دایره‌المعارف‌های مرتبط با منافقین شاید بتوان از این کتاب نوشته مهدی حق‌بین به عنوان یکی از جامع‌ترین آثار نام برد؛ اثری که در چهار بخش به سیر تاریخی سازمان مجاهدین پرداخته و تلاش دارد جامعه‌شناسی نسبتاً دقیقی از آن ارائه دهد. در بخش اول، پیدایی، عضوگیری، چالش‌ها، ضربه‌ها، ترورها، عملیات‌ها و فعالیت‌های سازمان تا انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و بخش دوم با نام‌های «پیروزی انقلاب اسلامی و تسلط مرکزیت زندان» و «سرناسازگاری تا شورش ۳۰ خرداد ۱۳۶۰» درباره عملکرد و مواضع سازمان در این دوره است. در بخش سوم این کتاب حرکت سازمان در کنار دشمنان خلق ایران تا پس از عملیات مرصاد تحلیل و ارزیابی شده است. در انتهای این اثر نیز استیصال سازمان، پشت کردن به صدام و... در دو فصل با عنوان‌های «ورود سازمان مجاهدین به جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی» و «سقوط صدام حسین و فرجام مجاهدین» بررسی شده است.

سیانور

«سیانور» نامش یادآور قرصی است که چریک‌های پیش از انقلاب وقتی در آستانه دستگیری توسط نیروهای شاه قرار می‌گرفتند، می‌بلعیدند مبادا نتوانند شکنجه‌ها را تحمل کنند و مجبور به افشای اطلاعات محرمانه شوند. فیلمی که بهروز شعبی با این نام ساخته است، یک عاشقانه است که پیرامون پاکسازی مجید شریف‌واقفی یکی از نیروهای برجسته سازمان مجاهدین (منافقین) ساخته شده. این فیلم به دوران حضور تقی شهرام در راس این سازمان پیش از انقلاب اشاره دارد، زمانی که این سازمان گرایش‌های اسلامی را به کلی کنار گذاشت و تمایلات مارکسیستی در این سازمان به اوج می‌رسد. شهادت شریف‌واقفی شروع یک تاریخ از یک سازمان است که به تباهی کشیده شد، سازمانی که فراموش کرد وقتی اسلحه در دست می‌گیرد، باید بداند به چه کسانی نباید شلیک کند، این سازمان فراموش کرد و آینده نشان داد که هیچ‌گاه به یاد نیاورد.

امکان مینا

فیلم سینمایی «امکان مینا» شانزدهمین ساخته کمال تبریزی درباره خبرنگار جوانی است که زندگی عاشقانه‌ای با همسرش دارد اما در میانه راه، سرنوشت دیگری برای این زوج جوان رقم می‌خورد. داستان فیلم درباره زن و شوهری است به نام مهران و مینا در روزهای موشک‌باران تهران در دهه ۶۰ که زندگی مشترک ساده و عاشقانه خود را آغاز می‌کنند. مهران خبرنگار است و در یک روزنامه پرتیراژ کار می‌کند و در جریان اخبار سیاسی و اوضاع جنگ قرار دارد. مینا دور از چشم شوهرش به سازمان مجاهدین پیوسته است. او با توجه به شغل شوهرش اخبار و اطلاعات به‌روزی از اوضاع کشور دارد و آن را در اختیار سازمان مجاهدین قرار می‌دهد. یک روز پس از آژیر قرمز، مهران متوجه می‌شود که بمب به جایی در حوالی محل کار مینا برخورد کرده است و خود را سراسیمه به آنجا می‌رساند اما متوجه می‌شود که مینا مدتی است که سرکار نمی‌رود و...



پروانه

سریال تلویزیونی «پروانه» روایتگر مقطعی از فعالیت سازمان مجاهدین خلق در سال‌های دهه ۵۰ و تغییر گرایش در میان برخی اعضای آن است. جوانی که در آن سال‌ها با گروهی مبارز همراه و دچار حوادث مختلفی می‌شود. روایت این سریال در سال‌های پیش از انقلاب و در اواخر دهه پنجاه می‌گذرد. شخصی به نام امیر برای یافتن نام و نشانی از همسرش در لیست زندانیان سیاسی، مخفیانه به خانه یکی از مأموران ساواک وارد می‌شود. پروانه، دختر صاحبخانه که از فعالیت‌های پدرش بی‌اطلاع است، امیر را غافلگیر می‌کند و امیر هم که چاره دیگری ندارد، ماجرا را توضیح می‌دهد. پروانه برای اطلاع از واقعیت فعالیت‌های پدرش و رسیدن به پاسخ سوال‌های خود، با امیر همکاری می‌کند. از بازیگران این سریال می‌توان به حامد کمیلی، نیما ریسی، مهدی سلوکی، قطب‌الدین صادقی، شهرام عبدلی، سپیده خداوردی، سارا بهرامی، الهام چرخنده و متین ستوده اشاره کرد.

پیدایی تا فرجام

این کتاب یکی از جامع‌ترین، مهم‌ترین و مفصل‌ترین آثار درباره منافقین است که از ابتدای تأسیس تا سال ۸۴ را بررسی کرده و هزاران سند درباره این تشکیلات مخوف عرضه کرده است. موضوع این کتاب که بیش از ۲۰۰ صفحه است بررسی و تبیین مستند تاریخی، ایدئولوژی، مواضع و عملکرد سازمان نیمه‌مخفی و سیاسی نظامی موسوم به مجاهدین خلق ایران است که طی بیش از دو دهه گذشته تاکنون در ایران عموماً با نام سازمان منافقین شهرت یافته و شناخته می‌شود. این کتاب در سه جلد، مبتنی بر سیر تاریخی تحولات و نیز ارتباط مفهومی موضوعات سامان یافته است. مطالعه این کتاب به خواننده کمک می‌کند تا در تحلیل وضعیت سازمان مجاهدین خلق، فاکتورهایی چون ترور، خشونت، انفعال، سردرگمی در اهداف و مأموریت، انحراف و وابستگی به خارج و عدم مشروعیت اجتماعی و در نتیجه شکست‌های پی‌درپی را با سهولت بیشتری درک کند.

تنهایی در باتلاق

درباره فیلم دارکوب ساخته بهروز شعبی

«هیچ چیز سخت‌تر از اون نیست که ببینی عزیزت تصمیم گرفته تنها باشه، تو از دیدنش، از شنیدن صدایش لذت می‌بری اما اون درها رو بسته و تنهایی رو جای تو انتخاب کرده... هیچ چیز سخت‌تر از اون نیست که ببینی تنها شدی. عزیزانت رو می‌بینی و دوستشون داری ولی همه‌تو رو انکار می‌کنن. درها رو به روت بستن و تو تنها شدی. تنهایی باتلاقه...» عوامل فیلم دارکوب این نوشته را به عنوان خلاصه فیلم ارائه کرده‌اند، دارکوب فیلمی به کارگردانی و نویسندگی بهروز شعبی و به تهیه‌کنندگی سید محمود رضوی داستان اجتماعی روابط انسانی افراد جامعه را در رودرویی با معضلات اجتماعی و اعتیاد روایت می‌کند. بهروز شعبی با سومین ساخته سینمایی‌اش این بار به معضل اجتماعی اعتیاد پرداخته است. پیش از او، رخشان بنی اعتماد با فیلم «خون بازی» توانسته بود بخشی از زندگی یک دختر جوان معتاد به مواد مخدر را به تصویر بکشد که با تحسین تماشاگران و منتقدان سینمایی همراه بود. اما شعبی در روایت «دارکوب» داستان زن معتادی را روایت می‌کند که گمان می‌رود مادر است و قصد دارد به هر طریق ممکن فرزندش که از او جدا افتاده را به دست بیاورد. مهسا (با بازی سارا بهرامی) همسر سابق روزبه (با بازی امین حیایی) برای اخاذی و خرج اعتیاد به محل کار او می‌رود و در برخورد با خانواده جدید او در مرگ فرزند از دست رفته‌اش تردید می‌کند. مهسا از همه چیز برای اثبات حق مادری داشته یا نداشته‌اش استفاده می‌کند.

آخرین تجربه بهروز شعبی در سینما نشان می‌دهد او از جمله کارگردان‌هایی است که علاقه دارد در عرصه‌ها و گونه‌های مختلف سینمایی طبع آزمایی کند و به تجربیات گذشته خود بیفزاید و پس از سیانور که فیلمی به نسبت تاریخی-سیاسی بود، این بار محور اجتماع و معضلات آن را برای روایت داستان خود برمی‌گزیند. او با این فیلم نشان داد که در حال پیشرفت قابل قبول در زمینه کارگردانی است، مثلاً با تیتراژ منقطع نخست که برای کار انتخاب کرده و آن را با درونمایه داستان و حوادث قصه به خوبی درهم آمیخته است. بازی‌های قابل پذیرش از سوی بازیگران مخصوصاً «سارا بهرامی» که توانسته است نقش زنی معتاد را به طور پذیرفتنی اجرا کند از نقاط برجسته فیلم دارکوب هستند. در «دارکوب» می‌توان تمام معضلات مربوط به اعتیاد و مسائل پیرامونش را مشاهده کرد.

از حقارت فرد معتاد گرفته تا طرد و تنهایی او که در موقعیت‌های مختلف به تصویر کشیده شده‌اند. شعبی اصرار دارد اثرش در زمینه‌های مختلف شباهتی به بیانیه‌های تصویری مشابهش که تا سال‌ها گریبانگیر سینمای ایران بوده است نداشته باشد و تلاش کرده در بخش‌های مختلف این فاصله‌گذاری را به رخ بیننده بکشد. ارائه تصویر خاکستری از جامعه و باقی گذاشتن روزنه امید و اختیار فردی در برابر سیاه‌نمایی از نشانه‌هایی است که برای نیل به مقصود از آن بهره برده است.



سارا بهرامی (بازیگر): اعتیاد مقوله‌ای کاملاً متفاوت است. من شبی را در اتوبان آزادگان تجربه کردم و باساقی‌ها وارد مکانی شدیم که آدم‌های مصرف‌کننده حضور داشتند و یکی از بدترین تصویرهای زندگی‌ام را دیدم و آدم‌ها و به ویژه دختران خیلی جوان در سرما در حال مصرف بودند و به من به عنوان کسی که پاک شده است، نگاه می‌کردند. کمپ ز یادرفتم و فیلم زیاد دیدم اما در بین این افراد قرار گرفتن، متفاوت بود. چیزی نزدیک به ۸ ماه از زندگی‌ام را در کنار اینها بودم و هنوز هم گاهی کابوس می‌بینم و از خواب می‌پریم و این نقش همچنان با من است. برای بازی در فیلم دارکوب روزگار بسیار سختی را پشت سر گذاشتم، زیرا آنچه بیرونی است یک کاراکتر است اما من برای این نقش از درون خرد شدم و شکستم. هنوز هم نتوانسته‌ام با آن نقش کنار بیایم. روزهای سختی بود اما خوشحالم که این نقش را تجربه کردم. با بهروز شعبی قرار گذاشتیم که به هیچ عنوان سمت فیلم و بازیگری که این نقش را بازی کرده‌ام نروم و مصرف‌کنندگان زیادی را دیدم و این قرار را گذاشتم که خودم نقش را پیدا کنم.

مهناز افشار (بازیگر): این فیلم دغدغه شخصی من بود؛ به دلیل فعالیت‌های اجتماعی که در این سال‌ها داشته‌ام به خصوص در حوزه بچه‌ها. من می‌خواستم نماینده اقلیتی باشم که نماینده بخشش و شرافت هستند و نیلوفر نمونه‌ای از این افراد است. ما نباید معتادان را طرد کنیم بلکه باید آنها را درک کنیم. پایان «دارکوب» به نوعی یک شروع است.



واقعیت این است که قاعدتاً در ناخودآگاهم بسیار امیدوارم به حل معضلات اجتماعی پیرامونم. هنوز امیدوارم به تلاش مسئولان برای رفع مشکلات اعتیاد، نگاه انسانی به هم داشتن و... بسیاری امیدهای دیگر که نمی‌دانم به عمر ما قد دهد یا خیر. آنچه مهم است اینکه ما نسبت به شهرمان و اتفاقاتی که زیر پوست این شهر در جریان است، مسئول هستیم. مساله اعتیاد موضوع بسیار مهمی است که رسانه‌ها به دلیل اینکه به سیاه‌نمایی متهم نشوند، به آنها نمی‌پردازند.

موضوع این فیلم عاشقانه دغدغه مهم فعالان اجتماعی است که پس از مدت‌ها تحقیق بالاخره ساخته شد... با یک گروه خوب، ممنونم از دوست و برادر خوبم سید محمود رضوی که پای دارکوب ایستاد تا بتوانیم حرف خیلی از مردم را از طریق این فیلم مطرح کنیم، حرف‌هایی که در این جنجال‌های سیاسی و اجتماعی شنیده نمی‌شود.

در سینمای امروز پرداخت جای ایده‌پردازی را می‌گیرد چرا که داستانی وجود ندارد که ساخته نشده باشد. ما هم با همین نگاه کار می‌کردیم و همه گروه آگاه بودیم که این چالش که آیا کسی که بچه را متولد می‌کند مادر است یا کسی که او را بزرگ می‌کند، قبلاً کار شده است، ولی می‌خواستیم نگاه متفاوتی به این ماجرا داشته باشیم.

بهروز شعبی



تاکید بر اخلاق

حسین راغفر در نشست نسبت اسلام و توسعه



و... به عنوان سوسیالیست تلقی می‌شوند، اما آیا واقعا نگاه اسلام به جامعه یک نگاه جمعی است و حقوق جمعی به عنوان سوسیالیسم تلقی می‌شود؟ مرحوم مطهری معتقد است نظام اقتصادی اسلامی یک سوسیالیسم اخلاقی است. تحولاتی که در دنیای امروز رخ داده و تحول بازار در دنیا کاستی اساسی اندیشمندان اسلامی عصر معاصر است. اگر افرادی مثل شهید مطهری و بهشتی امروز زنده بودند نوع نگاه‌شان نسبت به عدالت اجتماعی متحول می‌شد و می‌توانستند در پاسخ به مسائل روز ما که به دلیل فقدان عدالت اجتماعی با مشکلات جدی روبه‌رو هستیم، نقش اساسی ایفا کنند.»

حسین راغفر در ادامه به مقوله بازار پرداخت: «فهمی که از بازار در اقتصاد پس از جنگ به وجود آمد منجر به سلطه اندیشه بازار و سپردن همه پدیده‌های اقتصادی به بازار شد که نام آن نئولیبرالیسم است. این یک پروژه جهانی و پدیده‌ای برای کنترل جهان است که به عنوان تعدیل ساختاری مطرح شد. آنچه امروز در جامعه ما رخ داده محصول فرسایش اخلاق در جامعه و ناشی از همین سیاست‌های اقتصادی است. اگر اندیشمندان ما فرصت داشتند در مورد کارکردهای بازار ببینید، وضعیت امروز ما چنین نبود. سیاست‌های تعدیل ساختاری، فردگرایی منحط را در جامعه ترویج کرده و جامعه را مبتنی بر بازار تعریف می‌کند و همه چیز را به دست عرضه و تقاضا می‌سپارد. بازار رنگ و بوی بی‌عدالتی می‌دهد چون بی‌اخلاق است. اخلاق اولین قربانی این نظام است. یک جامعه عادلانه به اصل برابری و اصل اجتماع نیاز دارد. سازوکار بازار مبتنی بر اصل برابری است اما یک اصل بزرگتر به عنوان عمل اجتماعی متقابل داریم و این است که ضدیازار و کارکردهای نابرابرکننده آن عمل می‌کند. بسیاری از جوامع غربی امروزی، اسلامی‌تر از ما عمل می‌کنند و در برابر بحران‌های جهانی استقامت بیشتری دارند. آنچه زایل‌کننده اخلاق و سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم به هم و به حاکمان است به خاطر نابرابری‌های ناموجهی است که در جامعه ما حاکم بوده و محصول نظام تصمیم‌گیری یعنی دولت و مجلس است. این دو بیشتر حافظ منابع صاحبان سرمایه هستند.»

نظر داشتند چرا که فرصت پرداختن به آنها را پیدا نکردند. همه اندیشمندان توسعه می‌گویند توسعه در جایی رخ می‌دهد که آب وجود داشته باشد در صورتی که تجربیات گذشته این مساله را رد می‌کند و عوامل دیگری موثر بوده است.»

راغفر در ادامه از تفاوت‌های اندیشمندان اسلامی و غربی گفت: «انطباقی بین اندیشمندان اسلامی و غربی وجود ندارد. اندیشمندان اسلامی بر اخلاق تاکید دارند که این تفاوت اصلی جدی آنها با اندیشمندان غربی است. مرحوم بهشتی و مطهری

نشست «نسبت اسلام و توسعه از منظر پنج متفکر اسلامی» در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. در این نشست حسین راغفر با اشاره به اینکه این پنج متفکر اسلامی یعنی امام موسی صدر، شهید صدر، شهید بهشتی، شهید مطهری و مرحوم موسوی اردبیلی، بر عدالت اجتماعی تاکید داشتند، گفت: «بعد از گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی نتوانستیم هیچ دانشمند دیگری تربیت کنیم. اندیشمندان اسلامی ما به مسائل گروه‌های رقیب پرداخته‌اند و کمتر به واقعیت‌های جامعه خود

جامعیت توسعه در اسلام

غلامرضا مصباحی مقدم در نشست نسبت اسلام و توسعه

صدر می‌گوید آنچه در کتابش تحت عنوان اقتصاد اسلامی مطرح می‌کند علم نیست. ما می‌توانیم با الهام از اقتصاد اسلامی تحولی در علم به وجود بیاوریم. او راهکاری ارائه می‌کند که دانشمندان به اقتصاد از منظر اسلامی نگاه کنند.

شهید صدر می‌گوید علم در کشورهای سرمایه‌داری بر بستر مکتب شکل گرفته ولی اگر بستر جامعه اسلامی شکل بگیرد ما از آن بستر می‌توانیم به اقتصاد اسلامی دست یابیم. رفتارهای انسانی است که موضوع متفکر اقتصادی است. رفتارهای جامعه اسلامی وقتی بر مبنای اسلام شکل گرفت می‌تواند موضوع دانشمند باشد و مورد بررسی دانشمند اسلامی قرار بگیرد.

شهید صدر می‌گفت فرض کنیم جامعه اسلامی تشخیص پیدا کرده و بر اساس این فرض ببینیم اقتصاد چگونه محقق می‌شود. شهید صدر راه علم اقتصاد را نشان می‌دهد. علم اقتصاد می‌تواند در بستری شکل بگیرد که آن بستر جامعه اسلامی است. این مساله به این معنی نیست که ما علم اقتصاد کاملاً متفاوتی خواهیم داشت، بلکه ما از ابزارها استفاده خواهیم کرد.»

غرب می‌گفتند در مراحل اولیه دستیابی به توسعه باید عدالت را کنار بگذاریم. اما آنچه ما معتقدیم ترکیب توسعه و عدالت است. ما از عدالت بسیار فاصله گرفته‌ایم و متأسفانه اشرافیت غلبه کرده است. نکته بعد توسعه و معنویت است. توسعه غربی، توسعه فاقد معنویت است. معنویت مراد ما غیر از معنویت آنهاست، لذا ترکیب توسعه با معنویت و اخلاق ضرورت دارد. نکته بعدی توسعه فراگیر است نه توسعه فقرگرا. امکانات کشور ما برای دستیابی به توسعه یا همان پیشرفت بسیار زیاد است. ایران ظرفیت این را دارد که ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت را غذا بدهد. ما در کشور ائتلاف انرژی بسیاری داریم در صورتی که ما می‌توانیم از انرژی به توسعه برسیم.»

مصباحی مقدم در پاسخ به این سوال که چه زمانی باید از دوگانه مکتب و علم خارج شویم؟ گفت: «شهید

در پیل دوم نشست نسبت اسلام و توسعه از منظر پنج متفکر اسلامی می‌گردد با حضور حجت الاسلام مصباحی مقدم، علیرضا بهشتی و یدالله دادگر بود که غلامرضا مصباحی مقدم در این میزگرد با بیان اینکه توسعه به مفهوم اسلامی یک پدیده ذواباد است، گفت: «توسعه هم بعد مادی، هم معنوی و هم اخلاقی و عاطفی ... دارد. از این جهت اگر بخواهیم نسبت اسلام و توسعه را بدانیم باید توجه کرد آنچه از متون اسلامی برمی‌آید یک جامعیت در توسعه است. در جامعیت توسعه در اسلام مساله رابطه توسعه با علم مهم است. دست یافتن به توسعه بدون اتکا به علم بی‌معناست. ما چهارهزار روایت در مورد ارزش علم و عالم و ... داریم و ضرورت دانش‌بنیان کردن جامعه و اقتصاد وجود دارد. او در ادامه به رابطه توسعه و عدالت پرداخت: «در

جامعه‌شناسی تاریخی

مفاهیم، نظریه‌ها، نقد و بررسی

اندیشه



مهم‌ترین نظریه‌پردازان غربی عرصه جامعه‌شناسی تاریخی اختصاص یافته است و سرانجام در بخش پایانی به بحث و بررسی اندیشه‌های پاره‌ای از اندیشمندان مسلمان در خصوص استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناسی در مطالعات تاریخی و گرایش آنان به جامعه‌شناسی تاریخی اختصاص یافته است.

بین مورخان و محققان جدید مطالعات تاریخی در خصوص بازسازی و بازنگری اطلاعات تاریخی را روشن سازد و در صورت امکان راه حلی ارائه دهد. بخش دوم به تعریف موضوع، روش و هدف جامعه‌شناسی تاریخی و ارائه یک راه حل و بیان یک تقسیم کار علمی بین محققان تاریخ اجتماعی و جامعه‌شناسی تاریخی مورد توجه قرار می‌گیرد. فصل دوم این بخش، در باب همگرایی‌ها و واگرایی‌های تاریخ اجتماعی و جامعه‌شناسی تاریخی بحث می‌کند و سرانجام در فصل سوم نقطه اشتراک تاریخ اجتماعی و جامعه‌شناسی تاریخی، یعنی نظریه‌های جامعه‌شناسی مورد استفاده در مطالعات تاریخی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

بخش سوم به تعریف نظریه اجتماعی، کاربرد آن در مطالعات تاریخی و مهم‌ترین نظریه‌های اجتماعی که بیشترین کاربرد را در مطالعات تاریخی دارند، پرداخته است. بخش چهارم نیز به نقد و بررسی آرا و اندیشه‌های

کتاب جامعه‌شناسی تاریخی (مفاهیم، نظریه‌ها، نقد و بررسی) تألیف «مجید کافی» از سوی انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر شده است. مطالعات تاریخی بدون توجه به نظریه‌های «علوم اجتماعی» و جامعه‌شناسی بدون توجه به «اطلاعات تاریخی» ره به جایی نمی‌برند اما بهره‌گیری تاریخ و جامعه‌شناسی از یکدیگر نباید سبب عدم تمایز تاریخ اجتماعی و جامعه‌شناسی تاریخی به لحاظ موضوع، روش و هدف این دو مطالعه شود. واگرایی تاریخ اجتماعی از جامعه‌شناسی تاریخی، شناخت واگرایی‌های جامعه‌شناسی تاریخی از فلسفه نظری تاریخ انگیزه‌ای برای تدوین این اثر بوده است.

کتاب جامعه‌شناسی تاریخی در پنج بخش تنظیم شده است. بخش اول این جستار بر آن است تا ضمن بیان موضوع، روش و هدف تاریخ سنتی و تفاوت آن با تاریخ اجتماعی؛ نقدهای جامعه‌شناسی بر تاریخ سنتی، اختلاف

مقاومت

رمان

مربع‌های قرمز
خاطرات حاج حسین یکتا

کتاب مربع‌های قرمز؛ روایت خاطرات راوی روزهای جنگ، حاج حسین یکتا توسط نشر شهید کاظمی منتشر شد. این کتاب روایتی است از بازگوشی‌های کودکان سربازان امام‌خمينی تا روزهای امدادگری و شناسایی و چشیدن طعم تلخ قطعنامه. «مربع‌های قرمز» پر است از خاطرات ترش و شیرین و گاهی تلخ نوجوانانی که در مکتب امام‌خمينی یک‌شبه مرد شدند. از آنها میان غرش تانک و صغیر گلوله قد کشیدند. آنها که این روزها ردپای غبار میان‌سال‌ها بر موهایشان نشسته و هنوز در گوشه‌ای و سنگری تمام قامت کنار انقلاب ایستاده‌اند و آنها که پایشان به آسمان باز شده و به لقاء الله رسیدند. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «ستون گردان بی‌سروصد از کنار مسجد گذشت. آسمان خودش را به گنبد رسانده بود، ستاره‌ها مثل پولک، راه خاکی تنش را در دل تاریکی از کنار مسجد تاب داده بود، ماهم دنبالش. هر چه جلوتر می‌رفتیم، دلم بیشتر می‌لرزید. انگار بعد از مسجد دنیا تمام شده بود. ما بودیم و خدا. زیر دید و تیر مستقیم عراق گردن کشیده بودیم و راه می‌رفتیم. از هیچ کس صدایی شنیده نمی‌شد. بی‌سیم‌های حنجره‌ای روی گلوئی فرمانده گردان گروهان‌ها بسته شده بود تا با ارتعاش تارهای صوتی‌شان با هم ارتباط برقرار کنند. بوی پهشت می‌آمد. اشک روی صورتم راه باز کرده بود. فرشته‌ها کنار جاده خاکی ایستاده بودند.

ژاک قضا و قدری و اربابش
چاپ ششم یک رمان کلاسیک

رمان «ژاک قضا و قدری و اربابش» نوشته دنی دیدرو به تازگی با ترجمه مینو مشیری توسط نشر نو به چاپ ششم رسیده است. داستان این رمان درباره شخصیتی به نام ژاک است که نوکر یک ارباب است و نام ارباب هم هیچ‌وقت در رمان ذکر نمی‌شود. این کتاب در قرن هجدهم نوشته شد و پس از مرگ نویسنده‌اش در سال ۱۷۹۶ به چاپ رسید. ژاک و ارباب در ابتدای داستان راهی مقصدی نامعلوم هستند. در طول سفر برای رفع خستگی و عدم یکنواخت شدن وضعیت، ارباب از ژاک می‌خواهد تا از داستان‌های عشقی گذشته‌اش سخن بگوید.

این رمان را کنار رمان‌هایی چون «دن کیشوت»، «تام جونز» و «اولیس» جا داده‌اند. دیدرو در این نوشتار چندلایه، هشیارانه با زبان طنز به تقلید معیارها و شگردهای رایج آثار تخیلی پرداخته تا آنها را به تمسخر بگیرد و نفی کند.

سنت گریزی، ساختار پیچیده، بی‌نظمی استادانه، آوردن داستان در داستان، تناقض‌های گستاخانه، آمیزه طنز و تخیل برای مبارزه با جهل و خرافات و عدم تساهل در ژاک قضا و قدری، نمونه‌هایی از عناصر داستان‌نویسی مدرن هستند. میلان کوندرا یکی از نویسندگانی است که «ژاک قضا و قدری» را رمانی مسحورکننده می‌داند.



اسپانیا

مارکا

روزنامه صبح نو، روزنامه‌ای که دوست دارد فارغ از جنجال‌ها روزنامه‌ای شریف باشد، به شماره ۵۰۰ خود رسید. ضمن تبریک به همکاران در این رسانه امیدواریم که آن‌ها بتوانند در این آشفته بازار اقتصادی کار رسانه همچنان سرپا بوده و همچنان به مسیر خود ادامه دهند. روزنامه صبح نو بیشتر نگاهی فرهنگی و اجتماعی به مسائل دارد.

ایران

تجارت فردا

هفته‌نامه تجارت فردا طرح جلد جالبی دارد. تصاویری از بابک زنجانی به صورت هم‌شکل و با پیچ اسباب‌بازی‌های کوچکی در پشتش که روی جلد قرار گرفته. تیتر اصلی «خط تولید بابک زنجانی» و روتیتشر «تحریم چگونه فساد می‌آفریند؟» است.

آمریکا

تایم

با استعفای آنتونی کندی، قاضی دادگاه عالی آمریکا راه برای کنترل هرچه بیشتر این سنگر مهم برای دونالد ترامپ باز شد. این موضوع به ترامپ کمک می‌کند ترکیب دادگاه عالی را به نفع خود تغییر دهد و یک جمهوری خواه را در ترکیب ۸ نفره این دادگاه که شامل ۴ دموکرات و ۴ جمهوری خواه است اضافه کند.



ایران

صبح نو

روزنامه صبح نو، روزنامه‌ای که دوست دارد فارغ از جنجال‌ها روزنامه‌ای شریف باشد، به شماره ۵۰۰ خود رسید. ضمن تبریک به همکاران در این رسانه امیدواریم که آن‌ها بتوانند در این آشفته بازار اقتصادی کار رسانه همچنان سرپا بوده و همچنان به مسیر خود ادامه دهند. روزنامه صبح نو بیشتر نگاهی فرهنگی و اجتماعی به مسائل دارد.



آلمان

اشپیگل

هفته‌نامه اشپیگل در شماره آخر، یک جلد زیبا را طراحی کرده است. در این جلد که حتی از نظر فرم هم یک ایده بدیع دارد و لوگورا به پایان صفحه برده است، با اشاره به این نکته که این روزها کشور آلمان در سیاست، تجارت و فوتبال روزهای خوش ندارد، تیتر زده: زمانی یک کشور قوی وجود داشت.





هراه اول

www.mci.ir

بزرگ ترین مسابقه سیمولتانه شطرنج با حمایت همراه اول برگزار شد

این مسابقه که با حرکت نمادین آنا تولی کارپوف استاد بزرگ شطرنج و احسان قائم مقامی رکورددار تاریخ سیمولتانه جهان آغاز شد، ۹ ساعت طول کشید. سیمولتانه یا نمایش همزمان، یک نوع بازی شطرنج است که در آن یک بازیکن رتبه بالا، مانند یک استاد بزرگ همزمان چندین بازی با چند بازیکن دیگر انجام می دهد. سیمولتانه تبریز بزرگترین مسابقه شطرنج کشور است که با حمایت همراه اول برگزار شد.

روسی شطرنج، استاد بزرگ «احسان قائم مقامی»، «کنستانتین شاونان» از گرجستان، «اولدی باراجانی» از آذربایجان، اصغر گلی زاده، سارا خادم الشریعه، مرتضی محبوب، مسعود مصدق پور، امیررضا پوررمضانعلی، نیما حسین زاده، آرین غلامی، احمد عسکری زاده، خلیل موسوی، امید نوروزی، امیررضا پور آقابالا و پوریادرینی در پارک بزرگ «ایل گلی» تبریز برگزار شد.

بزرگترین مسابقه سیمولتانه شطرنج با شرکت ۲۰۱۸ شطرنج باز و حضور ۱۵ استاد بزرگ شطرنج ایران و جهان، ۱۱ تیرماه، با حمایت همراه اول در تبریز برگزار شد.

به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، مسابقه بزرگ سیمولتانه شطرنج با شرکت ۲۰۱۸ شطرنج باز و با حضور اساتید بزرگ شطرنج جهان از جمله «آنا تولی کارپوف» اسطوره



همراه اولی‌ها



دریافت هفته نامه مثلث

با ارسال عدد ۴۷۸

به شماره دریافت اپلیکیشن «

۳۰۷۰۷۵۷

